



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهبر فاطمین

تیمین راهبردی جنگ نرم در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)

اندیشکده راهبردی امنیت نرم

www.amniatenarm.ir

معارضه با نظام، یک سابقه سی ساله در این انقلاب دارد؛ چیزی جدیدی نیست. اشکال معارضه، کوناگون بوده است؛ اما همیشه بوده است؛ نهایتاً یک نکته وجود دارد و او این است که هرچه مادر نظام جمهوری اسلامی، توانستیم ریشه خودمان را عمیق تر کنیم و بیشتر برویم و کارهایمان را پیچیده تر کنیم، توطئه دشمن هم پیچیده تر شده است. این را باید توجه داشت. خبرهایی که از مراکز حساس سیاسی و امنیتی دنیا به دست ما می رسد، نشان می دهد که دستگاه های عظیم و گسترده ای، با بودجه های کلانی، به طور دائم، متوجه نظام جمهوری اسلامی، هستند و دارند کار می کنند؛ هر روز طرحی را به میدان می آورند و هر روز عرصه جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی می آریند. به هر حال، امروز توطئه دشمن، توطئه پیچیده ای است. ما باید جوانب این توطئه را به روشنی بشناسیم و بشناسیم. امروز جنگ نظامی با ما، خیلی محتمل نیست؛ لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی، اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ اگر احتیاط بیشتر می نخواهد، کمترینی خواهد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی)

یادآوری چند نکته

فصل اول: تبیین تهاجم فرهنگی و جنگ نرم ۱

۱- مفهوم، ابعاد و ریشه‌های تهاجم فرهنگی و جنگ نرم..... ۱

۲- انکار تهاجم فرهنگی و جنگ نرم..... ۳

۳- تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل و تعامل فرهنگی..... ۴

فصل دوم: اهداف و کانون‌های اصلی تهاجم فرهنگی و جنگ نرم..... ۷

۱- تهاجم به اسلام، تشیع، پیامبر اسلام (ص) و بیداری اسلامی..... ۷

۲- تهاجم به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی..... ۱۳

۳- تهاجم به ولایت فقیه و حکومت دینی..... ۱۶

۴- تهاجم به جوانان..... ۱۹

۵- تهاجم به دانشگاه..... ۲۰

۶- تهاجم به روحانیت اصیل..... ۲۲

۷- مقابله با پیشرفت کشور..... ۲۴

۸- تهاجم به زنان مسلمان..... ۲۷

۹- تهاجم به فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت..... ۲۸

فصل سوم: سیاست‌ها و راهبردهای تهاجم فرهنگی و جنگ نرم..... ۲۹

۱- ترویج فساد و فحشا..... ۲۹

۲- ایجاد اختلاف و تفرقه..... ۳۳

۳- تلاش برای استحاله انقلاب..... ۳۶

۴- نفوذ در جبهه ی انقلاب..... ۳۷

۵- ایجاد یأس، ناامیدی و تردید..... ۳۸

۶- سوء استفاده از غفلت خودی ها..... ۴۰

۷- جهانی سازی..... ۴۱

۸- تز جدایی دین از سیاست..... ۴۳

۹- فعالیتهای تبشیری..... ۴۳



فصل چهارم: شیوه‌ها و ابزارهای تهاجم فرهنگی ۴۵

- ۱- استفاده از هنر، شعر، ادبیات و مطبوعات ۴۵
- ۲- بهره‌برداری از جریان روشنفکری بیمار ۴۸
- ۳- رسانه و ابزارهای تبلیغاتی ۵۰
- ۴- علم و فناوری ۵۵

فصل پنجم: اصول و الزامات و راهبردهای مقابله با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم ۵۷

- ۱- ضرورت مقابله جدی با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم ۵۷
- ۲- برتری جبهه انقلاب در برابر جبهه استکبار ۵۸
- ۳- تمسک به اسلام و فرهنگ دینی ۵۹
- ۴- تکیه بر اراده الهی و حقانیت انقلاب اسلامی ۶۲
- ۵- تکیه بر ظرفیت‌های معنوی اسلام ۶۳
- ۱-۵- مسجد و نماز ۶۳
- ۲-۵- تکیه بر ظرفیت‌های معنوی حج ۶۶
- ۳-۵- تمسک به قرآن کریم ۶۷
- ۴-۵- تمسک به ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام) ۶۹
- ۵-۵- تمسک به فرهنگ عاشورا ۷۰
- ۶- تکیه بر فرهنگ بسیجی و جهاد، ایثار و شهادت ۷۳
- ۷- تکیه بر فرهنگ مهدویت و انتظار ۷۵
- ۸- تکیه بر قدرت ایمان و معنویت ۷۶
- ۹- پایبندی به اصول، ارزشها و آرمانهای انقلاب و راه امام (ره) ۷۸
- ۱۰- تکیه بر هویت ملی و انقلابی، اعتماد به نفس و خودباوری ۸۳
- ۱۱- تحول و خودسازی فرهنگی و معنوی ۸۶
- ۱۲- تکیه بر ظرفیت‌های معنوی مردم مومن و انقلابی ۸۸
- ۱۳- تقویت وحدت و انسجام ملی ۹۰
- ۱۴- تقویت وحدت و انسجام امت اسلامی ۹۲
- ۱۵- توجه به انجام فعالیت‌های فرهنگی عمیق و اثرگذار ۹۵
- ۱۶- رفع نقاط ضعف درونی و آسیبهای فرهنگی ۹۸
- ۱۷- اصلاح و ارتقاء فرهنگ عمومی ۱۰۰
- ۱۸- اقامه و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با مفساد ۱۰۲
- ۱۹- توجه به بصیرت، هوشیاری و استقامت ۱۰۵
- ۲۰- پیشرفت در علم و فناوری ۱۰۷
- ۲۱- تقویت امید به آینده در میان مردم و مسئولان ۱۱۱



رهیافتِ راهبر

- ۲۲- پیگیری گفتمان پیشرفت و عدالت..... ۱۱۱
- ۲۳- صدور فرهنگ انقلاب و الگوسازی برای سایر ملتها..... ۱۱۴

فصل ششم: تقسیم کار ملی در مقابله با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، نقش و وظایف مسئولان و

- ۱۱۷- اقشار مردم..... ۱۱۷
- ۱- دولت اسلامی..... ۱۱۷
- ۲- شورای عالی انقلاب فرهنگی..... ۱۱۸
- ۳- روحانیت و مبلغان دینی..... ۱۲۰
- ۴- دانشگاهیان (استادان، مدیران و روحانیان)..... ۱۲۹
- ۵- دانشجویان و تشکلهای دانشجویی..... ۱۳۵
- ۶- آموزش و پرورش و معلمان..... ۱۴۵
- ۷- فعالان عرصه فرهنگ، ادب و هنر..... ۱۴۷
- ۸- جوانان..... ۱۵۳
- ۹- بسیجیان..... ۱۶۲
- ۱۰- زنان مسلمان..... ۱۶۴
- ۱۱- رسانه ملی..... ۱۷۳
- ۱۲- سایر رسانه ها..... ۱۸۲

انديشه راهبردی امنیت نرم
جمهوری اسلامی ایران

یادآوری چند نکته

- < در مجموعه حاضر، تمام تلاش بر این بوده که کلیه نکات و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اعم از آنچه که در سخنرانی‌ها، بیانات و دیدارهای ایشان آمده و نیز آنچه که در مکتوبات مانند پیام‌ها، سیاست‌های کلی و ... مطرح شده و به نوعی به موضوع "تهاجم فرهنگی و جنگ نرم" مرتبط است، دیده و گردآوری شود و حتی‌الامکان نکته یا مطلبی حذف نگردد.
- < منبع اصلی این مجموعه، پایگاه اطلاع رسانی رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) www.khamenei.ir بوده است منتهی با توجه به اهمیت دیدارهای شورای عالی انقلاب فرهنگی با معظم له و نکات مهم و اساسی که در این دیدارها مطرح شده، استثنائاً از برخی از این دیدارها که در پایگاه اطلاع رسانی نیامده نیز استفاده شده است.
- < در مجموعه حاضر با توجه به اینکه هدف اصلی، بیان محورها و نکات اساسی و راهبردی بوده است، لذا عین عبارات معظم له نیامده هر چند سعی شد که عبارات، حتی‌الامکان به ادبیات معظم له نزدیک باشد. به هر حال روح و مضمون مورد نظر ایشان دقیقاً و کاملاً حفظ شده است.

e-mail: jangenarm@yahoo.com

فصل اول

تبیین تهاجم فرهنگی و جنگ نرم

۱- مفهوم، ابعاد و ریشه‌های تهاجم فرهنگی و جنگ نرم

- < فرهنگ ستون فقرات حیات یک ملت و هویت یک ملت است.
- < فرهنگ مانند هواست لذا استنشاق هوای سالم موجب تحرک و تزریق هوای مسموم موجب کندی و توقف در حرکت می شود.
- < تهاجم فرهنگی به معنای عدم افزوده شدن به فرهنگ نیست، بلکه به معنای تحمیل فرهنگی و تزریق بدون گزینش صحیح است.
- < جنگ نرم عبارتست از: ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم به وسیله ی ابزارهای فرهنگی، نفوذ، دروغ و شایعه پراکنی؛
- < کشورهای غربی بر اساس علمی که بدست آورده اند، فرهنگ خود را با فرمول و برنامه به ملتها تزریق و تحمیل می کنند. و در این راه تجربه پیدا کرده اند و می دانند که این کار را چگونه باید انجام دهند و کجاها را باید هدف بگیرند.
- < یک مجموعه‌ی فرهنگی در دنیا می‌خواهد همه‌ی باورها، چارچوبهای مورد پسند و فرآورده‌های دست دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده خود را از راه تبلیغاتی به عنوان فکر نو به ملت‌ها تزریق کند.
- < دشمنی مستکبران نسبت به افرادی که با گسترش فرهنگ استکبار مخالفت می کنند به مراتب بیشتر از کسانی است که تصمیم های سیاسی آنان را نقض می کنند؛ چون تأثیر فرهنگ، عمیق تر و تعیین کننده تر است.
- < گسترش اسلام و مفاهیم اسلامی در هر نقطه ی جهان به معنای جمع شدن بساط استکبار و ایادی آن است.



- < در جنگ روانی (جنگ نرم)، دشمن به دنبال انهدام سنگرهای معنوی است.
- < هدف از تهاجم فرهنگی دشمن، بی اعتقاد کردن نسل نو به دین و اصول انقلابی می باشد.
- < سیاست دشمن در تهاجم فرهنگی، آندلسی کردن کشورهای اسلامی است.
- < سیطره و اشغال منابع حیاتی و مالی در سراسر دنیا توسط یک طبقه اجتماعی (یا زرسالاران اقتدار طلب) از طریق حضور در بدنه دولتها و هدایت سیاسی، علمی، اداری و فرهنگی آنها به صورت دانسته و نادانسته؛
- < در نظام سلطه، مراکز سلطه‌ی جهانی به همه‌ی دنیا به چشم طعمه نگاه می‌کنند.
- < دشمنان، انقلاب ما را به انحصارطلبی متهم می‌کنند، برای این‌که انقلاب از سر راه انحصارطلبی آنها برخیزد؛ دنیا را به عنوان دهکده‌ی جهانی معرفی می‌کنند، برای این‌که کدخدایی این دهکده را در اختیار بگیرند؛ شعار وحدت فرهنگی و جهانی‌گری فرهنگی می‌دهند، برای این‌که فرهنگ خودشان را بر تمام فرهنگهای عالم مسلط کنند.
- < نگاه غرب به دنیا: متعرض، متجاوز و نگرنده‌ی به گستره‌ی عظیم جهانی با عنوان یک انبار مواد رشد و تعالی زیستی؛
- < یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی مثل سیلی راه افتاده تا با ما بجنگد. جنگ هم جنگ نظامی نیست. بسیج عمومی هم در آن‌جا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم به‌گونه‌ی است که تا به خود بیاییم، گرفتار شده‌ایم. نامحسوس و بدون سروصدا عمل می‌کند.
- < بدون تردید، مهم‌ترین چالش بیرونی تحمیلی ما از ناحیه آمریکا است.
- < اصرار غرب بر تحمیل فرهنگ خود و لزوم ایستادگی مسلمانان در مقابل هوچی بازی و تبلیغات آنها؛
- < هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند؛ از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه ناامید سازد.
- < عامل تهاجم مؤثر قدرتهای غربی، پیشرفت علم و تکنولوژی و بهره‌مندی از برخی خصال ملی و بومی است.
- < سلطه‌ی واقعی قدرتها، سلطه‌ی فرهنگی است.
- < تسلط فرهنگی از تسلط اقتصادی و سیاسی خطرناک‌تر است.
- < دشمنان می‌دانند که جنگ نظامی علاج کار ایران نیست؛ چون مردم را متحدتر می‌کند لذا برای این‌که در انقلاب و نظام اسلامی، جبهه عظیم مردمی را دچار انفعال کنند، ضعیف شدن انگیزه و غیرت، ضعیف شدن ایمان و ضعیف شدن همبستگی و شجاعت را تزریق



رهیافتِ راهبر

می کنند.

- < حرکت فرهنگی در دوران پهلوی مانند کشف حجاب، تغییر لباس و ... بسیار منطبق با اهداف انگلیسی ها در ایران بود.
- < گذشته ای که مردم با وفاتر و مهربانتر بودند، برای قبل از روی کار آمدن فرهنگ اروپایی و غربی تحمیلی بوسیله رژیم طاغوت است.
- < لزوم توجه به دشمنانی که از مرزهای فرهنگی به قصد بوجود آوردن منافذی در مرزهای عقیدتی ما وارد می شوند، این هوشیاری شما راه را به سوی سعادت این ملت باز خواهد کرد.
- < مثل جنگ نظامی، چشمها را باید باز کرد و صحنه را شناخت. در جنگ فرهنگی هم اگر ندانید که دشمن چه کار می کند، یا از فرماندهی فرهنگی دستور نگیرید، یا او از نیروی شما استفاده نکند و مانور و سازماندهی را درست انجام ندهد، پشت سرش شکست است.
- < آگاه باشید؛ مهره های دشمن در حوزه های فرهنگی نفوذ کرده اند به دولت و نظام انتقاد می کنند و روی گذشته نظام علامت سؤال می گذارند، این کار بسیار خطرناکی است.
- < نبرد فرهنگی را با مقابله به مثل می شود پاسخ داد. کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی شود جواب داد. تفنگ او، قلم است. این را می گوئیم، تا مسؤولان فرهنگ کشور و فرهنگیان عزیز احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شماست و بدانید که چگونه دفاع خواهید کرد.

۲- انکار تهاجم فرهنگی و جنگ نرم

- < متأسفانه عده ای امروز حساسیت پیدا کرده اند؛ که چرا می گوئید دشمن! خود دشمن می گوید که من برای ایجاد اختلال در ایران بودجه می گذارم؛ برای تشنج افکار در ایران رادیو درست می کنم؛ می خواهم مردم ایران دو دسته شوند. ما بگوئیم نیست؟! این ساده لوحی است.
- < مسأله ی تهاجم واقعیت روشنی است و با انکار، نمی توان اصل تهاجم را از بین برد.
- < جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. چه بکنم اگر کسی نمی بیند؟!>
- < امروز هیچ کشور دیگری در دنیا پیدا نمیکنید که اینجور آماج حملات باشد. و جمهوری



اسلامی دارد مقاومت میکند. این، کم چیزی نیست. توطئه‌ی توهم نیست؛ این را جوانها، بدانند.

- < حضور دشمن را در پشت پرده فرهنگ و سیاست جدی بگیرید، نباید غافلانه و ساده‌لوحانه بعضی از پدیده‌ها را جدای از علت و بریده از عامل اصلی‌اش تلقی کرد و به این و آن نسبت داد.
- < مراقب باشید که اگر شما غفلت می‌کنید، دشمن از شما غفلت نمی‌کند. دشمن با کمال هوشیاری مراقب است.
- < دشمن در یک رویارویی ممکن است شکست بخورد و عقب‌نشینی کند؛ اما کمین خواهد گرفت، حوادث را رصد خواهد نمود تا در یک فرصت مناسب حمله کند و انتقام بگیرد.
- < بزرگترین قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی و علمی دنیا دارد با ما دشمنی صریح و علنی میکند؛ این خیلی مهم است، این خیلی معنادار است.

۳- تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل و تعامل فرهنگی

- < فرق تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی در این است که تهاجم فرهنگی، یک امر منفی است؛ اما تبادل فرهنگی، یک امر مثبت است.
- < ضروریست آنچه را که از غربی‌ها و بیگانگان می‌گیرید، ارزیابی کنید، ببینیم به درد ما می‌خورد یا نه. اگر صددرصد به درد ما می‌خورد، صددرصد قبول کنید؛ اگر صددرصد به درد ما نمی‌خورد و مضر است، صددرصد رد کنید. اگر بین این دو تاست، به همان اندازه‌ای که به درد می‌خورد، قبول کنید، مابقی‌اش را رد کنید.
- < باید در میان فرهنگهای عالم نگاه کرد و آنچه مفید است، جذب و استفاده کرد.
- < راه حل کاذب و معیار مدرنیته غربی و طاغوتی، دلخوش کردن به تغییر و تحول ظاهری و رویگردانی از حرکت عمیق در اخلاق و معنویت است.
- < شاگردی کردن در علم، به معنای تقلید کردن در فرهنگ نیست؛ این نکته‌ی بسیار مهمی است.
- < عده‌ی فکر می‌کنند چون غربی‌ها از لحاظ علمی بر ما برتری دارند، پس ما باید فرهنگ و عقاید و آداب معاشرت و آداب زندگی و روابط اجتماعی و سیاسی‌مان را از آنها یاد





بگیریم؛ این اشتباه است.

- < ما با تحمیل فرهنگ غرب بر ملت‌های مسلمان مخالفیم و معتقد به تبادل فرهنگها هستیم.
- < تهاجم فرهنگی به معنای عدم افزوده شدن به فرهنگ نیست، بلکه به معنای تحمیل فرهنگی و تزریق بدون گزینش صحیح است.
- < ورود مطبوعات از غرب، مصداق تعاطی فرهنگی بوده یعنی جزو مثبت فرهنگ غرب است که ما از آنها گرفتیم که در نقطه مقابل تهاجم فرهنگی است.
- < هدف دشمن از تعریف ما تسلط و چپاول است نه برقراری رابطه و مبادله؛
- < کسانی که حاضر به هضم فرهنگ تحمیلی غرب نباشند، مورد تهاجم شدید قرار می‌گیرند.
- < من از کسانی نیستم که غربی‌ها را یکسره دارای خُلقیات منفی بدانم؛ نه، خلقیات مثبتی هم دارند؛ خطرپذیرند، شجاعند، دنبالگیرند.
- < فرهنگ غرب نقاط مثبت و جذابی مانند وقت شناسی و دعوت مردم به کار و تلاش دارد که نتیجه آن ثروت، پیشرفت و علم و فناوری است اما این فرهنگ، عوامل حفظ رشد حقیقی انسان را ندارد.



انستیتود راهبردی امنیت نرم
جمهوری اسلامی ایران



رهیافتِ راهبر

اندرنگاره راهبردی امنیت نرم
جمهوری اسلامی ایران



اندرنگاره راهبردی امنیت نرم
جمهوری اسلامی ایران

فصل دوم

۱- تهاجم به اسلام، تشیع، پیامبر اسلام (ص) و بیداری اسلامی

- < امروز ملت ایران پرچم حاکمیت معنویت و دین را بر زندگی بشری برافراشته و در دست گرفته این یک هم‌اوردطلبی بزرگ نسبت به استکبار جهانی است و فلسفه‌های آنها را باطل می‌کند؛ روشهای آنها را یکسره زیر سؤال می‌برد.
- < هدفهای دشمن عبارت است از: بی‌ایمان کردن، ایجاد گسست بین نسل کنونی و نسل گذشته و کوچک کردن افتخارات بیست سال اخیر، جدا کردن مردم از مسؤولان و جدا کردن مردم از عقاید و باورهای دینی.
- < هدف استعمارگران معارضه‌ی با دین - به عنوان دین - نبود؛ هدف، این بود که بتوانند بر کشورهای اسلامی سلطه پیدا کنند.
- < دشمن به دنبال بیرون کردن فکر توحیدی، ولایت، محبت اهل بیت و قرآن، تعصب و غیرت نسبت به مبانی دینی و ظلم ستیزی از دل مردم است.
- < علت فشارهای وارده بر ما از سوی دشمن نه به خاطر ایرانی بودن ماست، بلکه به خاطر اسلام است.
- < روزی که دنیای استکبار احساس کند ما حاضریم روی اسلام معامله کنیم و بی تفاوت شده ایم، فشارها تمام خواهد شد.
- < هدف از تهاجم فرهنگی دشمن تحریف یا نابودی عقاید اسلامی است که این عقاید محرک جامعه اسلامی می باشد.



- < در طول دو قرن اخیر، بیشترین پرچمهای فکر و فلسفه که برافراشته شده، در جهت مقابل تفکر معنوی و دینی بوده است، که با گرایش غالب مادی و ضد مذهبی در زندگی، افکار، خانواده و ارتباطات درون اجتماعی جهان نفوذ کرده و هدف آن خرد و رقیق کردن ایمانهاست.
- < صدور فرهنگ اباحیگری و بی مبالاتی در دین و اخلاق توسط غرب در سایه متاع دانش؛
- < تا کسی در قلب و در روح خود شکست نخورد، جسم او در میدان شکست نمی خورد.
- < آماج این تبلیغات و این محاصره تبلیغاتی، همین ایمان است.
- < ما هر جا موفق شدیم، ناشی از تبعیت از اسلام بود؛ هر جا ناموفق ماندیم، ناشی از سرپیچی از اسلام بود هر جا نابسامانی وجود دارد، ناشی از بی توجهی به اسلام است.
- < خواست دشمن، کنار رفتن همه ی ارزشهای خوب و الهی بسجی از جامعه است.
- < مقابله دشمن با اصل مجاهدت و شهادت فی سبیل الله، جهت تبدیل انقلاب و نظام اسلامی به یک موجود بی دفاع.
- < شعارها را کم رنگ کردن؛ اصول اسلام و انقلاب را مورد بی اعتنایی قرار دادن و همه چیز را با محاسبات مادی مطرح کردن و فهمیدن، جامعه را به انحطاط می برد.
- < دشمن می خواهد یک چیز را در ذهنها مسجّل کند و آن این که، لازمه فاصله گرفتن از مبدأ انقلاب، کم رنگ شدن ارزشهای انقلاب است.
- < امروز بیشترین تلاش جبهه ی سیاسی استکبار، مصروف آن می شود که مسلمانان را از آینده ی خود، نومید و به ذخیره ی گرانبهای فرهنگ و دانش خود، بی اعتنا سازد.
- < خطرناک ترین و اصلی ترین مرکز استکبار، شبکه سرطانی صهیونیسم و دولتمردان شرور آمریکا هستند که از راه های گوناگون از جمله جنگ روانی و تبلیغاتی، مقابله اقتصادی، اقدامات عنودانه سیاسی، خشونت، ترور و تبلیغات نظامی به معارضة با امت اسلامی برخاسته اند.
- < توجه داشته باشید که دأب سیاستهای مسلط عالم این بوده و هست که جنبشها و حرکتهای عدالتخواهانه مردم نقاط مختلف دنیا را از بین ببرند.
- < نقشه ی آمریکا، استحاله ملت ایران از درون است به طوری که ملت را نسبت به آرمانها و عقاید و هدفهایش بی تفاوت و بی اعتنا کنند و بعد بتوانند به وسیله عوامل و مزدوران خود زمینه را برای بازگشت سیطره امریکا بر ایران فراهم نمایند.
- < فوریتترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاههای فرهنگی برای تردید افکنی



در مبانی اسلام و انقلاب در کشور است.

- < ایران بعنوان نقطه کانون بیداری اسلامی، تهدیدی برای منافع نامشروع آمریکا و صهیونیست هاست.
- < استعمارگران همواره به ملت‌های مسلمان و ملت ما تلقین و القا کرده اند که از شما کاری بر نمی آید.
- < هدف عمده استکبار این است که انقلاب و نظام و ملت ایران را وادار کند که از حرف خود و پیام امام بزرگوار برگردند.
- < مسلمانان دنیا، این نظام را از خود می‌دانند و این همان چیزی است که استکبار را به شدت خشمگین می‌کند.
- < این که ما چشم خود را روی هم بگذاریم و همه اشکالات را به ساختار نظام اسلامی و به اسلامی بودن نظام برگردانیم و دشمنیها را از سوی ابرقدرتها و مراکز مؤثر و نافذ مالی و اقتصادی و سیاسی دنیا ندیده بگیریم، حرف پذیرفته‌ای نیست.
- < دشمنان می‌دانند که اگر هویت یکپارچه جهان اسلام شکل بگیرد، راه بر سیطره‌ی سیاسی و اقتصادی آنان بسته خواهد شد لذا برای مقابله با آن به اختلافات در میان مسلمانان دامن می‌زنند.
- < مسلمانان در همه‌ی جهان بدانند که دوران تحقیر و عقب ماندگی جهان اسلام به سر آمده و دوران تازه‌ی آغاز شده است.
- < دشمنان بدانند تا وقتی که اصل نورانی ولایت فقیه در قانون اساسی هست و این ملت از بن دندان به اسلام عقیده دارند، توطئه‌های اینها ممکن است برای مردم دردسر درست کند؛ اما نخواهد توانست این بنای مستحکم را متزلزل سازد.
- < در اروپا و در کشورهایی که خود را مهد تمدن و دموکراسی می‌شمارند، مسلمانان دچار تبعیض و حق‌کشی و حتی فشار و سرکوب قرار می‌گیرند و صریحاً به جرم پابندی به اسلام محکوم می‌شوند.
- < هوشیار باشید که امروز یکی از توطئه‌های دشمن، جدا کردن شیعه از اهل بیت (علیهم السلام) است.
- < امروز یکی از راههای مبارزه با اسلام، مبارزه با جمهوری اسلامی ایران است.
- < دشمنان سعی می‌کنند کشورهای اسلامی و از جمله کشور ما را یک کشور استبدادی و مرتجع تصویرسازی کنند و افکار ما را ضد تمدن معرفی نمایند.



- < بعضی از دولتها، بدون توجه در دام استکبار غلتیدند عده ای با گرفتن مزد، علیه جمهوری اسلامی یا علیه تشیع یا علیه برخی از عقاید ملت مسلمان ایران، کتاب نوشتند و عده‌ای را هم وادار کردند با زبان خود آنها، به این کتابها و به این اشکالها و دشنامها پاسخ دهند. متأسفانه هر دو طرف در این دام افتادند.
- < دلیل دشمنی استکبار با جمهوری اسلامی، مخالفت با قرآن و اسلام است.
- < تبلیغات دروغین می‌خواهند این‌طور وانمود کنند که مردم در سابق (زمان طاغوت)، از حالا دیندارتر و با اخلاقتر بودند! این، دروغ است.
- < امروز صدها سایت اصلی و هزاران سایت فرعی در اینترنت وجود دارد که هدف عمده‌شان این است که از طریق روشهای تخریبی و روانشناسانه، تفکرات اسلامی و بخصوص تفکرات شیعی را مورد تهاجم قرار دهند.
- < امروز همه‌ی شگردهای تبلیغاتی را دارند علیه اسلام اعمال می‌کنند. و تمام ابزارهای هنری در اختیار آنها، در خدمت این هدف پلید است.
- < وقتی دشمن می‌خواهد ضربه وارد کند، اول پایه‌های ایمان مردم را متزلزل می‌کند.
- < سازمان سیا بخش هنری دارد و فیلمهایی که بعد از انقلاب علیه ما و علیه شیعه و اسلام درست کردند، بسیار زیاد است. آیا یک فیلمساز، بازیگر و موسیقیدان ایرانی هیچ تکلیف مردمی برای رفع این مظلومیت ندارد؟
- < امروز دشمنی با اسلام از سوی جبهه‌ی استکبار جهانی، دشمنی سازمان یافته‌تر، جدی‌تر و همه‌جانبه‌تری است و دشمن تصمیم بر کارشکنی دارد.
- < مبارزه قدرتهای استکباری علیه اسلام و عقاید اسلامی با روشهای سیاسی، تبلیغاتی و فرهنگی در دایره وسیعی با جدیت دنبال می‌شود.
- < آگاه باشید که استکبار، تهاجم فرهنگی عظیمی علیه اسلام برآورد کرده و در این راستا عالیترین و ممتازترین دستگاههای فکری را در اختیار گرفته است.
- < دستگاههای قدرتمند جهان برای مبارزه با اسلام، روند معنویت زدایی و از بین بردن معنای حقیقی و خالص دین را پیش گرفته‌اند.
- < لزوم توجه امت اسلامی و ملتهای مسلمان به این نکته که دلیل دشمنی استکبار با جمهوری اسلامی، اسلام است زیرا اسلام می‌تواند امت اسلامی را به یک قدرت عظیم تبدیل کند.
- < دشمن در توطئه و تهاجم فرهنگی به اسلام، وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)



را مورد تهاجم قرار داده است.

- < ایجاد تأخیر در نهضت بیداری اسلامی و سرکوب موج اسلام خواهی و به انزوا کشیدن ارزشهای اسلامی توسط آمریکا با شعار حقوق بشر و دموکراسی؛
- < هدف آمریکا و استکبار از مواجهه‌ی با ایران اسلامی، فقط اسلام است و بس. هیچ مسأله‌ی دیگری در میان نیست.
- < دشمن سه هدفِ مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب می‌کند: تخریب وحدت ملی، تخریب باورهای کارساز و مقاومت‌بخش، و تخریب روح امید. اسم این تخریبها را هم «اصلاح» می‌گذارند!
- < امروز دشمنان این ملت، بزرگترین جایزه را به کسی می‌دهند که بتواند این پایه‌ها را متزلزل کند و با ایمان مردم بجنگد؛
- < دشمنان در مواجهه با جمهوری اسلامی، سعی می‌کنند یا محتوای جمهوری اسلامی را از بین ببرند؛ جهتگیری‌ها را عوض کنند و در مفاهیم مسلم و بینات آن خدشه ایجاد کنند؛ ولو صورت آن محفوظ بماند.
- < امروز مؤسسات متعددی در خودِ آمریکا و در اروپا از طرف امریکاییها فعالیت می‌کنند تا روی دولت ایران، روی افکار عمومی ایران و روی فضای ذهنی ایران فشار وارد کنند.
- < امروز بیشترین تلاش و تبلیغات خصمانه دشمن مصروف آن می‌شود که نظام اسلامی در اندیشه و عمل، متهم به ناکارآمدی شود.
- < می‌خواهند از یک طرف با فشار اقتصادی جهانی و تحریم اقتصادی از اجرای احکام اسلامی مانع شوند و نگذارند کارهای درست به آسانی به سامان برسد؛ از یک طرف هم تبلیغ کنند که دیدید نظام اسلامی نتوانست! این همان جنگ روانی دشمن است.
- < برنامه‌های استکبار جهانی علیه ملت ایران: جنگ روانی؛، جنگ اقتصادی؛، مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی.
- < یکی از مقاصد و اهداف استکبار جهانی در مقابله با جمهوری اسلامی این است که وانمود کند که ایران اسلامی، از شعارهای خودش دست کشیده است! من بسیاری از تقریبات و علی‌الظاهر منت‌کشیهای غرب از خودمان را با این دید تحلیل می‌کنم.
- < بودجه‌هایی که به بهانه اشاعه دموکراسی در ایران تصویب می‌شود صرف کارهای تبلیغاتی و فرهنگی در جهت جنگ با ایمان مردم، دل مردم، معارف مردم و نام مبارک ائمه و اهل بیت (علیهم السلام) می‌شود.



رهیافتِ راهبر

- < هدف دشمن در تهاجم فرهنگی وحدت ملی، ایمان عمیق دینی و روحیه صبر و استقامت ماست.
- < دو کار اروپاییها برای بی خطر کردن مسلمانان عبارتند از: دور کردن آنها از احکام اسلامی؛ تحقیر و شکستن روحیه مسلمین؛
- < هدف دشمن از تبلیغات دروغین و تندخوییهای خشمگینانه، مرعوب کردن و عقب نشینی ملت و مسئولان ایران بعنوان الگوی نهضت بیداری اسلامی در دنیا است.
- < غفلت، تنبلی، ضعف نفس رجال سیاسی و مسئولیت پذیری نخبگان فرهنگی از ابزارهای تضعیف کننده کشورها و ملت های مسلمان است.
- < برای صاحبان زر و زور در دنیا، خطرناک تر از نفس حکومت و نظام اسلامی گسترش بیداری اسلام است.
- < نقطه بسیار حساس برای آمریکا، مبارزه با اسلام، نهضت و بیداری اسلامی است.
- < عامل خصومت علنی آمریکا و دیگر سلطه گران بیداری اسلامی و بازیافتن هویت اسلامی است.
- < شدت گرفتن و علنی شدن مبارزه با اسلام، بدلیل نهضت تجدید حیات اسلام توسط نسل جوان، تحصیلکرده و برخوردار از معارف زمان می باشد.
- < عنوانهای اهانت آمیز سردمداران جهان طبقاتی، بدلیل بیمناک بودن از وحدت امت اسلامی و یکپارچه شدن دنیای اسلام است.
- < وحشت مراکز قدرت استکباری از جوانه زدن و باروری اندیشه، حرکت، ایمان و عمل صالح است.
- < رفتارهای عصبی و شرارتهای صهیونیستها و آمریکا بیش از آنکه برخاسته از قدرت و اعتماد به نفس باشد، ناشی از سراسیمگی و وحشت از بیداری اسلامی، فراگیری اندیشه اسلام سیاسی و حاکمیت اسلام است.
- < کفر، با همه تفرق و تشتت، با استفاده از همه امکانات، در یک امر اتفاق کرده و آن ضدیت با اسلام ناب است و حتی اسلام محرف را هم به جنگ اسلام ناب آورده و به میدان کشانیده است.



۲- تهاجم به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی

- < تهاجم دستگاه‌های استکباری به نظام اسلامی، به دلیل ذات و هویت و فرهنگ عمیق انقلاب است.
- < دشمنی استکبار با نظام، به دلیل برهم زدن قواعد استکباری حاکم بر جهان است.
- < خواست و آرزوی پلید دشمنان، مقابله با الگو شدن جمهوری اسلامی برای ملت‌های مسلمان است.
- < امروز بعضی با کارهای فرهنگی خطرناک، می‌خواهند دفاع مقدس را از خاطر ملت ایران ببرند.
- < هدف دشمن در تهاجم فرهنگی عبارت است از ایجاد گسست بین نسل کنونی و گذشته، بی‌ایمان کردن و کوچک کردن افتخارات انقلاب و دوران دفاع مقدس.
- < یکی از تلاش‌های خباث آمیز آمریکا و صهیونیستها علیه جمهوری اسلامی، برای این است که سعی می‌کند از نظام اسلامی چهره‌ای بسازد که با صلح و استقرار صلح در دنیا مخالف است.
- < سعی استکبار در قطع رابطه‌ی معنوی ملتها با انقلاب اسلامی از چند راه: ۱. فشار روی ملتها بوسیله‌ی دولت‌های وابسته و مزدورشان ۲. دلسردی ملتها از ایران، بوسیله‌ی تبلیغات جهانی ۳. از بین بردن فکر رابطه با ملتها در ذهن ملت ایران.
- < مقصود از این تبلیغات و شایعه‌سازیه‌ها این است که آن وجهه عظیمی را که انقلاب اسلامی در میان مسلمانان و حتی غیر مسلمانان دنیا پیدا کرده است از بین ببرند.
- < نیاز دراز مدت استکبار این است که انقلاب اسلامی را یا با تبلیغات و انواع و اقسام تدابیری که دارند، از لحاظ کیفیت تغییرش بدهند؛ یا اگر نمی‌توانند، آن را محو فیزیکی کنند.
- < قصد دشمنان این است که پیام انقلاب را عوض کنند و حقیقتی را که به دست خود ملت اتفاق افتاده، غلط جلوه دهند.
- < استحاله دستاوردهای انقلاب و اهداف امام، جزو هدف‌های اصلی استکبار جهانی است.
- < دو جریان با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد: ۱. روند ستایش و امید از سوی ملت‌های مستضعف و زیر ستم، بخصوص در کشورهای اسلامی ۲. روند نگرانی و توطئه و دشمنی از سوی دولت‌های مستکبر و صهیونیستها و سرمایه داران غارتگر بین‌المللی؛



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

رهیافتِ راهبر

- < همچنان که پیروزی انقلاب اسلامی و ولادت آن با مقاومت دشمنان روبرو شد، تداوم انقلاب، برپا ماندن و اثر بخش شدن آن هم با دشمن و دشمنیها مواجه است.
- < دشمن با تمام حقد و غضب علیه انقلاب، علیه امام و علیه همه آرمان ها صف آرای می نموده است؛ لکن حرکت عظیمی که با انقلاب اسلامی شروع شده تمام شدنی نیست و ادامه دارد.
- < علت دشمنی غرب و شرق با جمهوری اسلامی این است که فرهنگ بیگانه و غربی را قبول نمی کند.
- < اولین احساسی که یک ملت در مقابله با روح و خوی استکباری دارد، احساس غیرت ملی است؛ احساس هویت و احساس وجود است، این احساس است که ملتها را در مقابل استکبار به جوش و خروش می آورد.
- < هر چیزی که بتواند یک ملت را به استقلال و به اقتدار ملی و خودجوش و درونزا برساند، آن چیز مبعوض نظام سلطه است.
- < ملتی مستقل است که بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی ساخته و پرداخته بیگانگان - از جمله چگونگی پوشش، کیفیت زندگی، نوع نشست و برخاست، اخلاق و معرفت - حفظ کند.
- < امروز تلاش تبلیغی و فرهنگی گسترده‌یی از سوی دشمنان ایران و اسلام به کار می رود تا مایه‌ی اصلی استقلال و سربلندی و پیشرفت کشور را که همان ایمان و تعهد به اصول انقلاب است، از ذهن و عمل جوانان بزدایند.
- < حکومت جمهوری اسلامی، استقلال کامل ملت تحت تابعیت خود را تضمین و تأمین می کند. این استقلال کامل، شامل استقلال سیاسی و اقتصادی و بالاتر از همه، استقلال فرهنگی است.
- < گذشته تاریخی به مثابه شفته و بتونی است که ستون روی آن قرار دارد. ملتی که سابقه تاریخی ندارد مثل ستونی است که آن را روی زمین سُست بنا کرده باشند. هر چه هم با عظمت باشد آسیب پذیری اش خیلی زیاد است.
- < هر چه نفوذ دشمن بیشتر بشود، عزت و اقتدار و عظمت ملی ضعیفتر خواهد شد.
- < حرف دل دشمنان یک کلمه است؛ بازگرداندن سلطه و سیطره‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر ملت ایران؛
- < برای به زنجیر کشیدن یک ملت، هیچ چیزی ممکن تر و سهلتر از این نیست که قدرتمندان



- عالم بتوانند باورهای آن ملت و آن کشور را بر طبق نیازهای خودشان شکل دهند.
- < از نتایج قهری سلطه‌ی بیگانه بر کشور، مشکل اقتصادی، فرهنگی و بی‌اعتنایی به عقاید، آرمانها و فرهنگ ملی می‌باشد، که این بالاترین مصیبت برای یک ملت است.
 - < منافع یک ملت در گرو هویت فرهنگی و فرهنگ آن ملت است.
 - < در صورت انحطاط فرهنگ و هویت فرهنگی در یک کشور کمک کشورهای دیگر برای پیشرفت آنها، نخواهد توانست آن کشور را در جایگاه شایسته‌ی خودش قرار دهد.
 - < گاهی می‌بینم در تلویزیون گزارشگر ما از فلان نقطه‌ی دنیا دارد به زبان فارسی گزارش می‌دهد طوری حرف می‌زند مثل این که یک انگلیسی دارد به زبان فارسی حرف می‌زند! این، ضعف نفس و احساس حقارت است.
 - < چرا باید کسی که با تفکر خودش کار می‌کند، لزوماً به سنتهای زادگاه و کشور و میهن و تاریخ خودش بیگانه باشد، حتی با آنها دشمن باشد.
 - < از اهداف خطرناک دشمن تسلط فرهنگی برای از بین بردن تاریخ، فرهنگ، مفاخر، زبان، و هویت ملی است.
 - < بزرگ شمردن آنچه که متعلق به بیگانه است و حقیر شمردن هر آنچه که مربوط به خودی است؛ در باطن خودش، تحقیر ملت ایران تحقیر بنیان هایش را همراه دارد.
 - < اگر ملتی برای خودش تحرکی نداشت و ارزش و آینده‌ای برای خود قائل نبود، دشمنان می‌توانند بیایند و برایش نقشه بکشند، به او توصیه کنند، به جای او تصمیم بگیرند و عمل کنند.
 - < نسخه امام خمینی (ره) برای مقابله با دشمنان عمل به اسلام به معنای حقیقی کلمه و احیا و بازسازی روحیه و اراده ملی بود.
 - < استعمار مخالف شناخت ملتها نسبت به تاریخ، افتخارات، سنت‌ها و گذشته خود برای از بین بردن استقلال و هویت ملی آنهاست.
 - < چهره‌های خودی را بیاورید، مطرح کنید. من هیچ وجهی برای زنده کردن شخصیتی نمی‌یابم، جز این که گفته می‌شود می‌خواهیم دل عده‌یی را به دست بیاوریم! چرا باید این کار را بکنیم؟!
 - < دشمنان این کشور و این ملت می‌خواهند این دوره‌ی افتخار آمیز به فراموشی سپرده شود و مردم به همان حال تخدیر قبل از انقلاب برگردند.
 - < به طور علمی معتقدم که یک خود آگاهی جمعی باید در همه‌ی محیطهای علمی نسبت به



فرهنگ وارداتی و تحکّم آمیز و زورگویانه‌ی غربی به وجود آید.

- < نظام مقدس اسلامی در ایران خطری بزرگ، برای قدرتمندان عالم و اداره کنندگان نظام سلطه در جهان است.
- < جمهوری اسلامی را به بنیادگرایی (تعصّب و تحجّر) متّهم می کنند این در حقیقت همان تسلیم ناپذیری ملت و دولت ایران است.
- < ابهام آفرینی یکی از سیاستهای اصلی کانون های مبارزه با جمهوری اسلامی است.
- < دشمنی استکبار با اشخاص و یا فلان عنوان مخصوص نیست. دشمنی آنها با اصل این حرکت عظیم و انقلاب است؛ کسی که این را نفهمد، غافل است.

۳- تهاجم به ولایت فقیه و حکومت دینی

- < اصلی ترین آماج جریان شیطنی و رذیلانه استکبار سه عنصر؛ اسلام ناب محمدی، وحدت ملی و جایگاه رهبری می باشد.
- < هر سخنی، هر نوشته‌ای، هر دستگامی که کوشش کند چهره امام (ره) بزرگوار را مخدوش کند؛ کارهای او را زیر سؤال ببرد، بدانید مربوط به دشمن است.
- < اساس حمله و نقشه دشمن این است که حکومت را از محور اصلی - محور امامت، محور دین - خارج کند. بعد خاطرش جمع است که همه کار خواهد کرد!
- < پدیده ی عظیم حکومت دینی - آن هم دین اسلام - همیشه مورد خصومت و دشمنی حساب شده و دقیق دشمنان بوده.
- < هدف اصلی دشمنان - چه دشمنان خارجی، چه دشمنان دورو و منافق داخلی - عبارت است از نفی حکومت دینی و حکومت اسلام.
- < هر کس با حاکمیت نظام مستقل مردمی دینی مخالف است، دشمن است.
- < هدف جبهه ی دشمن این است که حکومت مردمی دینی متکی به ایمان و عشق و اراده مردم را به یک حکومت وابسته انحصاری تبدیل کنند.
- < نظریه حکومت اسلامی است یکی از موارد آماج حملات دشمن است. یا به مبانی اسلام، یا به قانون اساسی و یا به برخی از بخشهای برجسته نظام اسلامی که علامت و شاخصه نظام است، تهاجم فکری و نظری می شود.
- < ریشه مخالفت دشمن اینست که قدرت سیاسی در کشور در دست انسانهای پرهیزگار و



عادل باشد.

- < رابطه محبت آمیز میان رهبر و ملت، در میدانهای مختلف گره‌گشا و بازکننده راههاست. لذا بیشترین تبلیغات دشمن، علیه اصل مفهوم رهبری فقیه «ولایت فقیه» و حاکمیت دین شناسان می باشد.
- < دشمن از نفوذ و شخصیت امام و نفوذ رهبری دینی، در هر زمانی به شدت صدمه خورده و داغدار است و می‌خواهد با آن مقابله کند.
- < دشمن برای مبارزه با انقلاب، رهبری را هدف گرفته است، زیرا یک رهبری مقتدر همه ی توطئه های آنها را نقش بر آب می کند.
- < دشمنان با رهبری مقتدیری که اسلام می‌گوید، مردم می‌خواهند و انقلاب طلب می‌کند، مخالفند!
- < امروز ولایت فقیه به معنای حاکمیت دین و تقوا بر زندگی اجتماعی یک ملت، آماج اصلی حملات دشمن است.
- < دشمنان با اصل ولایت فقیه مخالفند؛ چون می‌دانند که مسأله، مسأله اشخاص نیست.
- < مهمترین آماج دشمنان انقلاب، ولایت و رهبری است.
- < در حادثه‌ی جنگ، نقش رهبری، نقش طراز اول بود. رهبری با خودش، حضور یکپارچه‌ی مردم را آورد. دشمنان، ولایت فقیه را با شیوه‌های گوناگون در ذهنها مخدوش می‌کنند. اینها مبارزه لازم دارد.
- < دشمنان، ولایت فقیه را با شیوه‌های گوناگون در ذهنها مخدوش می‌کنند. اینها مبارزه لازم دارد.
- < دشمن برای اینکه انقلاب را از پا در آورد، رهبری و هدایت دینی را بعنوان نیروی پیش برنده و دفاع کننده نشانه گیری کرده است.
- < اگر کسانی بنشینند بنویسند و اصل مشروعیت نظامی اسلامی را که با این همه خون و فداکاری به دست آمده است، زیر سؤال ببرند. این بیان حرف مخالف‌خوانی نیست، اینها توطئه و دشمنی کردن است.
- < مفهوم استبداد یا خودسری، به میل خود یا به ضرر مردم تصمیم گرفتن، مطلقاً در معنای ولایت اسلامی نیست.
- < کسانی که دل‌باخته‌ی مفاهیم غربی و بیگانه‌ی از اسلام هستند، ممکن است حرفهایی بزنند، یا تصوراتی بکنند؛ لیکن اینها بر اثر نشناختن مفهوم ولایت است.



- < عدالت به معنای خاص از جمله‌ی شرایط ولایت است. اگر این شرط تأمین شد، ولایت یک چیز آسیب‌ناپذیر است.
- < ولایت، یعنی حاکمیت انسانهای پارسا، انسانهای مخالف با شهوات و نفس خودشان، انسانهای عامل به صالحات. این، معنای ولایت اسلامی است.
- < ملتها اگر می‌خواهند کسی را به عنوان رهبر و حاکم بر جامعه انتخاب کنند، سراغ پارساترین و پاکترین و بی‌اعتناترین انسانها به دنیا بروند؛ آن کسی که قدرت را سرمایه‌ی شخصی خود به حساب نمی‌آورد و از آن برای سود شخصی خویش استفاده نمی‌کند.
- < از اول انقلاب ولایت و ولایت فقیه از طرف کسانی که تحمل این بافت ارزشی را نمی‌توانستند و نمی‌توانند بکنند، مورد تعرض شدید قرار گرفت.
- < مجموعه تلاشهایی که برای دین می‌شود با این هدف است که انسانها را از ولایت بندگان و بردگان خارج سازند و به ولایت‌الله نائل کنند.
- < ولایت‌الله یعنی جامعه، با ولایت الهی حرکت کند و هیچ ولایتی - ولایت پول، ولایت قوم و قبیله، ولایت زور، ولایت سنتها و آداب و عادات غلط - نتواند مانع از ولایت خدا شود و در مقابل آن ولایت، عرض اندام کند.
- < ولایت الله در دنیای امروز، دشمنان زیادی دارد که صریحاً با آن دشمنی می‌کنند، لذا کسانی که پایه‌گذاران استقرار ولایت الله در جامعه هستند، باید سعی کنند هر ساعت از ساعات کار و تلاششان، نسبت به ساعات قبل، به آن الگوی اصلی نزدیکتر شود.
- < معنای ولایت به‌طور خلاصه این است که اسلام در اعمال فردی و عبادات خلاصه نمی‌شود. اسلام دارای نظام سیاسی است و در آن حکومتی بر مبانی مقررات اسلامی پیش‌بینی شده است. در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت، «ولایت» است.
- < حکومت، فقط فرمانروایی نیست. حکومت، نفوذ در دلها و مقبولیت در ذهنهاست.
- < آن چیزی که می‌تواند همه ارزشهای انقلاب را مورد نظر قرار دهد و در همه زمینه‌ها پیشرفت را شامل حال همه آنها کند، فقیه عادل زمان‌شناسی است که با حضور در جامعه، انگشت اشاره و هدایت او بتواند کارها پیش برود.
- < عامل تداوم‌بخش انقلاب، مسأله رهبری و پابندی به مقررات اسلامی و مشروعیت بخشیدن به قانون بر طبق اسلام، می‌باشد.



۴- تهاجم به جوانان

- < مسئولان و جوانان آگاه باشند، ملتی که جوانانش سرگرم فسق و فجور باشند، راه به جایی نخواهد برد.
- < خطر اصلی در تهاجم فرهنگی داخل خانه‌ها و مجامع جوانان است، آن‌جا که آشکار نیست، پنهان است، خطر اصلی آنجاست.
- < هدف اصلی همه‌ی تبلیغات و نظریه‌پردازی‌های دستگاه‌های استکباری و صهیونیستی، ایمان دینی نسل جوان است زیرا راه تسلط بر نظام را منحصرأ در آن می‌دانند.
- < دشمن می‌خواهد هویت جوان ایرانی را از او بگیرد؛ اهداف را از بین ببرد؛ افق‌ها را تیره کند؛ به او بگوید تو یک موجود حقیر و محدود هستی؛ پیش من بیا تا تو را زیر بال بگیرم.
- < اگر دشمنان درهدف خود که غارت امید و ایمان و انگیزه‌ی جوانان ماست، موفق شوند سلطه‌ی دوباره آمریکا بر ایران حتمی و برای آنان بی‌هزینه است.
- < هدف استکبار از تهاجم فرهنگی، مغز جوان ایرانی است.
- < دشمن می‌خواهد نسل جوان را از راه‌های مختلف ناتوان کند.
- < همه سعی دشمنان این است که از طرق مختلف ایمان و اعتماد به نفس جوانان را بگیرند.
- < دشمنان برای این‌که از طرف مردها و زنهایی که در کشورهای مختلف عالم، زیر فشار استبداد و استعمار این قدرتها قرار می‌گیرند، تهدید نشوند، مغزها را فاسد کردند.
- < موج حملات فرهنگی دشمن، ایمان به انقلاب و دین جوانان است.
- < امروز با جنگ سرد و جنگ روانی می‌خواهند به ملت ایران و به جوان ایرانی بی‌اورانند که شما نمیتوانید بدون ارتباط و اتصال با قدرتهای سلطه‌گر به جایی برسید.
- < محافظی برای این‌که جوانان را ببرند و آلوده به فساد بکنند، وجود دارد، که جنبه‌ی غیر فرهنگی و جنبه‌ی عملی دارد؛ لیکن آنچه که بیش از همه خطرناک است، ذهن و فکر و روحیه‌ی جوان است؛ این را باید دریافت.
- < نسل جوان که مایه‌ی تکیه و امید است، بتدریج با شکلها و شیوه‌های گوناگون، عمدتاً فرهنگی در حال تباه شدن بوسیله‌ی دشمن است. باید نسل جوان را حفظ کنیم.
- < نمی‌شود بی‌قید و شرط، هر چه را که از آن سوی مرزها می‌فرستند - اعم از کالای فرهنگی و همچنین امواج تبلیغی و فرهنگی - پذیرفت. دشمن در کمین است؛ بخصوص در کمین جوانان.



رهیافتِ راهبر

- < مراقب باشید، دشمن برای ضربه زدن به ما سعی در ضعیف کردن اراده ملت و جوانان دارد.
- < لزوم توجه به معنویات زیرا دشمن می خواهد مردم، به خصوص جوانان از معنویت دور شوند.
- < آگاه باشید؛ دشمن با تبلیغات پرخرج خود در تلاش است تا جوانان را از آینده ناامید و مأیوس کند.
- < لزوم تلاش جهت خنثی کردن هدف دشمنان، زیرا دشمن در تلاش است تا جوانان را که فرصت و نقطه قوت این نظام هستند را به نقطه ضعف تبدیل کند.
- < شبکه صهیونیستی و عوامل آن جوانان را ضایع می کنند و آنها را به طور جدی از زندگی باز می دارند تا نتوانند در برابرشان قد علم کنند.
- < دشمن می خواهد جوانان ملت ایران را با فاسد کردن؛ با گرفتن احساس مسؤولیت از آنها؛ با گرفتن شور و شوق ایمانی از آنها؛ با سرگرم کردن آنها به لهو و لعب و انداختن آنها در دام شهوات از بین ببرد.
- < سعی و تلاش دشمن در تباه و ضایع نمودن نیروی های جوان با دو عامل: فساد اخلاقی و اعتیاد؛
- < دشمنان مایلند که ذهن و فکر و روح جوانان را به وسیله امواج مسموم و خطرناک تلویزیون و رادیو تسخیر کنند.
- < طراحان تبلیغاتی نظام سلطه ی جهانی، در صدد آنند که نسل جوان و نوحاسته ی کشور انقلاب را با آرمانهای انقلاب، بیگانه و از ریشه ی خود جدا کنند.
- < امروز سیلی خوردگان از انقلاب روی جوانان متمرکز شده اند. بارها گفته اند و تکرار کرده اند که کارشان در ایران، کار فرهنگی است.
- < دشمنان می خواهند کاری کنند که همین ایمان، همین شور و عشق، همین نورانیت و صفایی که امروز در شما جوانان وجود دارد، در نسل جوان ایران از بین برود.

۵- تهاجم به دانشگاه

- < دشمن در تلاش است دانشگاه را از صراط مستقیم علم و دین و روحیه انقلابی منصرف کند.



- < یکی از کارهای دشمن، ایجاد ناامنی در محیط دانشگاههاست.
- < طراحان تبلیغاتی نظام سلطه ی جهانی، درصدد آنند که نسل جوان و نوحاسته ی کشور انقلاب را با آرمانهای انقلاب، بیگانه و از ریشه ی خود جدا کنند.
- < یکی از چیزهایی که امروز مورد توجه سرویسهای اطلاعاتی است، این نکته است که ببینند چگونه می‌توانند دانشجوی بیدار و دانشگاه آگاه ایرانی را از آن راهی که می‌تواند به اعتلای کشور بینجامد، منصرف کنند و مانعش بشوند.
- < جوان دانشجوی ما مواظب تئوریهای وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکّم‌آمیز غرب با کشورهایی از قبیل کشور ما را ندارد، باشند، زیرا کسانی که می‌خواهند بر روی زندگی و منابع انسانی ملتها کار کنند و از آن بهره‌برداری نمایند، یکی از کارهایشان تئوری‌سازی برای ملتهاست.
- < دست پنهان و آشکار دشمن، دانشگاهها را از جمله ی اولین آماج‌های توطئه می‌شمرد و این، همه ی دلسوزان بخصوص خود دانشجویان عزیز را به بیداری و حساسیت روزافزون فرا می‌خواند.
- < دشمن می‌خواهد برای دانشگاه و علم و تحقیق مزاحمت ایجاد کند، همه باید مراقب باشند. نباید برای دشمن بهانه ایجاد کرد تا بتواند سوء استفاده کند. نباید با تحریک دشمن، متحرک شد.
- < دانشگاه وابسته ی به غرب، دانشگاه متکی به اراده و فرهنگ دیگران، نمی‌تواند برای یک فرهنگ مفید باشد.
- < مواظب باشید فضای دانشگاه که یک محیط جوان، فعال و بسیار برانگیخته است را آشفته نکنند.
- < امروز آماج بسیاری از تبلیغات خصمانه ی دشمنان، در درجه ی اول، دانشجویان و دانشگاهیانند.
- < دشمن در تلاش است دانشگاه را از صراط مستقیم علم و دین و روحیه انقلابی منصرف کند.
- < دست پنهان و آشکار دشمن، دانشگاهها را اولین آماج‌های توطئه می‌شمرد و این، همه ی دلسوزان بخصوص خود دانشجویان عزیز را به بیداری و حساسیت روزافزون فرا می‌خواند.
- < یکی از مشکلات دانشجویان، آسیب پذیری در مقابل لغزشها و انحرافات فکریست.



- < یکی از مشکلات دانشجویان، مشکل ابهام در جریانات و عملکردهاست.
- < خدا لعنت کند دستهایی را که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی می کنند.
- < امروز یکی از مسائلی که دشمن بخصوص در محیط دانشگاه دنبال می کند، تهاجم علیه نظام روحانیت در کشور ماست، زیرا تا وقتی که روحانیت هست، در واقع یک سازمان مرکزی وجود دارد که مردم آن را به نام دین می شناسند و از طریق آن، سخن دین را می شنوند.
- < دستهای طرار و مغزهای مکار و دلارهای بیشمار در تلاشی بیهوده، نسل جوان انقلاب را هدف گرفته اند. آنان از بیداری جوانان و قدرت تحلیلی که در پرتو انقلاب به آنان داده شده، غافل اند.
- < امروز «سیا»ی امریکا و «موساد» اسرائیل مهمترین هدفشان این است که منفذی در داخل نظام اسلامی ایجاد کنند تا بتوانند ضربه ای بزنند و از این استحکام و اقتداری که امروز این نظام در دنیا به عنوان سنگر دارد، بکاهند. حالا یک نفر در داخل، همین را ولو با مشتِ گره کرده، ولو از سنگر دانشگاه، ولو از پشت یک تریبون رسمی فریاد کند؛ این که هنر نیست، این که افتخار ندارد.

۶- تهاجم به روحانیت اصیل

- < امروز بسیاری از همت و برنامه ریزی استکبار جهانی، مصروف این می شود که ببیند چگونه می تواند طلاب، فضلا و علما را از راه راست انقلاب منحرف کند.
- < هر کسی که به خط انقلاب و اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) نزدیکتر است، به ضربات و حملات و تهمت‌ها و هوچیگریها و سوءقصدها و بدجنسیها و مودیگریهای جناح استکبار هم نزدیکتر است.
- < دشمنان ما با هر روحانی بی بد نیستند؛ با روحانی راه خدا بدند. در مقابل با آخوند ضد انقلاب مرتجع و نوکر صفت، خیلی هم خوبند.
- < ضربه ی روحانیت به دشمن ضربه ی مؤثری است به همین دلیل از اول انقلاب، رسانه های جمعی شبکه ی استکبار و صهیونیسم، دائماً به شکل های مختلف علیه روحانیت حرف می زنند.
- < اینکه سبک و شیوه ی آموزش و تعلیم و تعلم در حوزه های علمیه، را یک چیز تقلیدی



- وانمود بکنیم و امثال مطهری و بهشتی و این شاگردان حوزه را، استثناهای حوزه تلقی کنیم، یک اشتباه است. زیرا این موجب می‌شود که ارزش علمی و معنوی روحانیت در چشم محیط دانشگاهی و دانشجویی از بین برود.
- ◀ اگر ما حیثیت روحانیت و فقاہت و تأثیر آن را در حرکت کلی کشور منکر بشویم، یا زیر سؤال ببریم، درحقیقت به گرایش دینی طبقه‌ی کارآمد و عظیمی لطمه زده‌ایم؛ و این همان کاری است که دشمنان می‌خواهند.
- ◀ بدانید امروز دشمنان اسلام، با روحانیت و ذخیره ارزشمند علمی آن به شدت مخالفند، و بیش از آن با اسلام مخالفند.
- ◀ دشمنی متجددین با نظام جمهوری اسلامی به دلیل رهبری یک روحانی است.
- ◀ دشمنان همواره درصددند روحانیون مؤثر و مفید برای کشور و اسلام و مسلمین را، حذف جسمانی کنند اگر نشد با تبلیغات آنها را تخریب کنند.
- ◀ رضاخان عاملی بود که انگلیسیها او را وارد صحنه کردند تا نظام دینی را در ایران به هم بریزد، حضور روحانیت در جامعه را ممنوع کرد و نظام حوزه علمیه را به هم زد و روحانیت را مجبور به خانه نشینی کرد.
- ◀ انگیزه‌های تخفیف و تضعیف و توهین حوزه‌های علمیه و روحانیت، در بیرون و درون حوزه وجود دارد.
- ◀ دشمنان فهمیدند برای این‌که ایمان دینی به شکل سازمان یافته وجود نداشته باشد، باید بساط روحانیت برچیده شود
- ◀ هدف دشمن از تهاجم به روحانیت؛ نابودی دین و ایمان دینی و تصرف کشور می‌باشد.
- ◀ اگر امروز کسی با روحانیت مقابله کند، پیش از همه دل صهیونیستها و آمریکا را شاد کرده است، چون آنها به فنای روحانیت دل بسته بودند و نبود روحانیت را می‌خواهند.
- ◀ امروز یکی از مسائلی که دشمن بخصوص در محیط دانشگاه دنبال می‌کند، تهاجم علیه نظام روحانیت در کشور ماست.
- ◀ هدف دشمن نابودی کلیت روحانیت است، زیرا روحانیت پایبند به معارف دینی است.
- ◀ در برخی کتاب‌های نوشته شده توسط روشنفکران غربزده، انسان شک نمی‌کند که در این کتاب، به صورت سفارش شده‌ای سعی شده، با هرجایی که پای یک روحانی آزاده بزرگ در میان است، برخورد شود؛ عملاً نام او کتمان شود و ماجرای او مطرح نگردد.
- ◀ دشمن می‌خواهد با تبلیغات روحانیت را از چشم مردم بیاندازد.



رهیافتِ راهبر

- < دشمنان برای این‌که روحانیت را از چشم مردم بیندازند، علم و دانش روحانیت را انکار می‌کنند و تقوای آنها را منکر می‌شوند. در پنجاه سال دوران پهلوی تبلیغات فراوانی علیه روحانیون کردند و در بین یک قشر، نسبت به روحانیون بدبینی به وجود آوردند.
- < دشمنان زیرکند، و برای نفی روحانیت از راههای آسانتر شروع می‌کنند. اول سعی می‌کنند با تطمیع شما را از سر راه خود دور کنند. اگر نتوانستند، با تهدید؛ اگر نشد، با عمل؛ اگر نشد، با تبلیغات؛ اگر نشد، با ترور جسم؛ اگر نشد، با ترور روح و عنوان.
- < در پنجاه سال دوران پهلوی تبلیغات فراوانی علیه روحانیون کردند و در بین یک قشر، نسبت به روحانیون بدبینی به وجود آوردند.
- < لزوم توجه به تلاش دشمن برای از بین بردن معنویت در جامعه بوسیله ی منزوی کردن دین و علمای دین و استخدام نیروهایی برای مقاصد خبیث؛

۷- مقابله با پیشرفت کشور

- < امروز بیشترین چیزی که برای غربی‌ها مطرح است، پول است. در اسلام این‌طور نیست. در اسلام علم شرافت ذاتی دارد.
- < امکاناتی که امروز کشورهای پیشرفته عالم از آن برخوردارند و مایه قدرت آنهاست؛ لزوماً باعث کمالشان نیست.
- < سلاح مدرن اگر در اختیار یک ملت عاقل و کامل باشد، بی‌خطر است.
- < دشمن عادتش این است. هر چیزی که برای یک ملتی مایه‌ی پیشرفت است، برای قدرتهای بین‌المللی، آن چیز یک خطر محسوب می‌شود.
- < در خیلی از کشورهای دنیا نخبگانی هستند که دست‌آموز مراکز استکباری‌اندکار اینها این است که حرف آنها را بزنند و تکرار کنند و برای ایده‌های آنها استدلال نمایند.
- < دشمن برای مقابله با حرکات سازنده جمهوری اسلامی، نه تنها علم و تحقیق را بلکه اصل جریان و روال معمول دانشگاهها را هم به خطر می‌اندازد و دچار وقفه می‌کند.
- < تهاجم فرهنگی بزرگ دشمن اینست که به مغز و باور ایرانی تزریق کرده اند که باید دنباله روی غرب و اروپا باشی و نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم.
- < مسأله ی آمریکا و استکبار این است که از شکل گرفتن یک ایران قدرتمند و پیشرفته نگرانند. آنها با پیشرفت ملت ایران مخالفند.





رهیافتِ راهبر

- < آنچه امروز در تبلیغات غربی ها در مورد انرژی هسته‌ی گفته می‌شود، هدفش این است که ملت ایران را از یک پیشرفت علمی و فناوری محروم کند.
- < پیشرفت علمی هر ملتی برای قدرتهای بین‌المللی، یک خطر محسوب می‌شود.
- < دشمن، سه هدفِ عقب‌ماندگی علمی، عقب‌ماندگی اقتصادی و شکستن یکپارچگی ملی را بجد تعقیب می‌کند.
- < تبلیغات دشمن و جنگ روانی شبکه‌های تبلیغاتی صهیونیستی در دنیا شایعه می‌پراکنند حقیقت اینست که آنها با پیشرفت ملت ایران مخالفند؛ چون این پیشرفت جلوی منافع نامشروع آنها را برای همیشه در این کشور خواهد گرفت.
- < دوره‌ی انحطاط، یعنی این فکر که ما چرا تولید کنیم؟ چرا بسازیم؟ چرا یاد بگیریم؟ ما در خانه‌های خود می‌نشینیم، برایمان می‌آورند و وسایل لازم را در اختیار ما می‌گذارند؛ ما نفت داریم، می‌دهیم و زندگی اشرافی می‌کنیم.
- < می‌خواهند جمهوری اسلامی نتواند از طریق رشد صنعتی و فنی و علمی، روی ملتها تأثیرگذاری کند.
- < دشمنان می‌خواهند روشهای نوین و فناوری جدید، به این ملت نرسد؛ زیرا اگر این ملت، با این استعدادی که دارد، دستش به دانش و فناوری جدید رسید، دیگر به هیچ وجه نمی‌تواند با او مقابله کنند.
- < دشمنان می‌دانند که توفیق ملت ایران در بنای جامعه‌ی آباد و برخوردار از خیرات مادی و معنوی است و این به معنای خط بطلان کشیدن بر مطامع استعماری و استکباری آنهاست.
- < به همان اندازه که ملت ایران به ساختن و پرداختن کشور و جامعه‌ی خود مشتاق است، دشمنان از آن هراسان و نسبت به آن خشمگینند و همه‌ی دشمنی آنان به این خاطر است که ملت انقلابی ما را از رسیدن به آینده روشن باز دارند.
- < تدابیر دشمنان انقلاب در کنار دزدیدن مغزها و بردن استعدادهای عبارتند از: ۱. تبلیغات سوء در سراسر عالم ۲. بزرگ جلوه دادن عیبهای کوچک ۳. پوشاندن محاسن بزرگ ۴. پاشیدن بذر بی ایمان در محیط علم.
- < اروپاییان پیشرفتهای علمی را وسیله‌ی برای بی‌اعتقادی به دین و خاموش کردن شعله‌ی ایمان دینی در دلها و از بین بردن بیداری وجدان دینی در آحاد مردم قرار دادند. لذا دانشگاهها را از اول بر پایه‌ی بی‌اعتقادی گذاشتند.



- < کشورهای استکباری برای کشور ما به‌طور ویژه برنامه‌ریزی کردند تا نگذارند در این جا مغزهای کارآمد و درخشان و استعدادهای برجسته رشد کنند یا بمانند.
- < بعضی از قدرتهای جهانی، با سوء استفاده از علم و صنعت پیشرفته‌یی که در اختیار دارند مهارهای سیاسی، تولیدی، تبلیغات و فرهنگ عمومی ملتها را در سرتاسر جهان به دست خود گرفته‌اند.
- < نظام جهانی نظام سلطه، استکبار و ظلم است و بوسیله دانش توانست اینجور به دنیا زورگوئی کند.
- < غربیها از این برتری علمی، برای مقاصد سیاسی و اقتصادی سلطه خود استفاده کردند.
- < لازم است علم از درون خود ما بجوشد، زیرا دشمن در حال مقابله با پیشرفت علمی ماست.
- < دنیا پیشرفتهایی در معلومات دارد. ما را دویست، سیصد سال عقب نگه داشتند و نگذاشتند ترقی کنیم. ماباید خودمان رابه آنها برسانیم و معلومات آنها را یاد بگیریم.
- < توطئه‌ها و دروغ‌پراکنی دایمی در رسانه‌های وابسته به استکبار به خاطر این است که ملت انقلابی ما را از رسیدن به آینده‌ی روشن باز دارند.
- < دشمنان می خواهند کشور ثبات خود را از دست بدهد، زیرا در یک کشور بی ثبات، نه کار علمی می شود کرد نه کار اقتصادی؛ نه کار فرهنگی؛
- < یکی از چیزهایی که امروز مورد توجه سرویسهای اطلاعاتی است، این نکته است که ببینند چگونه می‌توانند دانشجوی بیدار و دانشگاه آگاه ایرانی را از آن راهی که می‌تواند به اعتلای کشور بینجامد، منصرف کنند و مانعش بشوند.
- < توجه داشته باشید که این هوچیگری‌ها یکی از شیوه‌های سه‌گانه برای متزلزل کردن اعتماد به نفس یک ملت است. من از اینکه این هوچیگری‌ها در نخبه‌ها اثر مطلوب بگذارد، نگرانم.
- < غربی‌ها، آمدند نخبگان کشورهای دیگر را در مشت گرفتند، افکار خودشان را به اینها تلقین کردند؛ بعد اینها را رها کردند توی کشورهای خودشان، تا افکار سیاسی خودشان را بدون مزد و منت در آن کشورها پیاده کنند.
- < سالهای متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده و حرفهای جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده‌یی هنوز وقتی می‌خواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه‌ی قدیمی نگاه می‌کنند! اینها دو عیب دارند: یکی این‌که مقلدند، دوم



این که از تحولات جدید بی‌خبرند.

۸- تهاجم به زنان مسلمان

- < دنیای غرب با کشاندن زن به ابتدال، فرصت اندیشیدن و فکر کردن و تصمیم‌گیری را از او گرفت.
- < گرایش به سمت مدگرایی و تجمل‌گرایی و تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل اینها، خانمها بایستی مقاومت کنند.
- < هدف اروپاییها غلبه جاهلیت خودشان بر معرفت عالم و تقلید از آنها از راه رواج سبک مد و مصرف و آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی در بین زنان می‌باشد.
- < تهاجم دشمنان به حجاب اسلامی، نشان دهنده ی گرایش زنان به حجاب است.
- < فرهنگ غرب در مورد زن، بی‌بندوباری و به ابتدال کشاندن آنها است تا بنیان خانواده سست و متزلزل گردد.
- < در مسئله زن ما از دنیا طلبکاریم زیرا با کشاندن زن و مرد به وادی ابتلائات جنسی و برافروختن و دامن زدن به آتش زیاده‌روی‌های جنسی بی‌قانون و بی‌نظم در جامعه، به زن ضربه زدند و ارزش زن را تنزل دادند؛
- < غریبها دختر دانشجو را تو دانشگاه راه نمیدهند، به خاطر اینکه روسری دارد، آن وقت به ما میگویند چرا شما حجاب را اجباری کردید! این در جهت کرامت زن است، آن در جهت پرده‌داری و بی‌احترامی به زن است.
- < امروز دنیای غرب است که تدریجاً به سمت حجاب اسلامی متمایل می‌شود.
- < یکی از مهمترین علل مخالفت شدید و خصمانه ی دولتهای غربی با جمهوری اسلامی، مسأله حجاب است زیرا حجاب بر خلاف فرهنگ پذیرفته شده ی غرب می‌باشد.
- < در رژیم گذشته از زن به عنوان یک ابزار و وسیله، در راه مقاصد گوناگون استفاده می‌کردند.
- < جمهوری اسلامی، به روابط بی‌بندوبار زن و مرد معتقد نیست؛ به نظر بعضیها، این یک مسأله ی فرعی و جزئی است؛ در حالی که اشتباه می‌کنند، مسئله حجاب و روابط اسلامی میان زن و مرد بسیار مهم است.



۹- تهاجم به فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت

- < امروز بعضی با کارهای فرهنگی خطرناک، می‌خواهند دفاع مقدس را از خاطر ملت ایران ببرند.
- < خواست دشمن، کنار رفتن همه ی ارزشهای خوب و الهی بسیجی از جامعه است.
- < هدف دشمن در تهاجم فرهنگی عبارت است از ایجاد گسست بین نسل کنونی و گذشته، بی‌ایمان کردن و کوچک کردن افتخارات انقلاب و دوران دفاع مقدس.
- < اگر ایثارگری رزمندگان نبود، معلوم نبود که کشور، تمامیت ارضی داشته باشد یا نه. امنیت داشته باشد یا نه. دشمن داخل کشور ما باشد یا نه و این، بر ما دیکته می‌کند و واجب می‌سازد که در همه مراحل، مواظب و مراقب باشیم و نگذاریم که خدای نکرده، حق طبقات ایثارگر کشور به بعضی از حرفها و نقهایی که گاهی گوشه و کنار زده می‌شود؛ آن هم از سمت کسانی که در جنگ، هیچ گونه دلسوزی‌ای نداشتند و برای این انقلاب و برای جنگ و در میدانهای خطر، هیچ گونه تلاشی نکردند، ضایع شود.
- < مقابله دشمن با اصل مجاهدت و شهادت فی سبیل الله، جهت تبدیل انقلاب و نظام اسلامی به یک موجود بی دفاع.
- < توصیه‌ی من به دانشجویان و جوانان این کشور آن است که عامل قدرت ملی و شاخص ایمان خالصانه -جهاد و شهادت- را از دست ندهید و آنرا بزرگ بشمارید. شهیدان سرافراز خود را تجلیل و تقدیس کنید، آخرین وصایای آنان را که غالباً رشحاتی از فیض و هدایت الهی است با چشم تدبّر بخوانید. ابزار قدرت خود را از دست ندهید آنرا بکار بیاندازد و به کمک و حمایت الهی امیدوار باشید.

فصل سوم

۱- ترویج فساد و فحشا

- < امروز مسأله‌ی همجنس‌گرایی در دنیای غرب برای آنها و اندیشمندان یکی از ابتلائات و یکی از دردهای بزرگ و غیرقابل علاج شده است؛ چاره‌ای هم ندارند.
- < تشکیلات صهیونیستی، برای فساد نسل بشر، از حدود صدوپنجاه سال پیش از طریق ایستگاههای تلویزیونی و رادیویی شروع به برنامه‌ریزی و اشاعه‌ی فساد و فحشا کرده‌اند، زنها را از عفت بشری خارج ساختند و مردها را به فساد و راحت‌طلبی و تنبلی و عشرت‌جویی و مصرف‌گرایی کشاندند و به قبول وضع زندگی حیوانی وا داشتند. غریزه‌ها بجای گرفتن خصوصیات خوب غریبه‌ها از جمله ریسک‌پذیری و روحیه تلاش برای علم؛ اختلاط زن و مرد، عیاشی، پشت‌میز‌نشینی و ارزش‌کردن لذات و شهوات را به همراه آوردند.
- < بعضی از کشورهای غربی، در مسئله آزادی شهوات جنسی خیلی پیش‌رفته‌اند و زندگی خودشان را به شکلهای شرم‌آوری درآورده‌اند. این چیزی است که متفکران و سیاستمداران و برنامه‌ریزان و مدیران کشورهای غربی در آن گیر کرده‌اند.
- < از مشترکات فرهنگی دو سبک حکومت در غرب و شرق؛ کشاندن آحاد مردم به غفلت و رها کردن زمام شهوات و هواهای نفسانی است.
- < غرب می‌خواهد فساد و بی‌بند و باری را به کشورهای اسلامی صادر و حاکم کند.
- < در درون وجود ما، بزرگترین دشمن ما کمین‌گرفته و آن، نفس‌اماره و شهوات و خودخواهی و خودپرستیهای ماست.
- < رواج دنیا‌طلبی و فساد و فحشا، غیرت دینی و حساسیتِ مسؤولیت‌ایمانی را می‌گیرد.



فساد و فحشا جامعه را تخدیر می‌کند.

- < دشمنان ما می‌خواهند ملت‌های مسلمان به یک عیشِ ذلتِ بار و غفلتِ آمیز و غرق شدن در گنداب و قبول سلطه بیگانگان، سرگرم شوند.
- < باید از فرهنگ غرب و اروپا و امریکا گریخت و ذهن خود را به روی آن بست زیرا فرهنگ غرب، فرهنگ برنامه‌ریزی برای فساد انسان است و از روز اول، برای فساد انسانها و خروج انسانیت از دایره‌ی فضایل انسانی بنیانگذاری شد.
- < آنچه که جامعه ما را فاسد می‌کند، غرق شدن در شهوات و از دست دادن روح تقوا و فداکاری است.
- < فساد، یک ملت را به خودی خود ضایع و باطل می‌کند و آینده‌ی او را تباہ می‌سازد.
- < در هر جامعه‌ی، راه مبارزه‌ی ساده و آسان با ادیان این است که راه عنان‌گسیختگی و مهارگسیختگی شهوات را باز کنند.
- < امواج صوتی، تصویری حامل ابتدال، بدتر و نافذتر از کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی، برای سلطه مجدد دشمنان جهانی اسلام، زمینه‌سازی می‌کنند.
- < ماهواره واقعاً گنداب فساد است که تیرهای زهرآگین خود را به سمت ملت‌ها و کشورها هدفگیری می‌کند.
- < امروز سلطه‌گران در همه جای دنیا در فکر سلطه فرهنگیند؛ یک نمونه‌اش هم ماهواره است.
- < فساد و فحشایی که به جامعه‌ی ما تزریق می‌کنند، تا جوانان ما را مبتلا کنند، توطئه است تا این بنا را از بیخ و بن برکنند و بنای استعماری به پا کنند.
- < سعی دشمن در تهاجم فرهنگی از بین بردن ایمان مذهبی مردم از طریق ترویج فساد اخلاقی و شهوترانی و شهوتگرایی است.
- < در داخل کشور ممکن است خیلی از زمینه‌های فساد به‌طور طبیعی وجود داشته باشد. اما وقتی که دشمن به فکر این است که یک ملت را زمینگیر کند، همین عوامل ابزاری در دست دشمن می‌شود و آنها را تشدید می‌کند.
- < اولین اقدام دشمنان این است که جوان را به بی‌بندوباری و فساد سوق دهند و فروغ حیا را در او بمیرانند.
- < دشمن نباید بتواند با ترویج فرهنگ فساد، انقلاب را از درون بپوساند.
- < تلاش می‌کنند تا فساد را به صورت نامحسوس و به شکل‌های گروهکی، ترویج کنند و



جوانان را به فساد بکشانند؛ مردم را به بی‌اعتنایی بکشانند.

◀ امروز مهمترین طرح دشمن، «انتظار» است. امروز دشمنان منتظرند که فساد در داخل این کشور نفوذ پیدا کند؛ تردید در اذهان جوانان این کشور نفوذ پیدا کند؛ سرگرمیهای باز دارنده و فاسد، بر آرمانهای بزرگ غلبه پیدا کند؛ دنیا طلبی و اشتغال به مال و زینت دنیا رایج شود و لذت پول و زندگی راحت و تجملاتی، خود را زیر دندان عناصر انقلابی نشان دهد.

◀ به بهترین جوانان این روزگار که شما باشید، سفارش و تأکید می‌کنیم که مواظب سیل گنداب فساد باشید.

◀ سعی و تلاش بلند مدت استکبار، کم کردن قدرت معنوی آحاد مردم به وسیله ی ترویج ابتذال، مادیگری و نفع پرستی است.

◀ ترویج شهوات، لابلایگری و طعمه های مالی، راه دشمن است برای میراندن احساس تعهد و تبدیل انسانهای متعهد به انسان بی تعهد و بی فایده و خستی.

◀ اگر بنا شود که کسانی مردم را به بی‌ایمانی و به شهوات سوق دهند، در این کار، آزاد نیستند. این آزادی، آزادی خیانت است.

◀ ضرورت مقابله با باندها و دستهایی که به شکل یک گروهک می خواهند جوانان را فاسد کنند.

◀ نفوذ در نسل جوان، ایجاد فساد در میان سربازان واقعی اسلام، جوانان را به مسایل فسادبرانگیز سرگرم و مشغول کردن، توطئه ی فساد انگیزی دشمن است.

◀ این منطق درست نیست که ما بگوییم چون تا پنج سال دیگر فنآوری ماهواره پیشرفت خواهد کرد و بدون بشقاب هم مردم ممکن است تصاویر ماهواره را بگیرند، پس از حالا جلویش را باز کنیم!

◀ امروز مسأله‌ی همجنس‌گرایی در دنیای غرب برای آنها و اندیشمندان یکی از ابتلائات و یکی از دردهای بزرگ و غیرقابل علاج شده است؛ چاره‌ای هم ندارند.

◀ تشکیلات صهیونیستی، برای فساد نسل بشر، از حدود صدوپنجاه سال پیش از طریق ایستگاههای تلویزیونی و رادیویی شروع به برنامه‌ریزی و اشاعه‌ی فساد و فحشا کرده‌اند، زنها را از عفت بشری خارج ساختند و مردها را به فساد و راحت‌طلبی و تنبلی و عشرت‌جویی و مصرف‌گرایی کشاندند و به قبول وضع زندگی حیوانی وا داشتند. غریزه ها بجای گرفتن خصوصیات خوب غریبه‌ها از جمله ریسک‌پذیری و روحیه تلاش برای



علم؛ اختلاط زن و مرد، عیاشی، پشت میز نشینی و ارزش کردن لذات و شهوات را به همراه آوردند.

< بعضی از کشورهای غربی، در مسئله آزادی شهوات جنسی خیلی پیش رفته‌اند و زندگی خودشان را به شکل‌های شرم‌آوری درآورده‌اند. این چیزی است که متفکران و سیاستمداران و برنامه‌ریزان و مدیران کشورهای غربی در آن گیر کرده‌اند.

< از مشترکات فرهنگی دو سبک حکومت در غرب و شرق؛ کشاندن آحاد مردم به غفلت و رها کردن زمام شهوات و هواهای نفسانی است.

< غرب می‌خواهد فساد و بی بند و باری را به کشورهای اسلامی صادر و حاکم کند.

< در درون وجود ما، بزرگترین دشمن ما کمین گرفته و آن، نفس اماره و شهوات و خودخواهی و خودپرستی‌های ماست.

< رواج دنیا طلبی و فساد و فحشا، غیرت دینی و حساسیتِ مسؤولیتِ ایمانی را می‌گیرد. فساد و فحشا جامعه را تخریب می‌کند.

< دشمنان ما می‌خواهند ملت‌های مسلمان به یک عیشِ ذلت بار و غفلت آمیز و غرق شدن در گنداب و قبول سلطه بیگانگان، سرگرم شوند.

< باید از فرهنگ غرب و اروپا و امریکا گریخت و ذهن خود را به روی آن بست زیرا فرهنگ غرب، فرهنگ برنامه‌ریزی برای فساد انسان است و از روز اول، برای فساد انسانها و خروج انسانیت از دایره‌ی فضایل انسانی بنیانگذاری شد.

< آنچه که جامعه ما را فاسد می‌کند، غرق شدن در شهوات و از دست دادن روح تقوا و فداکاری است؛

< فساد، یک ملت را به خودی خود ضایع و باطل می‌کند و آینده‌ی او را تباہ می‌سازد.

< در هر جامعه‌ی، راه مبارزه‌ی ساده و آسان با ادیان این است که راه عنان‌گسیختگی و مهارگسیختگی شهوات را باز کنند.

< امواج صوتی، تصویری حامل ابتذال، بدتر و نافذتر از کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی، برای سلطه مجدد دشمنان جهانی اسلام، زمینه‌سازی می‌کنند.

< ماهواره واقعاً گنداب فساد است که تیرهای زهر آگین خود را به سمت ملت‌ها و کشورها هدفگیری می‌کند.

< امروز سلطه‌گران در همه جای دنیا در فکر سلطه فرهنگیند؛ یک نمونه‌اش هم ماهواره است.



- < فساد و فحشایی که به جامعه‌ی ما تزریق می‌کنند، تا جوانان ما را مبتلا کنند، توطئه است تا این بنا را از بیخ و بن برکنند و بنای استعماری به پا کنند.
- < سعی دشمن در تهاجم فرهنگی از بین بردن ایمان مذهبی مردم از طریق ترویج فساد اخلاقی و شهوترانی و شهوتگرایی است.
- < در داخل کشور ممکن است خیلی از زمینه‌های فساد به‌طور طبیعی وجود داشته باشد. اما وقتی که دشمن به فکر این است که یک ملت را زمینگیر کند، همین عوامل ابزاری در دست دشمن می‌شود و آنها را تشدید می‌کند.
- < اولین اقدام دشمنان این است که جوان را به بی‌بندوباری و فساد سوق دهند و فروغ حیا را در او بمیرانند.
- < دشمن نباید بتواند با ترویج فرهنگ فساد، انقلاب را از درون بپوساند.
- < دشمنان می‌کوشند بعضی از این نقاط قوت را که قابل گرفتن است، از ملت ایران بگیرند و بعضی را که قابل گرفتن نیست، از نظر این ملت پوشیده بدارند و روحیه او را تضعیف کنند!
- < صهیونیستها و دشمنان روشهای تبلیغاتی بسیار فزالی دارند، اینها بی‌حساب و بی‌هدف تبلیغ نمی‌کنند، کسی را مورد تهاجم قرار نمی‌دهند یا کسی را بالا نمی‌کشند. یا طمع دارند، یا هدفی دارند؛ بنابراین باید مراقب بود.
- < امروز دشمنان علاوه بر امنیت اخلاقی و فرهنگی که به شدت روی آن کار می‌کنند در صدد از بین بردن امنیت اجتماعی و مدنی ما هستند.

۲- ایجاد اختلاف و تفرقه

- < دشمن وقتی می‌تواند به هدفهای خودش برسد که بتواند در بدنه حاکمیت نظام و در مسؤولان بخشهای مختلف، اختلاف و شکاف ایجاد کند.
- < هدف مهم استکبار ایجاد اختلاف بین ایران اسلامی و مسلمانان عالم است.
- < امروز تنها نقطه امید دشمنان جهت صدمه زدن به انقلاب اسلامی، ایجاد اختلاف و شکاف بین مسؤولان، بین دولت و ملت و آحاد مردم.
- < بزرگترین و فاجعه‌آمیزترین مانع در راه حاکمیت و سیادت اسلام این است که مسلمین را در درون جوامع اسلامی به جان هم بیندازند.



- < یکی از چیزهایی که هنگام پیروزی انقلاب، دشمنان خارجی را نسبت به شکست انقلاب امیدوار می‌کرد، مسأله تعدّد اقوام، در سرزمین پهناور ما بود.
- < قرار دادن اصحاب ادیان و مذاهب مختلف در مقابل هم، جلوگیری از همکاری ملتهایی که دارای عقاید مختلفند، ایجاد درگیری و بحران، خواست قدرتهایی است که ادامه‌ی حیاتشان منوط به بحران‌آفرینی است.
- < فاصله‌یی که دشمنان ملت مایلند میان ملت و دولت به وجود آید، همان چیزی است که اگر خدای نخواستہ موفق شوند، دست آنان و ایادی حقیر و ریاکار و خبیث آنان در داخل را برای ضربه‌زدن به کشور و انقلاب باز خواهد کرد. این، هدف همیشہ‌ی دشمن بوده و هست.
- < تفرقه کشورهای اسلامی، منجر به عدم قدرت دفاع در برابر غاصبان سرزمین و فرهنگ گردیده است.
- < هر کس فضای تهمت زنی در داخل کشور و جنگ روانی علیه نظام را تقویت و تشدید کند، مزدور آمریکاست و برای آمریکا کار کرده است؛ چه از آمریکا پول بگیرد، چه نوکر بیمزد و مواجب آمریکا باشد.
- < هر کسی که امروز به هدف استکبار در جدا کردن ملت ایران از ملتها و کشورهای دیگر کمک کند در نزد خدای متعال، حکم همان دشمنان اسلام و مسلمین را دارد که با اسلام در زمان پیامبر جنگیدند؛
- < تقریباً تمام دستگاههای تبلیغی دنیا همتشان را در این متمرکز کرده‌اند که ثابت کنند در دستگاههای اصلی نظام جمهوری اسلامی، اختلاف عمیق هست! برای این که چهره‌ی این نظام را در دنیا مغشوش جلوه بدهند.
- < یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه‌گیر اسلامی این است که از سوی انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه‌یی آن - و نه اسلامی به معنای عام - معرفی کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و تقار میان شیعه و سنی سعی بلیغ کنند.
- < جدا کردن ملتهای مسلمان از ملت ایران، یکی از هدفهای مشخص و تعریف شده استکبار است کسی که علناً و آشکارا، مقدّسات فرقه‌ای از فرق مسلمین را به باد اهانت بگیرد، خواست استکبار را انجام داده است.
- < امروز رادیوهای بیگانه همه تلاششان این است که اختلافات جناحی را مرتّب تشدید کنند.



- < درگیری در سطوح بالای حکومت، همان چیزی است که دشمن آن را می‌خواهد و آن را به‌جد تعقیب می‌کند.
- < لزوم توجه و مراقبت نسبت به توطئه دشمن در دل چرکین کردن گروه‌های جامعه نسبت به یکدیگر.
- < بدانید آن کسانی که شیعه را علیه سنی و سنی را علیه شیعه تحریک می‌کنند، نه شیعه را دوست دارند و نه سنی را؛ با اصل اسلام دشمنند.
- < هدف دشمن فقط دامن زدن به اختلافات سیاسی در بین جناح‌های سیاسی نیست؛ ایجاد اختلاف و دوگانگی در رأس حاکمیت نظام است.
- < دشمن برای برجسته کردن یا ایجاد موارد اختلاف، به نقاط اختلاف در میان ملت بزرگ ایران چشم دوخته است.
- < لزوم دوری و مراقبت از دو عامل تفرقه‌آمیز میان مسلمین: ۱. عامل درونی؛ تعصب‌های ما که نباید از مرز اثبات به مرز نفی، همراه با تعرض و دشمنی تجاوز کند. ۲. عامل بیرونی؛ دست مغرض تفرقه افکن دشمنان اسلام.
- < لزوم هوشیاری و آگاهی نسبت به توطئه تروریست پروری و مزدورسازی آمریکا برای اقوام ایرانی؛
- < لزوم اجتناب از تمسخر اقوام و لهجه‌ها، زیرا کار دشمنان بوده و در حرمت آن هیچ شکی نیست.
- < نقشه آمریکا، در جریان سیاسی استحاله، ایجاد اختلاف و کوبیده شدن جناح‌های گوناگون به دست یکدیگر است.
- < لازم است جناح‌ها از خودشان غفلت نکنند و مراقب نفوذ دشمن در درون خود باشند تا دچار خطر نشوند، زیرا دشمن از آن طرف به عنوان ارزش‌گرایی می‌آید و با هر گونه تحولی مخالفت می‌کند و از سمت دیگر به عنوان تغییر و تحول و پیشرفت می‌آید و با اساس ارزش‌ها، اسلام و اصل تدین مردم مخالفت می‌کنند.
- < عده‌ای سعی می‌کنند طبق خواست و میل و صلاح‌دید دشمنان این ملت، جهات غیرعمومی را - قومیتها و مذاهب و دسته دسته کردن مردم و بازی با الفاظی از قبیل حزب و امثال آن را - در میان مردم رایج کنند و یکپارچگی و وحدت مردم را به هر شکلی دچار انشقاق و پراکندگی کنند.
- < سه محور تبلیغی دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی عبارت است از:



انگیزه راهبردی امنیت‌نرم
جمهوری اسلامی ایران

رهیافتِ راهبر

- < اصرار به اختلاف؛ اختلاف بین مسئولین. اختلاف بین مردم و مسئولین. اختلاف بین مردم!
- < گرایش به غرب، یا گرایش به امریکا
- < بی‌اعتقادی مردم به اسلام و نظام و ایمان اسلامی
- < یک بخش از جنگ روانی دشمن، دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی جناحی و صنفی است.
- < هوشیار باشید که دشمن برای مبارزه با اسلام و انقلاب در تلاش برای اختلاف افکنی بین شیعه و سنی است.
- < لزوم هوشیاری و بیداری در برابر توطئه‌های استکبار در اختلاف افکنی بین شیعه و سنی؛

۳- تلاش برای استحاله انقلاب

- < روش شناخته شده دشمن: از یک طرف، فشار فراوان می‌آورند و از طرف دیگر، چهره باز و آغوش گشاده نشان می‌دهند. وقتی آن دولت این اشتباه را کرد و به دعوت آنها «بله» گفت، پشتیبانی مردمی و استقلال خود را از دست خواهد داد؛ آن وقت، فشارها را باز هم شدیدتر می‌کنند و او را در مشت خود می‌گیرند.
- < در بسیاری از کشورهای دنیا استکبار، انسانهای پولدوست را شناسایی نموده و با پول می‌خرند و اسیر خودشان می‌کنند.
- < نیاز درازمدت استکبار این است که انقلاب اسلامی را یا با تبلیغات و انواع و اقسام تدابیری که دارند، از لحاظ کیفیت تغییرش بدهند؛ یا اگر نمی‌توانند، آن را محو فیزیکی کنند.
- < قصد دشمنان این است که پیام انقلاب را عوض کنند و حقیقتی را که به دست خود ملت اتفاق افتاده، غلط جلوه دهند.
- < استحاله دستاوردهای انقلاب و اهداف امام، جزو هدف‌های اصلی استکبار جهانی است.
- < توجه داشته باشید که دأب سیاستهای مسلط عالم این بوده و هست که جنبشها و حرکت‌های عدالتخواهانه مردم نقاط مختلف دنیا را از بین ببرند.
- < نقشه‌ی آمریکا، استحاله ملت ایران از درون است به طوری که ملت را نسبت به آرمانها و عقاید و هدف‌هایش بی‌تفاوت و بی‌اعتنا کنند و بعد بتوانند به‌وسیله عوامل و مزدوران خود





زمینه را برای بازگشت سیطره امریکا بر ایران فراهم نمایند.

◀ فوریت‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی برای تردید افکنی در مبانی اسلام و انقلاب در کشور است.

۴- نفوذ در جبهه‌ی انقلاب

◀ کسانی دم از اصلاح و اسلام می‌زنند؛ اما در کنار کسانی قرار می‌گیرند که صریحاً علیه اسلام و حکومت اسلامی، شعار می‌دهند و شعار سکولاریزم و حکومت منهای دین و حکومت غیردینی و حکومت ضدّ دینی و لائیسزم را می‌دهند؛ نفوذیند؛ اینها بیگانه و غریبه‌اند.

◀ نفوذ دشمن در مراکز فرهنگی بسیار خطرناک است زیرا ذهن، ایمان، باورها و خط سیر صحیح مردم را قبضه می‌کنند و در اختیار می‌گیرند.

◀ ظواهر، مورد نظر و ملاک نیست و اعتبار ندارد. باطن قضیه این است که برخی اشخاص با اصل نظام مخالفند، و مبارزه هم می‌کنند.

◀ دشمن امروز امیدوار است شاید بتواند از ضعفها استفاده کند؛ از ساده‌اندیشیها استفاده کند؛ جای پای خود را در دستگاههای سیاسی کشور و دستگاههای فرهنگی کشور باز هم باز کند.

◀ مطبوعات و بعضی اشخاص کاری نکنند که دشمن احساس کند که می‌شود از این‌جا در داخل نظام رخنه کرد و نفوذ خود را گسترش داد.

◀ همت دشمن این است که عناصر بیگانه را به داخل حکومت نفوذ کند.

◀ حمله دشمن همیشه نظامی نیست. دشمن ممکن است حمله فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و حمله امنیتی کند یا در دستگاههای حسّاس نفوذ نماید. لذا مسؤولان به‌طور مضاعف بایستی هشیار باشند.

◀ از راههای نفوذ در میان مردم، شایعه‌پراکنی برای از بین بردن امید است. اگر امید را گرفتند، همه چیز را گرفته‌اند.

◀ دشمن وقتی بخواهد ایجاد اغتشاش و درگیری کند، در بین بچه‌های مؤمن و حزب‌اللهی به‌عنوان طرفداری از رهبری نفوذی می‌فرستد. مراقب نفوذیها باشید.

◀ امروز در عالم فرهنگ و هنر، شبکه‌ی نامرئی در سایه‌ی در داخل کشور فعال است، و



تصمیمش بر این است که به ارزشهای اسلام و انقلاب هجوم بیاورد. انصافاً کار سازماندهی شده و خوب و دقیقی هم می‌کند.

< ملت ما باید کاملاً هشیار و بانشاط، هر توطئه‌ی بی‌خفتی را خنثی کند، بخصوص مراقب نفوذیهای دشمن، شایعه‌پراکنان و خناسان پنهان و آشکار باشد.

۵- ایجاد یأس، ناامیدی و تردید

< ناامیدی درد بزرگی است و برای نابود کردن یک ملت، از همه‌ی وسایل مؤثرتر، ناامید کردن آن ملت است. ملتی را ناامید کنید، نابود می‌شود. وقتی امید نبود، حرکت و نشاط نیست. وقتی حرکت و نشاط نبود، آینده نیست. ما دلیلی برای ناامیدی نداریم؛ صد دلیل برای امید داریم.

< یکی از عواملی که در ذهنیت کل جامعه، به قول روانشناسان «روان پریشی» به وجود می‌آورد، ناامیدی و یأس است.

< روشنفکران غرب با حرف و عمل خودشان به مردم اینجور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه‌ی هیچ کاری را ندارید؛ باید تقلید کنید.

< نسل اول روشنفکران این کشور به ملت ایران تبیین کردند که تو چیزی نیستی. ارزشها تو و اعتقادات تو به چیزی نمی‌ارزند. توانستند یک نسل از خود بیگانه‌ای درست کنند که پذیرای یک حکومت ظالم و دست‌نشانده‌ای مثل حکومت رضاخان باشد.

< ریشه بسیاری از خودکم‌بینی‌ها در عرصه‌های گوناگون، نشانه واقع‌بینی نیست؛ بلکه فرهنگ و فهمی است که در روح کالبد جامعه تزریق شده است.

< فروپاشی - به معنای ایجاد تردید، تزلزل و دودلی در مردم - از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اصلی دشمن است.

< تردید افکنی نسبت به مسئولان کشور بی‌شک ضربه به آینده‌ی کشور و خیانت به آرمانهای انقلاب محسوب می‌شود و گناهی نابخشودنی است.

< امروز هر نفسی و هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد و به صدا درآید بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند.

< دشمنان ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی فقط به دو موضوع می‌توانند امید داشته باشند:

۱. القاء ناکارآمدی نظام. ۲. ایجاد دسته‌بندی و اختلاف.



- < از عواملی که باعث واگرایی مردم است، تبلیغ ضعف مدیریت در کشور و نبود اقتدار است.
- < دشمن تلاش می‌کند دولت و مسئولین را در چشم مردم از صلاحیت و ابهت لازم ساقط کند. این کار دشمن است.
- < کار اولی که استکبار در کشورها می‌کند، این است که کانونهای حقیقی صدق از قبیل رسانه‌های صادق و انسانهای مؤمن را زیر سؤال ببرند؛ تهمتها بزنند و مردم را مردّد کنند.
- < امروز اساس حرکت دشمن علیه این نظام، یک حرکت فرهنگی و روانی است. می‌خواهند مردم را به آینده این کشور بدبین و ناامید کنند. می‌خواهند مردم را به انقلاب و دولتمردان بدبین کنند، در بین مسئولان جدایی بیندازند و تصویر تاریکی از آینده درست کنند.
- < دشمنان ملت با تهدید، جنگ روانی، دلسرد کردن مردم، ایجاد دودستگی، تحریک عصبیتها و فشارهای فرسایشی سعی دارند مردم در موفقیتشان، آینده‌شان و کفایت مسئولانشان تردید و پیدا کنند؛ شاید بتوانند تصمیم‌گیران کشور را در تصمیم‌گیریهای بزرگ خودشان دچار تزلزل کنند؛ کار دشمن اینهاست دشمن ابزار دیگری ندارد.
- < هدف جنگ روانی، مرعوب کردن مسئولان، شخصیتهای سیاسی و نخبگان است. می‌خواهند نعمت اعتماد ملت به مسئولان را بگیرند و مردم را بی‌اعتماد کنند.
- < اگر دشمن بخواهد امید را از مردم دنیا بگیرد، باید وانمود کند که ملت ایران نتوانستند پایداری کنند و مقاومتشان تمام شد. در نتیجه همان امیدی که در دلهای مسلمانها و ملتها و مستضعفان به وجود آمده بود، به یأس مبدل خواهد شد.
- < آمریکا می‌خواهد این را برای افکار عمومی دنیا جا بیندازد که ایران از مواضع قبلی خود عدول کرده است.
- < القای شعار انقلاب‌زدایی، امام‌زدایی توسط خبرگزاری‌های بیگانه و تکرار همان حرفها توسط افراد داخلی در راستای سیاست جهانی دشمنان است.
- < معرفی جمهوری اسلامی به عنوان یک جمهوری ضدّ دموکراسی، ارتجاعی و طرفدار بنیانهای کهنه و منسوخ با هدف زیر سوال بردن ایران در افکار عمومی دنیا و داخل کشور؛
- < اتهام نقض حقوق بشر و طرفداری از تروریسم، ابزاری در دست قدرتهای جهانی برای خارج کردن نظرات مخالفان از میدان است.
- < یکی از محورهای جنگ روانی دشمن این است که می‌گویند نسل سوم انقلاب از ایده‌های انقلاب جدا شده است و فلسفه آن این است که همواره در همه‌ی انقلابها، نسل سوم از آن



انقلاب رو برگردانده‌اند! این حرف غلط است.

- < یکی از هدفهای دشمن این است که با تحریک احساسات، در کشور ایجاد ناامنی کند.
- < از ابزارهای جنگ نرم ایجاد اختلاف، بدبینی و بددلی در بین مردم جامعه برای عدم تشخیص صحیح امور توسط مسئولین است.
- < ترفند بزرگ دشمن: نومید کردن و بدبین کردن نسبت به آینده؛
- < تردیدافکنی در ارزشهای اصولی، بزرگنمایی مشکلات و نفی موفقیتها، از نیازهای قطعی امریکا است. تا بتواند موفقیت خود را در تقابل با جمهوری اسلامی تضمین کند.
- < بعضی از تصویرسازیهای منفی از نظام اسلامی در ذهن مردم، برای سلب اعتماد مردم از کارآیی نظام است.
- < وقتی یأس وارد جامعه شد، جامعه از پویائی خواهد افتاد؛ افراد مبتکر، افراد نخبه، افراد جوان و پُر نشاط منزوی میشوند، کناره‌گیری میکنند، دست و دلشان به کار نمی‌رود، مشارکتها کم میشود، پویائی جامعه از دست می‌رود. این یکی از خطوط کاری دشمن است.
- < دشمنان سعی می‌کنند آینده را در چشم مردم، کدر و ناامید کننده معرفی کنند. اگر می‌بینید که گاهی بعضی راجع به اوضاع اقتصادی و آینده کشور، حرفهای ناامید کننده می‌زنند، بدانید این حرفها اصلش از آن استکبار است.
- < امروز یکی از شگردهای مهم دشمن، تزریق و القاء احساس عقب ماندگی و ناتوانی است.



۶- سوء استفاده از غفلت خودی ها

- < یک لحظه توقف جایز نیست. ما باید بدانیم دشمنان زخم خورده و همچنان در کمینند تا ما یک لحظه غفلت کنیم. لذا غفلت برای ما حرام است.
- < اشتباه و غفلت و کوتاهی ما یقیناً یک جزء مهم و عنصر اساسی در موفقیت دشمن است.
- < امت اسلامی دورانی دراز، در غفلت از خویش گذرانیده است و عقب ماندگیهای امروز علمی و عملی و فرودست ماندن در میدان سیاست و صنعت و اقتصاد، محصول تلخ آن غفلتها است.
- < در سیاست، غفلتها گاهی مثل خیانتها خیلی ضربه می‌زند. خطاها گاهی اینجوری است؛ خطاست؛ اما در نتیجه آن تأثیری ندارد؛ همان ضربه وارد می‌آید.
- < همه کسانی که در این میدان، کار خلاف می‌کنند، دشمنان نیستند؛ بعضی هم دوستان



نادانند، بعضی خودیهای غافلند.

- < با غفلت از توطئه های استکبار جهانی، اسیر توطئه های آن می شویم.
- < نباید برای دشمن بهانه ایجاد کرد تا بتواند سوء استفاده کند. نباید با تحریک دشمن، متحرک شد.
- < دشمن از تنبلی ما، از غفلت ما، از اختلاف ما، سوء استفاده میکند. باید مراقب حرف زدنها، نوشتنها و موضع گیریهای خود باشید.
- < آگاه باشید اگر اندکی غفلت کنیم دشمن علیه مقدرات ما اقدام به حمله خواهد کرد.
- < به هم ریختگی محاسبات استکبار در اثر بیداری اسلامی.

۷- جهانی سازی

- < غربیها می خواهند کیفیت درک از مصالح و مفاسد بشری و اخلاق اجتماعی را به همه ی دنیا صادر کنند؛ همه هم این فرهنگ غربی را قبول کنند.
- < این «نظم نوین جهانی» که استکبار بیان می کند، سخنی است که نیتهای بسیار خائنانه و خباثت آمیزی پشت سر آن است، از جمله قدرت مطلقه و روزافزون امریکا و اینکه اسلامخواهان و آزادیخواهان در هیچ نقطه ی دنیا حق نداشته باشند نفس بکشند.
- < جهانیگری یعنی یک مجموعه از قدرتهای جهانی که درصددند فرهنگ و اقتصاد و عادات و آداب خودشان را به همه دنیا گسترش دهند؛ یک شرکت سهامی درست کنند که نود و پنج درصد سهمش در واقع مال آنهاست، پنج درصد بقیه هم مال همه کشورهای دیگر. اختیار در دست آنها و تصمیم گیری هم با آنهاست.
- < جهانی شدن، یعنی سلطه امریکا بر اقتصاد، فرهنگ، ارتش، سیاست، حکومت و تقریباً بر همه چیز کشورهای دیگر.
- < گفتمان جهانی، جهانی شدن، گفتمان واقع بینی، گفتمان پیوستن به نظم نوین جهانی؛ اسمش جهانی شدن است؛ اما باطنش امریکایی شدن است.
- < نظام به اصطلاح لیبرال دمکراسی هیچ چیز نیست جز این که بتوانند مراکز قدرت را کاملاً انحصارطلبانه و تمامت خواهانه، در اختیار داشته باشند.
- < دنیا را به عنوان دهکده جهانی معرفی می کنند، برای این که کدخدایی این دهکده را در اختیار بگیرند. شعار وحدت فرهنگی و جهانی گری فرهنگی می دهند، برای این که فرهنگ



خودشان را بر تمام فرهنگهای عالم مسلط کنند.

- < مسأله ی جهانی سازی که امروز در تجارت، پول، فرهنگ و شبکه های فرهنگی مثل اینترنت و مانند آن مطرح است، همه دانسته و نادانسته در خدمت یک مجموعه ی طبقاتی است.
- < باید دانست که جهانی شدن، اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر می کند بازارهای جهانی به رویش باز می شود.
- < نظم ظالمانه کنونی جهان برآنست که خود را بر همه ملتها و فرهنگها تحمیل کند و با هر کانون مقاومتی بی رحمانه و کینه جویانه به ستیزه گری بر خیزد.
- < امروز، تمام تلاشهای استکبار جهانی بر این متمرکز است که هر صدایی علیه نظام حاکم جهانی بلند شود، این صدا را خاموش و خفه کند.
- < آمریکا با طرح مسائلی چون جهان وطنی و دهکده جهانی سعی دارد با لشکری از ایدئولوگ ها، تئوریسین ها، نویسندگان و امثال اینها، بر دنیا حاکمیت پیدا کند.
- < موج جهانی گری امروز تهدید مضاعفی برای ایران و همه کشورهای غیراستکباری است.
- < اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال و قدرت تصمیم گیری خودشان را حفظ کنند، اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراب آن است.
- < همینهایی که امروز برای بیشتر بلعیدن دنیا، دنبال تفکر جهانی شدن هستند، چقدر در دنیا محکوم و منفورند. اما وقتی در خلأ وارد می شوند و در فضای بی معارض، تبلیغات می کنند، تأثیراتی را می گذارند. بنابراین ما هم باید روی افکار عمومی دنیا اثر بگذاریم.
- < فرهنگ غربی، در زمینه فرهنگهایی که زمینه ساز استعمار بوده، اجازه کوچکترین خدشه و مناقشه ای در سطح بین المللی به هیچ کس نمی دهند؛ اما از شما می خواهند که در فرهنگ و باورها و عواطف و اصول خودتان معتقد به تکثر و چندقرائتی باشید.
- < هدف آمریکا از مطرح کردن مسائلی چون جهان وطنی و دهکده جهانی، حاکمیت و ریاست بر جهان است.
- < جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره ای در ماشین سرمایه داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد.
- < گفتمان جدید دانشجویی عبارت است از گفتمان جهانی شدن، گفتمان واقع بینی، گفتمان پیوستن به نظم نوین جهانی؛ یعنی سیاهی لشکر آمریکا شدن! این جهانی شدن، اسمش



جهانی شدن است؛ اما باطنش امریکایی شدن است، می‌خواهند در زیر نامهای زیبا - جهانی شدن و تحوّل و پیشرفت - این هدف را پنهان کنند.

۸- تز جدایی دین از سیاست

- < بعد از انقلاب تا امروز، شاید بیشترین حمله‌ای که به اصول فکری سیاسی نظام جمهوری اسلامی شده است، حمله به اصل «عدم انفکاک دین از سیاست» است.
- < حکام و سلاطین مستبدی که نمی‌خواستند احکام اسلامی و منادیان آن، در امر حکومت آنها دخالتی بکنند، اولین پیشروان فکر انحرافی «جدایی دین از سیاست» محسوب می‌شوند.
- < امروز ایادی استکبار، با شیوه‌های مختلف این استدلال و نظریه را ترویج می‌دهند که چون امر حکومت، مشکلات دارد، دنبالش نارضاییها، دلزدگیها و ناامنیهاست. لذا، این امر موجب می‌شود که مردم از اصل دین، بیزار شوند. پس، اصلاً دین، باید به کل از سیاست کنار برود.
- < سیاستی که از دین جدا باشد، آلوده است؛ اما سیاست دینی به همان اندازه مقدّس است که عبادت دینی.
- < عدم انفکاک دین از سیاست و مقاومت در برابر فشار مادیگری مدرن، از اصول همیشه زنده‌ی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.
- < تلخ و تأسف انگیز است که کسانی به نام دین و در کسوت علمای دین جدایی دین از سیاست را تکرار کنند و در ترویج آن، سعی و تلاش کنند.
- < کسانی در اطراف دنیا نشستند، کتاب می‌نویسند، مقاله می‌نویسند، به زبانهای مختلف و در محیطهای دور از ایران و در همه جای جهان، گفتار تلویزیونی ارائه می‌کنند؛ برای این که ثابت کنند دین از سیاست جداست.

۹- فعالیتهای تبشیری

- < عامل استحکام استعمار در کشورها اضمحلال و تضعیف فرهنگ ملی و بومی کشورهای استعمار شده بوده و اگر در جایی فرهنگ به خاطر کهنسال بودن و ریشه دار بودن تحت تأثیر قرار نگرفته، اشغالگرها نتوانسته اند مدت زیادی در آنجا تأمین منافع کنند.



رهیافتِ راهبر

- < پیشاهنگان استعمار، کشیشها بودند که رفتند و مردم را مسیحی کنند، تا عنصر استعماری بتواند به آن جا بیاید و کار خودش را انجام بدهد.
- < در دوران تسلط استعمار، این فکر را به وجود آوردند که ایرانی باید علم و تجربه را از دیگران بیاموزد. نخواستند دانسته‌های دیگران را هوشمندانه یاد بگیریم و خودمان آنها را به کار بیندازیم.
- < یکی از غصه‌های دینداران دنیا این است که قدرتمندان مسلط بر کشورهای مسیحی، تبلیغ علی‌الظاهر دین مسیح در سطح دنیا را وسیله‌ای برای پیش بردن ماشین استعمار قرار دادند و اینها جاده صاف کن استعمار شدند.
- < توطئه استعمارگران در جوامع اسلامی عبارتست از: نزدیکی مردم به ارزشهای غیر اسلامی و دوری از ارزشهای خودی؛
- < استعمارگران، در هر جا خواستند وارد شوند، قبل از آن که سیاستمداران و سربازان وارد شوند هیأت‌های تبشیری مسیحی شان وارد شدند!

فصل چهارم

۱- استفاده از هنر، شعر، ادبیات و مطبوعات

- < عده‌ای به عنوان حرف نو، پلورالیزم فرهنگی را به فارسی برمی‌گردانند و درباره‌اش حرف می‌زنند و مقاله می‌نویسند و همه ارزشهای یک انقلاب و پایه‌های مستحکم فکری یک ملت را مورد خدشه و مناقشه قرار می‌دهند و مقصود این است که بر ملتها و کشورها و فرهنگهای دیگران مسلط شوند.
- < هر دستگاه، هر گفتار و هر قلمی که سعی می‌کند دل‌های مردم را نسبت به حرکت مرکزیت نظام جمهوری اسلامی دچار تردید کند و مردم را در شک بیندازد، مال دشمن است. هرچند ممکن است خودش هم نداند.
- < این که می‌بینیم در بعضی از مطبوعات و مجلات و منشورات فرهنگی، چیزهایی نشان داده می‌شود، دنبال رجعت به گذشته‌اند؛ دنبال برگشتن به حالت بیماری روشنفکرینند.
- < شکی نیست تفکرات یا انگیزه‌های غلط از هنر استفاده خواهند کرد.
- < آن هنرمندانی که هنرشان در خدمت بیگانگان است، هرچند هنرشان هم بالاست و از لحاظ هنری برجسته‌اند، ولی من در هنری که آنها دارند، ارزشی حس نمی‌کنم.
- < این که شما می‌بینید سیاستهای استعماری، علیه انقلاب این قدر روی هنر سرمایه‌گذاری می‌کنند، به علت کارایی زبان هنر است. با زبان هنر می‌توان کارها را با نگاه هنرمندانه منعکس کرد.
- < دشمنان شروع به کتاب‌نویسی و قصه‌نویسی و ترجمه کرده‌اند. دارند مرتب ترجمه می‌کنند. اما به گونه‌ای که آن کتاب علیه نظام جمهوری اسلامی بشود درحالی‌که ماهیتاً اینچنین نبوده؛



رهیافتِ راهبر

- < بیشترین و رونده‌ترین وسیله‌ی مورد استفاده فرهنگ‌ معماری در سطح جهان، هنر است. فیلم می‌سازند، نمایشنامه، اثر هنری و رمان درست می‌کنند و می‌فرستند!
- < سیاست در دنیای امروز از هنر استفاده‌ی ناشایسته می‌کند. اگر بگوییم نمی‌کند، دلیل بی‌اطلاعی است.
- < در کشور خودمان افراد برجسته‌ی در دوره‌ی طاغوت خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند. خط یک کشور یکی از نقاط برجسته و از شاخصهای مهم فرهنگی هر کشور است.
- < تر «هنر برای هنر» از دروغهای معروفی بود که کسانی هم که این را به ما یاد دادند، خودشان هیچ معتقد نبودند. اما وقتی نوبت خودشان رسید، همه‌ی هنرهایی که داشتند و نداشتند، در خدمت آرمانهای دستگاههای استکباری قرار دادند.
- < دشمنان اسلام و ایران از هنر برای کوبیدن فضیلت سوء استفاده می‌کنند.
- < کسانی که زبان و قلمشان کار می‌کند، در درجه اول باید این را رعایت کنند که آنچه می‌گویند، ایجاد بدبینی نکند. ممکن است یک خبر اصلش هم راست باشد، اما به نوعی آن را پردازش کنند تا مطلب دروغ و خلاف واقعی را در ذهن مخاطب القاء کند.
- < در داخل مرزهای ملت ما کسانی هستند که همان حرفی را می‌زنند که سازمان سیای آمریکا می‌زند و عده‌ای هم در داخل کشور، این پیام دشمن را در روزنامه‌های خود ما پخش می‌کنند!
- < آن کسانی که با پول بیت‌المال قلم می‌زنند، باید بفهمند که چه می‌نویسند. بعضی کسان حق ندارند پول این ملت را بگیرند و با بودجه بیت‌المال علیه مصالح مردم حرف بزنند و خائنانه نظر بدهند!
- < بعضی از این مطبوعاتی که امروز در داخل کشور هستند، پایگاههای دشمنند؛ همان کاری را می‌کنند که رادیو و تلویزیونهای بی.بی.سی و آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند بکنند!
- < وقتی که دشمن برای اثرگذاری بر روی اذهان عمومی و ایجاد مسأله روز برنامه‌ریزی کرده، فرصت نمی‌دهند که مردم نفس بکشند و دائم از طریق مطبوعات کشمکش راه می‌اندازند!
- < یکی از چیزهایی که راحت در خدمت پول قرار می‌گیرد، ادبیات و قلم و هنر و شعر است؛ نباید روشنفکران مسلمان ما این را اجازه بدهند.
- < متأسفانه میدان هنر هنوز دست هنرمندان و روایتگران تاریخ انقلاب نیست.



- < بخش هنری سازمان سیا فعالیت‌های گوناگونی دارد. آنها از هنر استفاده می‌کنند. آیا شما می‌خواهید در مقابله با مطامعی که آنها به وسیله‌ی هنر به آن می‌رسند، بهره‌نبرید؟
- < این قلم‌به‌مزدها، که متأسفانه در کشور ما همیشه بوده‌اند، می‌گردند تا قلم و نوشته و دست و هنر خودشان را دقیقاً در خدمت همان موضوعی قرار دهند که دشمن این ملت دنبال آن است.
- < کم نیستند قلم دشمنان بر روی ضایع کردن، یا لااقل مسکوت گذاشتن چهره‌های خوب ما در شعر و در ادبیات و در هنر و در علم متمرکز شده‌اند؛ اما شما اینها را پیدا کنید و مطرحشان نمایید.
- < قلم به مزدها و فرهنگ‌های دین و دل و وجدان باخته و نشسته‌ی پای بساط فساد استکبار که برای مقاصد استکباری، قلم برمی‌دارند، شعر هم می‌گویند.
- < مجموعه‌های جهانی، از جمله گن و بعضی از جشنواره‌های دیگر، واقعاً دارند کار می‌کنند؛ اینها هدف دارند. اینها دوست می‌دارند که از حضور هنرمند برجسته‌ی ایرانی در آنجا، در جهت سیاسی، یک استفاده‌ای ببرند.
- < شاخص‌های منفی فیلمها، سریالها و برنامه‌ها برای جوانان و کودکان عبارت است از:

۱. اشاعه بی‌بندوباری و معاشرتهای نامشروع

۲. ترویج خشونت‌های خونین

۳. تقلید از بیگانگان در رفتار، پوشش، معاشرت و آرمان‌گزینی

۴. واژگونه نمایاندن حقایق گذشته و حال کشور

۵. ایجاد یأس در مخاطبان

۶. فریفتگی به سرگرمیها و عاداتهای ناسالم و مهلک

۷. سوق دادن به اسراف

- < هیچ کس مایل نیست که ما به وسیله فیلم، جوانان را به بی‌بندوباری و عیاشی و شهوترانی و ... سوق دهیم؛ اما عملاً این کار هم در فیلم‌های سینما، هم در فیلم‌های تلویزیون اتفاق می‌افتد. این یک روند غلط است که باید با رعایت نکات ذیل جلوی آن گرفته شود:

۱. مدیریت و نظارت درست

۲. شناختن ابعاد قضیه

۳. به کار گرفتن انسان‌های شایسته

۴. باج و میدان ندادن به افراد ناشایست



- < فرهنگ مهاجم بیگانه از راه نمایشها و برنامه‌های سرگرم کننده بیش از گفتگوی رویاروی، بر ذهن و عمل مردم اثر می‌گذارد؛ از این اثر گذاری جلوگیری شود.
- < دستگاه سی. آی. ای امریکا برای ساقط کردن حکومت ها از همه‌ی ابزارها از جمله از ابزار هنر استفاده می‌کند.
- < عناصر خود باخته و مرعوب یا تن داده به لذت و راحت و عشرت نخواهند توانست با قلمهای مسموم و گفتارهای دیکته شده و از دشمن فراگرفته‌ی خود، راه ملت را به سمت دلخواه سلطه‌طلبان و غارتگران بکشانند.

۲- بهره‌برداری از جریان روشنفکری بیمار

- < آن‌طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند!
- < جامعه‌ی روشنفکری ما یکی از نقائص بزرگش، عدم انس با قرآن است.
- < گاهی افراد دشمن نیستند؛ غافلند. امروز مواردی مثل پلورالیسم و نسبی‌گرایی و شکاکیت که انگیزه‌ی دشمن را تشکیل می‌دهند، از زبان افرادی جاری می‌شود که نمی‌فهمند چه بر زبان می‌آورند و چگونه جاده‌ی دشمن را صاف می‌کنند.
- < بعضی می‌خواهند به گونه‌ای بنویسند که ما جلوشان را بگیریم! تا بعد در دنیا بگویند: «ببینید جمهوری اسلامی آزادی ندارد!» نه؛ ما فریب نمی‌خوریم.
- < امروز تئوریسینها و تبلیغاتچیهای غربی درصددند خط ارتجاع به غرب را تحت عنوان یک تئوری شبه روشنفکرانه؛ به عنوان یک حرف نو؛ تئوری جهانی شدن و تئوری تغییر گفتمان دوباره مطرح کنند.
- < روشنفکری در ایران، بیمار متولد شد. چون کسانی که روشنفکران اول تاریخ ما هستند، آدمهایی ناسالمند و اولین چیزی را که اینها هدف قرار می‌دادند، دین، اعتقادات مردم و سنتهای اصیل بومی بود.
- < معنای روشنفکری ساخته و پرداخته فرنگ: اول، مخالفت با مذهب و دین، دوم، علاقه‌مندی به سنن غربی و اروپارفتگی؛ سوم هم درس خواندگی. چه تعریف غلط و چه جریان زشت و نامناسبی به نام روشنفکر در ایران ایجاد شده بود!
- < وقتی قید عدم تعبد را جزو قیود حتمی و اصلی روشنفکری ذکر می‌کنند، نتیجه این



می‌شود که علامه طباطبایی، روشنفکر نیست؛ اما مثلاً فلان جوجه شاعری که به مبانی مذهب و مبانی سنت و مبانی ایرانیگری اعتقادی ندارد و چند صباحی هم در اروپا یا امریکا گذرانده، روشنفکر است.

بعد از پیروزی انقلاب، روشنفکری در ایران بومی شد. و برای اولین بار در این کشور مثل یک ایرانی فکر کردند، مثل یک مسلمان حرف زدند، محصول روشنفکری و هنری و ادبی تولید کردند؛ این شد یک دوران جدید.

لزوم احتیاط در خصوص رواج یافتن حرفهای باطل، توسط روشنفکران قدیمی یا مرتجعان عالم روشنفکری؛

بعد از جنگ تحمیلی تلاشهایی جدی شروع شده برای این که روشنفکری ایران را به همان حالت بیماری قبل از انقلاب برگردانند یعنی باز قهر کردن با مذهب، قهر کردن با بنیانهای بومی، رو کردن به غرب، دلبستگی و وابستگی بی‌قید و شرط به غرب، پذیرفتن هر چه که از غرب می‌آید، بزرگ شمردن هر آنچه که متعلق به بیگانه است و حقیر شمردن هر آنچه که مربوط به خودی است؛ من این را مشاهده می‌کنم.

ارتجاع روشنفکری یعنی؛ برگشتن به دوران بیماری روشنفکری؛ برگشتن به دوران بی‌غمی روشنفکران؛ برگشتن به دوران بی‌اعتنایی جریان روشنفکری به همه سنتهای اصیل و بومی و تاریخ و فرهنگ این ملت.

حمله‌ی همه‌جانبه‌ی سازماندهی شده است که جماعت روشنفکر اهل هنر که با دین و ایمان و روحانیت و امثال اینها سر و کاری نداشتند، جذب جریان انقلاب نشوند.

امروز برای رواج دادن و باب کردن حرفهای باطل، از برخی روشنفکران قدیمی یا مرتجعان عالم روشنفکری استفاده می‌شود. باید دقت شود که چه کسی می‌خواهد به این جا بیاید و چیزی بگوید و القاء مطلبی بکند.

جنگ فرهنگی کار آسانی نیست؛ کار زبندگان است. لذا زبندگان می‌نشینند فکر می‌کنند و نسخه می‌نویسند و متأسفانه عده‌ای هم در داخل همانها را رله می‌کنند! آنها حرفهایی را می‌زنند، عده‌ای هم

فارسی آن را می‌گویند و شکل بومی به آن حرفها می‌دهند! باید مراقب اینها بود.



۳- رسانه و ابزارهای تبلیغاتی

- < اینترنت مثل یک جریان افسار گسیخته است. مثل آن است که کسی یک سگ وحشی را بیاورد، بگویند قلاده اش کو؛ بگویند سفارش کرده ایم آهنگر قلاده را بسازد! آدم قلاده را درست می کند و به گردن سگ می اندازد و سپس او را می آورد این جا می بندد.
- < دشمن فهمیده اگر بخواهد کاری بشود، باید نظر مردم را برگرداند، لذا به فکر کار کردن روی ذهن مردم است.
- < دشمن آن وقتی که در میدان، در صحنه‌ی عمل نتواند کاری از پیش ببرد، دست به جنگ روانی میزند؛ با جنگ روانی و با تهدید سعی میکنند ملتهای مقابلشان میدان را خالی کنند.
- < رادیوهای بیگانه و خبرگزاریهای خارجی غالباً به مراکز واحدی منتهی می شوند و ابزاری در دست سرمایه داران و صهیونیستها و گردانندگان دنیای استکبار هستند.
- < استکبار در تبلیغات خود، شرم و حیا نمی شناسد و واضحترین دروغها را با بلندترین صداها می گوید.
- < دشمنان می دانند اگر بتوانند جمهوری اسلامی را از صحنه خارج کنند، دیگر ملل مسلمان، حساب کار خودشان را می کنند و مأیوس می شوند. لذا محاصره تبلیغاتی می کنند.
- < عمده تبلیغات دشمن، دست صهیونیستهاست.
- < تبلیغات آنها از تبلیغات ما قویتر است. چون ابزارهای مجهزی دارند، پول زیادی خرج می کنند؛ اینها را شما بدانید.
- < باید قبول کرد که دست جادویی تبلیغ رادیو و تلویزیون و مطبوعات در سطح جهان، بسیاری از حقایق روشن را واژگونه می سازد.
- < امروز که تبلیغات رسانه‌های صوتی و تصویری، همه دنیا را فرا گرفته است، غالباً حملات سیاسی، دولت‌ها را خیلی می ترساند؛ چون روی افکار ملت‌هایشان اثر می گذارد.
- < صهیونیستها از صد یا صدوپنجاه سال پیش فهمیدند که باید مراکز حساس را بگیرند و خبرگزاریها و مطبوعات و رادیوها را در اختیار داشته باشند.
- < استکبار بر روی تبلیغات، خیلی حساب می کند زیرا اثر تبلیغات را در دنیا دیده‌اند.
- < دشمن بوسیله تبلیغات سعی می کند دل‌ها را بفریبد و حقایق را قلب کند.
- < در هیچ حادثه‌ای از حوادث اول انقلاب تا به حال اتفاق نیفتاده است که این بوقهای تبلیغاتی یک کلمه بگویند که به نفع ملت ایران باشد؛ امیدی ببخشند، دلخوشی‌ای بدهد و



تحسینی در آن باشد.

- < امروز دنیا بر مدار جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای و در واقع بر مدار جنگ جبهه‌های خبری و دستگاه‌های تولیدکننده‌ی پیام می‌گردد.
- < هیچ شبهه‌ای وجود ندارد که ما یکی از اهداف اصلی و اولی تهاجم رسانه‌ای هستیم. شما ببینید کار ما چقدر سنگین و حساس است! پرتوقعی ما از شما، ناشی از این است.
- < شگرد تبلیغاتی استکبار جهانی همیشه این بوده است که افکار مردم دنیا را منحرف و آنها را اغوا کند.
- < پیشرفت کارها و سیاستهای بین‌المللی جبهه‌های گوناگون، به وسیله‌ی تبلیغ، خبرسازی، مفهوم‌سازی و تبیین‌های درست و نادرست دارد انجام می‌گیرد.
- < در سیاستهای رسانه‌ای مسلط دنیا دروغهای بزرگ مثل حقیقت در امواج رادیویی، تلویزیونی، اینترنتی و غیره منعکس می‌شود.
- < مصلحت‌مدیریت امپراطوری رسانه‌ای و خبری این را اقتضاء می‌کند، ناگهان خبر کم‌اهمیتی مسئله‌ی اول دنیا شود و خبر پر اهمیتی مسکوت بماند.
- < شایعه و خبرسازی امپراتوری خبری استکبار با انگیزه‌ی مبارزه با جمهوری اسلامی و به زیر سؤال بردن این نظام الهی و مردمی و وارد آوردن ضربه‌ی حیثیتی به آن است.
- < استکبار جهانی و دستگاه امپراتوری خبری آن، وقتی که ناچار باشد، آن حقایقی را که یک وقت مجبور بود پنهان کند، با وقاحت تمام آشکار می‌کند و شرمی ندارد.
- < دشمن با تبلیغات خود سعی می‌کند فضای فکری و فرهنگی و سیاسی کشور را مسموم کند تا هر کس در این فضا تنفس می‌کند، ذهن و فکرش مسموم شود.
- < آمریکایی‌ها توانسته‌اند با کمک ابزارهای پیشرفته‌ی تبلیغاتی و ارتباطاتی - با همین تلویزیون، با همین هنر، با همین هالیوود، با همین بازیهای اینترنتی و رایانه‌یی، با همین ارتباطات سریع در دنیا - سر بشریت را کلاه بگذارند.
- < امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیونها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و ... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است. روزه روز هم دارند این میدان را گسترش می‌دهند.
- < امروز برجسته‌ترین و تواناترین مجموعه‌ی سینمایی دنیا در «هالیوود» است که در خدمت اشاعه‌ی فحشا، پوچی، بی‌هویتی انسان و در خدمت مشغول کردن بدنه‌ی ملتها به یکدیگر است تا طبقه‌ی متعالی و بالا بتوانند بی‌دغدغه زندگی کنند.



رهیافتِ راهبر

- < اهداف کلان قدرت های سرمایه داری بین المللی و صهیونیستی، کسب قدرت سیاسی و پولی است که همیشه با لشگری از امکانات فرهنگی و رسانه ای همراهی می شود.
- < مجموعه زنجیره به هم پیوسته ی رسانه های گوناگون در جهت مشخصی حرکت می کنند، تا سر رشته تحولات جوامع را بدست بگیرند.
- < هر کسی را که دستگاه قضایی اسلام، دیروز و امروز، به خاطر جرم و فساد محکوم کند، فوراً دستگاههای خارجی طرفدار او می شوند!
- < بلندگوهای دشمن بیشترین تبلیغات خود را صرف مایوس کردن و ترساندن مردم می کنند. نه آن ارباب و تهدیدها درست است، نه آن مایوس کردنها، این که نیروی دشمن را غیرقابل مقاومت نشان دهند، حرف بسیار غلط و بی ربطی است.
- < چون انسان دنبال تشخیص و فهم خود راه می افتد، یکی از ترفندهای تبلیغی اینست که فهم مردم را عوض کنند تا مسیر آنها عوض شود.
- < به عناصر سیاسی داخلی دوستانه نصیحت می کنم؛ مراقب باشند، طوری حرف نزنند، طوری موضعگیری نکنند که به مقاصد دشمن در این جنگ روانی کمک شود؛ نباید بگذارند دشمن از آنها استفاده کند.
- < امروز تمام دستگاههای تبلیغاتی استکبار و در رأس آنها امریکا بسیج شده اند تا جمهوری اسلامی ایران و ملت اسلام را برخلاف آنچه که هست، در چشم مردم عالم معرفی کنند و نشان بدهند. این، مسأله ی بسیار مهمی است.
- < دشمنان در تبلیغات خود اصرار دارند سه چیز را در مورد نظام جمهوری اسلامی وا نمود کنند: ۱. اختلاف در نظام. ۲. گرایش به غرب، یا گرایش به آمریکا. ۳. بی اعتقادی مردم به اسلام، نظام و ایمان اسلامی.
- < بسیاری از این جنجالهای سیاسی و تبلیغات برای این است که تا ذهن ها را مشغول شود، موقع شناسی از بین برود و جایگاه نیاز زمانه به دست فراموشی سپرده شود. بسیاری از نقشهای فرهنگی دشمن در این زمینه است.
- < مهمترین سلاح روانی دشمن: نومیدسازی، تحقیر هویت، به رخ کشیدن قدرت و تمکّن مادی خویش.
- < جنگ روانی دشمن، مهمترین بخش مبارزه ی دشمن با ملت ایران است.
- < امروز هزاران رادیو، تلویزیون و وسائل اینترنتی مرتباً القای بن بست، القای بحران، القای سیاه بودن وضعیت میکنند؛ هر مقداری که مستمع پیدا بکند و باورپذیر باشد در این زمینه



کار میکنند. این یکی از خطوط کاری دشمن است.

- < جنگ تبلیغاتی دشمن عبارت است از: شایعه‌پراکنی و دروغ‌آفرینی؛ تحریک و بزرگ کردن ضعفها و ایجاد فضای غبارآلود و نومیدکننده از آینده
- < دشمن دستگاههای خبری و تبلیغاتی خودشان را به ما نزدیک نشان می‌دهد، این هم از همان ترندها و خباثتهاست.
- < ما درباره وضع خودمان، به قضاوت رسانه های بیگانه گوش نمی‌کنیم. ما قضاوت را از واقعیات می‌گیریم.
- < هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ می‌نشینند طراحی میکنند تا ذهن خواص را عوض کنند، چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند.
- < تبلیغات دشمن در جهت ویرانگری و فاسد کردن است. در جهت معطل کردن نیروی کار و فکر و جسم جوانان است. باید با احتیاط با آن برخورد کرد.
- < دستگاههای وابسته تبلیغاتی استکبار، برای این که ملتی را وادار به عقب نشینی کنند نظرات اصیل آنها را از طریق موج مصنوعی جهانی (تبلیغات) مورد تهاجم قرار می‌دهند.
- < غالب تحلیلهای غلط از رادیوهای (رسانه های) بیگانه است و متأسفانه آدمهای ساده‌دل، عین همان را که دشمن القا و پول خرج می‌کند تا آن را به ذهنهای مستمعین خود برساند، قبول می‌کنند.
- < بدیها و نابسامانی‌هایی در بین ما، برای دشمن ما مطلوب است؛ اگر توانستند بوجود می‌آورند. منتها وقتی نمی‌توانند، در تبلیغاتشان این‌طور وانمود می‌کنند که این بدیها هست!
- < تلاش می‌کنند، زحمت می‌کشند، می‌نشینند، طراحی می‌کنند، وسایل فنی مدرن می‌سازند، برای این که شاید این حرفها را به گوش مردم برسانند، تا به دل‌های آنها اثر کند
- < دشمن در جنگ تبلیغاتی، این‌طور وانمود می‌کند که ملت ایران، از حرکت عظیم انقلاب و شعارهای آن و از حاکمیت اسلام و قرآن، پشیمان شده و مسؤولان کشور، به اسلام و انقلاب پشت کرده‌اند.
- < رسانه های بیگانه برای ایجاد اختلاف و دلسردی و ناامیدی در تبلیغات رسانه‌ای بسیار وسیع خود، به طور دائم تبلیغ می‌کنند که مردم به خواسته‌های خود نرسیدند و ناراضی و دلسردند.
- < امروز آمریکا متهم است و ملتها مدعی آمریکایند. ما امروز مدعی آمریکا هستیم. می‌خواهند با تبلیغات، جای مدعی و متهم را عوض کنند.



مرکز ملی مطالعات استراتژیک و
پژوهش‌های راهبردی ایران

رهیافتِ راهبر

- < رادیوهای بیگانه در صدد این نیستند که پیشرفتهای جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف را به جهانیان منعکس نمایند؛ بلکه اگر نقاط ضعفی پیدا کنند، آن را ده برابر جلوه می‌دهند؛ زیرا قدرتهای استکباری نمی‌خواهند مقاومت و ادامهی حیات قدرتمندانه‌ی شما، به دیگران امید بدهد.
- < استکبار و شبکه‌ی تبلیغاتی وابسته به آن، همت گماشته‌اند که انقلاب اسلامی را ناتوان جلوه دهند و چنین قلمداد کنند که ایران اسلامی در مواجهه با مشکلات، مجبور شده‌است از راه اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و خط روشن امام خمینی (قدس سره) روی بگرداند.
- < دشمنان در نشریاتشان، اوضاع اقتصادی ما را ناامید کننده وانمود می‌کنند؛ لذا تبلیغات می‌کند که وضع کشور، وخیم و خراب است؛ دیگر کاری نمی‌شود کرد و در مملکت، آزادی نیست!
- < دستگاههای استکباری دنیا - و در رأس همه امریکا - از تبلیغات برای ساقط کردن و ایجاد اغتشاش در کشورها استفاده می‌کنند.
- < مؤثرترین کاری که مراکز قدرت اقتصادی و سیاسی می‌توانند بکنند این است که با فیلم و تبلیغات و روشهای گوناگون، چیزهایی را که حقیقت نیست، به عنوان حقیقت منعکس کنند. ولی ما باید توجه کنیم تأثیرپذیری نداشته باشیم.
- < از نظر رسانه‌های جهانی، حمایت از تروریسم، یعنی حمایت از مبارزان فلسطینی اینها کارهای تبلیغاتی‌ای است که می‌کنند.
- < هالیوود را شما دست کم نگیرید. قدرت اثرگذاری هنری در غرب و چینش بسیار دقیق حروف تبلیغات در دنیای غرب را دست کم نگیرید.
- < دشمن نه تنها ارزشهای اسلامی را بلکه فرهنگ اصیل ملی و باورهای ملت را با استفاده از صدها رسانه‌ی گفتاری، تصویری و نوشتاری، آماج تیرهای زهرآگین خود قرار داده است.
- < جوانها بدانند، مقاومت در برابر سرویس‌های گوناگون امنیتی و تبلیغاتی دنیا از جمله قدرت اثرگذاری هنری هالیوود، شوخی و توهم توطئه نیست.
- < دشمنان بوسیله‌ی تبلیغات سعی می‌کنند بین مردم سالاری و دین فاصله ایجاد کنند.
- < امروز تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی در دستور کار دشمنان بوده و این اوج تهاجم فرهنگی است.



۴- علم و فناوری

- < بعضی از قدرتهای جهانی، با سوء استفاده از علم و صنعت پیشرفته‌یی که در اختیار دارند مهارهای سیاسی، تولیدی، تبلیغات و فرهنگ عمومی ملتها را در سرتاسر جهان به دست خود گرفته‌اند.
- < شمشیر علم دست قدرت های استکباری است. بایستی با شیوه‌ی هنرمندانه و با مانور خردمندانه، اینها را گرداند و به زمین زد؛ و ان‌شاء‌الله به زمین می‌نیمشان.
- < نظام جهانی نظام سلطه، استکبار و ظلم است و بوسیله دانش توانست اینجور به دنیا زورگوئی کند.
- < غربیها از این برتری علمی، برای مقاصد سیاسی و اقتصادی سلطه خود استفاده کردند.
- < قدرتهائی که دارای پیشرفت علمی هستند، سعی میکنند این پیشرفت را به صورت انحصاری نگه دارند. بخشهایی از دانش در کشورهای پیشرفته‌ی غربی هست که مطلقاً اجازه‌ی دسترسی به آنها به کسانی خارج از محدوده‌ی خودشان داده نمی‌شود؛ یعنی اختصاصی است.
- < عقب‌ماندگی علمی، حتماً عقب‌ماندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به دنبال خود دارد.



رهیافتِ راهبر

اندرنگاره راهبردی امنیت نرم
جمهوری اسلامی ایران



اندرنگاره راهبردی امنیت نرم
جمهوری اسلامی ایران

فصل پنجم

۱- ضرورت مقابله جدی با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم

- < باید دائماً بیدار باشید و ضربه را به دشمن برگردانید. شیوه‌های آنها، قابل حدس است، ابزار و پول و نفوذی و شهوات جنسی و ...، روشهای شناخته‌شده‌ی هستند که معمولاً با ابتکار هم توأم می‌شوند و ضربه‌ی خود را می‌زنند؛ اما شیوه‌های شما برای آنها ناشناخته است، به همین خاطر کارشان دشوارتر است. شما از ایمان و دین و تلاش و زحمتِ بیشتر استفاده می‌کنید، که نقطه‌ی قوتِ کار شماست.
- < ضرریست در همه مرزهای اسلام با کفر، همواره آماده‌ی دفاع و مجاهدت باشیم و میانداران چنین جهادی، رجال سیاسی، علمی، فرهنگی و هنریند.
- < اگر ملتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی ساخته و پرداخته‌ی بیگانگان حفظ کند، این ملت مستقل خواهد بود؛ اما اگر نتواند و تحت تأثیر غلبه‌ی فرهنگ بیگانه قرار بگیرد، این ملت، ملتی وابسته و اسیر است.
- < اتحاد، شجاعت و ایمان شما مردم به اسلام و نترسیدن از دشمن، نقاط قوت جمهوری اسلامی است، با اتکا و اتکال به خدا این راه را ادامه دهید.
- < هر جا هستید همواره باید خود را در جبهه‌ی کارزار حس کنید و احساس یک بسیجی و سرباز را داشته باشید.
- < ضرورت جهاد فکری؛ زیرا دشمن ممکن است ما را غافل و فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند.
- < هر کس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاش نماید و مانع سوء فهم و انحراف شود، از آن‌جا که در مقابله با دشمن است، تلاشش جهاد نامیده می‌شود. آن هم جهادی که



شاید امروز، مهم محسوب می‌شود.

- < امروز مبارزه با آمریکا یعنی مقاومت در برابر جریان سازی سیاسی و فرهنگی او.
- < امروز میدان افکار مردم، عرصه‌ی کارزار تفکرات گوناگون است، لذا ما در یک میدان جنگ و کارزار حقیقی فکری قرار داریم، اگر وارد این میدان بشویم و آنچه را که نیاز ماست بیرون بکشیم و صرف کنیم، قطعاً بُرد با ماست.
- < باید مراقب باشیم که از درون پوک و پوسیده نشویم، زیرا دشمن بیرونی، آن وقتی که ما سلامت معنوی خودمان را حفظ کرده و راهی را که اسلام و جمهوری اسلامی به ما نشان داده برویم و از آن راه منحرف نشویم، مطلقاً نمیتواند به ما آسیب بزند.
- < ضرورت تقویت و تعامل مؤثر دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضایی و هماهنگی بین آنها برای تأمین اشراف اطلاعاتی و مقابله با هر نوع اختلال در امنیت عمومی، اقتصادی و اجتماعی و مقابله با تهدیدهای نرم.
- < امروز مهمتر از جنگ نظامی، نبردهای سیاسی و نبردهای اخلاقی است.

۲- برتری جبهه انقلاب در برابر جبهه استکبار

- < علیرغم آنکه شبکه‌های تبلیغاتی استکبار، بسیار وسیعتر از ماست، اما حقانیت ما موجب می‌شود که وقتی حرفی از زبان مسئولان جمهوری اسلامی و ملت ایران صادر بشود، در دل‌های سالم و در سطح جهان، اثر می‌کند.
- < مسلمانهای مؤمن و معتقد باید بدانند که امروز، روز اسلام و روز نقش و دور اصلی این دین است. اسلام پیشرفت خواهد کرد و ان‌شاءالله در صحنه‌ی ذهن بشر و بر واقعیتهای زندگی حاکم خواهد شد.
- < اگر دشمن قادر بر نابودی جریان رو به رشد بیداری اسلامی و نهضت گرایش به اسلام بود، باید لااقل می‌توانست از رشد آن جلوگیری کند، و همه می‌بینید که نتوانسته است.
- < سنت‌های الهی و واقعیتهای خارجی خبر از آینده‌ی روشن نهضت نوین اسلامی می‌دهند.
- < ایران یک کشور بزرگ است و تاریخ عمیق و عظیمی دارد که امثال کشور امریکا در این تاریخ غرق می‌شوند.
- < ما معتقدیم نباید در هاضمه‌ی افزون طلب و قناعت‌ناپذیر فرهنگ سلطه‌گر هضم شد زیرا امکانات و تواناییها و ظرفیتهای مستکبران و سلطه‌طلبان عالم محدود است و این طور





نیست که ما تصوّر کنیم هر چه آنها بخواهند، ناگزیر تحقق پیدا خواهد کرد.

- < در رویارویی میان اسلام، و اردوگاه کفر و استکبار، سهم پیروزیهای جبهه‌ی اسلام و ایمان، چندین برابر بیشتر از سهم پیروزیهای جبهه‌ی مقابل است.
- < انقلاب با مطرح کردن عدل معنویت، همه حرکت و نگاه مادی که ترک‌تازانه به پیش می‌بردند، لطمه وارد آورد و او را کند کرد.
- < چرا یک ملت با تواناییهای خود، با ذخائر فرهنگی و مادی و معنوی خود، بایستی تابع و تسلیم یک قدرت بیگانه شود؟ این «چرا» را اول، انقلاب اسلامی گفت و نظام سلطه را به چالش طلبید.
- < نظام سلطه‌ی جهانی در مواجهه‌ی با این حرکت عظیم و بنیانی اسلامی در کلیه‌ی جهان اسلام با پیشرو بودن نظام ایران در این حرکت، دچار انفعال شده است.

۳- تمسک به اسلام و فرهنگ دینی

- < اسلام ناب محمدی، اسلام عدل و قسط، دفاع و حمایت از پابرهنگان و محرومان، جهاد با دشمنان و سازش‌ناپذیری با زورگویان، و اسلام اخلاق و فضیلت و معنویت است، اما اسلام امریکایی، چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرتهای استکباری و توجیه‌کننده‌ی اعمال آنهاست.
- < اگر حضرت مسیح (ع) امروز در میان ما می‌بود لحظه‌یی را برای مبارزه با سردمداران ظلم و استکبار جهانی از دست نمی‌داد و گرسنگی و سرگردانی میلیاردها انسانی را که به وسیله‌ی قدرتهای بزرگ، استثمار و به جنگ و فساد و ستیزه‌خویی سوق داده می‌شوند تحمل نمی‌کرد.
- < اگر اسلام را قبول داریم، بایستی حقیقتاً حل مشکلات را در خود اسلام پیدا کنیم و در مقابل تهاجم اخلاقی‌یی که غرب نسبت به چنین موضعی به خود می‌گیرد، دست و پیمان نلرزد.
- < ضرورت ایستادگی برای اجرای احکام اسلام بدون هیچ رودربایستی و ملاحظه‌ای، جهت قداذایی در مقابل قذتهای متکی به زور؛
- < مقصود غرب از تهمت نقض حقوق بشر به جمهوری اسلامی، همان اجرای حدود الهی است که برای ما مقدم است، زیرا راه اصلاح جامعه، اجرای حدود الهی است.



انگیزه راهبردی امنیت نرم
جمهوری اسلامی ایران

رهیافتِ راهبر

- < وقتی ارزشهای الهی مانند: استغفار، پاکدامنی، رعایت امر و نهی الهی، تقوا، روح برادری و برابری و ... به همراه تلاش در میان ملتی و جود داشته باشد، هیچ چیز نخواهد توانست آن ملت را از پیمودن راه سعادت و صلاح باز بدارد.
- < اگر در جامعه، به دستور اسلام و فرموده قرآن عمل شود، هیچ کدام از ابزار و عوامل فساد، نمی تواند کمترین اثری بکند.
- < بدون فهم درست و پایبندی عقیدتی و عملی به توحید، هیچ کدام از وعده های الهی درباره ی مسلمانان عملی نخواهد شد.
- < امروز خسران عظیم این است که، هرچه زمان پیشتر رفته و علم کاملتر شده و دولتها و کشورهایی را مجهزتر کرده، کشورهای اسلامی ناتوان تر، وابسته تر، کم جرأت تر و بی ابتکارتر شده اند. راه علاج آن است که مسلمانان به اسلام ناب برگردند و عزت و قدرت خود را در اسلام بجویند.
- < ما باید تلاش کنیم که خود و کشور و ملتمان را مصداق این جمله نورانی قرار دهیم که «کلمه لا اله الا الله، حصار من است. هر کس در حصار من وارد شود، از آسیب عذاب من، محفوظ خواهد ماند.» زیرا حصار لا اله الا الله، حصار حاکمیت توحیدی است و حاکمیت الله است.
- < باید نظام اجتماعی، نظامی عادلانه و نظام اخلاقی جامعه، نظامی انسانی و عاطفی و مبتنی بر فضائل باشد. در مقابل هر چه غیر خدا، تسلیم و عبودیت نباشد، تبعیت نباشد، نفوذپذیری نباشد.
- < هر چه امروز از سختیها و بلاها بر سر مسلمانان و ملت های مسلمان می آید بر اثر گم کردن سررشته زندگی در زیر سایه توحید است، زیرا اعتقاد به آن سازنده این عالم و سازنده زندگی است.
- < هر چه ما به سمت توحید و عبودیت لله پیش برویم، شر طواغیت و اندادالله از سر ما بیشتر کم خواهد شد، زیرا بنده خدا که شدید، بندگی خدا با بندگی دیگران و نوکری دیگران نمی سازد.
- < اگر اسلام آنچنان که خدا خواسته و قرآن تشریح کرده، به معنای برنامه زندگی تلقی شد و مورد پذیرش قرار گرفت دشمنان از آن می ترسند و گرنه اگر اسلام از سیاست، زندگی و محیط اجتماعی دور و مخصوص گنج عبادتگاه و خلوت مساجد باشد، از آن باکی ندارند.



- ◀ کلمه توحید، احترام به شخصیت و اهتمام به رشد انسان و جلوگیری از ستم و نفوذ غارتگران است. توحید یعنی حاکمیت ارزشهای الهی بر جامعه و نفی حکومتهای طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزشهای انسانی و اصیل، بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی است.
- ◀ قوت و معنویت اسلام آنچنان است که اگر به شرایطش عمل بشود و واقعاً اسلام پیاده گردد، قدرتهای دنیا و تختها را می‌لرزاند.
- ◀ دشمنان از اینکه ما مجدداً به مبانی و احکام اسلامی برگشته‌ایم و زندگیمان را اسلامی می‌کنیم می‌ترسند و می‌خواهند که اینگونه نباشد.
- ◀ به برکت اسلام، احساس عزت و اتکا به نفس است که ملت‌های مسلمان پیروز می‌شوند.
- ◀ ابزار اسلام برای گسترش و غلبه بر همه ادیان و جماعات و ملل و کشورها، عبارت است از منطق و عدالت اجتماعی.
- ◀ اگر جامعه‌ای که براساس اسلام به وجود می‌آید، در میان خود، عدالت اجتماعی و عدالت حقوقی و عدالت قضایی و عدالت اجرایی داشته باشد، خود این عدالت، عاملی برای جذب دل‌های ملت‌ها و مردم در همه جای دنیا به اسلام است.
- ◀ اسلام مطمئناً برای همه‌ی نیازهای بشر پاسخ دارد؛ بایستی با ابتکار و استعداد و بدون تأثیر از فشارهای تحمیل شده‌ی فرهنگ رایج جهانی، این جوابها را پیدا کنیم و در مقابل بشر سؤال‌کننده بگذاریم؛ این کارِ علما و متفکران است.
- ◀ حکومتی که اسلام معرفی می‌کند، از دمکراسی‌های رایج دنیا مردمی‌تر است؛ با دل‌ها و افکار و احساسات و عقاید و نیازهای فکری مردم ارتباط دارد؛ حکومت در خدمت مردم است.
- ◀ در اسلام، قدرت با اخلاق پیوسته است و قدرت عاری از اخلاق، یک قدرت ظالمانه و غاصبانه است. روشهایی که برای کسب قدرت و حفظ آن به کار گرفته می‌شود، باید روشهای اخلاقی باشد.
- ◀ در اسلام همچنان که ارزشها بسیار اهمیت دارند، روشها هم اهمیت دارند و ارزشها باید در روشها هم خودشان را نشان دهند. امروز اگر می‌خواهیم حکومت ما به معنای حقیقی کلمه اسلامی باشد، بدون ملاحظه باید در همین راه حرکت کنیم.
- ◀ اسلام می‌تواند با قدرتهای بزرگ عالم مواجه شود و نظم ظالمانه‌ی دنیا را به هم بزند. استکبار هم روی همین نکته حساسیت دارد.
- ◀ مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه‌ی اسلامی دارد.



- < سعادت و رفاه و آزادی و عزت یک ملت و نیز عدالت و تکیه به مردم - به معنای واقعی کلمه - در سایه احکام اسلام تأمین می‌شود.
- < در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنماییهای امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. این هم از اسلام سرچشمه می‌گیرد.

۴- تکیه بر اراده الهی و حقانیت انقلاب اسلامی

- < آنچه می‌تواند قدرتها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه آن را بَرکند یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است.
- < جمهوری اسلامی امروز در چشم ملتها، در چشم دولتها، حتی در چشم دشمنان خودش دارای اعتبار و اقتدار است و یک دولت اثرگذار است.
- < علیرغم آنکه شبکه‌های تبلیغاتی استکبار، بسیار وسیعتر از ماست، اما حقانیت ما موجب می‌شود که وقتی حرفی از زبان مسئولان جمهوری اسلامی و ملت ایران صادر بشود، در دل‌های سالم و در سطح جهان، اثر می‌کند.
- < هر جا حرکت و تلاش و نهادی مبتنی بر دین خدا پا گرفت، تلاش دشمنان خدا نمی‌تواند آن را از بین ببرد و نابود کند. زیرا کید دشمن در مقابل اراده ذات مقدس پروردگار ضعیف است. این، وعده ای است که خدای متعال فرموده است.
- < در مصاف میان اسلام و دستگاههای قدرت شیطانی، آن‌که پیروز است، اسلام است.
- < مسلمانهای مؤمن و معتقد باید بدانند که امروز، روز اسلام و روز نقش و دور اصلی این دین است. اسلام پیشرفت خواهد کرد و ان‌شاءالله در صحنه‌ی ذهن بشر و بر واقعتهای زندگی حاکم خواهد شد.
- < ما در نظام جمهوری اسلامی، به تبعیت از امام فقید بزرگوارمان، راه پای فشردن بر مواضع اسلام و مقابله با طواغیت را با قدرت و قاطعیت تعقیب خواهیم کرد و معتقدیم که آینده در اختیار اسلام و متعلق به این دین است.
- < امروز مسلمانان بجای هزیمت روحی، تهاجم روحی دارند.
- < اگر دشمن قادر بر نابودی جریان رو به رشد بیداری اسلامی و نهضت گرایش به اسلام بود، باید لااقل می‌توانست از رشد آن جلوگیری کند، و همه می‌بینید که نتوانسته است.



- < سنتهای الهی و واقعیتهای خارجی خبر از آینده‌ی روشن نهضت نوین اسلامی می‌دهند.
- < ایران یک کشور بزرگ است و تاریخ عمیق و عظیمی دارد که امثال کشور آمریکا در این تاریخ غرق می‌شوند.
- < این طور نیست که آمریکا، آسیب‌ناپذیر باشد؛ آسیب‌پذیر است.
- < منطق قوی، استدلال محکم، دلایل متقن و عدالت به معنای حقیقی کلمه و به صورت مطلق که اسلام از آن برخوردار است، دو ابزار مهم برای پیشرفت اسلام و پیروزی بر همه‌ی ادیان است.
- < ما معتقدیم نباید در هاضمه‌ی افزون‌طلب و قناعت‌ناپذیر فرهنگ سلطه‌گر هضم شد زیرا امکانات و تواناییها و ظرفیتهای مستکبران و سلطه‌طلبان عالم محدود است و این طور نیست که ما تصور کنیم هر چه آنها بخواهند، ناگزیر تحقق پیدا خواهد کرد.
- < در رویارویی میان اسلام، و اردوگاه کفر و استکبار، سهم پیروزیهای جبهه‌ی اسلام و ایمان، چندین برابر بیشتر از سهم پیروزیهای جبهه‌ی مقابل است.

۵- تکیه بر ظرفیت های معنوی اسلام

۵-۱- مسجد و نماز

- < پایگاههای هدایت و رهبری مردم و مسؤولان انقلاب در سراسر کشور و سنگرهای دفاع معنوی در مقابل دشمنان در سطح جامعه ائمه جمعه اند. لذا اگر امامت جمعه و این دستگاه و نمازهای جمعه، از انقلاب گرفته بشود، یقیناً لطمه‌ی بی‌سخت به انقلاب خواهد خورد.
- < وظیفه‌ی امام جمعه جمع کردن مردم از روی جذب، انجذاب، با مطلب خوب، با عمل خوب و با نفس گرم برخاسته از معنویت و تقوا است، نه جمع کردن با تهدید و تطمیع، که البته وجود ندارد.
- < یکی از مشکلترین کارهایی که به عهده‌ی ائمه‌ی جمعه گذاشته شده، امر به تقواست، زیرا آدم وقتی می‌خواهد امر به تقوا کند، ناگهان احساس کند که مصداق آیه‌ی شریفه‌ی: «اتأمرون الناس بالبرّ و تنسون انفسکم» قرار گرفته، خیلی سخت است.
- < لازم است، ائمه‌ی جمعه، خودشان را قدری برای نماز و برای آن خطبه‌ها و برای تعلیم مردم آماده کنند؛ در شهر حضور روحانی داشته باشند؛ در اجتماعات دینی مردم شرکت کنند و هدایت مردم را به عهده بگیرند، تقوا و ورع را رعایت نمایند و به آنچه می‌گویند



عمل کنند.

- < لازم است، مجموعه‌ی ائمه‌ی جمعه، یک جهت و یک حرکت داشته باشند. آن جهت هم باید فارغ از این خط و خطبازی و گروه‌بندی و جناح‌بندیهای موجود جامعه باشد، زیرا از لحاظ سیاسی، آن وقتی می‌توانید مفید باشید که مجتمع باشید و متفرق نگردید.
- < ضروری است، ائمه‌ی جمعه در اصل انقلاب و اسلام و حمایت از دولت و جهت‌گیریهای اصولی، مشترک باشند، اما از اینکه سر بعضی از جزئیات، بین آنها اختلاف باشد، هیچ نگرانی نداریم.
- < مبدا خدای نکرده ائمه‌ی جمعه تحت تأثیر حرف این و آنی قرار بگیرند که گاهی چرندی، اتهام بی‌ربطی و یا مطلب واهی و بی‌اساسی را مطرح می‌کنند.
- < نماز در عرصه‌ی تکاپوی لایزال و ناگزیری که بشر بدان مأمور بلکه مطبوع گردیده است، بزرگ‌ترین فریضه و مؤثرترین ابزار است.
- < نماز، باز دارنده از فحشاء و منکر و معراج مؤمن و تقرّب دهنده‌ی پرهیزگار و در یک سخن، بهترین نهاد دین است.
- < ضروری است، معلمان، شاگردان مدارس و دانشگاهها را در سمت و سوی نماز، این حقیقت درخشان به حرکت وادار نمایند.
- < لازم است، نویسندگان کتابهای درسی، رازها و رمزها و درسهای نماز را در کتابهای درسی بگنجانند.
- < لازم است، هنرمندان عزیز با زبان شعر و قصه و نقاشی و جز اینها، و با آفرینش آثار هنری با کیفیت، بلکه برجسته، دست چیره‌ی هنر را برای نشان دادن گوهر و چهره‌ی نماز مشغول سازند.
- < لازم است، در مدارس، معلمان و مدیران، و در همه‌ی مراکز، مسؤولان، با حضور خود در صفوف نماز، نمازگزاران را تشویق کنند.
- < لازم است، در گردهمایی‌های علمی و فرهنگی و آموزشی و تبلیغی، نماز را در وقت خود همچون الهام بخش صداقت و هدایت به جای آورند.
- < مسجد، نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضتها و حرکتهای اسلامی بزرگی شده است.
- < لازم است، مسجد به عنوان یک پایگاه دین، عبودیت و معرفت، برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد



- < لازم است مسجد پاکیزه و پیراسته، و لبریز از شور و انگیزه و نشاط کنید.
- < مسجد باید کانونی باشد که مشکات نماز در آن بدرخشد و نور معرفت و محبت و انس و صفا از آن ساطع شود. امامان جماعت، هیئتهای امناء، خادمان موظف و متبرع، هر یک باید بخشی از این کار بزرگ و اثرگذار را بر دوش خود حس کنند.
- < ملت ایران باید مساجد را مغتنم بشمارد و پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب آورند.
- < نماز، یک ملت را به قیام لگه وادار و انسانها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می کند.
- < باید قدر مساجد را دانست و باید در مساجد حضور پیدا کرد، زیرا مسجد، هم مدرسه است، هم دانشگاه، هم مرکز تفکر و تأمل، هم مرکز تصفیه روح، هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بنده به خداست.
- < نماز با نقش عظیم تربیتی، با تأثیر شگرف در ایجاد آرامش و سکینه قلبی مؤمنان، با دمیدن روح توکل و تقوا و اخلاص در نماز گزار، موجب دوری او و دیگران از گناه است، و در واقع دارای نقش کلیدی در اداره ی فرد و جامعه است.
- < تأکیدهای بلیغی که بر گزاردن نماز شده، در میان همه ی واجبات دینی بی نظیر است؛ و این به خاطر نقش استثنایی نماز در تنظیم انگیزه های روانی فرد و تأمین فضای مساعد برای تحمل بارهای سنگین وظیفه در جامعه است.
- < لزوم تبیین شأن، روح و محتوای نماز و گستره ی تأثیر آن در جان فرد و مجتمع با شیوه های رسا توسط آشنایان با معارف اسلامی.
- < ضروری است، مسؤولان پرورشی مدارس، نماز را در رأس برنامه های پرورشی به شمار آورند.
- < لازم است، مسؤولان ورزش کشور، محیط ورزش را با یادآوری و اقامه ی نماز روح بخشند و در تعیین وقت مسابقات ورزشی، ساعت نماز را فارغ و زمین و زمان را آماده ی برگزاری نماز کنند.
- < لازم است، برنامه ریزان حرکت رسانه های سفری مانند قطار و هواپیما و غیر آن، حفظ وقت و امکان نماز مسافران را در برنامه ریزیها در نظر بگیرند.
- < لازم است، ائمه ی محترم جماعات، مساجد را از همیشه فعال تر کنند و آموزش ترجمه و مفهوم و روح نماز را به شکل نوین و جذاب، در برنامه های خود بگنجانند.



- < لازم است، نویسندگان کتب معارف دبیرستانها و دانشگاهها، نماز را از موضوعات مورد بحث آن کتابها قرار دهند و در آن، بحث‌های عالمانه و عمیق را در این باره مطرح سازند.
- < لازم است جوانان عزیز، دقائق معدود نماز را فقط برای نماز بگذارند و در طول نماز، تا آنجا که می‌توانند، با تمرکز و حضور قلب، مایه‌ی زندگی بخش ذکر و تضرع را برای جان و دل نیازمند خویش تأمین کنند.
- < لازم است همگان، نماز را بر همه‌ی کارهای دیگر مقدم دارند و هرگز به بهانه‌ی مشغله و گرفتاری، این حضور رهایی بخش در محضر آفریدگار رحیم و کریم و عزیز را از دست ندهند.
- < هدف بلندمدت اقامه نماز در جامعه، صلاح و فلاح همگانی و هدف میان مدت، برافروختن چراغ نمازدرهمه خانه‌ها و در خانه‌ی دلها است و هدف کوتاه مدت به کارگیری همه ظرفیت علمی و هنری و تبلیغی کشور در این راه و سمت و سو دادن به همه‌انگونه تلاشها در این جهت است.
- < لازم است، نماز جمعه را قدر بدانید؛ نماز جمعه متعلق به شما جوانان است، آن را مأمّن و ملجای دل و جان خودتان بدانید.
- < اگر به نماز پایبند باشید، نورانیت شما باقی خواهد ماند و گناه این فرصت را پیدا نمی‌کند که در جان شما نفوذ کند.
- < لازم است، از نیروی مادی و معنوی خودتان در امر ترویج نماز استفاده کنید.
- < آن چیزی که مبارزه‌ی یک انسان و چالش یک امت را رنگ جهاد و معنای جهاد می‌بخشد، همان توجه به خداست، که قوامش به نماز است.
- < انگیزه و جهت گیری دو امر بسیار مهم جهت اقامه‌ی جامعه‌ی توحیدی است که در نماز خلاصه شده.
- < باید مردم را به اهمیت نماز، به تأثیر نماز، به شرائط معنوی نماز آشنا کرد و از همه‌ی ابزارهای مفید تبلیغ بایستی در این راه استفاده کرد.
- < اهمیت نماز جمعه این است که دلها را محکم و ایمانها را قوی می‌کند؛ شجاعت اقدام به افراد می‌بخشد و این سربازان عظیم و این جنودالله را در هنگام لزوم به کار می‌اندازد.

۲-۵- تکیه بر ظرفیت های معنوی حج

- < لازم است، مسلمانان از اجتماعات بزرگ، مخصوصاً اجتماع عظیم حج، برای اعلام



- مخالفت و نفرت خود از توطئه‌های فرهنگی استکبار علیه اسلام و ایستادگی قاطع خود در برابر آن، حداکثر استفاده را بکنند.
- < لازم است در حج، ملت‌های گوناگون شکل امت اسلامی را پیدا کنند؛ احساس وحدت کنند؛ مشکلات بین خودشان را برطرف سازند؛ از مشکلات هم مطلع شوند و مسائل اساسی امت اسلامی را جستجو کنند. این، آن هدف بسیار مهم حج است.
 - < پیام برائت، یک حرکت بزرگ اسلامی و شرکت در آن و در اعلام برائت، یک واجب قطعی و عینی است، این، روح، معنا و جنبه جهانی حج است و مربوط به سرنوشت امت اسلام است.
 - < حج می‌تواند تحولی درونی در یک‌یک مسلمان پدید آورد و از اعضای جدا افتاده ی امت اسلامی، پیکره ی واحد، کارآمد و نیرومند بسازد، چنین تحولی از هر انسانی، موجودی شکست ناشناس و تهدید و تطمیع‌ناپذیر می‌سازد.
 - < حج نمایی از امت واحده، به معنی گامی عملی در راه تحقق آن آرزوی بزرگ - یعنی اتحاد اسلامی - و در نهایت سر برکشیدن قدرت واحده ی اسلامی در میدان سیاست جهانی است.
 - < لازم است در همه ی مراسم حج، مسئله ی انسجام اسلامی و باطل کردن کید دشمن را مورد توجه قرار بدهید.
 - < عمل به دستور اسلام، خنثی کننده تهدیدات دشمن و عوامل فساد است.
 - < اجرای کامل اسلام باعث آسیب‌ناپذیری آن می‌شود.

۳-۵- تمسک به قرآن کریم

- < امروز فرصتی تاریخی و استثنایی است؛ برای این‌که قرآن در هدایت فکر و عمل انسانها، قدرت و چیره‌گی خود را نشان دهد. اما این متوقف است بر این‌که ما خود، به چشمه ی جوشان معارف و هدایت قرآن دست یابیم، آنرا بفهمیم و در آن تدبر کنیم.
- < لزوم رفتن به سمت فهم قرآن، لذا لازم است قرآن با ترجمه های متعدد منتشر شود.
- < لازم است قاریان قرآن، آیاتی را برای تلاوت و تحفیظ انتخاب کنند که می‌تواند در سرنوشت ملت‌های اسلامی به طور ویژه اثر بگذارد.
- < لزوم تدبّر و انس با قرآن، زیرا قرآن کتاب نور، معرفت، نجات، سلامت، رشد و قرب به خداست.



رهیافتِ راهبر

انستیتو راهبردی امنیت نرم
جمهوری اسلامی ایران

- < امروز همه بشر محتاج قرآنند؛ اما ما مسلمانان اگر به قرآن عمل نکنیم، خسارتان، بیشتر از دیگران است؛ چون ما این نسخه و این دستورالعمل را داریم، تجربه تاریخی آن را هم داریم.
- < قرآن، انسان را به بهترین راه، بهترین کار، بهترین نظام، بهترین شیوه، بهترین اخلاق و بهترین روشهای عمل فرد و جامعه هدایت می‌کند و در هر عصری می‌تواند بهترین نسخه سعادت انسانها باشد.
- < اگر بخواهید قرآن در خانه‌ها، بین بچه‌ها، بین بزرگها، بین زنها و مردها رواج پیدا کند، بایستی قهرمانان قرآنی را احترام کنید. اینها حامل قرآنند، اینها عزیزند.
- < مشکل بزرگ مسلمانان دنیا دوری از قرآن است؛ علاج هم برگشت به قرآن است.
- < قرآن فقط برای تلاوت کردن در کنج و زویا نیست؛ قرآن برای عمل است؛ برای شناخت و معرفت است؛ برای این است که جامعه اسلامی تکلیف خود را بفهمد؛ وظیفه خود را بفهمد؛ از حیرت و ظلمات نجات پیدا کند.
- < باید قرآن را از اول تا آخر خواند؛ باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه‌ی معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. البته معلمینی لازمند تا برای ما تفسیر کنند، مشکلات آیات را تبیین کنند. اگر اینها شد، هرچه زمان به جلو برود، ما به جلو می‌رویم و توقف دیگر وجود ندارد.
- < لزوم ارتباط و انس با قرآن در برابر تصمیم دشمن به حذف قرآن از زندگی مردم؛
- < عیب بزرگ کار ما مسلمانها، ما امت اسلامی این جاست که دم از قرآن می‌زنیم، اما به قرآن عمل نمی‌کنیم؛ دم از محبت خدا می‌زنیم، اما از دین خدا پیروی نمی‌کنیم. اگر کسی خدا را دوست می‌دارد، دلیل صدق او تبعیت از پیغمبر است؛ تبعیت از قرآن است.
- < راه نجات همه ملت‌های دنیا نزدیکی به اسلام و به قرآن است.
- < لزوم تعمق در امر دین و معارف اسلامی جهت جلوگیری از انحرافات، یکی از راههایی که این عمق را در اعتقادات انسان، در مبانی فکری انسان، در روح انسان، در ایمان انسان ایجاد می‌کند، انس با قرآن است. بنابراین در زندگی حتماً قرآن با تدبیر را در نظر داشته باشید و نگذارید حذف شود.
- < ما معتقدیم که عمل به قرآن، اساس و محور احیاء قرآن است؛ لذا باید به قرآن عمل کنیم، باید جامعه‌مان را قرآنی کنیم، باید فکرمان را قرآنی کنیم، باید عملمان را قرآنی کنیم، باید قرآن را باور کنیم و وعده‌ی قرآن را وعده‌ی صدق و حق بدانیم.



- < با قرآن باید عجین شد؛ مفاهیم قرآنی مفاهیمی است برای زندگی؛ فقط معلومات نیست. ما باید تلاشمان این باشد که قرآن در زندگی ما تجسم پیدا کند.
- < اصل تحقق جمهوری اسلامی است؛ تجسد قرآن است.
- < نظام جمهوری اسلامی، نظام دین‌مدار، یکی از بزرگترین اقلام عمل به قرآن است که این را انقلاب برای ما تأمین کرد. از این غفلت نکنیم.
- < هر چه ما به قرآن نزدیکتر شویم، دو اتفاق می‌افتد: اول اینکه ما قوی‌تر میشویم؛ دوم اینکه دشمنان بین‌المللی ما، علیه ما بیشتر بسیج میشوند؛ خوب، بشوند.
- < قرآن یک ذخیره‌ی تمام‌نشدنی است که انس با آن از هر واعظی، از هر رفیق ناصحی، از هر درسی برای انسان مفیدتر است. اگر انسان این انس را بتواند پیدا بکند، خیلی دستاورد بزرگی است.

۴-۵- تمسک به ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام)

- < اهل بیت (علیهم‌السلام) همواره مظلوم بودند و هستند؛ به خاطر این‌که برای بسیاری از مسلمین، معارفشان شناخته نیست و راهشان مشخص نمی‌باشد.
- < لازم است هر چه می‌توانیم، در جهت معرفی اهل بیت و روشن کردن راه آنها و متشکل کردن پیروان آنها و هدایت بچه‌های شیعی به سمت اهداف اهل بیت تلاش کنیم.
- < ما باید نفس احساس رابطه را در همه‌ی شیعیان اهل بیت در سراسر عالم زنده نگهداریم، ما باید این را هدف قرار بدهیم.
- < اگر شیعیان یک منطقه ای در جهان از ما سؤال بکنند که ما در فلان قضیه چه باید بکنیم، باید از موضع یک مطالعه و تدبیر سنجیده، پاسخ سؤالها و مسائل آنها را حاضر داشته باشیم، باید در مسائل جاریشان، پاسخهای روشن و صریح را در مقابل آنها گذاشت.
- < لازم است برای اعلامی کلمه‌ی اهل بیت کارهایی را انجام بدهیم؛ اولاً باید خود اهل بیت را معرفی بکنیم، ثانیاً در جهت ترویج افکار آنها بکوشیم.
- < لازم است در باب معرفی شخصیت اهل بیت (ع) کتابها و نوشته‌ها منتشر شود و کار فرهنگی وسیعی انجام بگیرد، و همچنین در باب آراء و افکار و معارفی که در زمینه‌ی مسائل اسلامی - یعنی در اصول اسلامی و در عقلیات اسلامی و سایر معارف - از آنها رسیده است.
- < ما معارف عالیه داریم که بشر محتاج آنهاست، ما از اهل بیت (علیهم‌السلام) چیزهای زیادی داریم؛ چیزهایی است که اگر امروز عرضه بشود، دنیا را واقعاً در مقابل خودش به اعجاب وا



می‌دارد.

- < ما در دنیای اسلام، این فقه راقی پیشرفته‌ی پُر فرع عمیق را باید معرفی کنیم.
- < برای پیروی عملی از حضرت زهرا (س) لازم است ذکر خدا بگوییم، در همه‌ی حالات تلاش کنیم، تا حق را احقاق کنیم و از کم بودن تعدادمان در مقابل دنیای ظلم و استکبار نترسیم.
- < ما باید زندگی اهل بیت (ع) را در زندگی خود - ولو به صورت ضعیف - نمایش بدهیم. باید تشبه کنیم.
- < کشورهایی که به‌ظاهر چیزی مثل حاکمیت اسلامی دارند، اما حاکمیت اسلامی با ارزشها و معیارهای نبوی در جامعه‌شان مطرح نیست. یک عده آدمهای دور از دینند.
- < اگر امروز مسلمانان جهان و ملت‌های اسلامی، شعار ولایت اسلامی سر دهند، بسیاری از راه‌های نرفته و گره‌های ناگشوده باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد گشت.
- < امیرالمؤمنین شاخص است. در درجه اول، ما مسؤولان وظیفه و تکلیف داریم که خودمان را با رفتار ایشان تطبیق دهیم و جهت حرکت خودمان را با او بسنجیم. آحاد مردم نیز همین تکلیف را دارند.
- < باید رفتار علوی در میان ما مسؤولان نظام جمهوری اسلامی نهادینه شود. آن روز است که هیچ‌گونه آسیب و خطری این نظام را تهدید نخواهد کرد.
- < دنیای اسلام محتاج دانستن معارف اهل بیت و به این وسیله باید با یکدیگر هم‌افزایی کنند تا سطح معارف اسلامی بالا برود.
- < اگر محبت و عشق جوشان به اهل بیت (علیهم‌السلام) نمی‌بود، مسلماً جریان شیعه با همه‌ی معارف مستحکم آن، در طول زمان و تاریخ، در میان این همه دشمنی باقی نمی‌ماند. این عواطف را، این شور محبت را نباید دست کم گرفت.
- < بدون پشتیبانی منطق و حکمت، هیچ حقی را نمیشود بر پا نگه داشت و در طول تاریخ گسترش آن جز با محبت، با مودت، با پیوند قلبی و عاطفی، امکان‌پذیر نبود. لذا از اول اسلام تا امروز، پیوند فکری و عقلانی همراه بوده است با پیوند عاطفی و قلبی.

۵-۵- تمسک به فرهنگ عاشورا

- < روح نهضت ما و جهتگیری کلی و پشتوانه‌ی پیروزی آن، توجه به حضرت ابی‌عبدالله



(علیه‌الصلاة والسلام) و مسائل مربوط به عاشورا بود.

- < غرض حرکت امام حسین (ع)، اقامه‌ی حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بود، و این چیزی است که نهضت ما را جهت می‌داد و امروز هم باید بدهد.
- < ما امروز، به برکت نهضت عاشورا و حفظ فرهنگ و روحیه‌ی آن نهضت، در جامعه‌ی خودمان این نظام را به وجود آورده‌ایم.
- < اگر در جامعه‌ی ما، عشق به امام حسین (ع) و یاد او و ذکر مصایب و حوادث عاشورا معمول و رایج نبود، معلوم نبود که نهضت و انقلاب ما با این فاصله‌ی زمانی و با این کیفیتی که پیروز شد، به پیروزی می‌رسید.
- < امام (ره) با ظرافت، جهتگیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهتگیری عاطفی در قضیه‌ی عاشورا پیوند و گره زدند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند.
- < لازم است، یاد امام حسین (ع) و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار - چه به صورت روضه‌خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون - به شکل رایج و معمول و گریه‌آور و عاطفه‌برانگیز و تکان‌دهنده‌ی دلها، در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قویتر هم بشود.
- < کربلا الگوی همیشگی ما و مثالی است برای این‌که در مقابل عظمت دشمن، انسان نباید دچار تردید شود. این، یک الگوی امتحان شده‌است.
- < درس عاشورا؛ شناخت و تشخیص وظیفه اصلی - مبارزه با دستگاهی که منشاء فساد بود - از سایر وظایف بود، لذا باید وظیفه اساسی را که قوام و حیات جامعه به آن است را پیدا کرد.
- < پاسداران به برکت تشبّه به رفتار حسین بن علی علیه‌الصلاة والسلام، خیلی ارزش آفریدند.
- < امام حسین (ع)، هم در تلاش نفسانی و شخصی - تهذیب نفس - آن حرکت عظیم را می‌کند؛ هم در صحنه و عرصه‌ی فرهنگی، که مبارزه با تحریف، اشاعه احکام الهی و تربیت شاگرد و انسانهای بزرگ است و هم در عرصه سیاسی که امر به معروف و نهی از منکر است. بعد هم مجاهدت عظیم ایشان، که مربوط به عرصه سیاسی است. این انسان، در سه عرصه مشغول خود سازی و پیشرفت است. این انسان الگوست.
- < لزوم تأسی به امام حسین (ع)، هم در جبهه سیاسی که آن امر به معروف و حرکت و حضور سیاسی است و در جایی که لازم است، بیان مواضع و تبیین سیاسی در مقابل دنیای



استکبار و هم در جبهه فرهنگی یعنی آدم سازی، خود سازی، خودسازی فکری و اشاعه فکر و فرهنگ.

< روح قضیه عاشورا این است که امام حسین علیه السلام در این ماجرا، با یک لشکر روبه‌رو نبود؛ با جهانی انحراف و ظلمات روبه‌رو بود. این مهم است.

< حرکت نبوی و حرکت حسینی، مثل دایره‌ی متحدالمرکز هستند و به یک جهت متوجهند، که آن ایستادگی و مبارزه با یک دنیا انحراف و ظلمات در ماجرای بعثت و کربلاست، لذا اینجاست که حسین منّی و انا من حسینی معنا پیدا می‌کند.

< ایستادگی و مبارزه در مقابل فشار و سنگینی یک دنیای متعزّض و مدّعی و احساس تردید نکردن؛ عظمت کار امام حسین (ع) در روز عاشورا بود.

< شاخص قضیه عاشورا مواجه شدن با یک عظمت پوشالی است که همه چیزها را هم با خود دارد، این شاخص در عمل امام راحل (ره) نیز بود.

< عاشورا یک حادثه‌ی تاریخی صرف نبود؛ عاشورا یک فرهنگ، یک جریان مستمر و یک سرمشق دائمی برای امت اسلام بود.

< سه عنصر سرمشق ساز در حرکت امام حسین (ع) : ۱. منطق و عقل ۲. حماسه و عزت ۳. عاطفه.

< همه‌ی اقدام‌های مجاهدت‌آمیز - چه سیاسی، چه تبلیغی، چه آن‌جایی که جای فداکاری جانی است - باید از موضع عزت باشد.

< حادثه‌ی عاشورا، خشک و صرفاً استدلالی نیست، بلکه در آن عاطفه با عشق و محبت و ترحم و گریه همراه است، هم در خود حادثه و هم در ادامه و استمرار آن، عاطفه نقش تعیین‌کننده‌ای ایجاد کرده است.

< ذکر سه عنصر موجود در نهضت امام حسین (ع) باید در تبلیغ مبلغین نقش داشته باشد؛ ۱. جنبه‌ی منطق و عمل ۲. حماسه و عزت ۳. عاطفه.

< علت وقوع حادثه‌ی عاشورا، تهی شدن جامعه‌ی اسلامی از معنویت و حقیقت اسلام بود؛ ظاهرش اسلامی بود - نماز برقرار، مردم هم اسمشان مسلمان و عده‌ای طرفدار اهل بیت (ع) - ولی باطنش پوک بود، خطر این جاست.

< امام حسین (ع) می‌ایستد، قیام می‌کند، حرکت می‌کند و یک‌تنه در مقابل این سرعت سراسیمه سقوط قرار می‌گیرد، برای اینکه جلوی انحطاط را بگیرد، نتیجه نیز می‌گیرد، لذاست، که در دنیا باقی مانده و تا ابد هم خواهد ماند.



- < امام حسین (ع) الگو و مظهر اخلاص، اعتماد به خدا و موقع شناسی است.
- < برخی کارهاست که پرداختن به آنها، مردم را به خدا و دین نزدیک می‌کند. یکی از آن کارها، همین عزاداریهای سنتی است که باعث تقرب بیشتر مردم به دین می‌شود.
- < در مجالس عزاداری نشستن، روضه خواندن، گریه کردن، به سروسینه زدن و مواكب عزا و دسته‌های عزاداری به راه انداختن، از اموری است که عواطف عمومی را نسبت به خاندان پیغمبر، پرجوش می‌کند و بسیار خوب است.
- < «درسهای عاشورا» به ما می‌گویند که چه باید بکنیم؛ ولی «عبرتهای عاشورا» به ما می‌گویند که چه حادثه‌ای اتفاق افتاده و چه واقعه‌ای ممکن است اتفاق بیفتد.
- < حادثه کربلا یک گنج است که باید بتوانیم این گنج را استخراج کنیم.
- < قمه زنی سنتی جعلی است و از اموری است که مربوط به دین نیست؛ نباید کاری کنیم که آحاد جامعه اسلامی برتر، یعنی جامعه محب اهل بیت علیهم السلام در نظر مسلمانان و غیرمسلمانان عالم، به عنوان یک گروه آدمهای خرافی بی‌منطق معرفی شوند.
- < حادثه کربلا فقط این نیست که آن را بخوانند و بگویند و مردم خوششان بیاید یا متأثر عاطفی بشوند؛ بلکه، منشأ برکات و حرکت است.
- < معرفت عاشورایی قله و اوج معارف اسلامی است.

۶- تکیه بر فرهنگ بسیجی و جهاد، ایثار و شهادت

- < ضرورت حفاظت از فرهنگ جنگ و انقلاب.
- < هشت سال جنگ تحمیلی بایستی تاریخ ما را تغذیه کند و از روحیه‌ی مقاومت، آن روحیه‌ی فداکاری همراه با اخلاص استفاده کنیم.
- < هنر وسیله‌ای است که می‌تواند حوادث هشت سال دفاع مقدس را به دل و بصیرت انسان تفهیم کند لذا نقش هنرمند مسلمان، نقش فوق العاده برجسته‌ای است.
- < خاطرات و حوادث بسیار پُرشکوهی که امروز به قلم رزمندگان و بعضاً شهدای ما بر صفحه‌ی کاغذ نقش بسته و در اختیار همه است، برای ما درس است.
- < جانبازان و اسرا، برای دفاع از این انقلاب، ذخیره‌های الهی محسوب می‌شوند.
- < ضرورت انتقال حماسه‌های دفاع مقدس به نسل نو؛
- < فرهنگ رزمندگی و جهاد از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی است.



رهیافتِ راهبر

- < لزوم توجه به ایثارگران در کارها و بخشهای مختلف و سپردن مسؤولیت‌های گوناگون کشور به آنها.
- < امتیازاتی که به ایثارگران یا بسیجی‌ها داده می‌شود علاوه بر اینکه قانونی است، زیاده‌تر از آنچه که آنها مستحقش هستند، نیست؛ بلکه در مقابل آنچه دستاورد تلاش آنهاست، واقعاً به مراتب کمتر هم هست.
- < ضرورت اولویت دادن به ایثارگران انقلاب اسلامی در عرضه منابع مالی و فرصتها و امکانات دولتی در صحنه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی.
- < ملتها باید حادثه پُرخسارت جنگ را به یک فرصت و به یک سرمایه تبدیل کنند.
- < ما یک هزارم آنچه را که درباره این جنگ می‌باید تبیین کرد و می‌توان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم.
- < لزوم روایت پیروزی در هشت سال دفاع مقدس و دفاع مردانه از خاک کشور توسط هنرمندان، نویسندگان، سینماگران، شاعران، نقاشان و اصحاب فرهنگ و هنر.
- < سالهای مجاهدت خاموش و دشوار آزادگان عزیز ما در اسارتگاههای عراق همچون ذخیره‌ای فرهنگی است که برای تقویت ایمان و مقاومت و امید برای نسلهای آینده باید بکاربرود.
- < وصیتنامه امام (ره) و شهدا، منشور معنوی انقلاب است.
- < احترام به شهیدان، احترام به جهاد و مجاهدان بایستی جزو بخشهای برجسته‌ی پرچم جمهوری اسلامی قرار بگیرد.
- < من توصیه‌ام به جوانهای عزیز این است که شرح حال سرداران شهید را بخوانید.
- < زندگی فاطمه‌ی زهرا (س)، اگر چه کوتاه بود اما این زندگی، دریای پهنآوری از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار و صبر انقلابی و آموزش به این و آن و سخنانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، و در نهایت هم شهادت است. این، زندگی جهادی فاطمه‌ی زهراست که بسیار عظیم و فوق‌العاده و حقیقتاً بی‌نظیر است.
- < باید روحیه ایمان، ایثار و فداکاری را در درجه اول در خودمان و سپس در مردم تقویت کنیم، زیرا همین روحیه ایثار بود که در جنگ بصورت شهادت طلبی ظاهر شد.
- < فرهنگ جهادی، دستاورد انقلاب اسلامی برای مردم است.
- < لازم است روحیه جهادی سنگرسازان بی‌سنگر جهاد سازندگی که غسل شهادت می‌کردند، روی بولدوزر می‌نشستند تا خاکریز بزنند حفظ شود، چرا که این روحیه با کار علمی و



نظم تشکیلاتی هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه اتفاقاً کار علمی را هم همین روحیه جهادی بهتر می‌کند.

۷- تکیه بر فرهنگ مهدویت و انتظار

- < امید موجب می‌شود انسان تلاش و حرکت کند، پیش ببرد، مبارزه کند و زنده بماند.
- < وقتی به شما می‌گویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز رنجتان می‌دهد ابدی نیست و تمام خواهد شد، این عقیده است که شیعه را تا امروز، از آن همه پیچ و خمهای عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است.
- < نفس اعتقاد به مهدی موعود، باعث ایجاد مشکل برای استکبار و استعمار است.
- < عقیده به امام زمان (عج)، نمی‌گذارد مردم تسلیم شوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند.
- < اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدس مهدی موعود ارواحنفاده، امید را در دلها زنده می‌کند. البته وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، می‌کوشند آن را در ذهنهای مردم خراب کنند.
- < شما مردم عزیز - بخصوص شما جوانان - هرچه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیتها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیکتر خواهید کرد که آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان (عج) است.
- < نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. این، مطلب بسیار مهمی است که نسلهای بشری امروز معتقد باشند که در مقابل ظلم جهانی، می‌شود کاری کرد.
- < وقتی ملتی معتقد است نقشه ظالمانه و شیطانی امروز در کلّ عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت می‌یابد و احساس می‌کند دست تقدیر، تسلط ستمگران را برای همیشه به طور مسلم ننوشته است.
- < نظم ظالمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ می‌شود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.
- < با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه عالم مستقر نمی‌شود، احتیاج به این دارد که



انسانهای صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند.

بزرگترین وظیفه منتظران امام زمان (عج) این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند.

این که اگر کسی پرچم مهدویت را بلند کند، در آتش است. معنایش این نیست که مردم با ظلم مبارزه نکنند و برای تشکیل جامعه‌ی الهی اسلامی مبارزه و قیام نکنند. این، بد فهمیدن دین است.

روش اسلامی تبیین است و همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیتهای غلط فائق بیاید و فائق آمد.

این عقیده که بگویند امام زمان (عج) می‌آید و همه کارها را درست می‌کند، تبدیل کردن یک داروی مقوی، به یک داروی مخدر و خواب‌آور است.

نباید مسأله اعتقاد به حضرت مهدی ارواح‌ناده را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد، نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید.

ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان (عج) خواهد آمد و دنیا را پُر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم.

۸- تکیه بر قدرت ایمان و معنویت

نظام اسلامی، با ایمانها، با همتهای بلند، با مطرح شدن آرمانها و با اهمیت دادن و زنده نگه داشتن شعارها به وجود می‌آید و حفظ می‌شود و پیش می‌رود.

دشمنان سعی می‌کنند وانمود کنند که دینداری، عایق و مانع علم و پیشرفت علمی است؛ اما درست بعکس است، پیشرفت علمی، احتیاج به نوعی ایمان دارد زیرا آدم لایبالی و بی‌بندوبار و هرزه و کسی که دنبال بازده نقد و بازده شخصی است، معمولاً دنبال تحقیقات دشوار علمی نمی‌رود.

هیچ حقیقت و واقعیتی در متن زندگی یک ملت به اراده‌ی الهی تغییر پیدا نمی‌کند؛ مگر وقتی که خود آن ملت بر آن همت بگمارد. این صریح آیات قرآنی و جزو معارف قطعی



دینی است.

- < اساس کار در نظام اسلامی ایمان است، که باید این ایمان را تأمین کرد؛ نه فقط در دل، بلکه در عمل، در برنامه‌ریزی‌ها و در همه‌ی اقدامها.
- < اگر نسل جوان ما با ایمان در صحنه بایستد، هیچ سلاحی، هیچ بمبی و هیچ موشکی نمی‌تواند این ملت را به زانو درآورد.
- < جوانی خود را قدر بدانید. تربیت معنوی و دینی و تحصیلات اسلامی و معرفتی و دانستن تاریخ و پیشرفت علمی را قدر بدانید و در این راهها بکوشید و بدانید دشمن می‌خواهد شما ترقی نکنید و کشور خود را آباد نسازید.
- < ما مردم‌سالاری را نه جدا و بیگانه از معنویت و دین، بلکه توانسته‌ایم کاملاً برخاسته از دین و معنویت در کشورمان مستقر کنیم.
- < این جنگها، استکبارها، ظلمها، شکافهای طبقاتی، غارت ثروت ملتها و فقر عجیبی که بر بخش عظیمی از مردم دنیا حاکم است، همه بر اثر نبود معنویت است.
- < معنویت را به شکل جوهری، اصولی و ریشه‌یی در الگوی جدید مردم‌سالاری دینی خود گنجانده‌ایم.
- < دلی که از ایمان برخوردار است و منشأ تقوا در اندیشه و عمل است، با تبلیغات دشمنان گمراه نمی‌شود.
- < وظیفه معلمین، مبارزه با ظلم و جور، بی‌عدالتی، حق‌کشی و مردم‌کشی با تلاش همه جانبه است، زیرا این مبارزه را با دست خالی از علم و معرفت و ایمان نمی‌شود انجام داد.
- < ایمان، تدین و تعبد، بنیه و منبع لایزالی است که انقلاب، از آن تغذیه کرده و خوشبختانه از خیلی از آسیبها دور مانده است.
- < لزوم مستحکم کردن پایه‌ها و بنیانهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بوسیله‌ی تقویت ایمان مردم به دین و موارث فرهنگی خودشان.
- < لازم است پایه‌های یک ایمان روشن بینانه و استوار را در ذهن نسلهای جوان و رو به رشد خودمان تقویت کنیم؛ ایمان دور از خرافه‌گری و سست‌اندیشی، ایمان روشن بینانه و ایمانی که در هیچ بخشی برافروزنده‌ی آتشیهای تعصب فرقه‌ای نباشد.
- < نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب‌پذیر است. می‌گویند: «هر انسانی، قابل فاسد شدن است.» البته راست می‌گویند؛ با یک استثنا؛ متقین را نمی‌توان فاسد کرد. آنها معنای تقوا را دیگر نمی‌فهمند.



- < راز اصلی این که انبیا از میدان در نرفتند و شکست یکی از آنها، باعث نشد که دیگری به مصاف باطل نرود. خسته نشدن و از میدان در نرفتن است.
- < هر جا مشکلی برای ما باقی مانده، به خاطر این است که خودباوری و اتکای به خدا و باور ایمان و محبت مردم در آنجا ضعیف شده است.
- < ممکن است دشمن خارجی بیاید، سرکوب کند، شکست دهد و تار و مار کند؛ اما نمی‌تواند نابود کند بالاخره ایمان می‌ماند و در جایی سر بلند می‌کند و سبز می‌شود.

۹- پایبندی به اصول، ارزشها و آرمانهای انقلاب و راه امام(ره)

- < نگذارید احساس غیرت انقلابی و تکلیف در مقابل انقلاب، در دل‌های شما ضعیف بشود.
- < لازم است، همه عملاً و قولاً نشان دهند که انقلاب اسلامی راه مبارزه با ظلم و استکبار و فساد را رها نکرده و هرگز نخواهد کرد.
- < هدف از همه‌ی مبارزاتی که ملت ایران به رهبری امام بزرگوار انجام داد تا انقلاب به پیروزی رسید و همه‌ی تلاشهایی که بعد از پیروزی انقلاب در این کشور انجام شد، تشکیل حیات طیبه‌ی اسلامی بود.
- < ما به خاطر تحقق حیات طیبه‌ی اسلامی، نه فقط برای خودمان، بلکه برای بشریت مبارزه می‌کنیم.
- < باید به حیطه‌بندیهای نظام توجه کنید و هیچ‌گونه تخطی و تخلفی را از اصول اساسی نظام و انقلاب اسلامی تحمل و اغماض نکنید. وقتی اغماض نکردید، وقتی رسیدگی کردید، همه چیز درست خواهد شد.
- < لزوم حفظ ارزشها، شعارها و هدفهای انقلاب در کنار سازندگی کشور؛
- < تصور این که سازندگی کشور، با تعقیب هدفهای انقلاب منافات دارد، تصویری متعلق به دشمنان است.
- < لزوم پایبندی مسئولان به ارزشهای اسلامی و دوری از عوارض نظامهای طاغوتی مانند: بیماری رفاه زدگی، عشرت طلبی، زدوبند نامشروع، فساد مالی و اداری، تکبر و دوری از مردم، دسته بندیهای ناسالم و ترجیح مقاصد بانندی بر مصالح عمومی و امثال اینها.
- < باید نظام را، نظام دینی و ارزشی نگهداشت.
- < ضرورت وجود روح ایستادگی و انعطاف ناپذیری در مقابل آمریکا.



- < دنیای اسلام و پیروان راستین اسلام اگر درصدد نجاتند، هیچ چاره‌ای جز این ندارد که خطّ ایران اسلامی و راه امام را مشی کند.
- < لزوم اهتمام به خطوط و رؤس اصلی بینش و سلوک عملی و حکومتی امام راحل (ره):
 - < ۱. ایستادگی در برابر تحمیل و نفوذ قدرتهای خارجی و نداشتن سر سازش با این قدرتها.
 - < ۲. اهتمام به تعبّد و عمل فردی و ایستادگی در برابر سلطه شیطان نفس و وسوسه‌های نفسانی
 - < ۳. اهمیت دادن به توانایی ملتها و «اصل» دانستن آنها
 - < ۴. اصرار بر وحدت مسلمین و مبارزه با تفرقه‌افکنی استکبار
 - < ۵. اصرار بر ایجاد روابط سالم دوستانه با دولتها؛ مگر استثناهایی که هرکدام استدلالی قوی پشت سرش بود
 - < ۶. اصرار بر شکستن حصار تحجّر و التقاط در فهم و عمل اسلامی و التزام به اسلام ناب
 - < ۷. نقش محوری دادن به نجات محرومین و تأمین عدالت اجتماعی
 - < ۸. توجّه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و رژیم غاصب صهیونیستی
 - < ۹. حفظ وحدت ملی و ایجاد یکپارچگی در میان ملت ایران و اصرار بر مقابله و مبارزه با هر شعار تفرقه افکنانه
 - < ۱۰. حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم و حفظ ارتباط با آنها
 - < ۱۱. اصرار بر سازندگی کشور و تحویل یک نمونه عملی از کشور و جامعه اسلامی به جهان
- < پایبندی به آرمانها، رمز ماندگاری نظام اسلامی است.
- < ضرورت پایبندی به اصول، زیرا هر جا که توفیق داشته و موفق شده‌ایم، به خاطر احترام و رعایت اصول انقلاب، و هر جا ناکامی داشته‌ایم، به خاطر انحراف از اصول بوده.
- < ادامه خط امام (ره)، تأمین کننده ی دنیا و آخرت است.
- < ضرورت زنده نگه داشتن یاد و نام امام (ره) و تبیین خط ایشان برای افکار و اذهان، و فهماندن این نکته که احکام اسلام و روحیه عزت اسلامی دو نقطه ی روشن بود که امام آنرا دنبال می کرد.
- < ما به اصول ارزشی خودمان، اصول اسلامی و انقلابی پایبند هستیم، به این معنا اصولگرا هستیم و به آن افتخار می کنیم؛ نه به آن معنایی که دشمن بخواهد ما را دشنام دهد، به معنی متحجر، عقب مانده، نافهم و خشک مغز.



انگیزه راهبردی امنیت نام
جمهوری اسلامی ایران

رهیافتِ راهبر

- < ضرورت زنده و نمایان نگاهداشتن اندیشه‌ی دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) در همه‌ی سیاستگذاریها و برنامه‌ریزیها، و برجسته کردن نقش آن بعنوان یک معیار اساسی.
- < ضرورت رعایت آراستگی سیمای جامعه و کشور و محیط سازندگی به ارزشهای اسلامی و انقلابی
- < امام (ره)، هیچ ارزشی را بالاتر از ارزش اسلام به حساب نمی‌آورد، لذا انقلاب و نهضت امام، برای حاکمیت اسلام بود.
- < سرّ موفقیت امام (ره) این بود که صریح و بدون پرده‌پوشی، اسلام را روی دست گرفت و اعلام کرد من می‌خواهم برای اسلام کار کنم و همه چیز در سایه اسلام است.
- < لزوم پایبندی به سرفصلهای مهم در خط و راه امام (ره)؛ ۱. تعقیب هدف و حاکمیت اسلامی. ۲. تکیه به مردم. ۳. عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم. ۴. دشمن شناسی و فریب نخوردن از او. ۵. علاقه و حساسیت نسبت به سرنوشت مسلمانان عالم. ۶. تعالی علمی و سازندگی کشور.
- < اصول، پایه‌های فکری یک نظام و یک اساس حکومتی است، اسلام، استقلال، نظام دینی، رعایت قوانین اسلامی، جهتگیری عمومی ملت و کشور به سمت متدین شدن و جامعه را به سمت جامعه اسلامی کامل کشاندن، از اصول است.
- < اگر اصلاحات، پیشرفت و نوآوری براساس ارزشهای انقلاب نباشد، جامعه دچار ناکامی خواهد شد.
- < ضروری است، در چارچوب ارزشها تحوّل و حرکت به جلو را با جدّیت تمام دنبال کنیم.
- < کسانی که پایبند به ارزشهایند، اگر این پایبندی را خوب حفظ کنند، البته به تحوّل هم بی‌اعتنا نباشند، و کسانی هم که پایبند و دلبسته تحوّل و پیشرفت و روبه جلو رفتن و تغییر و تبدیلمند، اگر این را حفظ کنند، البته به ارزشها هم توجّه داشته باشند، جامعه از هر دو سود خواهد برد و هر دو جناح به نفع جامعه عمل خواهند کرد.
- < اصلاح‌طلبی جزو ذات انقلاب است، اصلاً انقلاب، یعنی یک حرکت بزرگ و رو به جلو، که این حرکت هرگز ایستایی ندارد و به طور دائم پیشرونده است. این پیشروندگی یعنی همان اصلاح‌طلبی.
- < لازم است، خود را استوار و مستحکم کنیم و بنیانهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی خود را استحکام ببخشیم، زیرا مقاومت، تنها با استحکام بخشیدن به بنیانها صورت می‌گیرد.



- < ضرورت استوار کردن ارزشهای انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل.
- < هر جا با اصول و تفکرات انقلابی اصیل جلو رفتیم، واقعاً پیش رفتیم، هر جا کارها لنگ است، به خاطر وجود بی‌ایمانی‌ها و بی‌ریشه‌یی‌هاست که منجر به نفع‌طلبی و فساد و تبعیض و رفیق‌بازی و امثال اینها می‌شود.
- < ضرورت تقویت ارزشهای دینی و ملی توسط کارگردانان سینما و تلویزیون.
- < همه دشمنی و خصومتی که با انقلاب انجام می‌گیرد، برای بقاء اصول است، زیرا روشها تغییر پیدا می‌کنند، لکن مبانی و اصول انقلاب باقی می‌مانند.
- < مراقب باشیم روح و سیرت انقلاب از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب؛
- < لازم است، چشم بینای طبقه‌ی روشن‌بین و روشنفکر جامعه - یعنی طبقه‌ی دانشگاهی - و چشم بینای دانشجویان مواظب تغییر سیرت انقلاب باشد، باید این مسئولیت را همیشه برای خودش قائل باشد.
- < ضرورت جلوگیری از انحراف در هدفها، آرمانها و جهتگیریهای انقلاب.
- < لزوم برجسته کردن مرزها و شاخص‌های اعتقادی و فکری و سیاسی هویت اسلامی، جهت جلوگیری از انحرافات؛ شاخص عدالت‌طلبی، ساده‌زیستی مسئولان، کار و تلاش مخلصانه، طلب و پویایی علمی بی‌وقفه، ایستادگی قاطع در مقابل طمع‌ورزی و سلطه‌ی بیگانگان، دفاع از حقوق ملی، اجتناب از اشرافی‌گری، جهاد و شهادت، اعتماد مردم، شجاعت در برابر دشمن، نزدیکی با ملتهای مسلمان.
- < لزوم زنده و نمایان نگه داشتن اندیشه‌ی دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها.
- < خطر بزرگ برای کشور ما جدا شدن از مردم، از ارزشهای اسلامی و از خط مبارک امام (ره) است؛ اینها برای کشور ما خطر است.
- < اگر جهتگیری به سمت هدفها در یک انقلاب، در یک حرکت اجتماعی صیانت نشود و محفوظ نماند، آن انقلاب به ضد خود تبدیل خواهد شد؛ در جهت عکس اهداف خود عمل خواهد کرد.
- < آگاه باشید، آن کسانی که در پی تغییر هویت انقلاب بر می‌آیند، معمولاً با پرچم رسمی و با تابلو جلو نمی‌آیند؛ آنچنانی حرکت نمی‌کنند که معلوم بشود اینها دارند با این حرکت



مخالفت میکنند؛ حتی گاهی به عنوان طرفداری از حرکت انقلاب، یک اقدامی میکنند، یک اظهاری میکنند، کاری میکنند، زاویه ایجاد میکنند؛ انقلاب از جهتگیری خود بکلی دور می‌افتد، برکنار میشود.

- < بهترین شاخصهای انقلاب، خود امام و خط امام است.
- < مواضع امام (ره) بایستی به طور روشن و واضح - همان طور که خود او گفت، همان طور که خود او نوشت - تبیین شود؛ این ملاک راه امام و خط امام و صراط مستقیم انقلاب است.
- < نمیشود به خاطر اینکه زید و عمر از امام (ره) خوششان بیاید، ما مواضع امام (ره) را پنهان کنیم یا پوشیده کنیم یا آن چیزهایی که به نظرمان تند می‌آید، کمرنگ کنیم.
- < امام (ره) منهای خط امام، امام بی‌هویت است. سلب هویت از امام، خدمت به امام نیست.
- < بروید وصیتنامه‌ی امام (ره) را بخوانید. امامی که دنیا را تکان داد، امامی است که در این وصیتنامه منعکس است، در این آثار و گفتار منعکس است.
- < اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، عدالتخواه، مجاهد، طرفدار محرومان، مدافع حقوق پابرهنگان و رنجدیدگان و مستضعفان.
- < اگر نظام سیاسی کشور بر پایه‌ی شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزه‌ی واقعی و حقیقی بکند.
- < واجب‌ترین واجبه‌ها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام - به معنای حقیقی کلمه - وابسته‌ی به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است.
- < تولی و تبری در عرصه‌ی سیاست باید تابع تفکر و فکر و مبانی اسلامی و مذهبی باشد.
- < اگر دیدیم مواضع ما جوری است که آمریکای مستکبر، صهیونیست غاصب، مزدوران قدرتهای گوناگون، مخالفین و معاندین امام و اسلام و انقلاب از ما تجلیل میکنند، احترام میکنند، بایستی در مواضعمان شک کنیم.
- < به برکت انقلاب در این کشور، ملاک مسؤولان حکومت، علم، تقوا، عدالت، مردم‌دوستی و گزینش مردم است.
- < اساس کار حکومت اسلامی، تعالی اخلاقی انسانهاست.
- < امروز دین و بطور ویژه جمهوری اسلامی در مرکز توجهات جهانی قرار دارد.



انقلاب اسلامی آمد تا هم «فرهنگ خفقان و سرجنابیدن و جمود» و هم «فرهنگ آزادی بی مهار و خودخواهانه غربی» را نقد و اصلاح کند و فضائی بسازد که در آن، «آزادی بیان»، مقید به «منطق و اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران» و نه به هیچ چیز دیگری، تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی گردد.

۱۰- تکیه بر هویت ملی و انقلابی، اعتماد به نفس و خودباوری

- ◀ همسایه وسیله‌ای دارد که می‌تواند با آن کار کند. شما آن را از او امانت بگیرید و بعد هم سعیتان بر این باشد که خودتان را از او بی‌نیاز کنید. در مقیاس یک ملت، این بی‌نیازی به معنای استقلال علمی، عملی، فنی، فرهنگی و در یک کلام استقلال همه جانبه است. انقلاب اسلامی از ابتدا به دنبال چنین استقلالی بوده است.
- ◀ معلمان و اساتید باید نشان بدهند و به دیگران نیز تعلیم دهند که ملت ایران می‌تواند روی پای خود بایستد.
- ◀ کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه اینکه از دیگران بکلی بی‌نیاز باشد، اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود.
- ◀ ملت ایران، عزت و سربلندی خود را از استقامت و خودباوری و نفی خودباختگی به دست آورده است.
- ◀ بدانید، استقلال یک ملت جز با استقلال فرهنگی تأمین نمی‌شود.
- ◀ لازم است یک ملت با دست خود و برای خود، کار کند؛ با فکر و مغز خود بیندیشد و اجتهاد کند و با ابتکار خود پیش برود؛ ضمن این‌که از همه تجارب هم استفاده کند.
- ◀ ما باید به فناوری جهشی دست پیدا کنیم؛ ما باید بتوانیم بر فناوری‌های موجود دنیا بیفزاییم؛ ما باید بتوانیم اختراع صددرصد ایرانی را در بازارهای دنیا مطرح کنیم.
- ◀ دستاورد ارزشمند جنگ، احساس اتکاء به نفس، عزت، استقلال، خودباوری ملی عظیم و احساس اعتقاد به این بود که اگر یک ملت حول محور ایمان به خدا و عمل صالح جمع شوند، معجزات نشدنی یکی پس از دیگری قابل شدن خواهد شد.
- ◀ ضرورت حفظ استقلال حرکت علمی، هنری و سیاسی در مقابل غرب؛
- ◀ هر ملتی باید روی پای خود بایستد و فرهنگ، عقاید، آداب و عاداتش را خودش انتخاب



- کند. هیچ قدرتی حق ندارد به ملت‌ها بگوید: "شما چرا این‌گونه رفتار می‌کنید؟"
- < آن عاملی که ملت‌ها را در مقابل قدرتها ضعیف می‌کند، بی‌ارادگی خود ملت‌هاست. اگر ملتی با اراده حرکت کند، به خدا متکی باشد و دستور الهی را اطاعت نماید، هیچ قدرتی نمی‌تواند مویی از سر او کم کند.
- < ما هیچ احتیاجی به بیگانه نداریم. البته با همه دنیا ارتباط داریم؛ ز تجربه‌ها استفاده می‌کنیم و مبادلات داریم؛ اما بر اصول و ارزشها و مصالح ملی و هویت اسلامی این ملت تکیه می‌کنیم. این نباید مورد تهدید قرار گیرد؛ این رمز قدرت ماست.
- < لزوم پافشاری بر ارزشها و مواضع و مصالح ملی؛
- < ضرورت حفظ استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، باید این بندهای اختاپوس فرهنگی تحمیل شده‌ی به وسیله‌ی غرب را از دست و پای خودمان باز کنیم.
- < باید در سیاست، فلسفه، ابتکارهای مردمی و ارزشهای اخلاقی هم خودباوری داشته باشیم.
- < عزت ملی در عرصه‌ی فرهنگ به این است که یک ملت به سنتهای خود پایبند باشد، برای آنها ارج قائل باشد، مقلد فرهنگهای بیگانه و مهاجم نشود، به اینکه دیگران بگویند آقا شما مرتجعید، اعتناء نکند.
- < در ایجاد اعتماد به نفس ملی، شخص امام (ره) و عناصر تشکیل دهنده‌ی شخصیت او، یکی از بیشترین تأثیرها را داشت.
- < لازم است نسل جوان اعتماد به نفس را از اعماق دل بپذیرد و در همه‌ی فعالیتهای خود آن را محور و ملاک قرار بدهد.
- < اعتماد به نفس ملی باید در نخبگان کشور بروز کند.
- < وقتی اعتماد به نفس نبود، حالت انسان، حالت انتظار کمک دیگران و انتظار دستگیری دیگران است.
- < اعتماد به نفس ملی یکی از ضرورت‌های ملت ماست.
- < لازم است چیزهایی که اعتماد به نفس را تقویت میکند، را برجسته کنید؛ شما در نشریات دانشجویی، استاد در سر کلاس، دانشجویها در تشکلهای دانشجویی، دانشجویها در محیط اثرگذاری خودشان.
- < سرمایه‌ی امام برای کشور: خودباوری ملی و فرهنگی، استقلال سیاسی؛ ایمان عمیق مردم و شجاعت ملت و مسؤولان ما در مقابل تهدیدهای دشمن و فریب نخوردن در برابر تمجیدها و تطمیع‌های او.



- < لازم است هر حرکتی را که با روحیه‌ی استغنائی فرهنگی و استقلال فرهنگی معارضه دارد، با چشم بدبینی به آن نگاه کنید و بدانید که هدایت شده است.
- < لزوم تقویت و پیشرفت استقلال و خودباوری فرهنگی در کشور.
- < از استقلال و خودباوری ملت ایران، سیاست‌های زیاده‌خواه و دخالت‌جوی جهانی ضرر می‌برند.
- < برای یک ملت، سم بزرگ عبارت است از وابستگی؛ و پادزهر این سم، عبارت است از خودآگاهی، استقلال فکری، استقلال علمی، روی پای خود ایستادن، خود را اداره کردن و خود را محتاج دیگران ندیدن.
- < روح جویندگی، روح امید، روح اتکاء‌به‌نفس و این که «ما می‌توانیم» را در خودتان و در بین نسل خودتان تقویت کنید.
- < لازم است پیشرفتهای علمی به گوش مردم برسد.
- < در محیطی که خودباوری وجود دارد و ملت بدون سلطه‌ی بیگانه مشغول کار است، همه نوع قله‌یی را می‌توان فتح کرد.
- < روح خوشبینی و امیدتان نسبت به آینده را از دست ندهید. بدانید که این خوشبینی و امید بجااست.
- < دشمن می‌خواهد امید را در دلها بمیراند. می‌داند که بزرگترین دشمن او، امیدواری شماست.
- < مسؤولین باید به ملت و استعدادهای ملت تکیه کنند. دست حاجت به طرف دشمن نباید دراز کرد.
- < دشمن، منتظر اظهار ضعف و عجز از طرف ملتِ طرفدار قرآن و اسلام است. ما نباید این فرصت و امکان را به دشمن بدهیم که خیال یا احساس کند که در میان ما، ضعفی هست.
- < ملت و دولت، دست در دست یکدیگر، با سرمایه‌های گوناگونی که در این کشور هست، باید این کشور را بسازند. این کشور، به دست ایرانی باید ساخته شود. غیر ایرانی، مورد اعتماد نیست.
- < هدف انقلاب در درجه اول این بود که نظامی در داخل کشور به وجود بیاورد که وابسته نباشد.
- < ملتی که به یک قدرت خارج از خود وابسته است، خیرات، استعدادها و منابع عظیم انسانی و مادی‌اش در جهت خواست آن قدرت خارجی مصرف می‌شود، نه در راه خیر ملت.



رهیافتِ راهبر

- < ملت ایران به کسی احتیاج ندارد. ملت ما به اتکای نفس و کاوش در خود نیاز دارد.
- < تبلیغات دشمن مهم نیست، اراده و توکل ملت و تدبیر مسئولان مهم است.
- < قطع رابطه با استکبار، عامل پیشرفت کشور است.
- < ارتباط با دشمنان ملت و کشور، ارتباط و اتصال با کسانی که می‌خواهند بر کشور ما حکومت کنند و قصد دوستی با ما ندارند و می‌خواهند ثروت این مملکت را به نفع خودشان مصادره کنند، جز ضرر و زیان حاصلی برای ملت ما ندارد.
- < بیشتر کارهای سازنده و مؤثر را همین عناصر مؤمن و حزب‌اللهی و مهندسین معتقد به انقلاب و فعالان و مدیران دلسوز نسبت به مملکت و نظام انجام می‌دهند.
- < لزوم اعتماد به نفس مدیران و مسئولان کشور است. زیرا اگر این نباشد، به نظر من پایه‌های سازندگی کشور متزلزل خواهد شد.
- < باید سعی کنیم که دانش‌آموزان ما از دوران مدرسه و دانشجویان ما و کسانی که تازه وارد کار شدند، روح اعتماد به نفس را و این که می‌توان با تحلیلها و انگیزه‌ها و فهم خودی مسائل را حل کرد، حفظ و تقویت کنند.
- < عدم دلبستگی به تحلیلها و نظرهای بیگانه، مهمترین چیزی است که در زمینه مسائل ارزشی، لازم است که در کل تشکیلات وجود داشته باشد.
- < ملت ایران نیازی ندارد که روشهای زندگی خود را از دیگران تقلید کند؛ زیرا دارای فرهنگ غنی و عمیقی است، اسلام آموزشهای قرآنی، دستورات الهی و سنتهای اصیل ملی و بومی خود را دارد که می‌تواند یک زندگی شیرین، زیبا، باشکوه، مرفه و همراه با عزت را برای خود ترتیب دهد.
- < ما به عنوان یک کشور، یک ملت، یک نظام بایستی همیشه از لحاظ نظامی هوشیار باشیم.



۱۱- تحول و خودسازی فرهنگی و معنوی

- < هر کسی که به اسلام و انقلاب دلبسته‌تر است از وضع دنیا، از این زورگوییها و خباثتها بیشتر ناراحت است، باید بیشتر به خود بپردازد و خود را اصلاح کند.
- < نمی‌شود کسی در درون خود و در عمل شخصی خود تقوا نداشته باشد، دچار هوای نفس و اسیر شیطان باشد، اما ادعا کند که می‌تواند در جامعه عدالت را اجرا کند.
- < افرادی که به خارج از کشور می‌روند، باید با جمهوری اسلامی دایم در ارتباط باشند و آن



- ارتباطی که آنها را از لحاظ این خصوصیات معنوی - یعنی ایمان و تدین و تقوا - تغذیه کند
- هر کس که خود را در معرض ریاست، امامت و پیشوایی جامعه می‌گذارد اول باید شروع به تأدیب و تربیت خود کند؛ بعد شروع به تربیت مردم کند، با سیره و روش و رفتار خود نه فقط با زبان خود.
- هر کس طبق تکلیف عمل کند، خوشحال و سرافراز است؛ بدون تأسف و اندوه است، لذا باید خودمان را علاج کنیم، متحوّل بشویم و به سمت حیات معنوی اولیای خدا حرکت کنیم. این، علاج همه دردهادر دنیا و برای همه است.
- تحوّل اخلاقی و عدم انحراف، لازمه تداوم انقلاب است.
- لزوم حرکت به سمت تحوّل کامل فرهنگی.
- اولین و مهمترین کاری که پیش روی ما قرار دارد، تحوّل معنوی و روحی انسانهاست.
- خودسازی، مقدمه و شرط اساسی برای دیگر سازی و جهان سازی و ایجاد تحوّل و پیمودن راههای دشوار است.
- باید متحوّل بشویم و به سمت حیات معنوی اولیای خدا حرکت کنیم. این، علاج همه دردهادر دنیا و برای همه است.
- مبارزه با هوای نفس، در رأس تمام کارهای نیک و خودسازیها قرار دارد.
- عبادات فردی، عبادات اجتماعی و عبادات سیاسی، جوانان را مستحکم می‌کند؛ آنها را خلل‌ناپذیر و در مقابل نفوذ شیطان، نفوذ دشمن، نفوذ عوامل فساد و در مقابل تهاجم فرهنگی، آسیب‌ناپذیر می‌کند.
- لزوم نوسازی معنوی یعنی استقرار عدالت اجتماعی به معنای کامل.
- آن سلاحی که هیچ دشمن مادی، قادر به مقابله با آن نیست، سلاح ایمان مخلصانه و عمل مخلصانه است. اخلاص یعنی این که انسان، کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه، انجام دهد.
- عزت، سربلندی و امید بی‌پایان ملت ایران، به برکت اتکاء و امیدواری به خداوندگار و به برکت تکیه بر معنویات است و این با ارتباط روزافزون، شفافتر و متجلی‌تر و متأللی‌تر می‌شود.
- لزوم تقویت فضایل اخلاقی و ایمان، روحیه ایثار و امید به آینده.
- اصل وجود و هویت جمهوری اسلامی دشمن تراشی می‌کند؛ اصل این که پرچمی به نام



اسلام بلند شود و ملتی با شعار معنویت در دنیا اعلام موجودیت کند، جلب دشمنی می‌کند.

- < آنچه می‌تواند ما را در مقابل تهاجم همه‌جانبه‌ی دشمنان در سطوح مختلف حفظ کند، تقویت ایمان، تقویت علم، تقویت فناوری، تسلط بر فنون روز، پیشاهنگ شدن در تولید علم، شکوفایی استعدادهای آحاد ملت و جوانان در رشته‌های مختلف همبستگی ملی و تقویت همدلی در میان مردم است.
- < چهره‌ی فرهنگی کشور باید چهره‌ی نورانی، اسلامی و کاملاً منطبق با فضیلت‌های اخلاق اسلامی باشد؛ این یکی از خلأهای ماست.
- < لزوم ذکر خدا در تمامی میدان‌های سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی، دفاعی و ... زیرا این ذکر موجب فلاح و کامیابی و پشتوانه‌ی ثبات قدم است.
- < انسان از لحاظ علمی و فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدان‌های فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشد.

۱۲- تکیه بر ظرفیت‌های معنوی مردم مومن و انقلابی

- < یک نشانه‌ی کارایی نظام، وجود جوان دانشجوی مؤمن و معتقد به نظام است که حرف خود را در تمام فضای جامعه منتشر می‌کند.
- < یکی از امکانات بزرگ نظام، این نسل جوان تحصیلکرده‌ی پرانرژی پرانگیزه‌ای است که در کشور ما وجود دارد.
- < هر گامی که شما برای ارتقای علمی و عملی و اخلاقی خودتان بردارید، مثل گلوله‌ای است که به سمت دشمن شلیک می‌کنید. این جنگ و این رزم، جهاد بزرگی است.
- < مهمترین زیرساخت کشور، زیرساخت انسانی است به وسیله‌ی علم؛
- < نسل جوان امروز ما نسلی نیست که دشمن بتواند متوقفش کند.
- < دانشجوی جماعت وقتی که انگیزه و روح بسیجی بر او حاکم شود، آن عنصر بی‌همتاست، که برای پیشبرد حرکت عظیم انقلاب نمی‌توان روی او قیمت گذاشت.
- < مسئولان در همه رده‌ها باید متوجه باشند عوامل قدرت در میان این ملت و در این نظام به‌وفور وجود دارد و این عوامل معنوی، قدرت خود را نشان داده است و از میدان‌های دشوار و تجربه‌های سخت، سرافراز بیرون آمده است. این عوامل را باید حفظ کنید.





- < اگر مردم؛ یعنی همین نیروهای مؤمن و حزب‌اللّٰهی، با نظام باشند، با دولت باشند هیچ قدرتی نمی‌تواند با جمهوری اسلامی مقابله کند.
- < انکار نقش مردم و بی‌اعتنائی به حضور مردمی خطاست.
- < ضرورت تکیه بر نیروهای خودی در گسترش علم و فناوری؛
- < نقاط قوت ملت ما: ایمان و اعتقاد و همراهی و همکاری مردم با حکومت است.
- < امروز نظام جمهوری اسلامی یک نظام مردم‌سالار به تمام معناست و در هیچیک از کشورهای اسلامی، مردم‌سالاری به شکل وسیعی که در جمهوری اسلامی هست، وجود ندارد. این حقیقت برای جبهه دشمنان تلخ است.
- < اگر مردم قدرت تحلیل داشته باشند، این مملکت و انقلاب را بیمه و تضمین می‌کنند.
- < اقتدار سیاسی به این معنا که ملت، پشتیبان دولت و تصمیمات مسئولان کشور باشد، پایه ای از اقتدار ملی است.
- < قدرت ایمان نیروهای حزب اللّٰهی در نظام اسلامی از بمب اتم قوی تر است، لذا قدرتهای ریز و درشت عالم تا امروز نتوانسته‌اند و نخواهند توانست با آن مقابله کنند.
- < پایه‌ی ارزشهای اسلامی و انقلاب ما، بر دوپایه‌ی مکتبی و مردمی است، این یک فریب است که ما بیاییم اسلام را از نفع و خیل مردم جدا کنیم و بگوییم مردم و سرنوشت آنها را رها کنید و به دین و خدا و اسلام بچسبید! این، همان اسلام تحریف شده است.
- < نظام ما، نظام مردمی است؛ مردم اجزای اصلی و تعیین کننده آن می‌باشند، نه نظام حزبی که ریسمانهایش به نقطه‌یی وصل است.
- < یگانه نجاتبخش کشور و ملت از شر سلطه‌ی دشمنان و جباران و از شر فقر و جهل، رعایت ارزشهای اسلامی و عدل اسلامی و تکیه بر استعدادهای انسانی این ملت و نیروهای خالص و مخلص آن است.
- < بدون آراء مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه نظام اسلامی، سر پا نمی‌شود و نمی‌ماند، البته مردم، مسلمانند و این اراده و خواست مردم، در چارچوب قوانین و احکام اسلامی است.
- < عناصر اصلی ماندگاری و استواری نظام اسلامی، عبارت است از اسلام، مردم، قانونگرایی و دشمن ستیزی.
- < پاسداران و بسیجیها، واقعاً بهترین جوانانند که در میدان علم و دین و جهاد، پیشرو هستند. در کجا چنین جوانانی را سراغ داریم.



انگیزه راهبردی امنیت نرم
جمهوری اسلامی ایران

رهیافتِ راهبر

- < کسانی اداره امور جوامع را بر عهده گیرند که دیندار و دارای معنویت باشند؛ فکر دینی آنها بلند باشد؛ از انحراف و خطا و التقاط و کج‌بینی در دین مصون باشند؛ از تحجر و جمود و متوقف ماندن در فهم دین برکنار باشند؛ دین را ملعبه دست زندگی خود نکنند؛ از لحاظ سیاست، انسانهای باکفایت و باتدبیر و شجاعی باشند و سیاست را از معنویت و اخلاق و فضیلت جدا نکنند.
- < عملاً در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختیهای نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرنه و مستضعفان جامعه بوده‌اند. اینها باید بیش از دیگران مورد توجه قرار گیرند.
- < با نشستن، تن آسانی، راحت‌طلبی و سرگرم شدن و مشغول شدن به هوس‌ها و بازیچه‌هایی که دشمن سر راه ما و جوانهای ما قرار می‌دهد، راه پیشرفت طی نخواهد شد. نسل جدید باید کار گذشتگان را به اکمال برساند و تمام کند.
- < با وجدان کاری، با همبستگی، با تلاش امیدوارانه و گرم و گیرا، با کار مدبرانه و برنامه‌ریزی شده، و درعین حال با توکل به خدا و استمداد از پروردگار، باید جلو رفت.
- < کشوری که مردم آن از علم بی‌بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت.
- < صدق یک ملت و یک امت، می‌تواند آنها را در میدانهای گوناگون پیروز کند.



۱۳- تقویت وحدت و انسجام ملی

- < ملت ایران، به هیچ قیمت نباید وحدت و یکپارچگی خودش را از دست بدهد. مسئولان باید متوجه باشند که با این یکپارچگی عظیم، چگونه باید رفتار کرد.
- < لازم است نویسندگان، گویندگان و کسانی که پشت تریبونها قرار می‌گیرند هر جا با مردم روبه‌رو هستند، زبان و عملشان در خدمت وحدت و یکپارچگی باشد.
- < هیچ‌کس به هیچ عنوانی نباید حرکتی بکند که مردم یا عده‌یی از مردم را در مقابله‌ی با یکدیگر برانگیخته کند. در این خصوص هیچ‌بهبانه‌ای نباید پذیرفته شود.
- < جوانان و رزمندگان و دانشجویان، خانواده‌های شهدا، روحانیون عزیز و قشرهای مختلف مردم، فقط به پرچم انقلاب و اسلام نگاه کنند، پشت سر این پرچم حرکت کنند و با مسئولان باشند.



- < دشمنان می‌خواهند بین دولت و ملت و مسئولین و آحاد مردم، جدایی ایجاد کنند و می‌خواهند که مردم از اسلام و هدفهای انقلاب، فاصله بگیرند، لذا باید در جهت عکس آن حرکت کرد.
- < آنچه که امروز می‌تواند جبهه ایمان و جبهه حق را مستحکم کند عبارت است از تمسک به وحدت کلمه در زیر سایه اسلام، در زیر سایه حسین بن علی، در زیر سایه معارف عالیله اسلام؛
- < جناحها و گروههای سیاسی اگر واقعاً معتقد به یک مبنا و اصلی هستند، باید سعی کنند که هرچه ممکن است، در عمل، خودشان را به گروههای رقیبشان نزدیک کنند، با هم مهربانی کنند، قضایای گوناگون را با هم حل کنند؛ نه این که اختلافات را همین‌طور دائم موج بدهند، اوج بدهند، بزرگنمایی کنند، بنویسند و بگویند.
- < وحدت کلمه را حفظ کنید و نگذارید دشمن با طرح شعارهای انحرافی، با طرح جاذبه‌های دروغین، با طرح چهره‌های کاذب، در میان شما تشتت درست کند.
- < وحدت کلمه، رمز پیروزی هر ملتی است. رمز پیروزی جنگ و انقلاب ما هم واقعاً وحدت کلمه بود. امروز همدلی شما مردم در هر نقطه کشور، یک امر تشریفاتی و تزئیناتی نیست؛ یک امر ضروری است. چیزهای مورد اختلاف را مطرح نکنند، به نقاط اختلاف فکری تکیه نکنند، چیزهای مورد اتفاق را بگویند.
- < یک ملت، تمام آرمانهای بزرگ خودش را در سایه وحدت ملی می‌تواند به دست آورد که این یک اصل است که امیدواریم همه رعایت کنند و این خواست و مطالبه ما از مسئولانی است که با افکار عمومی مردم سروکار دارند.
- < آن چیزی که میتواند جلوی تهاجم آمریکا را بگیرد فقط وحدت ملی و وحدت کلمه است.
- < علاج مقابله با تهدیدهای امریکا عبارت است از وحدت ملت، وحدت مسئولان، مراعات جناحهای مختلف سیاسی و گردآمدن حول همان محورهایی که امام بزرگوار ما به عنوان اصول این انقلاب و نظام معین کرده و مورد قبول این ملت است.
- < مهمترین سلاح برای خنثی کردن تهدیدات دشمن، همبستگی ملی و همدلی است.
- < همه‌ی ملت ایران، بخصوص نخبگان، جوانان، دانشجویان و کسانی که حوزه‌ی تأثیری فراتر از حول و حوش خودشان دارند، بدانند امروز علاج همه‌ی مشکلات این کشور، همبستگی و مشارکت عمومی است.
- < اتحادتان را حفظ کنید و نگذارید اختلاف سلیقه‌ها شما را در مقابل هم سینه به سینه قرار

بدهد.

- < لازم است ملت، وحدت و یکپارچگی خودش را حفظ کند تا تبلیغات دشمن نتواند در اذهان و افکار این ملت روشن‌بین، کمترین اثری بگذارد.
- < فرهنگ دینی برخاسته از نظام اسلامی، حرکت به سمت وحدت اسلامی و همچنین پرهیز از اختلافات قومی و طایفه‌ای در دنیای اسلام و جوامع اسلامی، چیزی است که پیام‌آور آن، انقلاب اسلامی بود. از اینها نباید غفلت نمود و اینها را نباید فراموش کرد.
- < ضرورت استحکام بخشیدن به بنیانهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بوسیله‌ی ایجاد وفاق و وحدت کلمه.
- < علاج صحیح در مقابل تجاوز امریکا، مستحکم کردن ساخت داخلی نظام است، به وسیله‌ی همبستگی ملت و دلها، همبستگی ملت با مسئولان نظام و وحدت کلمه در مجموعه‌ی ارکان نظام.
- < لزوم تقویت زیر ساخت‌های انسجام و همبستگی ملی برای پیشگیری و مقابله با عوامل بروز گسست‌های هویتی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی.
- < رمز عمل به آنچه که نیاز زمان، کشور، جامعه و جهان اسلام می‌باشد، خواست و اقدام مجموعه و آحاد است نه افراد.

۱۴- تقویت وحدت و انسجام امت اسلامی

- < با کسی که از لحاظ ایمان مذهبی یا دینی با شما مخالف است، بحث نکنید، مجادله نکنید، استدلال نکنید، منطقی نکنید و او را به فکر خودتان معتقد نکنید؛ اما تعصب افروزی نکنید.
- < امروز، بیشتر از همیشه باید به وحدت کلمه‌ی مسلمین اهمیت داد؛ چون اختلاف، راه همیشگی نفوذ دشمنان در جوامع اسلامی است.
- < لازم است جامعه ایرانی و همه شیعیان در نقاط مختلف عالم این نکته را مورد توجه قرار دهند که اعتقاد به غدیر، ولایت و امامت نباید مایه‌ی اختلاف بین مسلمانان شود، چون این چیزی است که دشمن می‌خواهد.
- < اگر مسلمانان با هم باشند و با هم دعوا نکنند و نیروی خود را علیه یکدیگر مصرف نکنند، اهداف پلید دشمن که بیرون راندن اسلام از میان کشورهای اسلامی است محقق نخواهد شد.



- < دشمنان می خواهند نگذارند این وحدتی که پیام انقلاب و اسلام است - اتحاد مسلمین - پا بگیرد. ما می گوئیم این وحدت را باید مهم شمرد.
- < هرکاری که امروز در خدمت اسلام است، مورد نعمت دشمنان اسلام می باشد. وحدت میان مسلمین، یکی از مصادیق این قاعده‌ی کلی است.
- < شعار اسلام ناب و اسلامی که نظام اسلامی بر پایه آن به وجود آمد، این است که مسلمانان با وجود اختلافشان در عقاید و در مبانی مذهبی خود، باید اتحاد کلمه داشته باشند؛ از جریحه دار کردن احساسات یکدیگر خودداری نمایند. این یکی از میدانهای مجاهدت ماست که باید در آن تلاش کنیم.
- < باید روی معرفی شخصیت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) کار کنیم، زیرا وجود نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم)، بزرگترین مایه‌ی وحدت در همه‌ی ادوار اسلامی، و تضمین کننده حرکت مسلمانان به سمت کمال می باشد.
- < تقویت این احساس در فرد، که وی عضوی از پیکر بزرگ امت است و هدایت درست آن، باید بتواند بر همه‌ی آن تفرندهای تفرقه‌ساز، غلبه کند.
- < اتحاد مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فرقی گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین بشود: اول این که فرقی گوناگون اسلامی حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام، همدلی و همدستی و همکاری و همفکری کنند و دوم این که فرقی گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را باهم مقایسه و منطبق کنند.
- < اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته جدا و قیچی کنیم زیرا اگر به گذشته برگردیم، دعواست.
- < وحدت یعنی این که پیروان دو مذهب شیع و سنی با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه این که شیعه، سنی و سنی، شیعه بشود.
- < نام و یاد و محبت و حرمت و تکریم پیامبر اسلام (ص)، نقطه مرکزی و محوری برای وحدت امت اسلام است لذا این محبت را باید روزبه‌روز بیشتر کرد و این گرایش معنوی و روحی به آن وجود مقدس را باید در ذهن مسلمین و در دل آحاد مردم تشدید کرد.
- < ما وظیفه داریم در کنار شعار و عمل به وحدت - که یک برنامه و یک عمل قطعی است - شیعه را در همه جای عالم، به‌عنوان یک مجموعه‌ی متصل و ملحق به جمهوری اسلامی جمع کنیم.



انگیزه راهبردی امنیت نرم
جمهوری اسلامی ایران

رهیافتِ راهبر

- < هر کار مثبت، آن جنبه‌ی اثباتیش مورد نظر است؛ جنبه‌ی نفی‌یی آن اصلاً باید در آن نیاید. مثلاً در برگزاری کنفرانس جهانی اهل بیت (ع)، هیچ نبایستی مسأله‌ی وحدت اسلامی که این همه روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌ایم نقض بشود.
- < محور وحدتِ مسلمین و اتحاد عملی آنها، نام مقدس پیامبر اسلام (ص) و ایمان به آن حضرت و یاد نبی معظم است، زیرا مسأله، مسأله‌ی عاطفه و ایمان است.
- < اگر کسی برای اثبات مذهب خود تلاش علمی بکند، من آن را رد نمی‌کنم. آنچه که ما رد می‌کنیم، تلاش برای معارضه، کوبیدن، اهانت کردن و نفی موجودیت طرف مقابل است؛ این غلط است.
- < امروز «تقریب» دنیای اسلام یک هدف فوری، یک غرض الهی و یک فکر حیاتی است و باید دنبال بشود.
- < لزوم تقریب میان مسلمین هم در مرحله‌ی اعتقاد، هم در مرحله‌ی احکام فقهی، و هم در مرحله‌ی همکاری عملی؛
- < لزوم تلاش برای جلوگیری از نشر آثار تفرقه‌انگیز است؛ چه در محیط شیعی و چه در محیط سنی؛
- < صدا و سیما، رسانه‌ها، روزنامه‌ها، کتاب‌نویسها، همه و همه مواظب باشند بهانه‌یی به دست دشمن ندهند، تا اختلاف بین مسلمین ایجاد کند.
- < مسلمانان باید بیدار بشوند؛ بین خودشان مثل یک خانواده، از علم و صنعت و منابع و پول یکدیگر استفاده کنند و در مقابل دشمن جهانی، یک جبهه‌ی قوی تشکیل بدهند.
- < مسلمانان دنیا، زیر نام پیامبر (ص) راحت تر می‌توانند متحد شوند.
- < لازم است مسلمین و روشنفکران اسلامی بر روی شخصیت و تعالیم وجود مقدس پیامبر اسلام (ص) و محبت به این بزرگوار، با دید همه گیر نسبت به اسلام سرمایه‌گذاری کنند و از جمله عواملی که می‌تواند محور این وحدت قرار گیرد و همه مسلمین می‌توانند بر آن اتفاق نظر کنند، تبعیت از اهل بیت پیغمبر است.
- < مسأله اتحاد بین مسلمین یک امر جدی است. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و نباید بگذارید دیر شود.
- < مسأله غدیر مایه وحدت است؛ اصل مسأله ولایت مطرح شده است. این دیگر شیعه و سنی ندارد.
- < اگر امروز مسلمانان جهان و ملت‌های کشورهای اسلامی، شعار ولایت اسلامی سر دهند،



- بسیاری از راههای نرفته و گره‌های ناگشوده امت اسلامی باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد گشت.
- < برادران سنی ما هم مثل ما روز غدیر را عید بگیرند؛ عید ولایت. برای این که اصل توگد مسأله ولایت، اهمیتش بسیار زیاد است.
 - < امروز شیعه و سنی باید اختلافات دیرین خود را در تعامل روزمره خودشان کنار بگذارند و مشترکات خود را بچسبند.
 - < امروز دنیای اسلام بیش از همیشه نیازمند وحدت و تقریب است زیرا متمرکز، و هم جهت ساختن تلاشها و توانها، و به جریان انداختن آن در سمت و سوی نجات امت اسلامی، هدف و آرزوی هر مسلمان خیرخواه و دلسوز است و این هدف جز در سایه‌ی نزدیک کردن دلها و فکرها، و ایمانها، دست یافتنی نیست.
 - < وحدت امت اسلامی، موجب قطع سیطره فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دشمن است.
 - < اتحاد و انسجام اسلامی از الزامات پیروزی دنیای اسلام است.
 - < اگر هویت یکپارچه‌ی جهان اسلام شکل بگیرد، راه بر سیطره‌ی استعمارگران سیاسی و اقتصادی بسته خواهد شد.
 - < بدانید تحریک عواطف مذهبی برادران اهل سنت کار بسیار خطا و گناه است؛ این را به عنوان یک اصل بپذیرید.
 - < دشمنان اسلام حتی از قضایای کوچک مربوط به هر یک از فرقه و جماعات اسلامی، می‌خواهند برای ایجاد اختلاف استفاده کنند. امروز امت اسلامی، باید متحد باشد. نقاط اتحاد و اجتماع زیادی هست که همیشه باید آنها را در نظر داشته باشیم.
 - < اگر ما می‌گوییم «اتحاد اسلامی» و پایش هم می‌ایستیم نباید تصور شود که این مفهوم مهم، مترقی، اصلی و نجاتبخش اسلامی، یعنی مفهوم ولایت و غدیر را فراموش خواهیم کرد.

۱۵- توجه به انجام فعالیت‌های فرهنگی عمیق و اثرگذار

- < لازم است مسایل فرهنگی باسعه‌ی صدر و اهتمام و دلسوزی عمیق و همراه با خبرگی و کارشناسی رسیدگی بشود.
- < باید قدرت دید حقایق سیاسی در مردم به وجود آید تا در برخورد با جریانها و حوادث سیاسی گیج نباشند.



رهیافتِ راهبر

- < هر تشکیلاتی باید منسجم باشد، تا مورد اعتماد قرار بگیرد.
- < جوانان باید حرفه‌ایی را که از طرف بزرگان انقلاب راجع به انقلاب، در سالهای اخیر زده شده است، بشنوند و آنها را مورد تأمل قرار دهند.
- < ارتقای فرهنگ، فکر و عمل دینی سرچشمه‌ای نیروزا برای همه فعالیتهاست.
- < فرهنگ، اساس کار ماست. و نقش آن، نقش روح در کالبد اجتماع - کالبد بزرگ انسانی - است.
- < لازم است مجموعه انجمن اهل قلم حفظ شود و بسوی کار فرهنگی برود.
- < طرح بیان فکر مخالف در جامعه، مفید است؛ بودنش از نبودنش بهتر است؛ زیرا اگر اندیشه غلط طرح نشود، اندیشه درست نمی‌جوشد.
- < ضرورت تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم سالاری دینی؛
- < لزوم پیرایش چهره فرهنگی کشور؛ باید چهره‌ی فرهنگی کشور نورانی، اسلامی و کاملاً منطبق با فضیلت‌های اخلاق اسلامی باشد.
- < ضرورت بکارگیری روشهای جدید در مقابل کار فرهنگی دشمن؛
- < امروز مؤثرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قوی‌ترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناکتر است.
- < ملت غالب، ملتی است که فرهنگش غالب است، زیرا غلبه فرهنگی است که می‌تواند غلبه اقتصادی و سیاسی و امنیتی و نظامی و همه چیز را هم با خود به دنبال بیاورد.
- < لزوم اقتدار فرهنگی به این معنا که از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیح دفع شود.
- < بزرگترین تبلیغ برای اسلام، روشن کردن ابعاد گوناگون وجود پیامبر (ص) مثل: اخلاقیات، روش حکومت، عبادت، مردم‌داری، سیاست، جهاد و غیره است، لذا ضروری است، مسلمانان هنرمند و مطلع و وارد به شیوه‌های گوناگون در عالم، با بیان و تبلیغ و تبیین راجع به آن شخصیت معظم و مکرم، کار علمی و فرهنگی و هنری و تبلیغی بکنند.
- < من با اصرار می‌خواهم به نخبگان سیاسی و فرهنگی خودمان این توصیه را بکنم که مبانی اسلام را آنچنانیکه از کتاب و سنت فهمیده میشود، بیان کنند و در مقابل نگاه پرسشگر



مردم دنیا یا مردمی از داخل کشور خودمان قرار بدهند.

- < امروز مسایل فرهنگی کشور زمین افتاده، همه خودشان را فرهنگی می‌دانند، نسبت به مسایل فرهنگی اظهار شوق و علاقه می‌کنند و آن را در بیانات و اظهاراتشان مهم نشان می‌دهند؛ اما حقیقتاً کار فرهنگی در کشور، متناسب با پیشرفت و ریشه دواندن انقلاب در جامعه نیست.
- < کسانی که می‌توانند کار فرهنگی بکنند، نباید تنها به کارهای اجرایی و یا سیاسی مشغول باشند.
- < کمبودها را بایستی جستجوگرانه، با وسواس و بدون اغماض رسیدگی کنیم و ببینیم که چه اشکالی در کار ما بوده است.
- < دل بسته شدن و وابسته شدن به کارهای ظاهری، خطر تهدید کننده مجموعه های فرهنگی است.
- < کار فرهنگی منفی سه نوع است: ۱- آن نوشته یا کتابی است که یک منطق یا سخنی را ارائه می‌دهد که از نظر ما آن سخن غلط است. ۲- انگیزه آن کار فرهنگی صرفاً ارائه یک سخن علمی یا یک نظر فلسفی یا اجتماعی یا سیاسی نیست؛ بلکه جزئی از چارچوب یک طرح براندازی است. ۳- کار فرهنگی ای است که اثرش آنی است و قابل پاسخگویی نیست. مثل این که در جامعه‌ای بیایند عکسهای مستهجن جنسی را به شکل وسیعی در میان جوانان پخش کنند
- < خیلی از کارهای فرهنگی، کم عمق، رقیق و فاقد ارزش لازم است که این از عیوب کارهای ماست.
- < لزوم انجام کار فرهنگی عمیق در برابر تهاجم فرهنگی. کار سطحی فرهنگی مفید نیست؛ گاهی هم مضر است.
- < وقتی دفاع از دین، ضعیف و سست و بد باشد، تأثیرش از حمله‌ی به دین، بیشتر است.
- < ما نباید در بیان حقایق اسلامی، نوآوریهای اسلامی را با تطبیق دادن با مبانی غلط دیگران، از بین ببریم.
- < اگر به آینده به معنای حقیقی کلمه اهمیت می‌دهیم لازم است که به تربیت کودک و نوجوان خیلی پردازیم، درباره‌ی آن خیلی فکر کنیم و اهمیت آن را خیلی بشناسیم.
- < امروز کودک ما - چه برسد نوجوان - آگاهی و هوشیاری‌ای دارد که داده‌ی تردیدناپذیر جو و فضای انقلاب است. در گذشته این آگاهیها، این آزادیها و این روح استفهام و این



میل به دانستن، نبود.

- < باید جوانان و نوجوانان را با متن و ترجمه‌ی قرآن آشنا کرد و از شربت گوارا و حیاتبخش قرآن، به ذایقه‌ی آنان چیزی چشانید.
- < بچه‌هایتان را قرآنی کنید.
- < لازم است پدران و مادران با گفتار و کردار خود، فرزندان را به نماز تشویق و راهنمایی کنند.
- < لازم است، پدر و مادرها، کودکان و نوجوانان را با صورت و معنای نماز آشنا سازند و اگر باید از دیگران کمک گرفت، کتابهای شیرین و آسان فهم را برای کودکان خود بخوانند.
- < کار سازندگی انسان بر روی خود، بر روی فرزندان، زیردستان و کسان و بر روی امت اسلامی، بزرگترین کارهاست.

۱۶- رفع نقاط ضعف درونی و آسیبهای فرهنگی

- < آسیبهای درونی، در درون خود ما انقلابیون و مؤمنین زیاد است. اگر ما این آسیبهای درونی را علاج نکنیم، آن آسیبهای بیرونی، مشکلی برای ما به وجود نخواهد آورد.
- < یکی از رازهای عقب افتادگی و انحطاط در جوامع اسلامی این است که عمل در زندگی‌شان، نقش زیادی ندارد.
- < من دشمن داخلی (دشمن درونی)، را در سه چیز، خلاصه می‌کنم: ۱- بی‌ایمانی (ضعف ایمان) ۲- سوء عملکرد ۳- دنیا طلبی؛
- < آنجایی که این لشکر دشمن درونی به انسان حمله کرد و درون انسان را تهی و خالی نمود، راه منحرف خواهد شد.
- < معنای آسیبهای انقلاب مطلقاً خیانت نیست؛ تنبلی، بی‌دقتی، بی‌اهتمامی، دلسوزی و تلاش لازم را نکردن، کار علمی انجام ندادن و متناسب با نیاز، پیش نرفتن؛ همه‌ی اینها سوء عملکرد است.
- < همه باید مواظب باشند که به دام تکلفات و تعینات زندگی نیفتند و در اشرافیگری و اینها غرق نشوند.
- < خودیها ممکن است در یک نظام، بر اثر خستگی، بر اثر اشتباه در فهم راه درست، بر اثر مغلوب احساسات نفسانی شدن و بر اثر نگاه کردن به جلوه‌های مادی و بزرگ انگاشتن



آنها، ناگهان در درون، دچار آفت زدگی شوند.

- < دشمن بزرگ انقلاب در درون انقلاب، همین میکروب ارتجاع است؛ این میکروبی است که در جوامع انقلابی رشد می‌کند، تکثیر می‌شود، نفوذ می‌کند، بیماری می‌آورد، و بیماری‌اش هم واگیر است.
- < توجه کنید که بعضی از تهدیدها از درون خود ما و در میان نفس خود ماست. باید این تهدیدها را از سر راه برداشت.
- < یکی دیگر از ضعفهای درونی عبارت است از تربیتهای اجتماعی موجود و عاداتهای تاریخی، که اینها در ما ملت ایران در آغاز انقلاب بود. اینها در مقابل رسیدن به اهداف عایق ایجاد می‌کند.
- < ما ملت ایران باید این جامه‌ی ناساز بی‌اندام زشت را از تنمان بیرون بیاوریم. ما خیلی مصرف‌زده هستیم؛ باید این را حلش کنیم.
- < هدف از تشکیل حکومت تحقق آرمانهاست لذا اگر حکومت تشکیل شد، ولی در جهت تحقق آرمانها پیش نرفت، حکومت منحرف است. این یک قاعده کلی و معیار است.
- < دشمنی در درون هر یک از افراد مسلمان و مؤمن وجود دارد که خطرناکتر از همه دشمنها هم همین است. تمایلات نفسانی، خودخواهیها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزشهایی که زمینه آن را خود انسان فراهم می‌کند؛ منتها مبارزه با این دشمن، به وسیله شمشیر نیست؛ به وسیله‌ی تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است.
- < اگر دل ما از ایمان تهی شد، در حالی که ظاهرمان، ظاهر ایمانی است و پابندیها و دلبستگیهای اعتقادی و ایمانی را از دست دادیم، اما زبان ما همچنان همان حرفهای ایمانی را می‌زند که قبلاً می‌زد؛ این می‌شود نفاق؛
- < نباید به نام صلابت، دچار تحجر شویم و روشهایی را که امتحان کرده‌ایم و غلط از آب درآمده، رویش پافشاری کنیم.
- < پیش از انقلاب به جای این که برای جبران عقب‌افتادگی‌ها به درون مراجعه کنند و خویش را در خویش پیدا کنند، رفتند سراغ این که خود را در راه طی شده‌ی اروپا پیدا کنند! امروز خطاست که جوان ما بخواهد آن راه را طی کند.
- < موانع درونی؛ ضعفهای فکری و عقلانی، راحت طلبی، آسان‌گرایی، گریز از چالش و آسان‌پنداری است.
- < خشم و شهوتهای بی‌مهار و تربیت نشده، دلبستگی به عادات و عقاید خرافی میراثی، و بد



فهمیدن دستور دین جزو ضعفهای درونی است.

- < باید این تعارض بین دستگاههای سیاست خارجی و تبلیغات را حل کنید. نباید بگذارید که این اختلاف در بیرون نشان داده بشود؛ که اگر نشان داده شد، قطعاً بدانید دستگاه و نظام جمهوری اسلامی ضرر کرده است.
- < بزرگترین ضربه و دشمنی با اسلام، این است که کسانی به نام اسلام، به نام دین خدا و به نام محبت اهل بیت علیهم السلام، خرافاتی را اشاعه دهند که وقتی کسانی از این خرافات اطلاع پیدا می کنند، بگویند، اگر اسلام این است، ما این اسلام را نمی خواهیم!
- < وقتی در جامعه ای عدالت و عبودیت خدا نباشد، جامعه پوک می شود؛ آن وقت ذهنها هم خراب می شود.
- < این غلط است که ما به نام ایمان اسلامی یا ایمان مذهبی حرفی بزنیم و کاری نکنیم که تعصبهای فرقه ای را دائم مشتعل کنیم و همه را به جان هم بیندازیم.
- < هو کردن کسی که حرف تازه ای می آورد، یکی از بزرگترین خطاهاست؛ بگذارید آزادانه فکر کنند.
- < ما وظیفه داریم احساس هزیمتی که در نفوس مسلمین و بخصوص در بعضی از علما یا نویسندگان یا کتابشان هست، از بین ببریم.

۱۷- اصلاح و ارتقاء فرهنگ عمومی



- < فرهنگ کار باید در نمایشنامه ها، فیلمها، سینما، تلویزیون و رادیوی ما انعکاس یابد.
- < فرهنگ جامعه مداوم احتیاج به دمیدن فکر درست و فرهنگ درست و اخلاق درست دارد.
- < وقتی می گوئیم فرهنگ، سنتهای ملی هم جزو فرهنگ است که بود و نبودش در اساس کار خیلی تفاوتی ندارد لکن آنچه که در مقوله فرهنگ مورد نظر من است اخلاق است چه اخلاق فردی چه اخلاق جمعی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زندگی.
- < امروز کتابخوانی و علم آموزی نه تنها یک وظیفه ملی که یک واجب دینی است.
- < هر اقدامی که به گسترش سطح آگاهی عمومی بینجامد و نیروی تفکر و قدرت درک معارف را در مردم با استعداد ما تقویت کند، حسنه یی بزرگ است.
- < باید بخشهایی از زندگی مان را که تحت تأثیر ظلمها و استبدادها و انحرافها و کج فهمیها و کج رویها و دخالتهای بیگانه و امثال اینها ضایع و فاسد شده است، اصلاح کنیم.



- < اصلاح فرهنگ عمومی، از همه کارها مهمتر است؛ چون این کار، محور همه کارهای دیگر است.
- < برای اصلاح فرهنگ عمومی باید کتاب منتشر شود، فیلم ساخته شود و هنر در جهت فرهنگ عمومی هدایت شود.
- < برای اصلاح فرهنگ عمومی باید اولویت بندی کرد و دید کدام مهمتر، ریشه ای تر و اساسی تر است.
- < لزوم دعوت مردم به قناعت، صرفه جویی و اسراف نکردن.
- < در زمینه گسترش فرهنگ، یا تغییر فرهنگ، یا تأمین فرهنگ، یکی از کارهای مهم «ایجاد عادت» است.
- < وقتی بخواهند جامعه را به یک هدف صحیح، و محتوای عمیق نزدیک کنند، چنانچه آن محتوا از ذهن مردم دور هم باشد، بتدریج می شود این کار را با عادت دادن ذهن مردم از طریق مطبوعات و وسایل فرهنگی دنبال کرد.
- < ضرورت اهتمام به نظم، قانونگرایی، روحیه کار و تلاش، خوداتکایی، قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر در سطح جامعه، بویژه در کارگزاران و مسئولان نظام.
- < ضرورت تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و روحیه کار و ابتکار، کارآفرینی، درستکاری و قناعت، و اهتمام به ارتقاء کیفیت تولید؛
- < لزوم فرهنگ سازی برای استفاده از تولیدات داخلی، افزایش تولید و صادرات کالا و خدمات؛
- < لزوم برنامه ریزی برای بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی؛
- < لزوم تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی؛
- < مهم این است که همت برتری داشته باشیم از آنچه در گذشته داشتیم، و کار بیشتری بکنیم از آنچه در گذشته میکردیم.
- < نشاط، سلامت، آمادگی، حوصله ای کار، در سایه ی ورزش عمومی و همگانی برای همه لازم است.
- < یکی از مسائل مهم که همت مضاعف میطلبد، مسئله ی تولید فکر است؛ کتابخوانی، افزایش معلومات عمومی در زمینه های گوناگون؛
- < ورزش برای جوانان دستاوردهای زیادی دارد، برای پیران و کسانی که از سنین جوانی-



- چهل سالگی و پنجاه سالگی - عبور کرده اند، واجب است و باید ورزش کنند.
- ضروریست، ستیز و مبارزه با کسانی که با هویت، اسلام، ملیت، کشور، تمامیت ارضی، استقلال، شرف، ناموس، سنتها، فرهنگ و ارزشها مقابله می کنند تبدیل به یک فرهنگ شود.
- ترویج فرهنگ دینی یکی از میدانهای مجاهدت ماست.
- توجه به نشانه های فرهنگ ملی - اسلامی کشور در بناها و کارهای عمرانی کشور هم در شهر سازی، هم در بناهای گوناگونی که در کشور ساخته می شود.
- بازآفرینی و روزآمد سازی معماری ایرانی - اسلامی.
- ما مسلمانها نشانه های اسلامی و مهندسی اسلامی را باید در همه ی کارهایمان، از جمله در باب مهندسی بایستی مراعات کنیم.

۱۸- اقامه و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با مفسد

- مسأله امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسأله نماز است. یادگرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسأله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد.
- در جامعه اسلامی، تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است و عاملی که جامعه را اصلاح می کند، همین نهی از منکر زبانی است.
- در مقابل تهاجم فرهنگی، جامعه اسلامی باید زنده، هوشیار، آسیب ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند و این با امر به معروف و نهی از منکر ممکن است.
- قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اختیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد.
- وقتی که همه، به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند و همه معروف شناس و منکر شناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است.
- اگر ما امر به معروف را در یک دایره محدود، آن هم به وسیله افراد معلومی، زندانی کنیم، دشمن هم در تبلیغات خودش بنا می کند سمپاشی کردن؛



- < همه‌جا، جای نهی از منکر است. یک دانشجو، در محیط درس می‌تواند نهی از منکر کند.
- < یک کارمند و کاسب در محیط کار خود می‌تواند نهی از منکر کند و یک هنرمند هم، با وسایل هنری خود، می‌تواند نهی از منکر کند.
- < روحانیون در محیطهای مختلف، یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر و امر به معروفند.
- < قشرهای مختلف، باید جایگاه خود را در امر به معروف و نهی از منکر، پیدا کنند. این کار، کار مردمی است.
- < علمای دین باید مردم را هدایت و راهنمایی کنند؛ کیفیت نهی از منکر را بیان کنند و منکر را برای آنها شرح دهند.
- < این بانوان مسلمانی که در اداراتند، باید رفتارشان، لباسشان، زی‌شان و منششان مسلمانی باشد. البته با روش اسلامی؛ با همان شیوه‌ای که نهی از منکر اسلامی دارد و نه با روشهای غیراسلامی و خشونت‌های نادرست.
- < در برخورد با منکر شما موظف به گفتن هستید. شما نمی‌گویید، خیال می‌کنید که اگر بگویید، نمی‌شود. امتحان کنید، بگویید؛ بارها هم بگویید.
- < تأثیر امر و نهی زبانی از تأثیر مشت پولادین حکومتها بیشتر است
- < نگذاریم «منکر»، «معروف» و «معروف»، «منکر» شود.
- < اگر تذکر امر به معروف و نهی از منکر بارها گفته شود، طرف مقابل روحاً مغلوب می‌گردد.
- < کار نیکی که مخاطب خود را به آن امر میکنیم و رفتار زشتی که وی را از آن برحذر میداریم، هر چه بزرگتر و تأثیر اجتماعی یا فردی آن ژرفتر و ماندگارتر باشد، امر به معروف و نهی از منکر ما ارزشمندتر است.
- < عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، تضمین کننده‌ی دوام و استحکام حکومت صالحان است، و رهاکردن و به فراموشی سپردن آن، زمینه ساز سلطه‌ی اشرار و نابکاران.
- < اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر است.
- < نهی از منکر در همه زمینه‌های مهم وجود دارد؛ مثلاً کارهایی که افراد توانا دستشان می‌رسد و انجام می‌دهند؛ همین سوء استفاده از منابع عمومی؛ همین رفیق‌بازی در مسائل عمومی کشور، و رعایت رفاقتها از سوی برخی مسؤولان؛



رهیافتِ راهبر

- < با شیوع منکرات و با تظاهر به آن باید مقابله کرد. اسلام مرتکب منکر را نصیحت و هدایت می‌کند؛ اما حد هم برای او می‌گذارد. با صرف زبان و توصیه نمی‌شود کاری کرد. قدرت نظام باید جلو سیر فحشا و فساد را بگیرد.
- < در همان ماههای اول پیروزی انقلاب، امام اول از روحانیون اسم آورد و مسأله‌ی بی‌حجابی و حجاب را قاطع گفت. امام خمینی (ره) اصلاً دچار رودربایستی نمی‌شد. بنابراین، ملاحظه‌کاری و رودربایستی داشتن، مطلقاً باید نباشد.
- < هیچ معتقد نیستم با کسی که فکر غلطی دارد، برخورد خشن صورت بگیرد؛ به هیچ وجه! یکی از چیزهایی که به پا گرفتن فکر غلط کمک می‌کند، برخورد غیرفکری با آن است.
- < موانع درونی برطرف شدنی است خیلی مسائل هم با تبیین برطرف می‌شود. در همه حال تبیین (بیان واقعیت و رساندن واقعیت) خیلی اهمیت دارد و این را نباید از دست داد.
- < بدترین توطئه‌ها علیه مردم این است که طوری کار کنند و حرف بزنند که کارهای خوب در نظر مردم به کارهای بد، و کارهای بد به کارهای خوب تبدیل شود. این خطر بسیار بزرگی است.
- < وقتی در جامعه گناه منتشر شود و مردم با گناه خو بگیرند، کار کسی که در رأس جامعه قرار دارد و می‌خواهد مردم را به خیر و صلاح و معروف و نیکی سوق دهد، با مشکل مواجه خواهد شد.
- < یک وقت است که آن کسی که مسئول دولتی است و قدرت و اجازه و امضاء در دست اوست، با یک نفر رابطه ویژه برقرار می‌کند؛ این آن چیزی است که ممنوع و گناه و حرام است و نهی از آن بر همه کسانی که این چیزها را فهمیده‌اند - در خود آن اداره، در خود آن بخش، بر مافوق او، بر زیردست او - واجب است.
- < مسئولان اجازه ندهند که هوسهای یک عده معدود و یک گروه کوچک و اندک در داخل جامعه، موجب اغوای ذهن و فکر دختر و پسر جوان و مرد و زن مؤمنی شود که هیچ انگیزه فسادى ندارند.
- < مسئولان اجازه ندهند عده‌ای با تکیه به نام آزادی منکرات و فحشا و بی‌بندوباری را در جامعه رایج کنند. عکس‌العمل آن این است که عده‌ای به نظام بدبین شوند.
- < لزوم توسعه نظم، امنیت عمومی، پیشگیری و مقابله موثر با جرائم و مفسد اجتماعی و امنیتی؛
- < اهتمام به سالم سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهیها، فضایل اخلاقی و امر به معروف و



نهی از منکر.

لزوم ارتقا امنیت اجتماعی از طریق:

۱. مبارزه همه جانبه با مواد مخدر و روانگردان و اهتمام به اجرای سیاستهای کلی مبارزه با مواد مخدر
۲. سامان بخشی مناطق حاشیه نشین و پیشگیری و کنترل ناهنجاریهای عمومی ناشی از آن
۳. استفاده از ابزارهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها برای پیشگیری و مقابله با ناهنجاریهای فرهنگی و اجتماعی

۱۹- توجه به بصیرت، هوشیاری و استقامت

- لزوم بصیرت، هوشمندی، بینایی، قدرت فهم و تحلیل، و بعد صبر و مقاومت و ایستادگی.
- باید دائم در حال پیشرفت بود؛ چون دشمن منتظرِ خاکریز نرم است که نفوذ کند. لحظه‌ای نباید متوقف شد، دشمن منتظر توقف است تا حمله کند. بهترین راه برای متوقف کردن حمله دشمن و بر هم زدن آرایش او، حمله شماست. پیشرفت شما حمله به دشمن است.
- مواظب باشید صبرتان را از دست ندهید. ما با صبر پیروز شدیم؛ باز هم باید با صبر پیشروی بکنیم.
- صبر و بصیرت و وحدتتان را حفظ کنید. نگذارید به بهانه‌های گوناگون، آدمهای کم‌بصیرت، یا کم‌صبر، یا خودخواه، یا بی‌توجه به مصالح عمومی مردم، میان صفوف مستحکم شما فاصله بیندازند و شما را نسبت به یکدیگر، یا نسبت به مسؤولان دل‌چرکین و نگران کنند.
- نباید این گمان و تصور را پیدا کرد که دشمن از دشمنی با اسلام و مسلمین دست برداشته است.
- آن چیزی که برای همه لازم است، آمادگی معنوی؛ یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی و حفظ وحدت، اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه ملت و دولت و شناختن چهره دشمن در هر لباسی است.
- ایمان با بصیرت، حربه مقابله با ابزارهای دشمنان است.
- یک ملت زنده و ملتی که اهل پیشرفت است، از جمله کارهایی که در کنار سازندگی، در



کنار پیشرفت علمی و در کنار کارهای بزرگ، حتماً باید از آن غفلت نکنند، شناخت هدفهای دشمن در هر مرحله است.

اگر در هر نقطه‌ای که شما هستید، بتوانید بفهمید دشمن در فکر چیست، یقیناً مبالغه زیادی از حمله دشمن را پیشگیری خواهید کرد و خودتان را مصونیت خواهید بخشید و کارهایی را که باید انجام دهید، انجام خواهید داد.

اگر ملتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد، فریب و شکست خواهد خورد.
آنچه مانع از توطئه، جنگ و غلبه دشمن می‌شود، ایستادگی و بیداری و حاضر بودن در میدان مقاومت است.

ضرورت اعتلاء و عمق و گسترش دادن معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)؛

ضرورت تعمیق روحیه دشمن شناسی و شناخت ترفندها و توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و منافع ملی، ترویج روحیه ظلم ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری استکبار جهانی؛

لزوم شناخت دشمن‌های درونی و بیرونی؛ دشمن درونی خصلتهای بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود؛ دشمن بیرونی هم عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛

اگر صحنه را بشناسیم، عرصه را بشناسیم، دشمن را بشناسیم، نقشه‌ی دشمن را بدانیم، غافلگیر نخواهیم شد.

لازم است بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بلاهائی که بر ملتها وارد میشود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است.

لازم است شما جوانها کشور را از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه‌ای برسانید که امکان آسیب پذیری‌اش نزدیک به صفر باشد.

لازم است نخبگان جامعه و جریان‌های سیاسی و گروه‌های سیاسی با حوادث و با خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت.

لازم است خواص بصیرت خودشان را در مسائل گوناگون تقویت کنند تا بصیرت مخاطبان و مستمعان خود را نیز زیاد کنند.

امروز هرگونه حرکت عمومی به یک بصیرت عمومی احتیاج دارد.



- < لزوم بصیرت‌بخشی و بصیرت‌دهی به کسانی که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا؛
- < شرط پیروزی، اتکال و اعتماد به خدا، هوشیار و جدی و آماده بودن، حفظ وحدت، و فریب تبلیغات دشمن را نخوردن است.
- < امام راحل با انتخاب خطّ روشن نهضت عاشورا - یعنی استقامت - در نهضت، منش و زندگی خود، به دشمن تفهیم کرد که فشار اثری ندارد.
- < ضرورت اعتلاء و عمق بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی، و تحکیم فکری و عملی ارزشهای انقلاب اسلامی و مقابله ی با تهاجم فرهنگی بیگانه.
- < امروز، آن روزی است که ملتهای اسلامی نباید در مقابل ظاهر قدرتمندانه استکبار، دچار ترس و تردید شوند، دشمنان باید از تسلیم شدن ملت ایران مأیوس شوند، در این راه مقاومت لازم است.
- < یکی از ابتلائات دنیای اسلام این است که، دشمن اصلی را نمی شناسند و کار و وظیفه اصلی را با کارهای درجه دو و سه اشتباه می کنند.
- < رمز اساسی کار و پیشرفت امام و موقّقیتهای الهی آن مرد بزرگوار و رهبر استثنایی، در این بود که دشمن را شناخت و با همه قدرت و استقامت، بدون کمترین اعتماد به او و تسلیم در مقابل او، ایستاد.
- < سربازان عدالت اجتماعی که در این راه آرمانهای بزرگ حرکت می کنند، باید خستگی‌ناپذیر باشند، هیچ ملتی با تنبلی به سیادت و سعادت نمی رسد.

۲۰- پیشرفت در علم و فناوری

- < اگر جامعه‌ای با معلومات باشد، مقاومتش در مقابل دشمن زیاد می شود.
- < اقتدار علمی پایه قدرت بین المللی است.
- < جهت پیشبرد کارهای یک ملت لازم است، آن کارها عمق داشته باشند و مغز و عمقش هم دو چیز بیشتر نیست؛ یکی ایمان، یکی علم؛ این دو را باید داشته باشد.
- < لازم است، علم از درون خود ما بجوشد و ما دست‌گدایی به سمت دشمنانمان دراز نکنیم.
- < یک رکن امنیت بلندمدت کشور و ملتتان علم است.



رهیافتِ راهبر

- < علم محور اصلی پیشرفت همراه با اقتدار است.
- < آنچه که در درجه‌ی اول در ایجاد قدرت ملی مهم است، به نظر من دو چیز است: یکی علم است، یکی ایمان.
- < وقتی که توانستید کشور را به اقتدار علمی و اقتصادی برسانید، وقتی که توانستید عزت علمی را برای کشور فراهم کنید، آن روز البته توطئه‌ها کم خواهد شد.
- < لازم است، در مسائل علمی تکیه روی آموزش در داخل باشد.
- < گاهی علم در دست دشمن ماست؛ پیش دشمن می‌رویم، زانو می‌زنیم و از او علم را فرا می‌گیریم؛ این اشکالی ندارد.
- < لازم است نوآوری و ابتکارات بر اساس نیازها و اقتضائات باشد زیرا نوآوری خودش فی‌نفسه یک ارزش نیست.
- < ما، در راه و راه به روی خودمان نمی‌بندیم که از امکانات جهان و فناوری جدید استفاده نکنیم، لکن دو نکته مهم است: ۱. تکیه اصلی مابهنیروهای خودی ۲. محصول این همه دستاورد، برای حفاظت از انقلاب است.
- < لزوم پیدا کردن راههای میانبر برای پیشرفت های علمی، زیرا اگر بخواهیم از همان راهی که غرب حرکت کرده، دنبالش برویم تا به آن نقطه‌ای که امروز هست، برسیم، عمرها و قرن‌ها طول خواهد کشید و نخواهیم توانست.
- < ضرورت توجه با پرورش و شکوفایی استعدادها، تشویق خلاقیت و نوآوری علمی، و تقویت امر پژوهش، و بالابردن توان علمی و فناوری و کشور؛
- < جهاد علمی یکی از بزرگترین فرائض ما است.
- < علم نه فقط یک شرط لازم، بلکه یک شرط لازم بسیار مهم است و باید در کشور پیش برود. اگر علم در کشور پیشرفت نکرد، اقتصاد، اقتدار جهانی و زندگی مردم پیش نخواهد رفت.
- < لازم است نخبگان علمی در هر رشته‌ای که هستند، برای تقویت و تولید علم در داخل تلاش کنند.
- < ما نباید به فراگیری قانع باشیم؛ باید هدف تحقیق و آموزش ما تولید علم باشد؛ یعنی رسیدن به آنجایی که نوآوریهای علمی در فضای موجود بشری، از آنجا شروع می‌شود.
- < لازم است در جنبش نرم افزاری و تولید علم جدی باشیم، نباید مسائل کشور و آینده را به بازیچه گرفت.



- < ضرورت سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیتهای کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان؛
- < ضرورت تقویت نهضت نرم افزاری و ترویج پژوهش؛
- < ضرورت تقویت امنیت و اقتدار ملی با تأکید بر رشد علمی و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، وحدت و هویت ملی، قدرت اقتصادی و دفاعی و ارتقاء جایگاه جهانی ایران؛
- < ضرورت تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه به یک قطب منطقه ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی؛
- < علم باید مثل ثروت، عادلانه توزیع شود. نظر اسلام هم همین است که علم باید بین همه کشورها و ملتها توزیع شود، ما می‌خواهیم با انحصارگرایی مبارزه کنیم.
- < فضای عمومی کشور بایستی فضای ترویج، تولید، گسترش و تحقیق علم و پرورش عالم و محقق باشد.
- < وظیفه‌ی ملی ما امروز این است که دنبال این فناوری هسته‌ای و فناوری‌های مشابه، هر چه که ما را به اوج قله‌ی علم نزدیک کند، برویم.
- < با کار و تلاش می‌شود از مرزهایی که امروز دانش دارد، عبور کرد؛ در بعضی رشته‌ها زودتر و در بعضی رشته‌ها دیرتر.
- < علم، محور توسعه‌ی حقیقی برای کشور است، زیرا ما بدون علم نمی‌توانیم به‌جایی برسیم.
- < تولید علم، معنایش این نیست که علم دیگران را یاد بگیریم - آن را که باید یاد بگیریم و در این شکی نیست - معنایش این است که ما خطِ مرزِ دانش را بشکنیم، باز کنیم و آفاق جدیدی را فتح کنیم؛ البته این کار دشواری است.
- < ما می‌خواهیم در زمینه‌ی دانش و فناوری به جایی برسیم که شأن ملت ایران است. به‌خاطر این که اگر ما بتوانیم در دانش، در خط مقدم قرار بگیریم، انگیزه‌های جهان‌گیری و جهان‌گشایی غرب را نداریم؛ دانش ما که به سود ماست، به سود ملتهای دیگر هم هست.
- < این که ما گفتیم در ظرف بیست سال باید رتبه‌ی بالا را در منطقه، در علم و در اقتصاد داشته باشیم، با محاسبه‌ی همه‌ی جوانب قضیه نوشته و تنظیم شده؛ و این شدنی است.
- < لازم است زبان فارسی را به تبع رشد علمی‌تان در دنیا رایج کنید. شما باید بتوانید در قله قرار بگیرید؛ این شدنی است و اگر همت بگماریم، قطعی است.



رهیافتِ راهبر

انستیتو راهبردی امنیت نرم
جمهوری اسلامی ایران

- < بایست یک خیز بلند برداریم و یک کار بنیانی و عمیق در زمینه‌ی علم انجام بدهیم، بعد باب علم را باز کنیم به روی کشورهای مسلمان. بنابراین، مسأله‌ی توسعه‌ی علمی کشور چیز مهمی است.
- < امروز تولید علم، تولید کار، تولید ابتکار، تولید کالای مورد نیاز مردم، تولید انسان کارآمد، تولید فرصت و تولید عزت، ، جهاد است.
- < هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند.
- < ما باید علم را با همه‌ی معنای کامل آن به عنوان یک جهاد دنبال کنیم، علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنید به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه‌ی کشور؛
- < لازم است علم‌گرایی و علم‌محوری، در همه بخشها گفتمان مسلط جامعه بشود.
- < لازم است در زمینه‌ی علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، آن را وجهه‌ی همت قرار بدهید و دنبال بکنید؛ این طوری است که ما خط مقدم علم را شکسته‌ایم و یک قدم به جلو برداشته‌ایم.
- < پنجاه سال بعد کشور باید یکی از مراجع علمی دنیا بشود.
- < باید بتوانیم در قله‌ی تمدن بشری قرار بگیریم که حق ماست؛ به خاطر اسلامان، به خاطر ایمانمان، به خاطر استعدادمان، به خاطر ایرانی بودنمان.
- < علم وارداتی، علم - به معنای حقیقی کلمه - نیست؛ علم درون‌زا است که اقتدار می‌بخشد.
- < کشور ما بدون حرکت در جاده‌ی گسترش دانش و گسترش پژوهش، امکان ندارد بتواند به نقطه‌ی مطلوب خودش دست پیدا بکند.
- < ضرورت تثبیت و تأمین آزاداندیشی، زیرا بدون آزاداندیشی، این رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد.
- < اگر همت کنید، روزی که دانشمندان عالم به ایران احساس نیاز کنند دور نیست.
- < یکی از بهترین راههای برجسته‌ی خدمت به کشور، راه علم است؛ زیرا علم مایه‌ی اقتدار ملی، قدرت کشور، ثروت کشور و مایه‌ی سربلندی هر کشوری است.
- < علم برای یک ملت، وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی.
- < اگرچه وضع کنونی را قابل تحسین میدانم، اما به هیچ وجه قناعت به این وضع را مجاز نمیشمارم، برای هیچ کس: نه برای دولتیها، نه برای جوانها، نه برای اساتید دانشگاه. ما



هنوز خیلی باید راه برویم؛ خیلی باید حرکت کنیم.

< آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانشمان به دست بیاوریم و در چاههای نفت را پلمب کنیم، آن روز برای ما روز خوبی است.

۲۱- تقویت امید به آینده در میان مردم و مسئولان

< در آیین و فرهنگ پیامبر اعظم (ص) توقف نیست، ایستادن نیست، وامانده شدن نیست، تحجر نیست و نومییدی وجود ندارد؛ پیامبر (ص) ما با نومییدی جنگید. مسلمان سرشار از امید است.

< مهمترین مانع پیشرفت یک شخص و یک ملت، ناامیدی و تاریک دیدن افق است؛ نه، افق روشن است و می توان جلو رفت.

< لزوم ساختن آینده ای روشن و درخشان توسط جوانان با توجه به چند امر:

< با عمل، ایمان اسلامی را در خودتان تعمیق کنید که این اساس کار است.

< آگاهی سیاسی را در خودتان تقویت کنید که فریب تبلیغات دشمن را نخورید.

< مواظب باشید انگیزه های صنفی، انگیزه های حزبی و انگیزه های گروهی و سلیقه ای و خطی، شما را به یک طرف جذب نکند.

< وحدت کلمه را حفظ کنید.

< زنده نگه داشتن یاد امام، یاد شهدای بزرگوار و یاد صحنه های پرشور انقلاب و جنگ تحمیلی، چه در دانشگاه، چه در حوزه و چه در محیط های کار و زندگی.

< انسانها می توانند تلاش کنند و پرچم عدالت را - ولو در یک نقطه محدود - بلند کنند. اگر این امید را در دل خود بپرورانند که می شود با ظلم مبارزه کرد، ملتها بیدار می شوند!

< باید روزی برسد که بتوانیم از دانش خود نان بخوریم و این ملت بتواند از دانش خود ثروت تولید کند. آن وقت خود آن ثروت به پیشرفت دانش کمک خواهد کرد. یک هم افزائی پی در پی دارند: البته جهت گیریها، باید جهت گیریهای درست و معنوی و الهی باشد.

۲۲- پیگیری گفتمان پیشرفت و عدالت

< لزوم ایجاد انگیزه و عزم ملی برای دستیابی به اهداف مورد نظر در افق چشم انداز؛





- < تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقاء سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش، سلامت، تامین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد.
- < راز همه پیشرفت‌ها، روح مطالبه و خواستن و تصمیم‌گیری برای حرکت کردن است.
- < گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ این گفتمان را باید همه‌گیر کنید.
- < شعار اصلی عدالت و آنچه را مربوط به عدالت است، تقویت و همگانی و در ذهن‌ها تعمیق کنید و روی پشتوانه و فلسفه‌ی فکری آن کار کنید.
- < آنچه خوب و درست است، جامعه‌ی با ثبات، اما غیر راکد و دارای تحول است؛ جامعه‌ای که حولات صحیح را سریع در خودش به وجود بیاورد.
- < «تعیین الگوی پیشرفت» لازم است. اگر این را مشخص کنیم، آن وقت در برنامه‌ریزی‌ها، اولویت‌ها، تقدم‌ها، برنامه‌ها، زمان‌بندی‌ها، و سرمایه‌گذاری‌های ما اثر می‌گذارد و به دنبال خود فرهنگ سازی می‌آورد.
- < وفور تولیدات، وفور صادرات، افزایش بهره‌وری، ارتقاء سطح سواد، ارتقاء سطح معلومات عمومی مردم، ارتقاء خدمات شهروندی، خدمت دادن به شهروندان، رشد نرخ عمر متوسط - به قول تعبیرات اخیر، امید به زندگی - اینها جزو نشانه‌های پیشرفت است و درست است.
- < هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است.
- < عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهمترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین می‌کند.
- < آنچه که پیشرفت هست، این است که ما از هر که و هر جور، همه‌ی دانش‌های مورد نیازمان را فرا بگیریم؛ این دانش را به مرحله‌ی عمل و کاربرد برسانیم، برای اینکه دامنه‌ی علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی، کاربردی و تجربی انجام دهیم و فناوری جدیدی را به وجود بیاوریم.
- < ایجاد درک مشترک از چشم انداز بیست ساله و تقویت باور و عزم ملی برای تحقق آن؛
- < تولید در یک گستره‌ی وسیع باید شعار ملت باشد. تولید کار، تولید علم، تولید فناوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و تولید انسانهای کارآمد؛ رمز سعادت ملت ما در این است که در این گستره‌ی وسیع، هم دولت و هم ملت، بر این تولید همت بگذاریم. این یک جهاد است.
- < پیشرفت همراه با عدالت، یک نهضت است؛ یک نهضت فراگیر؛



- < امروز یکی از پایه‌ای‌ترین گفتمانهای کنونی کشور ما باید گفتمان پیشرفت علم و فناوری باشد؛ این برو برگرد ندارد.
- < صبر و پایداری، عامل هویت، عزت و پیشرفت ملت ایران است.
- < ساختن یک ایران آباد و آزاد، داشتن مردم آگاه و برخوردار از عدالت اجتماعی، نجات از وابستگی و عقب‌ماندگی علمی و استبداد و قهری که آن روز بر این مملکت حکمفرما بود، آرمانهای انقلاب است.
- < باید به معنای حقیقی کلمه به سمت احکام و تعالیم اسلام و ساخت اسلامی برای نظام و جامعه حرکت کرد تا بتوان عدالت را تأمین، فقر را برطرف و فساد را ریشه‌کن کرد؛ تا بتوان دردهای مزمنی را که بر این ملت تحمیل شده است را جبران کرد.
- < لزوم تحوّل حقیقی در ارکان، بنیادها و زیرساختهای جامعه در جهت ایجاد عدالت، ایجاد آزادی، ارتقای فکری و علمی و خلاصه بارور شدن شخصیت انسانی و از حالت نازایی علمی و فرهنگی و اقتصادی بیرون آمدن.
- < لازم است، رشد اقتصادی همپای عدالت پیش برود؛ برنامه‌ریزی کنید و راهش را پیدا کنید.
- < عدالت یک اصل است، اولاً قاطعیت می‌خواهد، ثانیاً ارتباط با مردم می‌خواهد، ثالثاً ساده‌زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب می‌خواهد.
- < لازم است الگوی توسعه‌ی بومی تهیه کنیم، زیرا اگر یک ملت می‌خواهد پیشرفت کند، نمیشود منتظر دیگران باشد.
- < محیط هرج و مرج و محیطی که در آن امید وجود نداشته باشد، ضد پیشرفت است.
- < در بشریت تحول حتمی است. با تحول نایستی مقابله کرد و آن را انکار کرد ولی باید به سوی تحول به شکل درست حرکت کرد.
- < برخی اشتباهات موجب شده است که یک عده‌ای که طرفدار ثبات اجتماعی‌اند، با هر تحولی مخالفت کنند؛ به خیال اینکه این تحول، ثبات را به هم می‌زند. از طرف دیگر، کسانی که خیال می‌کنند هر تحولی به معنای ساختار شکنی و شالوده‌شکنی و زیر سؤال بردن همه‌ی اصالتهاست، اینها هم برای اینکه تحول ایجاد کنند، ثبات اجتماعی را از بین می‌برند و دچار خطر می‌کنند.
- < اگر سؤال نکنیم که پیشرفت چیست، پیدا است به فکر پیشرفت نیستیم. بنابراین، باید اول این سؤال را از خودمان بکنیم و به دنبال پاسخش حرکت بکنیم تا آن را پیدا بکنیم.
- < صنعتی شدن، فرا صنعتی شدن، پیشرفت علمی، پیشرفت خدماتی و پیشرفتهای بهداشتی و



- درمانی، بد نیست اما اساس اینها باید حفظ هویت ملی و آرمانهای اساسی و اصولی باشد.
- < آن تحول اجتماعی یا اقتصادی‌ای که انسانها را نسبت به هم بی تفاوت و بی محبت می‌کند، مذموم است.
- < پیشرفتی که بر فردمحوری و اباحه‌ی لذاتی که انسان به طور مطلق دوست می‌دارد، مبتنی باشد، پیشرفت نیست.
- < پیشرفت و تحولی که در خدمت یک طبقه‌ی خاص - طبقه‌ی سرمایه‌دار - باشد، که امروز در کشورهای غربی این طور است، مورد نظر ما نیست.
- < وابسته کردن اقتصاد، تقلیدی کردن علم، ترجمه‌گرایی در دانشگاه؛ که هر چه که آن طرف مرزها، مرزهای غربی و کشورهای اروپایی، گفته‌اند، ما همان را ترجمه کنیم و اگر کسی حرف زد، بگویند مخالف علم حرف می‌زند؛ پیشرفت نیست.
- < ترجمه خیلی خوب است؛ یاد گرفتن از دیگران خوب است؛ اما ترجمه کنیم تا بتوانیم خودمان به وجود آوریم. حرف دیگران را بفهمیم تا حرف نو به ذهن خود ما برسد.
- < زبان و ملی را مغشوش کردن، هویت اسلامی ملی را سلب کردن و مدل‌سازی به جای مدل‌سازی، پیشرفت نیست.
- < اگر روحیه تجمل‌گرایی در جامعه ما رواج پیدا کند هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد و هیچ وقت روحیه برادری و الفت و انس و همدلی پیش نخواهد آمد.
- < همت مضاعف و کار مضاعف در مبارزه‌ی با فقر، در مبارزه‌ی با فساد، در مبارزه‌ی با بی‌عدالتی،
- < برای دهه‌ی چهارم جمهوری اسلامی، ما باید نگاه کنیم به عرصه‌ی زندگی خود و بینیم کمبودهای ما کجاست؛ باید شتابمان و نوع حرکتمان را جواری تنظیم بکنیم که بتوانیم به صفوف مقدم برسیم؛ والا اگر بخواهیم با همان سرعت و با همان شتابی که به طور متعارف ملتها پیش می‌روند، پیش برویم، باز در این مراحل عقب می‌مانیم.

۲۳- صدور فرهنگ انقلاب و الگوسازی برای سایر ملتها

- < لازم است کشور را به شکل نمونه‌ی اسلامی بسازیم. این چیزی است که دشمن از آن می‌ترسد.
- < تفکر انقلاب و پیام انقلاب که پیام آزادی و بیداری است، احتیاج به صادر کردن ندارد.



- زیرا ملتهای دیگر موفقیت‌های این ملت و عزت ایران و اسلام را می‌بینند و درس می‌گیرند.
- < ملت ایران در حال پدید آوردن یک تمدن مبتنی بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است.
- < صدور انقلاب یعنی صدور یک فکر و یک اندیشه صحیح، که دل انسانها را در اکناف عالم، به خود جذب می‌کند.
- < دشمنان خیال می‌کردند که ما برای صدور انقلاب لشگرکشی خواهیم کرد؛ اما غافل از اینکه حرف ملت ایران و آن طرحی که ملت ما برای اداره‌ی ملتها و جوامع به میان آورده، در دل ملتهای مسلمان می‌نشیند و ملتهای مسلمان به طور طبیعی علاقه‌مند و طرفدار ملت ما می‌شوند.
- < غلط است اگر خیال کنیم در مقابل جامعه جاهلی، ما که جامعه اسلامی هستیم باید برخورد خصمانه داشته باشیم؛ نه. برخورد ما باید برخورد دلسوزانه باشد. یعنی ارزشها را به دنیایی که محتاج ارزشهای اسلامی است، معرفی کنیم، بعد اگر خودمان ان‌شاء‌الله برخوردار از این ارزشها هستیم، آنها را به نقطه مقابل منتقل کنیم. زیرا دنیا، دنیایی است که امروز به پیام اسلامی نیازمند است.
- < برای این ملت، قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است. آن را جدی بگیرید.
- < لزوم زنده شدن اعتراض و افتخار و مباهات به اسلام در مسلمانان؛
- < امروز استکبار جهانی به این نتیجه رسیده است که انقلاب اسلامی، امروز با نفس داشتن و سرپا بودن نظام جمهوری اسلامی، تبلیغ می‌شود. آنها احساس خطر می‌کنند.
- < امروز بزرگترین تلاشها و جهادها در سطح جهان که از نظر خدای متعال در جهت تحکیم اسلام و پیام اسلام است، این است که ایران اسلامی آباد و برکاتش آشکار شود.
- < باید زندگی در این کشور مایه رشک ملتهای دیگر شود، تا بخواهند از آن درس بگیرند. این، عاملی است که دشمن را محکوم می‌کند.
- < وظیفه عمومی این ملت این است که این کشور را هر چه می‌تواند آبادتر و آبادتر کند.
- < واقعاً دنیای اسلام به رهبری احتیاج دارد؛ آن رهبری را هم این ملت باید بکند زیرا اگر بخواهیم امتها و ملتها را هدایت کنیم، یک ملت باید بتواند الگو باشد.
- < امروز فریاد اسلام خواهی ملت ایران که اول بار از زبان امام امت برخاست، ملتها را بیدار کرده و دلها را تکان داده و در منطقه روح بیداری و خودباوری به وجود آورده است.



دشمنان از این مسائل نگران و سراسیمه‌اند.

- < الگوی نوین مردمسالاری دینی، راه جدیدی را به بشریت ارائه کرده است که زندگی انسان در آن، از آفات نظامهای بنا شده بر استبداد فردی و حزبی یا برآمده از نفوذ زرسالاران و چپاولگران، و از غرقه شدن در وادی مادیگری و اباحیگری و دور افتادن از معنویت، مبرا گردد، و تقابل و تضاد خداپرستی با مردم گرایی را در عمل تخطئه کند.
- < ملت ما توانسته است در فرهنگ سیاست بین‌المللی مفاهیم جدیدی را وارد کند. مسئله‌ی دین‌محوری سیاست، قانون، مدیریت کشور؛ اینها همه مفاهیم جدیدی است که ملت ما توانسته است اینها را وارد کند.
- < امروز مردم‌سالاری دینی یک عنوان و شعار مطلوب در میان همه‌ی ملت‌های اسلامی است.
- < هدف انقلاب اسلامی، ساختن جامعه‌ی الگو برای جوامع اسلامی و همه جوامع بشری است.
- < امروز همه کسانی که در دنیای اسلام، به نام اسلام صدا بلند می‌کنند، تحت تأثیر امام بزرگوار ما هستند.
- < انقلاب با مطرح کردن علم معنویت، به حرکت و نگاه مادی که ترک‌تازانه به پیش می‌بردند، لطمه وارد آورد و او را کند کرد.
- < نظام سلطه‌ی جهانی در مواجهه‌ی با این حرکت عظیم و بنیانی اسلامی در کلیه‌ی جهان اسلام با پیشرو بودن نظام ایران در این حرکت، دچار انفعال شده است.
- < بیداری و اراده ملت‌ها، تنها عامل مهار روح سرکش و طغیانگر استکبار؛
- < امروز ایران، مرکز فرماندهی جبهه جنگ اراده‌ها، عزم‌ها، سیاستها و تدبیرهاست.
- < با توسعه‌ی دامنه‌ی معرفت، روحیه و فهم اسلامی، دستاوردهای ما برای کشورهای دیگر الگو خواهد شد.
- < ملت‌های مسلمان عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی‌اند، و تکیه‌گاه یک ملت به عمق استراتژیک اوست. لذا دشمنان نمی‌خواهند ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از این حمایت و طرفداری‌ای که از او در کشورهای مختلف می‌شود، برخوردار باشد.

فصل ششم

تقسیم کار ملی در مقابله با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، نقش و وظایف مسئولان و اқشار مردم

۱- دولت اسلامی

- < هر کس کمک کند به این که دولت نتواند خدمات لازم را انجام دهد برای امریکا و در خدمت امریکا کار کرده است.
- < یکی از آفت های دولتها و حکومتها و رژیم های حاکم بر جهان اسلام، انقطاع آنها از مردم است.
- < برنامه ریزان فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور باید پدیده عظیم جوان را به درستی برآورد و برایش برنامه ریزی کنند.
- < احساس افتخار را در خود، در جوانانتان و در این نسل نوساخته رو به بالندگی ترویج کنید.
- < اگر ملت و دولت با همکاری هم، با امید به آینده، با اتحاد و همدلی، با دور ریختن بعضی از حرفهایی که دشمن می خواهد به زور در مغز این ملت تزریق کند، وارد میدان شوند و تلاششان را منسجمتر کنند، قطعاً در آینده نه چندان دوری کشور ما به اوج اعتلاء خواهد رسید.
- < لزوم وجود وحدت و امنیت ملی جهت رسیدگی دولت به مسائل زندگی مردم و فرهنگ کشور.
- < وظیفه دولت اسلامی اینست که در آشفته بازار احتمالی یا غیر آشفته بازار، در عرصه فرهنگ و عقیده و اخلاق، نگذارد عائله ی او یعنی ملت، دچار گمراهی بشوند.
- < نسبت به مقوله فرهنگ نباید بی تفاوت بود، آن جایی که جای وارد شدن است، از تهمت و شانناژ و این که شما دین را دولتی کردید، نهراسید، زیرا شما دولت دینی



هستید.

- < لزوم اهتمام رئیس جمهور به گشایش اقتصادی و ایجاد غنا در کشور، و ارتقاء فرهنگ دینی.
- < لزوم توجه دولت اسلامی به نیازهای معنوی مردم در کنار نیازهای مادی آنها.
- < از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید. فرهنگ را دست کم نگیرید، در بودجه برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت ارزشی به فرهنگ بدهید.
- < من هرگونه تضعیفی که نسبت به مسؤولان نظام، بخصوص نسبت به دولت انجام بگیرد، خیانت می دانم.
- < از لحاظ آن چیزی که شاخصه‌ی نظام اسلامی در دنیاست - یعنی عزت، استقلال، مناعت در مقابل کفار، اشداء علی الکفار، رحماء علی المؤمنین - امروز نظام ما یک نظام موفق و پیشرفته است.

۲- شورای عالی انقلاب فرهنگی

- < ستاد اصلی مقابله با تهاجم فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی است.
- < شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی دفاع در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن است، دفاع بمعنای تدبیر فرهنگی نه به معنای مصطلح رایجش.
- < هدایت امور فرهنگی کشور بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است
- < اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجموعه‌ی زبده‌ی فرهنگی دست اندر کاری هستند که وارد میدان اند - در مجلس اند، در دولتند و در بخشهای گوناگون مشغول کارند - و فرهنگی هم هستند و مسائل را درک می کنند؛ بنابراین، این شورا از این جهت منحصر به فرد است و بسیاری از مسائل را می شود در آن مطرح کرد و مورد بررسی قرار داد و یک خط حرکت را برای بخش مورد نظر از فرهنگ انتخاب کرد تا همه‌ی دستگاهها از آن تبعیت کنند.
- < شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز سیاستگذاری فرهنگی کشور.
- < شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد عالی فرهنگی و علمی و مرکز مهندسی فرهنگی کشور است.
- < امروز اساس کار ما اینست که شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر سازمانهای فرهنگی در





- تقویت کار فرهنگی احساسا و مسئولیت کنند و در میدان کار بیفتند.
- < شورای عالی انقلاب فرهنگی از جمله وظایفش این است که بنشیند ببیند کجا دولت باید در مقابل فرهنگ حساسیت نشان بدهد؛ کجا باید بخصوص حساسیت نشان ندهد و کجا باید تغافل کند.
 - < ضرورت مدیریت فرهنگی در جامعه به مرکزیت شورای عالی انقلاب فرهنگی.
 - < نظام از یک مجموعه‌ی اهل فن برگزیده‌یی که به عنوان شورای عالی انقلاب فرهنگی، زیر این نام جمع شده‌اند، انتظارات زیادی دارد.
 - < شورای عالی انقلاب فرهنگی در جهاد ملی، با بی‌سوادی و عقب‌ماندگی علمی و تبعیت فرهنگی، در حکم ستاد مرکزی و اصلی است.
 - < نخستین وظیفه‌ی شورای عالی در دوره‌ی تازه، تدوین شرح وظائف و ترسیم خطوط کلی فرهنگی کشور است.
 - < لزوم تأثیرگذاری شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱- تصمیمهای کلان کشور بمعنای نقش فرهنگ بعنوان جهت دهنده‌ی به تصمیمهای کلان کشور. ۲- فرهنگ بعنوان شکل دهنده‌ی به ذهن و رفتار عمومی جامعه. ۳- فرهنگ بعنوان سیاستهای کلان آموزشی و علمی در دستگاههای موظف دولت.
 - < عقبه علمی و فکری و خط مقدم اجرایی دو امر اساسی مورد نیاز شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت مرکزیت فرهنگی کشور.
 - < ضرورت تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور، بحث و کار و تصمیم گیری و ترسیم نقشه کلان با راه کارها توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی.
 - < ضرورت پویایی، نشاط، انگیزه و نوآوری مضاعف اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان قرارگاه اصلی مسائل فرهنگی و کارزار فرهنگی کشور.
 - < باید فرهنگ جامعه را اصلاح کنیم و عیوب این فرهنگ را پیدا کنیم و بفهمیم مشکل کجاست که ما نتوانستیم یک جامعه‌ی رشید، آزاد، موحد، عدالت طلب، پرکار، پرنشاط، پرامید، پیشرو، دارای اعتماد به نفس، دارای توکل به خدا، دارای روح ایثار و مجاهدت و در همه‌ی ابعاد به طور کامل، تربیت کنیم.
 - < مسئله فرهنگ عمومی را باید خیلی جدی بگیریم.
 - < ضرورت تکمیل و اجرای طرح مهندسی فرهنگی کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم.



۳- روحانیت و مبلغان دینی

- < تصویر مطلوب و ایده آل و متوقع از حوزه علمیه، یک کارگاه ایدئولوژی و مرکز ایدئولوگهاست.
- < این انقلاب، با این عظمت و ابعاد و آثار عملی، از لحاظ ارایه‌ی مبانی فکری خودش، یکی از ضعیفترین و کم‌کارترین انقلابها و بلکه تحولات دنیاست.
- < امروز، سیاستگذاری روحانی می‌تواند مملکت را به سمت کشاورزی بکشاند، به سمت صنعتی بکشاند، خدای نکرده به سمت وابستگی بکشاند، یا به سمت خودکفایی و استقلال و شکوفایی اقتصادی سوق دهد، یا به سمت رکود اقتصادی بکشاند. این، مسأله‌ی بسیار مهمی است.
- < پاسداری از اسلام و نظام، اولین مسئولیت امروز روحانیت.
- < امروز، تلاشی حوزه یا صدمه‌ی به حوزه، صدمه‌ی به اسلام، آن‌هم در شکل درخشان عالمیش است.
- < کج فهمیدن، ساده و سطحی فهمیدن، گُند و ناهوشمندانه فهمیدن، غافل ماندن از مسایل جاری عالم و کشور، از جمله‌ی زیانبخش‌ترین چیزهایی است که ممکن است حوزه‌ی علمیه با آن روبه‌رو بشود. اینهاست که زمینه را فراهم می‌کند، تا یک عده آدمِ بددلِ سوءنیت‌دار احیاناً تحریک شده به وسیله‌ی اجانب، در حوزه‌ی علمیه راه بیفتند و حرفهایی را مطرح کنند.
- < نهاد منبر در بافت اجتماعی و دینی و فکری مردم، مؤثر است.
- < امروز امید و تکیه‌ی معنوی مردم به روحانیت است.
- < مجاهدت برای مردم، تکلیف همیشگی روحانیت است.
- < مسئولیتهای خطیر عالمان دینی به خاطر طبیعت علم است که اولش فقه است، بعد هم امر است.
- < ما باید فقه اسلامی را در جامعه پیاده کنیم. فقه اسلامی، فقط طهارت و نجاسات و عبادات که نیست؛ فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه‌ی جوانب زندگی انسان است؛ فردیاً، اجتماعیاً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصاداً؛ فقه‌الله‌الاکبر این است.
- < دستگاه جمهوری اسلامی دستگاهی است که مبتنی بر یک عنصر روحانی است؛ زیرا در رأس این نظام، رهبری قرار دارد، و رهبر باید یک فقیه باشد؛ یعنی یک روحانی.



- < روحانیت نباید نسبت به مسائل انقلاب و نظام بی تفاوت باشد، زیرا در صورت بی تفاوتی، غیر از مؤاخذه‌ی الهی، بلاشک با مؤاخذه‌ی نسلهای آینده روبرو خواهد شد.
- < حوزه‌ی علمیه، یک دستگاه تولیدی و یک کارخانه‌ی عظیم انسانی است؛ باید دایم تولید کند؛ باید کتاب تولید کند؛ آدم و عالم تولید کند؛ متدین تولید کند؛ فکر تولید کند و حرف تازه‌یی بزند.
- < حوزه‌ی علمیه باید کارخانه‌ی سازندگی انسان، سازندگی فکر، سازندگی کتاب، سازندگی مطلب، سازندگی مبلّغ، سازندگی مدرّس، سازندگی محقق، سازندگی سیاستمدار و سازندگی رهبر باشد.
- < حضور یک روحانی و یک طلبه‌ی جوان در مقدم‌ترین خطوط، در خطرناک‌ترین سنگرها و کمینگاهها، در دشوارترین مواقف، در لحظه‌های تعیین کننده و حساس بسیار با برکت و پر فایده و اثر بخش است.
- < روحانیت اسلام در داخل کشور ما، متکی به مردم است و هیچ وقت وابسته به قدرتها نبوده است.
- < تهاجم تبلیغاتی دشمن علیه روحانیت و سعی در بی اعتبار کردن روحانیت در دید مردم.
- < امروز سطوح حساس دنیای غرب، دانشمندان، متفکرین، انسانهای با وجدان، روشنفکران و جوانان تشنه اسلام هستند.
- < جامعه علمی دینی - یعنی روحانیت - اولین وظیفه‌اش تبلیغ است.
- < اساس کار تبلیغ، بر پیش بردن مخاطب است. باید آنها را آگاه کرد و ترقّی و رشد فکری داد و در جهت آگاهی دینی و تقرّب به پروردگار و کمالات نفسانی پیش برد.
- < امروز همه عوامل بقا و حیات، در نظام اسلامی هست.
- < سیاستی که از دین جدا باشد، آلوده است؛ اما سیاست دینی به همان اندازه مقدّس است که عبادت دینی.
- < منشأ تبلیغ امروز باید فکر، اندیشه، خردمندی، اخلاص و معنویت باشد و عشق و علاقه به مخاطبان را نیز داشته باشد.
- < تبلیغات، مهمترین رکن و عامل این انقلاب عظیم است.
- < یکی از خدمتهایی که دشمنان ما به ما می‌کنند، همین است که به ما نشان می‌دهند در تبلیغ روی چه نقاطی باید متمرکز شویم.
- < موفقترین و ماندگارترین و عمیقترین روشهای تبلیغی کاری است که شما مبلغین به

صورت سنتی انجام می‌دهید.

- < منبرها و مبلغین بدانند که مهمترین مخاطبین به سه دلیل باید جوانان باشند: ۱- جوانان اکثریت کشور ما هستند، ۲- بیشترین تلاش دشمن در انحراف جوانهاست که این بدلیل کثرت آنهاست، ۳- آسان پذیری و زود پذیری جوانان.
- < دو دلیل برای عدم فراگیری دانشهای غیر دینی در حوزه های علمیه در قرن حاضر و قرن گذشته: ۱- علما علمی را که بوسیله دشمنان ترویج می‌شد، با چشم بدبینی نگاه می‌کردند، ۲- دشمنان حاضر نبودند علم را به حوزه علمیه بدهند.
- < مبدا کسی تصور کند که با بودن رادیو و تلویزیون و ویدئو و این وسایل امروزی، دیگر منبر چه نقشی دارد؟ تأثیری که گفتار یک انسان در یک مجلس در ذهن مخاطبین می‌گذارد، به کلی با هر نوع تبلیغ دیگر متفاوت است.
- < وقتی انسان وارد میدان شد، مخالف و موافق پیدا می‌کند.
- < تبلیغ در اسلام متوجه کردن ذهن به حقیقتی است، بر خلاف تبلیغ غربی که تحت تأثیر قرار دادن دلها و مغزها با شیوه های علمی و روانشناسی است.
- < آن چیزی که می‌تواند ما را موفق کند و سخن ما را دلنشین و مؤثر نماید، تلاش برای خدا، دین خدا، رضای خدا و اعلائی کلمه الله است.
- < علاج تهاجم فکری و نظری دشمن که ایمان و اعتقاد راسخ مردم را هدف گرفته، پیکار نظری است.
- < اگر ما به مبارزه با تهاجم دشمن تصمیم داشته باشیم - بر این معنا تصمیم بگیریم و به خدای متعال اتکال و از ظرفیت خودمان استفاده کنیم - توان دشمن بسیار کمتر از توان ماست.
- < بی‌شک آزادیخواهی و مطالبه فرصتی برای اندیشیدن و برای بیان اندیشه توأم با رعایت «ادب استفاده از آزادی»، یک مطالبه اسلامی است و «آزادی تفکر، قلم و بیان»، نه یک شعار تبلیغاتی بلکه از اهداف اصلی انقلاب اسلامی است.
- < نهادهای شدن آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام راه علاج بیماری ها، هتاکی ها و مهار هرج و مرج فرهنگی است.
- < امروز با تنوع وسایل تبلیغ در دنیا، میدان افکار مردم و مؤمنین، عرصه‌ی کارزار تفکرات گوناگون است. این کارزار فکری به هیچ وجه به زیان ما نیست؛ به سود ماست. اگر وارد این میدان بشویم و آنچه را که نیاز ماست - از مهمات تفکر اسلامی و انبارهای معارف



- الهی و اسلامی - بیرون بکشیم و صرف کنیم، قطعاً بُرد با ماست.
- < لزوم کار فکری در مقابل اظهارات فکری مخالفین و دشمنان نظام اسلامی.
 - < لزوم تولید، تبیین و تدوین فکر، توسط حوزه های علمیه در پیکار نظری با دشمن.
 - < مبدا ما آن مؤذن بدصدا باشیم که عشق به اسلام را در دلها فرو بنشانیم و استفهام عظیمی را که در دنیا برای شناخت اسلام به وجود آمده است، با پاسخ منکر و زشتی پاسخ دهیم.
 - < وظایف خطیر و حساس علما و روحانیون و حوزه های علمیه در ارشاد مردم، نصیحت حکومت و تبیین صحیح اسلام در جامعه است.
 - < باید از موجودی ارزشمند حوزه ی علمیه ی قم استفاده بشود و سازماندهی و جهت دهی بشود و از دوباره کاریها پرهیز گردد.
 - < ضرورت تقیح و تبیین مقررات و احکام و معارف اسلامی توسط حوزه های علمیه.
 - < ضرورت انجام پنج کار اصلی از جانب حوزه های علمیه:
 ۱. تربیت و تولید مرجع و مفتی
 ۲. تربیت مدرس
 ۳. تحقیق و تألیف در مسائل علمی
 ۴. مسأله قضاء و تربیت قاضی
 ۵. تبلیغ در سطح وسیع و به شیوه مطلوب و مدرن
 - < لزوم توجه و هدایت استعدادها و خلاقیتها و ذوقهایی که در حوزه های علمیه هست به سوی تبلیغ درست.
 - < لزوم دفاع حوزه های علمیه از حق خود، تشیع، اعتقاد، انقلاب و اسلام به صورت مدرن و طبق نیازهای امروز.
 - < لزوم راه اندازی مرکز و بانک اطلاعات توسط حوزه های علمیه جهت جمع آوری کتابهایی که در دنیا راجع به انقلاب نوشته شده است.
 - < ضرورت برنامه ریزی و اجرای طرح نوین و دنبال کردن آن در حوزه های علمیه برای پاسخگویی به انتظارات.
 - < لازم است که حوزه های علمیه، طلاب و علما و جوانان غیور مسلمان، با شناخت دقیق از توطئه ها و شگردهای پیچیده ی استکبار جهانی در محور فرهنگ و آرمانهای اسلام ناب محمدی (ص) و وحدت صفوف مسلمین، با تلاش مجدانه کمر همت ببندند و با فعالیت مستمر خود، در جهت رشد و توسعه ی اندیشه، فرهنگ و معارف اسلامی بپاخیزند و از



- هجوم فرهنگ مبتذل غرب در بین توده‌های مسلمان، جلوگیری به عمل آورند.
- < باید از چارچوبهای مستحکم و استخوان‌بندی قوی حوزه‌ی علمیه و از امکانات فراوان فکری و معنوی‌یی که در این مراکز است، وسایلی برای فراهم کردن پاسخهای این استفهامهای فراوان و ساختن انسانهایی که بتوانند مثل چشمه‌های جوشانی از معارف و احکام بجوشند و نیازها و خلأها را پُر کنند، ساخت.
 - < ضرورت پاسخ به شبهات دینی جدید.
 - < ضرورت برنامه ریزی جدید برای دروس حوزه.
 - < ضرورت اصلاح نفس و اجتناب از گناه و تدارک کردن اخلاص و قصد قربت در همه شئون روحانیت.
 - < ضرورت احساس مسئولیت در بین روحانیون و معلمان و مرثیه خوانان.
 - < مسؤولان و اکابر و شخصیتها و رهبران حوزه باید کاری کنند که در داخل حوزه‌ی علمیه، درک از مسایل جاری عالم و قدرت تحلیل و فهم این مسایل، در عالیترین سطح خودش در کشور وجود داشته باشد.
 - < فهم سیاسی و هدایت سیاسی حوزه، بایستی بسیار سطح بالا باشد.
 - < وجود تعداد زیادی روحانی، با معرفت دینی وسیع و آگاهی و هوشمندی سیاسی، داخل دانشگاهها، امریست مورد توقع از حوزه علمیه.
 - < طلبه باید منشأ امید و شور و نشاط و تحرک باشد. اگر این‌طور شد، آن وقت طلبه، در صفوف مقدم مسایل انقلاب هم شرکت می‌کند.
 - < در برابر حوادث گوناگون انقلاب، طلبه‌ها باید در صفوف مقدم باشند.
 - < با درس خواندن باید در صحنه‌ی رزم سیاسی و اجتماعی و نظامی شرکت کرد و در صحنه‌ی تبلیغ و آگاهی‌بخشی به مردم وارد شد.
 - < حضور نمایندگان طلاب در صحنه‌های تصمیم‌گیری حوزه‌ی علمیه لازم است، تا آن حضور در صحنه‌ی تصمیم‌گیری، به استفاده از بازوهای فعال این نیروها در صحنه‌ی عمل منتهی شود.
 - < برای دفاع از اسلام و تبیین آن، روحانیت باید در علم و عمل یک حرکت عظیم ایجاد کند.
 - < یعنی ارایه‌ی اسلام به صورتی که بتواند ذهنها و دل‌های مردم را اشباع و سیراب کند، استفهام آنها را بدرستی پاسخ بدهد، ایمان آنها و حضورشان در این میدان را به صورت خالصانه و مخلصانه حفظ کند، تکلیف عظیمی است که امروز بر دوش ما و روحانیت



است.

- < ضرورت نوگرایی و به روزشدن منبرها از لحاظ محتوا و قالب و روشها و اسلوبها.
- < اعمه جمعه و روحانیون بایستی حرف خود را به دلها برسانند؛ «و ما علی الرسول الالبلاغ».
- این که چیزی را در هوا پرتاب کنیم، کسی گرفت، گرفت؛ نگرفت، نگرفت؛ به جایی رسید، رسید؛ نرسید، نرسید؛ این قبول نیست.
- < لزوم ایجاد جاذبه در منبرهای نماز جمعه برای جذب جوانان.
- < یکی از وظایف عمده‌ی روحانیت، این است که ایمان به روحانیت در جوانان را حفظ کند؛ چون ایمان به روحانیت، همواره ملازم با ایمان به اصل دین بوده است.
- < ضرورت آماده سازی مطالبی در رد انحرافات و تحریفات و اشتباهاتی که به شکل خوراک فکری، در کتابها و جزوه‌های مختلف، میان جوانان ما تقسیم می‌شود.
- < لازم است استنباط فقهی، بر اساس فقه اداره‌ی نظام باشد؛ نه فقه اداره‌ی فرد. فقه ما از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره‌ی یک کشور، اداره‌ی یک جامعه و اداره‌ی یک نظام باشد.
- < ضرورت دنبال کردن فکر وحدت دین و سیاست هم در تفقه و هم در عمل در حوزه‌های علمیه.
- < لزوم حفاظت از آبروی انقلاب بوسیله مراقبت از رفتار، کردار، گفتار و سلوک خود توسط روحانیت.
- < علمای دین و حوزه‌های علمیه باید از وضعیت و موجودیت نظام، آن‌چنان که هست، مطلع باشند؛ نقایص را بشناسند و پیشرفت‌ها را بدانند؛ آن‌جا که کمک لازم است، آن را تشخیص بدهند؛ آن‌جا که دشمن به آن توجه پیدا کرده و هدف گرفته است، آن را شناسایی کنند، تا بتوانند نقش صحیح خود را در تداوم این نظام ایفا کنند.
- < حوزه علمیه و روحانیت باید برای تمام طبقات مردم، خوراک فکری لازمی که آنها را به اسلام مؤمن کند، از گناه بیزار کند، به ثواب راغب کند، به رضای الهی مطمئن کند و آنها را به در خانه‌ی خدا ببرد، داشته باشد.
- < مسأله‌ی استقرار روحانیون در مناطق گوناگون و نیز تأمین مدارس تربیت مربی برای مراکز آموزش فرهنگی، باید مورد توجه حوزه علمیه قرار گیرد.
- < محققان، بزرگان و فضلا، موضوعات جدید فقهی را بنویسند؛ تحقیق کنند؛ نقد کنند؛ فقه را پیش ببرند و دنیا را از فقه شیعه آگاه کنند.



- < مسائل اقتصادی و نظامی و سیاست خارجی و ارتباطات اخلاقی خود را بایستی از دین دریاوریم.
- < حوزه علمیه باید برای صدا و سیما خوراک دینی تهیه کند.
- < همه‌ی ما باید «لاریب فیه» باشیم؛ عقاید ما باید «لاریب فیه» و قرص و محکم و استوار باشد و آن را با زبان مناسب بیان کنیم.
- < در امر تبلیغ باید محتوا را آماده کرد؛ ابزار را هم به تناسب انتخاب کرد و پشت سر این محتوا و ابزار، همت و شوق و اراده‌ی قوی‌یی هم قرار داد و با سعه‌ی صدر جلو رفت.
- < مطالب شهید مطهری (رضوان‌الله‌علیه) هنوز مطالب نویی است؛ مطالبی است که در نظام ما لازم است.
- < ضرورت فراگیری هنر سخن گفتن، هنر بیان کردن و تبلیغ کردن و تفکیک قشرهای مورد خطاب از یکدیگر، دختران جوان، پسران جوان، کودکان، اساتید، دانشمندان، توده مردم در امر تبلیغ.
- < ضرورت استفاده از ابزارهای مختلف و ابزارهای هنری در تبلیغ.
- < در جمهوری اسلامی، هر جا که قرار گرفته‌اید، همان‌جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه‌ی کارها به شما متوجه است.
- < ضرورت اهتمام به سه امر در تبلیغ: ۱- استفاده از ابزار هنری، ۲- انتخاب و استفاده از ابزارهای مناسب با ذوق و سلیقه و ابتکار، ۳- همت و ایمان و خسته نشدن.
- < ضرورت ارتقای علم دین برای باز کردن گره‌های ذهنی و عملی بشر امروز.
- < ضرورت حفاظت روحانیت از آبروی خویش و سعی بر افزودن آن در جهت خشتی‌سازی اهداف دشمن.
- < روحانیت باید اعمال خودش را مورد مراقبت شدید قرار دهد: در گفتار، در کردار، در مشی شخصی، در مشی خانواده و فرزندان و کسان.
- < حوزه علمیه باید در صف اول حرکت عظیم جامعه قرار داشته باشد.
- < ضرورت هجرت روحانیون و علما به اکناف بلاد اسلامی جهت تبلیغ دین.
- < کار اصلی روحانی، مخاطب قرار دادن دلها و ارتقاء کیفیت نیروهای انسانی از لحاظ ایمان است.
- < نگذارید مفاهیم و کارهای تحریف‌آمیز و غلط، چشمها و دلها را از چهره مبارک و منور سیدالشهدا علیه‌الصلاة والسلام، منحرف کند. با تحریف مقابله کنید.



- < کسانی که در راه عزت این نظام و مسئولان آن قدم بر می‌دارند، باید بدانند که حسنه و کار برای خدا انجام می‌دهند و این، عبادت است.
- < کمک به نظام جمهوری اسلامی و مسئولانش باید مد نظر یک طلبه از ابتدا تا پایان باشد و در حوزه علمیه تبدیل به یک فرهنگ شود.
- < ایجاد مرکزی برای آموزش تبلیغ و تدوین موضوعات عمومی و مهم از نیازهای ضروری و لازم مبلغین است.
- < لزوم حمایت و تأیید علمای محترم دین، ائمه جماعات و آبرومندان محترم از امر تبلیغ دین.
- < مبلّغ دین و مبین معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید ایمان و اخلاص و صفایش را در بیان این حقیقت برای مخاطب ثابت کند و نشان دهد.
- < مراقب باشید که مبدا منبر ما، صحبت، نصیحت و حرف زدن ما، کسی را دچار شبهه کند؛ ذهنی را دچار گره کند و او را از خدا و نماز و منبر و محراب و امثال آن دور و بیزار کند.
- < لزوم شناخت جبهه خودی و دشمن و توجه به وضع و محاذات سیاسی دنیا و محازات دوست و دشمن.
- < تبلیغ به شکل فعلی امر بدیعی است که جامعه روحانیت و حوزه علمیه نباید این را به هیچ قیمتی از دست بدهند.
- < امروزه تبلیغ دارای سه رکن است: ۱- منشأ تبلیغ، ۲- هدف تبلیغ، ۳- ابزار و وسایل و شیوه های تبلیغ.
- < در تبلیغ منبرها و سخنرانیها را به جنبه‌های فردی و شخصی منحصر نکنید؛ در کنار جنبه های فردی بایستی صحنه زندگی اجتماعی - سیاسی انسان هم میدان عبودیت الهی باشد. آنجا هم بایستی طواغیت ازاله و زدوده شوند و افشا گردند.
- < اهمیت زیاد گفتگو، مذاکره، با ذهنها مواجه شدن، مخاطب قراردادن دلها و ذهنها، با لسان مبین و با روش برادرانه حرف زدن در امر تبلیغ.
- < در امر تبلیغ، شناخت نیازها و سئوالهای در ذهن مخاطب که احیاناً بر زبان نمی‌آورد و شناخت نیازهای جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است.
- < تبلیغات رسانه ای استکبار و صهیونیست در مورد جمهوری اسلامی ایران روی چند نقطه متمرکز است: ۱- ایجاد اختلاف و دوئیت و تفرقه، ۲- تیره و تار و مبهم نشان دادن آینده، ۳- ارزشها و پایه ها و اساس انقلاب.



رهیافتِ راهبر

- < در تبلیغ، باید دو چیز را با حداکثر اهتمام، مورد توجه قرار داد: یکی گزینش مخاطب و یکی گزینش محتواست.
- < بیان مباحثی که عقاید دینی مردم را مستحکم و راسخ کند بعنوان مهمترین محتوا در منبر تبلیغی ضرورت دارد.
- < لزوم شناخت شبهات و سئوالات گوناگون و موج مخرب و مضر، توسط مبلغ دینی جهت علاج آنها.
- < سوق دادن جوانان به اندیشیدن، تعقل، اخلاق اسلامی، حلم، اجتناب از شتابزدگی و عجله در امور، اجتناب از تندخویی و اعمال خشونت امری ضروری است.
- < سرگذشت انقلاب و حقایق تاریخ طولانی ایران را باید برای نسل جوان تشریح کنید.
- < ضرورت متوجه نمودن مردم به مسأله وحدت و اتفاق و اتحاد ملت در امر تبلیغ.
- < مبادا در منابر عمومی، در آنجایی که بایستی دین و اخلاق تبلیغ شود، مسائل اختلافی را مطرح و اختلافها را بزرگ کنید، چرا که دشمن سعی می کند اختلافات کوچک را بزرگ جلوه دهد.
- < مبلغ دین باید در نقطه مقابل خواست دشمن عمل کند.
- < مؤثرترین حربه علیه تهاجم فرهنگی و شیخون نامردانه دشمن هدایت مردم و آشنا کردن آنها با اخلاق اسلامی و موعظه کردن آنها توسط روحانیون می باشد.
- < ضرورت آشنایی با جریانهای فکری عالم و حرفهای تازه در حوزه های علمیه.
- < ضرورت دانستن حداقل یک زبان زنده از زبانهای موجود دنیا برای طلاب علوم دینی.
- < لزوم شناخت نیاز زمان و برآورده کردن آن.
- < لزوم مراقبت نسبت به افکار تلقینی بیگانه.
- < ضرورت کار نظری چه تولید و چه هدایت، توسط حوزه های علمیه و اندیشمندان.
- < نباید از «آزادی» ترسید و از «مناظره» گریخت و «نقد و انتقاد» را به کالای قاچاق و یا امری تشریفاتی، تبدیل کرد چنانچه نباید بجای مناظره، به «جدال و مرء»، گرفتار آمد و بجای آزادی، به دام هتاکی و مسئولیت گریزی لغزید.
- < لزوم روشنگری، شاخص و مایز معین کردن در مقابل جریان فتنه که فضا را غبار آلود می کند.
- < لزوم تعلیم علوم مورد نیاز حوزویان توسط دانشگاهها و تعلیم معرفت دینی مورد نیاز دانشگاهها توسط حوزویان.



◀ روحانیت شیعه باید با مردم مأنوس باشد و از مردم مرتزق و نسبت به آنها مشفق باشد و دردهای مردم، دردهای او باشد.

۴- دانشگاهیان (استادان، مدیران و روحانیان)

- ◀ مسأله‌ی دانشگاه و دانشجویان و علم و تحقیق جزو مسایل طراز اول برای انقلاب و کشور بوده و حقیقتاً دانشگاه پایه‌ی برای آینده‌ی کشور محسوب می‌شود.
- ◀ قرون وسطی، قرون ظلمات و تاریکی برای اروپاییهاست و قرون درخشش دانش برای ما مسلمانها می‌باشد.
- ◀ وحدت حوزه و دانشگاه یعنی حرکت کردن پا به پای علم و دین در نظام اسلامی.
- ◀ حساسیت و خواست استعمار و استکبار، ممانعت از پیشرفت علمی کشورها را بر خوردار از نظام انقلابی می‌باشد.
- ◀ انجمنهای اسلامی، واقعاً جایگاه خوبی برای تجمع نیروهای مسلمان است و باید بازوانی برای روحانی‌یی که در دانشگاه حضور دارد، باشد.
- ◀ حزب‌اللهی، یعنی آن‌که در خدمت خداست و هیچ وابستگی تشکیلاتی سیاسی، جز وابستگی به انقلاب و اساس انقلاب - که اراده‌ی الهی است - ندارد.
- ◀ دانشگاه باید جایی باشد که متخرج آن نسبت به انقلاب، دین، کشور و استقلال ملی و آرزوهای بزرگ ملی حساس باشد و در غیر اینصورت هر چه از لحاظ علمی والا باشد، ارزشی نخواهد داشت.
- ◀ لازم است در دانشگاه، محیط‌های تحصیلی و در همه فضای کشور، جهتگیری همان جهتگیری شهدا باشد.
- ◀ در محیط دانشجویی جوان، پرداختن به معارف دینی، پرداختن به الگوهای دینی، توسلات به پروردگار، توسلات به ائمه (علیهم‌السلام)، خواندن دعای عرفه، برگزاری مراسم اعتکاف و خواندن نماز جماعت، بسیار خوب است.
- ◀ خودباوری، ابتکار، استقلال، پابندی به ارزشهای اسلامی، جهاد علمی، و آزادی از اسارت و تبعیت جهتگیری اصلی دانشگاه در انقلاب اسلامی.
- ◀ رسالت اول دانشگاهیان، حفظ جهتگیری انقلاب و تلاش برای شکوفا شدن استعداد علمی و فکری نسل جوان بالنده‌ی کشور است.



- < دانشگاه پایگاه اصلی انقلاب بوده و خواهد بود.
- < محافظه‌کاری و اکتفای به آنچه که داریم و نداشتن همت و بلندپروازی در همه زمینه‌های فکر و فرهنگ، قتلگاه انقلاب است.
- < دو خدمت بزرگ انقلاب به دانشگاه: ۱- احساس هویت مستقل ملی در دانشگاه و عدم وابستگی به بیگانه، ۲- آشتی مردم با دانشگاه.
- < انقلاب، دانشگاه را خوداندیش، مستقل، دارای اعتماد به نفس، دارای قدرت تولید - تولید فکر و تولید علم - مرتبط با قشرهای مختلف مردم، مرتبط با فرهنگ مردمی و متصل به دلبستگیها و عشقها و جاذبه‌های موجود میان مردم قرار داد.
- < حفظ اتصال فکری دانشجویان با توده‌های مردم و به‌شدت چسبیدن و متمسک شدن به ریشه‌های اصولی انقلاب، راه نجات از خطر نیست که توسط بیگانگان دانشگاه را تهدید می‌کند.
- < تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت و باید یک فرهنگ بشود.
- < امروز اگر برای علم سرمایه‌گذاری و مجاهدت و تلاش نکنیم، فردای ما، فردای تاریکی خواهد بود.
- < مسائل علمی را باید فراگرفت؛ اما نباید صرفاً مصرف‌کننده فرآورده‌های علمی دیگران بود. باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد.
- < جهاد دانشگاهی، تلفیق جهاد با علم و دانش است.
- < علم و عقل ابزار دو جنبه‌ی است؛ می‌تواند در خدمت ارزشها قرار بگیرد، می‌تواند در خدمت حیوانیت و سبّیت قرار بگیرد.
- < کشورهای غربی وقتی اجازه می‌دهند دانش منتقل شود، که کهنه و دستمالی و منسوخ شده باشد.
- < فرهنگ، بستر اصلی زندگی انسان و بستر اصلی حرکت عمومی هر کشور است.
- < شرایط دانشگاه اسلامی عبارتست از: ایمان، انگیزه، شور مقدس، رفتار اسلامی و علم آموزی مؤمنانه.
- < آموزش علم و معنویت، علم و ایمان، علم و اخلاق، آن‌خلاق امروز دنیاست.
- < وظیفه دانشگاه اسلامی، پر کردن خلاء امروز دنیا با آموزش علم و معنویت، علم و ایمان، علم و اخلاق و جهت‌گیری علم از اخلاق و ایمان است.



- < دانشگاه باید محل پیشرفت جوانان از لحاظ عمق دینی، رعایت دینی و اخلاق دینی باشد.
- < احیاء و رشد بخشیدن به هویت اسلامی و دینی و ایرانی جوانان، یکی از مهمترین مسائل ماست و کمک فراوانی هم به پیشرفت کشور میکند.
- < امروز نقش و رسالت دانشگاه یک نقش تعیین کننده است.
- < هر چه در زمینه اسلامی شدن دانشگاهها کار کنیم زیاد نیست.
- < دانشگاه مهمترین زیر ساخت پیشرفت و توسعه کشور است.
- < دانشگاهها سیاسی باشند اما محل اغراض عناصر سیاسی نباشند.
- < ایجاد بصیرت، نقش مهمی در مجموعه اساتید و دانشجویان دارد.
- < لزوم تعلیم علوم مورد نیاز حوزویان توسط دانشگاهها و تعلیم معرفت دینی مورد نیاز دانشگاهها توسط حوزویان.
- < امروز، کسانی که می‌توانند دانش را در این کشور رشد بدهند، باید احساس وظیفه‌ی مضاعف کنند؛ چون دشمن نمی‌خواهد بگذارد ما روی پای خودمان بایستیم.
- < محیط دانشگاه باید محیط دینی باشد.
- < رؤسا و مسئولان دستگاههای دانشگاهی کشور صددرصد با تعصب دینی و انقلابی و پایبندی شدید و اصرار بر این‌که باید دین حاکمیت پیدا کند و چتری بر زندگی محیط دانشگاه بزند، این هدف را تعقیب کنند، از کلمه‌ی تعصب نترسند عصبیتی که از روی جهالت نباشد، خیلی هم خوب است.
- < لزوم کنار گذاشتن خط و خط بازیها در محیط دانشگاه.
- < جوانان دانشجو را در خط صحیح فکری و عملی هدایت کنید.
- < ضرورت تقویت جهاد دانشگاهی بمنظور هدایت جوانان دانشجو در خط صحیح فکری و عملی.
- < روحانی در محیط دانشگاه باید قطبی باشد که دانشجو در مشکلاتش به او پناه بیاورد، به او امید ببندد، از او علاج بجوید، و اگر هم نمی‌تواند علاج کند، لااقل بتواند تسلا بجوید.
- < روحانیون در دانشگاهها، عمده‌ی تلاششان باید این باشد که متعلق به همه‌ی دانشجویان باشند؛ حتی آن دانشجویی که از لحاظ خط و ربط، مورد پسندشان نیست.
- < ما باید کاری بکنیم که در جامعه‌ی خودمان، دانشجو جزو قشرهای برگزیده‌ی دینی باشد. یعنی هدف ما باید این باشد که در دانشگاه، دانشجویان را هم از لحاظ آگاهی و معرفت و هم از لحاظ استحکام ایمان، به عناصر زبده‌ی برگزیده‌ی دینی تبدیل کنیم.



- < لازم است روحانی در مسجد و دانشگاه بنشینند و با عقل و معرفت و منطق و متانت و بلندنظری و سعه‌ی صدر، حرف را بشنود و جواب بدهد؛ تا در نتیجه صاحب نفوذ معنوی و مالک قلوب دانشگاهیان، یا جمع کثیری از آنان و بخصوص جوانان شود.
- < شرایط خاص و لازم روحانی فعال در دانشگاه: ۱- شناخت محیط دانشگاه و مسائل دانشجوی، ۲- علاقه و اعتقاد به دانشجوی، ۳- شناخت تأثیر رابطه روحانی با محیط دانشگاه و دانشجوی.
- < لازم است رابطه‌ی روحانی با دانشجوی، بر اساس محبت و علاقه باشد و به رسالت و درس و محیط تحصیل دانشجوی، اعتقاد داشته باشد تا کمترین نشانه‌ی بی‌انگیزگی از بینونت روحانی با دانشجوی وجود نداشته باشد.
- < اگر شما روحانیون توانستید این دانشجوی را متدین و مؤمن و دلسوز و مخلص بار بیاورید او مثمرتر خواهد شد و نسبت به روحانیت، قضاوت خوبی خواهد داشت.
- < ضرورت پاسداری از اسلام در دانشگاه در حد اعلاء.
- < باید کوشش بکنید که جناح حزب‌اللهی کشور، دانشگاه، مدیریت، یعنی آن‌که خودش را متعلق به این انقلاب می‌داند، برای انقلاب و این ملت دل می‌سوزاند، هیچ وظیفه‌ی هم برای خودش، جز خدمت به این کشور و این انقلاب قایل نیست، احساس کند که در این‌جا خودی است.
- < ضرورت توجه به روحیه انقلابی دانشجویان.
- < دانشجویان بایستی جزو پیشبرندگان انقلاب و جزو پایه‌های اصلی انقلاب باشند و نسبت به مسائل انقلابی، هرگز احساس سردی نکنند.
- < ضرورت ایجاد نشاط در دانشجویان.
- < ما بایستی در دانشگاه، دین و روحیه انقلابی و بی‌زاری از وابستگی ملی را مورد توجه قرار بدهیم.
- < باید مراقبت کرد که محیط دانشجویی، میدانی برای تاخت‌وتاز سیاست‌بازان حرفه‌ی نشود. محیط دانشجویی، بایستی دانشجویی و پاک بماند.
- < ضرورت رسیدگی به ظواهر دینی در دانشگاهها.
- < هر چه سالهای عمر انقلاب بیشتر می‌شود، دانشگاه باید به معارف انقلاب نزدیکتر و آمیخته‌تر و نسبت به آنها متأثرتر شود.
- < امروز مسئولیت عظیم نسل جوانِ روشنفکر تحصیل کرده این است که با ابزار دانش و



معرفت و تلاش علمی، عقب‌افتادگیهای تحمیلی دوران طولانی سلطه استبداد در این کشور را جبران کند.

◀ امروز وظیفه نسل جوانِ روشنفکر است که جهت عزت بخشیدن به اسلام و استقلال بخشیدن به ایران اسلامی تلاش کنند.

◀ باید در آموزش عالی، همت و توجه به خصوصی در متدین کردن جوانان داشته باشید.

◀ جایی که استادی به خدا و دین اهانت کند، وظیفه رئیس دانشگاه است که در همان کلاس پاسخش را بدهد و یا شرش را از سرِ دانشجویان کم کند.

◀ محیط علمی باید در عین آنکه بالاترین بهره‌ی ممکن را از دانش پیشرفته‌ی جهان میبرد، متکی به خود و مبتکر و خلاق و کاوشگر باشد.

◀ ضرورت حفظ و تقویت اعتماد به نفس در جامعه دانشگاهی کشور.

◀ لزوم روشنگری و جهاد فکری و علمی توسط جوانان دانشور، طلبه و دانشجو و اساتید متعهد دانشگاهی و روحانی.

◀ از اعلام اسلامی کردن دانشگاه خجالت نکشید.

◀ لزوم ترمیم خاکریزهای فرهنگی و فکری بوسلیه خودسازی فکری و اخلاقی و انقلابی درونی دانشجویان.

◀ ضرورت قدرت علمی همراه با جرأت علمی جهت رسیدن به نوآوری علمی.

◀ یکی از فرایض حتمی برای نسل فعلی - که در درجه اول هم این فریضه بر دوش شما دانشگاهیهاست - عبارت از تقویت بنیه علمی کشور است.

◀ مسلم بدانید که راهی که به سمت مرزهای پیشرفته‌ی دانش در همه‌ی زمینه‌ها داریم جز با روحیه‌ی استقلال، روحیه‌ی توکل به خدا و روحیه‌ی کار برای ایمان طی نخواهد شد.

◀ ضرورت داشتن روحیه‌ی انقلابی یعنی اسیر حدود تحمیلی نشدن؛ قانع به گیرندگی قطره‌چکانی نشدن؛ با امید دنبال هدف حرکت کردن، و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن.

◀ لزوم کار فرهنگی و هدایت و پرورش دادن فرهنگ در دانشگاهها.

◀ لزوم مبارزه با توطئه اختلال و بی رغبت کردن دانشجو به علم و فراگیری در دانشگاهها.

◀ باید کاری کنیم که عوامل دورکننده‌ی جوان از محیط دینی و تربیت دینی و اخلاق دینی کم اثر بشود.

◀ احساس افتخار و اعتماد به نفس را باید در دانشجو زنده کرد.



- < استادان ما شجاعت علمی و اعتماد به نفس ملی داشته باشند.
- < تربیت دینی دانشجویان یکی از هدفهای اساتید باشد.
- < دانشگاه را از لحاظ تدریس به یک میدان پرتحرک تبدیل کنید؛ با تعامل دانشجو با استاد، تحرک استاد، مطالعه‌ی استاد، دسترسی استاد به مراکز علمی و اطلاعات علمی و نشریات علمی دانشجو را رشد بدهید و تربیت کنید.
- < باید پی در پی در محیط دانشگاه فکر دینی نو و مستدل عرضه کنید و فکر دینی دانشجویان را ارتقاء بدهید.
- < لزوم آشنایی اساتید با مسائل و معارف اسلامی.
- < ضرورت اهتمام به مسئله ارتقاء فکر دینی در دانشگاهها و جلوگیری از ایجاد خلأ فکری برای دانشجو و روشنفکر دانشگاهی.
- < لزوم ترویج خودباوری و اعتماد به نفس و امید به آینده در دانشگاهها توسط دستگاههای مدیریتی و اساتید.
- < ضرورت جوشش و اوج دو جریان کشور در دانشگاهها: ۱- جریان علم و تحقیق، ۲- جریان آرمان گرایی ها و آرمان خواهی ها و هدفگذاری های سیاسی و اجتماعی.
- < در قضایای سیاسی کوچک و حقیر نبادا دانشگاه تحت تأثیر قرار بگیرد؛ نبادا کار علمی دانشگاه متزلزل شود؛ نبادا آزمایشگاههای ما، کلاسهای ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد.
- < لازم است محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، محیط امید، محیط حرکت به جلو قرار دهید.
- < لزوم ایجاد کرسی های آزاد اندیشی در دانشگاهها.
- < ضرورت توجه به معنویت در محیط دانشگاه جهت در امان ماندن عمل، رفتار و فکر دانشجو.
- < لزوم توجه و اهتمام به کار فرهنگی و فرهنگ سازی در دانشگاه.
- < ضرورت تزریق فرهنگ شور و عشق و علاقه و میل به تحقیق و کنجکاوی و عمق‌یابی.
- < لزوم انس با قرآن و تدبیر در قرآن، همچنین تدبیر در ادعیه‌ی مأثوره‌ای که اعتبار دارد - مثل صحیفه‌ی سجادیه و بسیاری از دعاها - در تعمیق معرفت دینی.
- < وجود مجموعه اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاهها برای نظام اسلامی یک نعمت است این را قدر بدانید؛ این را سامان بدهید؛ اهدافش را مشخص کنید؛ دقیق کنید؛ به معنای



- واقعی کلمه، فرماندهان این عرصه‌ی عظیم جهاد فی سبیل‌الله باشید.
- < اساتید بسیجی میتوانند در دل دانشجویان و در فضای ذهن آنها یک حضور معنوی و هدایتگر و آرامش‌بخش داشته باشند.
 - < ضرورت تقویت بنیه‌ی فکری جوان بطوری که نه فقط متأثر از عوامل سلبی و معارض و معاند نشود، بلکه بتواند بر روی محیط خود اثر هم بگذارد؛ محیط خودش را با مبانی و معارف اسلامی آشنا کند، در این راه پیشقدم باشد، نیروی پیشرو باشد.
 - < باید کلاس معارف بگذارید؛ معارف متقن با زبان روز، متناسب با فکر دانشجو، متناسب با ادبیات دانشجو بایستی ارائه بدهید.
 - < دو امر لازم در موعظه حسنه دانشجویان و ایجاد لینت قلب در آنها: ۱- لسان موعظه و نصیحت برادرانه و گاهی پدرانه و مشوقانه، ۲- رفتار و عمل خوب و صداقت در بیان.
 - < علم را از غربی‌ها و اروپایی‌ها یاد بگیریم؛ اما ننگمان می‌کند که همیشه شاگرد بمانیم. شاگردی می‌کنیم تا استعداد خود را پرورش دهیم و از درون بجوشیم.
 - < دانشگاه می‌تواند وسیله‌ی فعال برای حرکت و امید مردم و پشتیبانی از حکومت و دولت باشد، هم می‌تواند وسیله‌ی بی‌برای اغتشاش و ایجاد آشوب و ناامیدی و سرخوردگی باشد.
 - < مواظب باشید فضای دانشگاه را آشفته نکنند.
 - < دشمن می‌خواهد برای دانشگاه و علم و تحقیق مزاحمت ایجاد کند، همه باید مراقب باشند. نباید برای دشمن بهانه ایجاد کرد تا بتواند سوء استفاده کند. نباید با تحریک دشمن، متحرک شد.
 - < ضرورت مبارزه با توطئه اختلال در کار دانشگاهها.
 - < مراقب باشید دشمن نتواند از محیط دانشگاه و از عنصر دانشجو و استاد استفاده کند.
 - < اکنون دانشگاه به تلاش برای پیشرفت علمی و معنوی بیش از همیشه نیازمند است.

۵- دانشجویان و تشکلهای دانشجویی

- < هیچ چیز نباید موجب شود که در حرکت علمی دانشجویان، اندک توقف و تعللی به وجود آید. دشمن این تعلل را می‌خواهد.
- < ارزشهای انقلابی از ارزشهای اسلامی به هیچ‌وجه تفکیک‌پذیر نیست؛ اینها با هم یکی



است. کسی نمی‌تواند بگوید من مسلمانم؛ اما انقلاب را قبول ندارم، و یا بگوید من انقلابی هستم؛ اما اسلام را قبول ندارم.

< دانشجوی آگاه و هوشیار است و معارف دنیا برایش مطرح می‌شود. لذا در معرض نفوذ آسیب‌های فرهنگی و بی‌مبالاتی در مقابل دین و بی‌تفاوتی در مقابل ارزش‌های دینی و انقلابی است.

< مهمترین مشکل دانشجویان عبارتست از شکل بی‌هویتی و عدم درک رسالت واقعی در قبال جامعه، خود دانشجوی، تاریخ و آینده.

< انقلاب اکنون در دوران خطرناک خود، دوران جهاد اکبر یعنی دورانی که شور و هیجان اولیه انقلاب تا حدود زیادی فرو نشسته، چهره راحت زندگی، خود را به بسیاری نشان داده و چرب و شیرین زندگی در دهانهایی مزه کرده است، قرار دارد. میدان را با همه ایمان و مجاهدت خود پر کنید. حضور انقلابی، فعالیت انقلابی، پارسایی انقلابی، طهارت و معصومیت انقلابی، آگاهی و هوشیاری انقلابی، وحدت و یکپارچگی حقیقی، بی‌اعتنایی به انگیزه‌های گروهی و خطی و امثال آن و در نهایت، توکل و تضرع و توسل شما به خدای قادر متعال خواهد توانست خطر این دوران (جهاد اکبر) را کم کند و سدی عظیم در مقابل تهاجم دشمنان نیز پدید بیاورد.

< دو راه نجات بخش ما از دوران خطرناک انقلاب (جهاد اکبر) عبارتست از: ۱- تجربه درس آموز و هشداردهنده دوران جهاد اکبر در زمان امام علی (ع)، ۲- کثرت و تراکم دل‌های مومن و آگاه در کشور.

< ایمان عمیق و صادقانه به اسلام و انقلاب، شرط صلاحیت هر مجموعه اسلامی در دانشگاه و غیر آن است.

< هدف اصلی همه تبلیغات و نظریه پردازی‌های استکبار، سست کردن ایمان دینی نسل جوان، سست کردن پیوند فکری و عاطفی آنان با کانون‌های اصلی نظام و سست کردن انگیزه‌های آموزشی و پرورشی آنهاست.

< بسیج دانشجویی یکی از ارزنده‌ترین یادگارهای امام راحل بزرگوار ما است.

< تفکر بسیجی ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست، و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی‌ناپذیر ... و این است آن حقیقت والایی که امام بزرگوار ما به خاطر آن، بسیجی بودن را افتخار خود می‌دانست.



- < امروز دانشگاه، بیش از همیشه به بسیج دانشجویی و بسیج دانشجوییان در صراطِ مستقیم انقلاب نیازمند است، و تشکل بسیج دانشجویی، بیش از همیشه به خودسازی و هوشمندی و پایداری.
- < انتقاد به معنای «عیار سنجی» را کار بسیار خوبی می‌دانیم. من با آن موافقم؛ اما با تظاهر و تصارح به بدگویی اشخاص، هیچ موقع موافق نیستم.
- < من اگر از کسی کوتاهی ببینم و بفهمم تقصیر داشته، اغماض نمی‌کنم.
- < طراحان تبلیغاتی نظام سلطه‌ی جهانی، در صدد آنند که نسل جوان و نوحاسته‌ی کشور انقلاب را با آرمانهای انقلاب، بیگانه و از ریشه‌ی خود جداکنند.
- < در گذشته‌ها هرچه بر ما رفته از فقدان یکی از این سه چیز بوده است: ایمان، علم، عزم و اراده‌ی بی‌که بر این دو متکی است.
- < لزوم راه اندازی نهضت آزادفکری در دانشگاه و حوزه؛ تریبون‌های آزاد بگذارند و با هم بحث کنند؛ منتها نه متعصبانه و لجوجانه و تحریک شده‌ی به‌وسیله‌ی جریان‌ات سیاسی و احزاب سیاسی بلکه برای پخته شدن، ورز خوردن و ورزیده شدن و با هدف آماده شدن برای ادامه‌ی این راه طولانی و دشوار، اما بسیار خوش‌عاقبت.
- < ایران، پایگاهی برای توجّه همه کسانی شده است که عقده فروخورده‌ای از سلطه امریکا دارند.
- < اگر آرمانگرایی، به بیزاری از آرمانها تبدیل شود، اگر شکلش هم نو باشد، باطنش ارتجاع و کهنگی و پوسیدگی و کهنه‌پرستی است.
- < ویژگیهای حرکت دانشجویی از قبل از انقلاب تا اوان انقلاب و از این‌جا به بعد، خصوصیتی است که ذکر می‌کنم:
- < آرمانگرایی در مقابل مصلحت‌گرایی است؛ عشق به آرمانها و مجذوب آرمانها شدن.
- < صدق و صفا و خلوص.
- < آزادی و رهایی از وابستگیهای گوناگون حزبی و سیاسی و نژادی و امثال اینها.
- < مبتنی بر اشخاص نبودن.
- < در مقابل مظاهری که از نظر فطرت انسانی زشت است - مثل ظلم، زورگویی، تبعیض، بی‌عدالتی، تقلّب، دورویی و نفاق - حساسیت منفی دارد و آن را دفع می‌کند.
- < بر این حرکت، فقط احساسات حکومت نمی‌کند؛ بلکه ضمن این که احساسات هست، منطق و تفکر و بینش و تحصیل و میل به فهمیدن و تدقیق هم در آن وجود دارد.



انجمن‌های اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

رهیافتِ راهبر

- < مجامع اسلامی دانشجویی دارای این هر سه خصوصیت ممتاز است که باید مغتنم شمرده شود: ۱- جوان بودن، ۲- دانشجو بودن، ۳- از پیکره‌ی یک مجموعه‌ی فعال اسلامی بودن.
- < فوریت‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی در کشور است. آنان در صددند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلی‌ترین عامل ایستادگی ملت ایران در برابر نظام سلطه‌ی استکباری است، از ذهنها و دلها بزدایند و باورهای سلطه‌پذیری و فرو دستی در برابر غرب را به جای آن بنشانند.
- < در تهاجم فرهنگی مهمترین پاسخ کوبنده‌ی بدخواهان و دشمنان، معرفت و ایمان روشن‌بینانه و قدرت تحلیل سیاسی است.
- < دشمن تغییر باورهای اسلامی و انقلابی را هدف قرار داده، این واقعیت باید سمت و سوی فعالیت‌های جامعه‌ی اسلامی دانشجویان و دیگر تشکلهای اسلامی دانشجویی را ترسیم کند.
- < وظیفه عمده دانشجو و غیردانشجو در درجه اول، دفاع از نظام اسلامی است، اگر کسی بر خلاف این عمل کرد، لازم نیست که کسی سند بیاورد که این مثلاً وابسته فلان دستگاه و سیستم جاسوسی دنیاست؛ در واقع نوکر بی‌جیره و مواجب آنهاست.
- < امروز جامعه ما، جامعه دینی و اخلاقی است؛ البته در آن فساد هم هست. زمان امیرالمؤمنین هم فساد بود. شما خیال می‌کنید آن زمان فساد و بدی نبود؟ چرا، آن زمان هم بودند.
- < تهاجم فرهنگی یک مسأله بسیط نیست؛ بلکه طراحیها و برنامه‌ریزیهایی که دشمن برای هدف قرار دادن اعتقاد، اخلاق و فضیلت در قشرهای مختلف می‌کند، هرکدام به نحوی با وسایل و ابزارهای فرهنگی است و طبعاً مقابله با آنها نیز متنوع است و نمی‌شود یک نسخه واحد برای همه جا نوشت.
- < مجموعه‌ی تشکلهایی که با شاخص مبانی فکری و عملی اسلام و نظام جمهوری اسلامی حرکت می‌کنند، برای ما مورد قبول و مطلوب هستند.
- < من طرفدار حرکت سیاسی دانشجویان هستم، البته این‌که باید دانشجویها را به سیاست بکشانیم، این «باید» را هم من قبول ندارم؛ اصلاً «باید» ندارد.
- < انجمن‌های اسلامی باید تشکلشان را مستحکم و پیوند قلبی و ایمانی شان را حفظ و تقویت کنند.
- < بسیج یعنی انسان باهمتی که غیرت دینی و دانایی فکری و نیازشناسی و ابتکار و جوشش ذهنی و خلاقیت دارد و وارد میدان می‌شود.



- < این خطاست که کسی خیال یا توهم کند که باید باطن را درست کرد، ظاهر مهم نیست؛ نخیر، همین ظاهر، انسان را به وادی‌های گوناگونی می‌کشاند. ظاهر دینی، ظاهر اسلامی، پایبندی به تعبد دینی، همین مجالس دعا، همین مجالس توسل به ائمه (علیهم‌السلام) لازم است؛ منتها همه‌ی اینها را با دانایی همراه کنید.
- < ایمان همراه با عمل صالح مهمترین پشتوانه برای پیشرفت در این میدان است.
- < ما دو کار سیاسی داریم: ۱- سیاست‌زدگی و سیاست‌بازی؛ این را من به هیچ‌وجه تأیید نمی‌کنم؛ نه در دانشگاه و نه در بیرون دانشگاه؛ بخصوص در دانشگاه. ۲- سیاست‌گری؛ یعنی حقیقتاً فهم و قدرت تحلیل سیاسی پیدا کردن؛ که یکی از وظایف تشکلهای دانشجویی این است.
- < مطالبه کردن با دشمنی کردن فرق دارد. اینکه ما گفتیم گاهی اوقات معارضه‌ی با مسئولان کشور نشود این به معنای انتقاد نکردن نیست؛ به معنای مطالبه نکردن نیست؛ درباره رهبری هم همین‌جور است.
- < ضدیت، یعنی پنجه در افکندن، دشمنی کردن؛ نه معتقد نبودن. لذا اعتراض به سیاستهای اصل ۴۴، ضدیت با ولایت فقیه نیست؛ اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست.
- < بصیرت و صبر، نیاز جوان دانش‌ور امروز است.
- < ما اصولی داریم که باید از این اصول تخطی نشود. یعنی به نام فکرپردازی و اندیشه‌پردازی، از اصول انحراف پیدا نشود. اصول، شاخصهای راه صحیح و صراط مستقیم است.
- < حضور قشر جوان، بخصوص دانشجوی، موتور حرکت یک جامعه است. باید دانشجویها همیشه به این توجه داشته باشند و روی او برای آینده‌ی کشور حساب کنند.
- < شماها باید در مجامع اصلی‌تان، فکری‌تان، در اتاقهای فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است. باید با این جریان شیطان‌ی خطرناک مقابله شود.
- < شرایط اصلی فعالیت درست در جبهه‌ی جنگ نرم:
- < نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت.
- < عدم افراط در قضایا؛ مراقب باشید تندروی، انسان را پیش نمیبرد. با فکر، تصمیم بگیرید.
- < ضرورت جهت فکری و سیاسی و انقلابی دانشگاه برای جان و روح و جهت بخشیدن به

علم.

- < ضرورت حفظ یکپارچگی در محیط دانشگاه و جلوگیری از دیوار و مرز به وجود آوردن اسمها و عناوین.
- < محیط دانشگاه را انقلابی و اسلامی کنید.
- < دانشجوی باید احساس سیاسی داشته باشد، درک سیاسی داشته باشد، تحلیل سیاسی داشته باشد.
- < ضرورت تقویت آگاهی سیاسی جهت فریب نخوردن از تبلیغات دشمنان. لزوم حفظ وحدت کلمه و زنده نگه داشتن یاد امام (ره)، پیشروان انقلاب، شهدای بزرگ و صحنه های پر شور انقلاب و جنگ تحمیلی در دانشگاه، حوزه و محیط های کار و زندگی.
- < ضرورت مراقبت و حفاظت از اخلاق الهی و اسلامی توسط جوانان.
- < ضرورت سازندگی کشور با مشارکت آحاد مردم و سازندگی نفس خود، جهت آبادی ایران و پیشرفت همه جانبه سیاسی، اجتماعی، شغلی، علمی و معنوی.
- < ضرورت شناخت دشمن و بیداری دانشجویان، طلاب و دانش آموزان.
- < رعایت انضباط اخلاقی و رفتاری و درک فهم و تحلیل مسائل سیاسی در دانشگاهها.
- < دانش آموزان و دانشجویان روح اعتماد به نفس را حفظ و تقویت کنند.
- < هدف بحثهای سیاسی دانشجویی باید جستجوگر و کاوشگر باشد نه فرمایشی، تا قدرت تحلیل سیاسی بالا برود.
- < دانشجویان با جمود و تحجر مقابله فرهنگی کنند.
- < لزوم اهتمام جوانان در ایجاد رابطه جدی با خدا، مناجات و نماز با حال و با توجه.
- < تشکلهای اسلامی دانشگاهها، صف مقدم مبارزه با تهاجم فرهنگی هستند.
- < ضروریست که انجمنهای اسلامی و دیگر تشکلهای اسلامی دانشگاه، به کار خود نظم دهند، آن را با هدفهای روشن که از بینات و محکومات انقلاب گرفته شده، جهت بخشند، بصیرت لازم و دید نافذ را برای شناخت دشمن و روشهای کینه‌ورزانه‌اش برای خود و عموم دانشجویان فراهم سازند، فتنه‌گریها و فتنه‌گرها را بخصوص در محیط دانشجویی شناسایی و خنثی کنند، اختلافات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی را به حداقل برساند و خدا را در همه حال حاضر و ناظر اعمال و نیات خود بدانند.
- < مواظب باشید صفای دانشجویی و صفای جوانی‌تان را فدای اغراض و توهّمات و خیالاتی که چهار نفر آدم دور هم جمع شدند، یک منفعت و مصلحتی برای خودشان تعریف



کردند، نکنید.

- < مواظب باشید چرب و شیرین دنیا، شما را به خودش متوجه نکند.
- < جوانان دانشور، طلبه و دانشجو، و اساتید متعهد، دانشگاهی و روحانی، باید مسئولیت سنگین روشنگری و جهاد فکری و علمی را بیش از پیش بر دوش خود احساس کنند و در میدان علم و دین و آرمانگرایی به مسابقه‌ی الهی که پاداش آن بهشت دنیوی و اخروی است، بپردازند.
- < لزوم مقابله با آفتهای جنبش دانشجویی.
- < خودِ دانشجویان باید مواظب باشند که انسانهای بد نیت، تجمعهای بد نیت، تشکیلاتهای بد نیت، مجموعه‌های بد نیت و بد سابقه و بد نام، نزدیک نشوند.
- < لازم است دانشجو از مسأله و شعار عدالت اجتماعی در کشور حمایت کند.
- < لزوم پرهیز از سطحی‌اندیشی، زیرا خصوصیت دانشجو، تعمق و تدقیق است. هر حرفی را که می‌شنوید، رویش فکر و دقت کنید.
- < جنبش دانشجویی باید دنبال آرمانها باشد؛ یعنی دنبال عدالت، مساوات، آزادی معنوی، آزادی اجتماعی، عزت اجتماعی و دنبال سرآمد شدن ملی در جهان باشد.
- < لازم است جوانها و بخصوص دانشجویان و طلاب آگاهیهای خودشان را افزایش دهند. بسیاری از کجرویها ناشی از کمبود آگاهی است.
- < نسل امروز - به‌ویژه نسل جوان ما - باید از تاریخ کشورش اطلاع داشته باشد؛ بخصوص از زمان مشروطیت به این طرف را بداند.
- < به مجموعه تحکیم وحدت توصیه می‌کنم که تلاش سیاسی و فکری مؤمنانه و پرهیزگارانه‌ی خود را حفظ کنید، با دیگر مجموعه‌ی اسلامی دانشجویی هر چه بیشتر نزدیک شود، به کسانی که مقاومت‌شکنی را ترویج می‌کنند به چشم سوءظن بنگرید و همواره خدا را در یاد داشته باشید و از او کمک بخواهید.
- < آنچه میباید پس از تحصیل علم، در صدر فعالیتهای دانشجویی قرار گیرد، ارتقاء فکری دانشجویان در زمینه‌ی فرهنگ و سیاست است.
- < امام بزرگوار انجمن‌های اسلامی را بارها از نفوذ دشمنان برحذر می‌داشتند. این توصیه‌ی حکیمانه امروز نیز همچنان باقی است.
- < نباید بگذارید این مطالبه مهم از ذهنها دور شود؛ یعنی بایستی عدالت آن‌چنان از طرف مردم، قشرها و بخصوص جوانان مطالبه شود که هر مسؤولی - چه بنده و چه هر کس



دیگری که در جایی مسئول است - ناچار باشد به مقوله عدالت، ولو برخلاف میلش هم باشد، پردازد.

< باید در جهت اصلاح جامعه برای مبارزه با فساد همت گماشت؛ چه با پدیده‌ها، چه با زیربناها و ریشه‌ها.

< لزوم کار فرهنگی عمیق در دانشگاهها زیرا کار سطحی فرهنگی مفید نیست؛ گاهی هم مضر است.

< لازم است جوان ما فکر کند و آن را مطرح و مطالبه نماید. این احساس را در خودش تقویت کند که در آینده کشور نقش و مسؤولیت دارد و باید تعهدی در این زمینه در خود احساس و برای آن تلاش کند.

< باید به تفکر اسلامی و تفکر بسیجی عمق داد.

< باید فکری بکنید تا این جریانهای سالم دانشجویی - چه انجمنها، چه بسیج، چه تشکلهای گوناگون دیگری که بحمدالله امروز تشکلهای دانشجویی خوبی در دانشگاه هست - در کنار حرکت فکری علمی، به سمت یافتن قدرت تحلیل سیاسی کشانده شوند. قدرت تحلیل که نبود، انسان فریب تحلیل فریبگر بیگانه را میخورد.

< مجموعه‌های دانشجویی در داخل دانشگاه، کاری نکنند که رقابتهای آنها یا معارضه‌هایی که به نام رقابت انجام میگیرد، به تضعیف قوای این مجموعه‌های مؤمن بینجامد. این مجموعه‌ها همدیگر را حفظ کنند. من نمیگویم همه یک‌جور فکر کنند، همه یک‌جور سلیقه داشته باشند؛ نه ممکن است، نه لازم؛ لیکن از معارضه و تضعیف یکدیگر جداً خودداری کنند.

< مسؤولیت مجموعه‌های دانشجویی سنگین است؛ هم باید درس را بخوانید، هم محیط سیاسی‌تان را بشناسید، هم روی محیط سیاسی اثر بگذارید و هم خودتان را از لحاظ فکری و روحی آماده کنید برای فردایی که بلاشک وزن این نظام متکی به معنویت در معادلات جهانی بین‌المللی، ده برابر امروز خواهد شد.

< نیازهای اصلی و اساسی بسیج دانشجویی:

۱. فکر و تحلیل و روشن‌بینی،

۲. جهاد علمی،

۳. اخلاق و معنویت،

۴. یک مجموعه‌ی اندیشه‌ورز و اتاق فکر،



۵. گزینش افراد باصلاحیت در بخشهای مختلف این تشکیلات بزرگ.
- < هیچ وقت در خوب بودن و خوب شدن حد نشناسید؛ مرتب در حال بالاتر رفتن باشید. سعیتان این باشد که گناه نکنید.
 - < در محیطهای گوناگون سعی کنید همدیگر را در دینداری و معنویت یکدیگر کمک کنید. اگر رفیقی در جایی پایمی کج می گذارد، او را برادرانه و مشفقانه باز بدارید.
 - < از لحاظ اخلاق خودسازی کنید. انسان با تمرین، همه‌ی کارها را، همه‌ی خلیات و خوی‌ها را می‌تواند به خودش بدهد؛ بخصوص در فصل جوانی.
 - < یکی از وظایف نخبگان، تقویت امید در جوانان است.
 - < اخلاق و معنویت نیازهای عمده‌ی جوانان است، درسهای اخلاقی را در بین خودتان رائج کنید. از اساتید اخلاق و موعظه‌گراها استفاده کنید. البته مواظب باشید در دام عنکبوت‌های دنیادار و دکاندار گرفتار نشوید؛ دکاندارهایی که به اسم معنویت، ادعا می‌کنند که امام دیدیم و ...! هیچ واقعیتی هم ندارد. حواستان باشد که اسیر آنها نشوید.
 - < لازم است نشریات بسیج دانشجویی جزو پُرمایه‌ترین و غنی‌ترین نشریات باشد که هر دانشجویی یا هر استادی یا هر کسی بیرون از محیط دانشگاه آن را نگاه کرد، از آن استفاده کند؛ این جزو نیازهای شماست.
 - < لزوم اتحاد سازمانی و تشکیلاتی دانشجویان بسیجی.
 - < بسیج دانشجویی مراقب باشد تحرک خود را از دست ندهد و از تنبلی بپرهیزد؛ این چیز مهمی است. تن‌آسایی نکردن، چیز مهمی است.
 - < دشمن نباید بتواند از هیچ حرکت و اظهار و موضعگیری شما استفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است.
 - < توصیه من به دانشجویان، خواستن، مطالبه کردن، داعیه داشتن؛ هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل خاص دانشگاهی؛ همراه با عقلانیت.
 - < دانشجو باید از افراط و تفریط پرهیز کند؛ من با افراطکاری و زیاده‌رویهای گوناگون در هر جهتی، موافق نیستم. با اعتدال، با روش منطقی و صحیح مسائل را دنبال کنید و بدانید که خواست و پیگیری شما اثر دارد.
 - < در هیچ شرائطی در کوتاه‌مدت، آرمانهای بزرگ تحقق پیدا نمی‌کند. آرمانهای بزرگ احتیاج به استمرار عمل دارد. کار را بایستی به صورت پیگیر دنبال کرد و از آن مأیوس نشد تا به

نتیجه برسد.

- < آن چیزی که ما از محیط دانشجویی مان انتظار داریم، پیشرفت علم، پیشرفت اندیشه‌ی سیاسی، عمق اندیشه‌ی دینی و ایمان دینی، عمق معرفت دینی و روشن بینی دینی، دست یافتن به قلمروهای جدید؛ هم در زمینه‌ی علم، هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی معرفت دینی در محیط دانشجویی است.
- < انجمنهای اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، جنبش عدالتخواهی، بسیج دانشجویی، دهها مجموعه‌ی جوان - که با نامهای گوناگون در دانشگاهها، در دبیرستانها مشغول فعالیتند، اینها را باید تقویت کنیم. این میشود بسیج یک ملت. بدخواهان این ملت، بسیج را بد معنا میکنند؛ بسیج یعنی این.
- < دانشجو و محیط دانشگاه باید نگاه کلان به هدفهای انقلاب داشته باشد و دنبال آنها برود.
- < فرق جوان و دانشجوی صادق و پاکیزه‌دل، با یک آدم سیاسی‌کار باید در این باشد که حرفتان را صریح بزنید؛ آنچه را که میزنید، از دل بزنید؛ و اگر چنانچه معلوم شد که اشتباه است، سریع پس بگیرید؛ این، به نظر من یکی از بهترین شاخصه‌های دانشجویی است.
- < مهمترین مسئولیتهای جنبش دانشجویی: ۱- تلاش برای فهمیدن؛ یعنی تفکر. ۲- مشخص کردن اصول.
- < لازم است جلسات فکری وسیعی تشکیل شود که مجموعه‌ی دانشجویی، همراه با مجموعه‌ی حوزوی، بنشینند درباره‌ی مسائل گوناگون فکر کنند.
- < من به شعارهای جوانی و شعار جوانها اعتقاد دارم، اما مراقب باشید این شعارها اختلاف ایجاد نکند، خواست دشمن را تأمین نکند؛ در میدان تنظیم شده‌ی از سوی دشمن بازی نکنید. سیاسیون هم مراقب باشند، مطبوعاتی‌ها هم مراقب باشند، جوانها هم مراقب باشند، خود مسئولین هم مراقب باشند.
- < من به کار دسته‌جمعی اعتقاد دارم و این را یک نیاز دانشجو میدانم؛ کسب مهارتهای گوناگون؛ مهارتهای سیاسی، اجتماعی لازم است.
- < دانشجو محاط به انواع خدعه‌ها و گردابهای گوناگون است؛ محاط به انواع خطرهایست.
- < تشکل‌های دانشجویی مواظب باشند هدفهایشان را گم نکنند. ضدیت با استکبار، کمک به پیشرفت کشور، کمک به اتحاد ملی، کمک به پیشرفت علم، حضور و شرکت در مبارزه و پیکار همگانی ملت ایران برای غالب آمدن بر توطئه‌ها و بر دشمنی‌ها؛ اینها هدف اصلی است؛ این را باید فراموش نکنند.



- < کرسی آزادفکری سیاسی و کرسی آزاد فکری معرفتی را در دانشگاهها به وجود بیاورید.
- < ایجاد فضای آشفته‌ی ذهنی با لفاظی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمیکند. آنچه که کمک میکند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن؛
- < لازم است هر کدام از تشکلهای دانشجویی کار خود را انجام دهند؛ اما با هم دوست باشند و به هم اهانت نکنند. البته چالش علمی و فکری برای پیش رفتن و رشد پیدا کردن، خوب است. اما دست زدن به بی‌نظمی در مقابل دشمن مضر است.

۶- آموزش و پرورش و معلمان

- < مسأله اول در نظام ما، مسأله فرهنگ و تعلیم و تربیت است و نقش طراز اول در جامعه، نقش معلم و مربی است.
- < دانش‌آموزان نونهالی که در اختیار دستگاه فرهنگی کشور قرار دارند، عزیزترین و سرشارترین سرمایه و ذخیره‌ی آینده‌ی این ملتند.
- < دشمن امید بسته که معلم و روحانی و دانشجو کار خود را انجام ندهند.
- < اگر جامعه معلم، کارگر، دانشجو و روحانی کار خود را درست، متقن و کامل و از روی علم و دانایی انجام دهند، این کشور و نظام، متقن‌ترین و مستحکم‌ترین نظام خواهد شد.
- < توسعه فرهنگی و سیاسی این است که انسانها در جامعه احساس کنند که می‌توانند درست بیندیشند، درست بفهمند و درست فرا بگیرند.
- < آموزش و پرورش سنگ بنای آینده‌ی کشور است.
- < در مجموعه آموزش و پرورش، میداندار معلم است که انسان را تربیت و تولید می‌کند.
- < معلمان از اصلی‌ترین اهداف تهاجم دشمن هستند.
- < در بخش پیشرفت علمی و وحدت اجتماعی، یکی از آماجهای مهم دشمن، معلمانند.
- < نقش معلم منحصر به فرد است.
- < قدر تعلیم و تربیت و معلمی و سنگر فرهنگی را بدانید.
- < مردم باید از لحاظ مادی و معنوی به آموزش و پرورش، به مدرسه سازی و به تعلیم و تربیت کمک کنند تا بتوان صحنه نبرد و کارزار فرهنگی را پیش برد.
- < نقش معلم، تربیت نیروی انسانی کارآمد است.



رهیافتِ راهبر

- < در مدارس، همت باید بر این باشد که بچه‌های ما از لحاظ دینی - هم در قلمرو اعتقاد، هم در قلمرو تربیت و اخلاق، هم در قلمرو تعبد عملی - انسانهای مسلمان بار بیایند؛ این، علاج و اساس کار ماست.
- < وظیفه معلمین در مبارزه با ظلم و جور و بی عدالتی، انتقال علم و معرفت و ایمان به نسل نو می باشد.
- < دانشجویان و دانش آموزان باید محیط دانشگاه و دبیرستان را محیطی انقلابی و اسلامی بسازند.
- < معلم ایرانی مسلمان تلاش کند تا همه استعداد این ملت تجسم و تبلور پیدا کند.
- < معلمین باید با کار و تعلیم، جوانان و نوجوانان را بسازند و این تعلیم و تربیت را با وجدان کاری انجام دهند.
- < معلمان باید کاری کنند تا نوجوانان و جوانان با ایمانی بار بیایند که بتوانند در مقابل مطامع دشمن و در مقابل نفوذ استکبار مثل کوه بایستند.
- < در آموزش و پرورش باید تزکیه و تعلم کنار هم باشند.
- < راجع به آموزش و پرورش و فضای فرهنگی، فکری و ارزشی آن حقیقتاً باید فکر و کار شود.
- < باید نسبت به مقوله آموزش و پرورش هم کار کرد و از نفوذ برخی از افکار و رفتارها در آن به طور جد جلوگیری نمود.
- < آگاه باشید که دشمن در تلاش است تا دو قشر معلم و کارگر را در مقابل انقلاب و نظام قرار دهد.
- < آموزش و پرورش برای حل مسائل اساسی این بخش عظیم، یک اتاق فکر احتیاج دارد.
- < یکی از کارهای مهم، ایجاد مراکز تربیت معلم است.
- < مسأله پرورش، یک مسئله مهم است که باید در آموزش و پرورش ایجاد شود.
- < بهترین و برجسته‌ترین فکرها باید برای آموزش و پرورش طراحی کنند.
- < آموزش و پرورش باید روزبه‌روز با هدفهای کلان و بسیار مهمی که برای او وجود دارد، خود را بیشتر تطبیق دهد.
- < این نکته باید در مقابل چشم معلمان ما همیشه حضور داشته باشد که نقش معلم برای یک جامعه، نقش حیاتی است و قابل مقایسه‌ی با بسیاری از نقشهای مهم و حساس در ترکیب اجتماعی نیست.



- < لزوم اهتمام دانش آموزان به علم و کلاس درس و مطالعه و تحقیق و پژوهش.
- < یکی از آماج‌های مهم دشمن، معلمینند؛ هم در بخش پیشرفت علمی، هم در بخش وحدت اجتماعی.

۷- فعالان عرصه فرهنگ، ادب و هنر

- < باید اعتراف کنیم که در کار زبان فارسی تقصیر شده است. زبان فارسی آن رشدی را که بایستی می‌کرد و آن سعه‌یی را که در دنیا باید پیدا می‌کرد، پیدا نکرد.
- < هر زبانی که سعه‌ی نفوذ آن زیاد باشد، طبیعی است که با خود فرهنگی را حمل می‌کند. زبان فارسی آن کار را با نفوذ طبیعی خودش کرده است.
- < زبان فارسی، فرهنگ غنی‌یی را با خودش می‌برده است؛ این فرهنگ امروز در اختیار ماست؛ عمدتاً هم فرهنگ اسلامی است؛ یعنی اسلام در این منطقه‌ی شرق عالم، از شبه قاره گرفته تا چین و تا هر جای دیگر که رفته، با زبان فارسی رفته است.
- < ادبیات در حقیقت رابط میراث فرهنگی یک کشور از نسلی به نسل دیگر است؛ که اگر نباشد، ما می‌توانیم پزشک و مهندس و صنعتگر و عالم داشته باشیم، اما برای دنیای دیگری؛ نه برای دنیای این جامعه و این مرز و بوم.
- < ادبیات مثل آن ژنهای انتقال خصوصیات است که اصلاً وراثت و نسل را اینها حفظ می‌کنند.
- < ادبیات است که اتصال یک ملت را به گذشته‌ی خودش، و فرزندانی را به پدر نسلی خودش، ایجاد و حفظ و ثبت می‌کند.
- < ادبیات سلف ما همه‌اش در جهت ارزشهای الهی و اسلامی است؛ از جمله همین شاهنامه فردوسی.
- < یکی از لوازم مجاهدتِ خواصی، این است که باید در مقابل حرفها و ملامتها ایستاد.
- < آنچه که خواص را تهدید می‌کند خطر خسته شدن، راحت طلبی، میل به سازش و چسبیدن به منافع نقد است.
- < یک کشور از نخبگان خودش می‌خواهد که به نیازها و مطالبات عمومی و به مصالح کشور بیندیشند و خود را از ملت طلبکار ندانند.
- < نخبگان، سرمایه‌های معنوی کشورند.



رهیافتِ راهبر

- < غریبه آن کسی است که بلندگوی افکار و اهداف دشمنان این ملت است.
- < انقلاب آن وقتی می‌تواند خودش را در قالب هنر بیاورد، که هنرمندِ خودی داشته باشد و خودش هنرمند را پرورش بدهد.
- < هنر زمان، هنری است که در فضای انقلاب و از زمین انقلاب بروید.
- < فرهنگ متجاوزانه استعمار در سطح جهان برای تسخیر دنیا، بیشترین و رونده ترین وسیله مورد استفاده و مرکب سیرش، هنر است.
- < هنر، زبان رسایی برای همه موضوعات و بخصوص موضوعات پیچیده‌ای مثل انقلاب است. زبان هنر است که می‌تواند حوادث عظیم را تبیین و تشریح کند و ذهنها را روشن نماید.
- < سیاست در دنیای امروز از هنر استفاده ناشایسته می‌کند. اگر بگوییم نمی‌کند، دلیل بی‌اطلاعی است.
- < هنر دینی آن است که بتواند معارفی را که همه ادیان - و بیش از همه، دین مبین اسلام - به نشر آن در بین انسانها همت گماشته‌اند و جانهای پاکی در راه نشر این حقایق نثار شده است، نشر دهد، جاودانه کند و در ذهنها ماندگار سازد.
- < آن چیزی که در هنر دینی به شدت مورد توجه است، این است که این هنر در خدمت شهوت و خشونت و ابتذال و استحاله هویت انسان و جامعه قرار نگیرد.
- < توقع انقلاب از هنر و هنرمند، مبتنی بر نگاه زیباشناختی در زمینه هنر است.
- < ادبیات و هنر مقاومت و آنچه مربوط به دوره‌ی خاص دفاع کشور و ملت ماست، حقیقتاً از برجسته‌ترین و مهمترین کارهاست
- < مجموعه های سینمایی دنیا در خدمت اشاعه فحشا، پوچی، بی‌هوشی، و خشونت هستند و این از ابزار قدرت جهانی است.
- < هنرمند باید ادراک خود را در هنرش بگنجاند و آلا هنر، مصنوعی خواهد شد.
- < بهترین وسیله انتقال پیام، هنر است
- < امروز در دنیا باطل‌ترین حرفها را در ذهن یک مجموعه‌ی عظیمی از مردم به صورت حق جلوه میدهند که بدون هنر امکان نداشت، اما با هنر و به کمک ابزار هنر این کار را میکنند.
- < در عالم فرهنگ بایستی گره‌گشائی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد، بایستی گره‌های ذهنی را باز کرد. و این تبیین لازم دارد، یعنی همان کار انبیاء؛ فصاحت و بلاغتی هم که گفته‌اند در بیان لازم است، بلاغتش به این معناست.



- < کار هنری در زمینه دفاع مقدس یکی از برترین کارهای هنری است.
- < یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است.
- < پرشتری ترین آثار هنری بعد از انقلاب در زمینه های مختلف، آن آثار هنری است که مربوط به دفاع مقدس بود؛ چه در زمینه ی فیلم و سینما، چه در زمینه ی کتاب، خاطره، داستان.
- < نقش مداحان در حفظ ایمان و معرفت شیعه و پیروی از اهل بیت در بقای تشیع بسیار مهم و ارزشمند است.
- < «سینمای اسلامی» یعنی ما می خواهیم محتوای این تکنیک، این قالب و این هنر را که از دیگران گرفته ایم اسلامی کنیم. و هر چه را که با اسلام منافات دارد، حذف کنیم.
- < باید هنر، هویت خود، استقلال خود، عزت خود را حفظ کند.
- < جایی لازم است که مشکلات زبان فارسی را تمام کند و نگذارد که به اسم زبان، از مسیرها و جریانهای غلط، گندابهایی وارد دریاچه ی زبان فارسی شود و این زبان را آلوده کند؛ واقعاً پالایش صحیحی وجود داشته باشد.
- < واژه سازی برای زبان و پیش بردن و ترقی دادن زبان، یک امر بسیار مهم است.
- < آن دستگاههایی که مباشر امور ادبیات هستند، باید اثبات کنند که ادبیات، فقط یک سرگرمی و یک امر تشریفاتی و زایده یی در زندگی نیست؛ بلکه یک چیز ضروری است.
- < لزوم توجه به ادبیات انقلاب.
- < مردم به خصوص زبندگان باید درست نقطه مقابل دشمن عمل کنند.
- < مسلمین بالاخص علما و روشنفکران از تهمت های دشمنان ترسند.
- < بکوشید قدرت تحلیل پیدا کنید؛ تشخیص دهید و به معرفت دست یابید.
- < روشنفکران مسلمان در مقابل جریان روشنفکری بیمار باید با فرهنگ و ابزارهای فرهنگی مقابله کنند.
- < نخبگان فرهنگی کشور باید نسل جوان و مستعد را شناسایی و دلها را به نور معارف اسلامی روشن کنند و امید را در دلها بتابانند و ذهنها را از تحجر و بی بند و باری فکری برحذر دارند.
- < هر انسانی باید این صلاحیت را در خودش به وجود آورد که در هر نقطه ای که هست،



دیگران بتوانند به او اقتدا کنند.

- < انجمن قلم باید ضمن حفظ و نگهداری این انجمن، استعدادهای خوب و تابناک را جستجو و آنها را گزینش کند و وارد مجموعه نماید.
- < ضرورت بنیه سالم و قوی فرهنگی توسط انجمن قلم؛
- < نخبگان سیاسی و فکری و اندیشمندان مسلمان، پیام آزادی بخش اسلام را هرچه رساتر و شیواتر به مردم برسانند و هویت اسلام را بدرستی تبیین کنند و تعالیم روشن اسلام را در موضوعاتی چون: حقوق بشر، آزادی و مردم سالاری، حقوق زن، مبارزه با فساد، رفع تبعیض فقر علمی برای جوانان بازگو کنند.
- < مسئولان باید به نخبگان که سرمایه ها و گنجینه های کشورند رسیدگی کنند و آنها را پشتیبانی و حمایت کنند.
- < در زمینه نخبگان نیاز به تمرکز بیشتر از سوی مسئولان داریم.
- < نخبگان باید نشاط علمی و سیاسی و تلاش فرهنگی را سرلوحه دعوت خود قرار دهند و وحدت و همدلی پیروان مذاهب اسلامی بپرهیزند از اینکه اختلافات فرقه ایی را شعار اصلی خود قرار دهند.
- < اسلام با ارزشهای والای خود، برترین منبع رستگاری انسانها است و نخبگان ملتها وظیفه ی حتمی بازخوانی و ترویج این ارزشها را بر دوش دارند.
- < وظیفه نخبگان علمی و فرهنگی و سیاسی است تا حرکتی را راهبری کنند که قلم بطلان بر عقب ماندگی ها و مشکلات و ذلتهای دنیای اسلام بکشد.
- < وظیفه نخبگان، حفظ نظام اسلامی است.
- < وظیفه رهبران فرهنگی، تفهیم قدرت مسلمانان به آنها است.
- < علما نخبگان روشنفکران باید با حفظ اتحاد و همبستگی و ایجاد امید در جوانان در برابر تهدید سلطه گران بایستند.
- < نخبگان امت اسلامی بیش از همیشه هوشیار باشند که دشمن در حال افروختن آتش اختلاف میان مسلمین است.
- < در جان یک انسان نخبه، پیدایش یک اندیشه ی نو و خلق شدن یک فراورده ی تازه، یک رویش است؛ یک رویش طبیعی است. بگذارید این رویش انجام بگیرد.
- < نخبه پروری یکی از وظایف مهم نخبگان است.
- < نقش نخبگان و خواص این است که بصیرت را خود و دیگران بوجود بیاورد.



- < به کار بردن هنر باید مثل همه‌ی ابزارهای دیگر که حامل یک فکر هستند، جهت‌گیریش خیلی دقیق و روشن و درست بوده باشد و دچار اشتباه در جهت‌گیری نباشد.
- < غرض این است که آن خط اصیل اسلامی و ناب و قرآنی که همان خط انقلاب اصیل و خط امام ماست، حفظ شود.
- < شاعران باید به طلب مردم در جامعه برای شعر توجه کنند.
- < هنرمند نباید هنرش در اختیار بیگانگان باشد.
- < ضرورت جلوگیری از ورود غریبه‌ها به میدان هنر؛
- < ما با توجه به یک اصل، باید از ادبیات و از هنر قدیمیها استفاده کنیم؛ و آن عبارت است از اصالت دادن به این نسل انقلابی خودی ادبیات و هنر.
- < لزوم استفاده از هنرمندان قدیمی در عرصه هنر.
- < باید هنرپیشه‌ها و هنرمندان خوب را به کار گرفت.
- < هنر انقلاب را بین کسانی محصور کنید که مفاهیم انقلابی جز ایمانشان باشد و آن را قبول دارند.
- < تا آنجا که می‌توانیم باید آثار جنگ را کشف و حفظ کنیم.
- < از هنر سینما برای نشان دادن گوهر نماز بهره بگیرید.
- < میدان باید برای فعالیت صحیح و سالم جوانان باز شود.
- < برای مقابله با تهاجم فرهنگی در حوزه هنر و فیلم باید به عفت و نجابت و سلامت و حیا متمسک شویم.
- < دو نکته مهم درباره ادبیات: ۱- پیش بردن ادبیات در هر عصری بر عهده کسانی است که سر و کارشان با ادبیات است و در بحثهای گوناگون نسبت به آن آگاهی دارند. ۲- استفاده صحیح ادبیات در سطح کشور، جامعه و جهان.
- < سعی کنید در این قصه‌گویی و در این کار هنری، اولین چیزی را که در کودک ایجاد می‌کنید، ایمان باشد.
- < موسیقی تنها یکی از راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی است.
- < در مورد موسیقی دو حرف وجود دارد: یکی این که بینیم اساساً مشخصه‌های موسیقی حلال و حرام چیست و دیگر این که بیاییم در مصداق، مرزهایی را مشخص کنیم تا جوانان بدانند که این یکی حرام و این یکی حلال است. البته این دومی کارآسانی نیست.
- < همیشه توصیه من به هنرمندان و کسانی که با کار هنری سر و کار دارند، این است که اینها



را به بازیهای خطی و سیاسی نکشانید.

- < به هنر و سیاست باید قدری عمیقتر نگاه کنیم؛ نمی‌شود ساده‌اندیشی کرد.
- < هنرمند باید اخلاق انسانی، فضیلتها و معارف والای دینی و الهی را مورد توجه قرار دهد و به این حقیقت هنر ملتزم و متعهد باشد.
- < در استفاده از هنر هنوز مهارت لازم را نداریم.
- < نیروهای خلاق، متفکر و مولد در مجموعه پیگیر امر نماز، بیشترین بهره‌گیری صورت گیرد.
- < از تواناییهای نرم افزاری در زمینه‌های: هنر، ادبیات، فیلم و تبلیغات حداکثر استفاده برده شود. راهکارهای برخاسته از توانایی علمی و هنری انتخاب گردد، و همه ظرفیت‌های فراوان موجود به کار گرفته شود.
- < باید کاری کنیم تا نسل جوان و نسلهای بعد قضیه دفاع مقدس را درک کنند و این ظرفیت و ذخیره عظیم را بشناسد و به خودباوری کامل برسد.
- < مضمون سینما باید در جهت اصلاح کشور و جامعه باشد؛
- < امروز کلید پیشرفت ایران در دستان افراد هنر و سینماست و باید تلاش کنند تا امید، شوق و اعتماد به نفس را به جوانها تزریق کنند.
- < لزوم توجه به نیازهای روز جامعه در زمینه تهاجم سیاسی و فرهنگی از قبیل نگاه نو، روحیه‌ی سرشار از امید، دل‌لبالب از اطمینان به آینده و فهمیدن راه درست.
- < حقاً عرصه‌ی محبت اهل بیت عرصه‌ی شایسته‌ای برای هنرنمایی است.
- < پیامهای انقلاب در قالب هنر و شعر بیان کنید.
- < نیاز امروز ما شعر اخلاقی است که پیامد آن دستیابی به خصوصیات اخلاقی اسلامی می‌باشد.
- < شعر انقلاب باید در خدمت مفاهیم انقلاب باشد.
- < ما باید به سمت عدالت، اخلاق، استقلال به معنای حقیقی کلمه و بازیابی حقیقی هویت اسلامی ایرانی خودمان پیش برویم.
- < مهمترین وظیفه هنرمندان و اقشار فرهنگی جامعه اسلامی، تبلیغ و تبیین است.
- < ضرورت انعکاس بین‌المللی آثار هنری دفاع مقدس.
- < لزوم استقلال حرکت علمی و حرکت هنری.
- < مداحان باید یک قسمت از منبر و مجلسشان را به معارف و اخلاقیات و قسمت دیگر را



به مداحی و مرثیه تخصیص دهند.

۸- جوانان

- < دشمن روی جوانان سرمایه‌گذاریهای زیادی می‌کند؛ عده‌یی را به بی‌تفاوتی می‌کشاند و عده‌یی را دلسرد و مأیوس می‌کند. یأس، بزرگترین آفت جوان است.
- < متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ همچنان که امید این‌گونه است.
- < امروز یکی از هدفهای اساسی دشمنان این است که اخلاق جوانان این ملت را فاسد کنند و برای این کار تلاش و سرمایه‌گذاری می‌کنند.
- < روح مبارزه و ایستادگی در مقابل دشمن، وقتی به طور کامل و سالم در قشر جوان باقی می‌ماند که تقوا، بازگشت به خدا و جهاد اکبر در وجود و زندگی‌تان بگنجد.
- < دشمن می‌خواهد مردم و جوانان از معنویات دور شوند.
- < دشمن سعی می‌کند نیروی کار را از ملت ایران بگیرد.
- < دشمن برای فاسد کردن، منحرف کردن و ضعیف کردن پنجه قدرتمند جوانان در میدان سازندگی و عمل و احیاناً دفاع، برنامه می‌ریزد؛ که این برنامه فساد اخلاقی و اعتیاد است.
- < سه خصوصیت مهم جوان: انرژی، امید و ابتکار است که با هدایت صحیح آنها کارهای زیادی می‌توان انجام داد.
- < تقوا، یعنی مراقب خود بودن. تقوا، یعنی یک انسان بداند که چه کار می‌کند و هر حرکت خودش را با اراده و فکر و تصمیم انتخاب کند.
- < نسل جوان، گره‌گشای دوره‌های سخت و محنت‌های بزرگ است.
- < به جوانان سفارش می‌کنم اولاً باید احساس مسئولیت کنند؛ ثانیاً با ایمان حرکت کنند.
- < دشمنان بدانند که نسل جوان و تازه‌نفس آماده‌ی مبارزه با دشمنان شناخته‌شده‌ی کشور است.
- < حضور جوانان در تمامی صحنه‌های دینی و سیاسی که نشان‌دهنده دینداری و علاقه مندی جوانان به انقلاب است، منافقین را به لرزه می‌اندازد.
- < جوان، مظهر تحرک و سرشار از استعداد و دارای ذخیره ارزشمندی است که می‌تواند معجزه‌ها بیافریند.
- < عوامل دشمن در تلاشند برای رسیدن به اهداف سیاسی و شوم خود، جوانان را بازیچه



قرار دهند.

- < دانشگاه‌ها باید انقلابیون مثبت پرورش دهد که اگر چنین شود آینده بسیار درخشانی در انتظار این کشور است.
- < مسأله جوانان در هر جامعه‌ای یک مسأله بسیار مهم است.
- < لازم است دنبال تقلید نباشید، بر روی شیوه و راهی که در آن ذهن و اراده و ایمان شما قوی می‌شود و اخلاق شما پاک و آراسته می‌گردد، فکر کنید. آن‌گاه شما عنصری خواهید بود که مثل یک ستون، سقف مدنیت این کشور و تمدن حقیقی این ملت بر روی آن قرار می‌گیرد.
- < دشمنان می‌خواهند نسلی که الگوی جوانان فداکار برجسته دنیا شد، به یک نسل بی‌خاصیت تبدیل شود.
- < امروز رسانه‌های غربی با برنامه‌ریزیهای میلیاردی، در تبلیغات رسانه‌ای خود می‌کوشند تا به شما جوانان ایرانی تفهیم کنند که یک ظرف خالی هستید و مظلوم ندارید؛ مظلوم شما را ما باید بدهیم؛ ما باید این ظرف را پر کنیم؛ شما امروز این مایه را ندارید، دیروز هم نداشتید، طبعاً فردا هم نخواهید داشت! تاریخ شما را هم منکر می‌شوند؛ می‌خواهند گذشته شما را هم زیر پا لگد کنند؛ آنها می‌خواهند فرهنگ‌سازی و الگوسازی کنند؛
- < می‌خواهند جوان ایرانی و نسل نوی ایرانی، یک نسل تحقیرشده توسری‌خور باشد تا بتوانند روی او سوار شوند و به او دیکته کنند و آن کاری را که آنها می‌خواهند، انجام دهد. مفاخر یک ملت را انکار می‌کنند، برای این‌که او احساس کند چیزی نیست.
- < نیاز عمده جوان، هویت است؛ باید هویت و هدف خودش را بشناسد؛ دشمن می‌خواهد هویت جوان ایرانی را از او بگیرد؛ اهداف را از بین ببرد؛ افق‌ها را تیره کند؛ به او بگوید تو یک موجود حقیر و محدود هستی؛ پیش من بیا تا تو را زیر بال بگیرم.
- < کسانی این‌طور وانمود می‌کنند نسلی که روی کار می‌آید - «نسل سوم انقلاب» - پشتکرده به انقلاب و رویگردان از ارزشهای دینی است؛ بنده صددرصد حرف آنها را رد می‌کنم. معتقدم نسل کنونی امروز این قدر هم آسیب‌پذیر و شکننده نیست؛ این را بد فهمیده‌اند.
- < جوانان باید از سرمایه هویت ملی و جمعی کشور، با همه وجود و همت خود دفاع کنند.
- < خط مقدم جبهه‌ی ظلم و استکبار در تهاجم به ملت انقلابی ایران و نظام جمهوری اسلامی عملی تبلیغ و بوقهای فریب و نیرنگ است امروز همت زورگویان و قلدان آمریکایی بر غارت منابع نظری و معنوی و تهیدست کردن ملت ایران از این پشتوانه اقتدار خویش



است. این منابع همان ایمان و امید و انگیزه‌ی ملت ایران است و جوانان نخستین آماج این غارت فرهنگی هستند.

- < جوانی بهترین زمان و موقعیت برای سیورورت واقعی انسانی و یادگیری است.
- < امروز سیاست مشترکی در همه‌ی دنیا، به وسیله‌ی مراکز معینی دنبال می‌شود که جوانان را تا خرخره در شهوات و غرایز جنسی و فساد اخلاقی غرق کنند. این مراکز به‌طور عمده شامل مراکز اقتصادی صهیونیستی و قدرت‌طلبان بین‌المللی است.
- < جوانان عزیز را به یک مجاهدت حقیقی دعوت می‌کنم. مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان جنگ رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم جهاد محسوب می‌شود. ایجاد فرهنگ و اندیشه‌ی صحیح در جامعه نیز جهاد است. طرف این جهاد، مستکبران، دشمنان و کسانی هستند که با اسلام، ایران، هویت، ملیت، اسلامیّت و صفتهای اسلامی عناد و دشمنی دارند. با کسانی که با هویت، اسلام، ملیت، کشور، تمامیت ارضی، استقلال، شرف، عزّت، ناموس، سنتها، فرهنگ و ارزشهای شما مبارزه می‌کنند باید برخورد شدید کرد. این فرهنگی است که باید بر جامعه‌ی ما حاکم باشد.
- < دشمن از جوانان ما می‌ترسد و می‌داند که اگر نسل جوان گسترده با ایمان ما با همین ایمان در صحنه بایستد، هیچ سلاحی، هیچ بمبی و هیچ موشکی نمی‌تواند این ملت را به زانو درآورد.
- < هر گامی که شما جوانان برای ارتقای علمی و عملی و اخلاقی خودتان بردارید، مثل گلوله‌ای است که به سمت دشمن شلیک می‌کنید. این جنگ و این رزم، جهاد بزرگی است.
- < نسل جوان احساس افتخار کند که در ایران اسلامی زندگی می‌کند. دشمن عکس این را می‌خواهد؛ می‌خواهد کاری کند که نسل جوان و غیر جوان ما احساس سرشکستگی کنند.
- < جوان و نوجوان، چشمه جوشان نیرو و استعداد است. جوان خوب برای یک کشور، یعنی آینده خوب. لذا دشمن می‌خواهد این نسل جوان و پُرشور و آینده‌ساز را از راههای مختلف برای ساختن ایران آباد و آزاد و مؤمن و پاکیزه آینده ناتوان کند؛
- < جوانان ما خوبند. خطاها و لغزشها وجود دارد؛ مخصوص جوانان هم نیست. جوانان این امتیاز را دارند که می‌توانند با استغفار و بازگشت به آغوش خداوند و رحمت الهی، هرگونه آلودگی را از دامان خود پاک کنند.



رهیافتِ راهبر

- من همه جوانان را دوست دارم؛ اما جوانانی که ارزشهای دینی برای آنها مهم است، در چشم من خیلی عزیزند.
- عده‌ای با تظاهر کردن به پایبندی به ارزشهای دینی، بی‌نظمی ایجاد می‌کنند که من با این کار موافق نیستم.
- امروز همه عوامل شبکه اختاپوسی استکبار جهانی سعی می‌کنند چهره جوانی و نشاط و روحیه جوانی را از ملت ما بگیرند؛ اما نمی‌توانند.
- آدمهایی که غرض و سوءنیتی ندارند، مواظب باشند به‌خاطر یک انگیزه و احساسِ زودگذر حرفی نزنند که در جهت خواستهای امریکا و علیه این ملت و این کشور تمام شود. بدانند دشمن چگونه تقویت می‌شود و از چه راههایی دست و پای خود را باز و علیه این ملت اقدام می‌کند.
- آرمان‌گراییِ جوان ایرانیِ ما عبارت است از ترسیم آینده‌یی با این خصوصیات نظام و کشوری که پیشرفته که مردم آن دانشمند و بیدار باشند نه غفلت‌زده و خواب‌آلوده؛ کشور برخوردار از عدالت؛ مبرای از فساد؛ وعدم حاکمیت طبقه‌ی اشراف و برخوردار از قدرت و استحکام سیاسی باشد؛ و همه‌ی اینها الهام گرفته‌ی از معارف دین و اسلام عزیز باشد. اسلام این ظرفیت را دارد که اینها را به ما تعلیم دهد.
- همه‌ی سعی دشمنان ما این است که این عناصرِ زنده‌کننده و پیش‌برنده را از جوانهای ما بگیرند؛ ایمانش را بگیرند، اعتماد به نفسش را بگیرند؛ کما اینکه در دوره طاغوت موفق شده بودند.
- دشمنان می‌خواهند از جوانِ امروز، اعتماد به نفس و ایمانش را بگیرند، روحیه‌ی ابتکارش و خلاقیتش را بگیرند، شوق او به پیشرفت و کار را بگیرند و او را با گرفتاریهای گوناگون سرگرم و مشغول کنند. یکی را به شهوات، یکی را به کارهای لغو، یکی را به هرزه‌گردی و بیهوده این ور و آن ور رفتن، یکی را به یقه‌ی این و آن را گرفتن.
- دشمنان میخواهند به ملت ایران و به جوان ایرانی بیاوراند که شما نمیتوانید بدون ارتباط و اتصال با قدرتهای سلطه‌گر به جایی برسید. این خطر بزرگی است که امام به آن توجه داده‌اند.
- نخبگان فکری افسران جوانِ جبهه‌ی مقابله‌ی با جنگ نرمند.
- جوانی، نعمت است؛ در پیری آدم بیشتر می‌فهمد چقدر نعمت بزرگی است. باید این نعمت را شکر کرد. شکر سه جزء دارد: اول، شناختن نعمت، غفلت نکردن از نعمت. دوم،



- دانستن اینکه این نعمت از خداست، سوم اینکه این نعمت را باید در جهت درست به کار برد و مصرف کرد.
- بزرگترین آفت و عیب جوامع اسلامی، سرازیری فساد همه گیر، سیل آسا و تباه کننده به سمت جوانان است.
- بنده با مد خیلی موافقم؛ جزو آدمهایی هستم که به مد گرایش دارم، اما مدی که از داخل جوشیده باشد نه چیزی که از بیرون بیاید.
- انجمن های اسلامی سنگرهای فرهنگی و فکری هستند که سلاح در آن، سلاح دین و تدبیر و علم و فکر و فرهنگ است.
- انجمن های اسلامی باید نقش نجات دهنده را برای جوانان ایفا کنند.
- ستادی که می تواند به شکل همه سونگر و جامع به مسائل جوانان نگاه کند، پایه اصلیش همین «شورای عالی جوانان» است.
- خودم توصیه ام این است که ازدواج را آسان بگیرند؛ مهریه ها زیاد نشود؛ جهیزیه ها سنگین نشود؛ در مراسم مهمانیها، خیلی ریخت و پاش نشود و اسراف آمیز نباشد. باید روی این کار شود.
- لزوم توجه به اشتغال جوانان و جهتگیری فکری و روحی و فرهنگی آنان.
- ما و مسئولان در قبال ایمان جوانان مسئولیت داریم.
- من انتظار دارم که مسأله جوانان و پرداختن به جوانان و برنامه ریزی برای هدایت درست و باز کردن راه تعالی و تکامل در مقابل جوانان، به یک مسأله ملی و حقیقی تبدیل شود و همه باید احساس مسئولیت کنند.
- لزوم حراست از ذهن و فکر و روحیه جوان که در حال تباه شدن تدریجی توسط دشمن است.
- لزوم توجه به دو عامل موثر در ذهن جوان: ۱- تبلیغات گوناگون دشمن، ۲- عدم تبیین و دفاع صحیح از حقایق و اصول اسلام و انقلاب.
- در مجلس روضه خوانی و سینه زنی بسیج وقتی شعر خوانده می شود، باید با معنا، با مضمون، جهتدار و همراه با درس باشد.
- لزوم تقویت قدرت تحلیل سیاسی و عمق بخشیدن به معرفت دینی در جوانان.
- شما جوانان وظیفه دارید انقلاب را با همه ی وجود، تا اعماق جانتان نفوذ و رسوخ بدهید و مفهوم انقلاب و مبانی فکری آن را از بن دندان درک کنید و برای هنگامی که این ملت



بدان احتیاج دارد و در دو صحنه دفاع و سازندگی مبارزه می‌کند، آن را در خود ذخیره کنید.

< در مقابل یاسی که دشمن می‌خواهد به جوانها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید.

< در مقابل فساد انگیزی دشمنان از سلاح تقوا و دعا استفاده کنید.

< جوانان باید در مقابل اغواگریها و شر آفرینیهای دشمن؛ در مقابل تبلیغات هوس‌انگیز دشمن که گمراه کننده است، مقاومت کنند.

< من به جوانان توصیه می‌کنم نماز جماعت را، حضور در مساجد، اقامه مجالس دعا و تضرع و فهمیدن مفاهیم دعاها را جدی بگیرید.

< اگر می‌خواهید کشور ایران آباد شود دو چیز را باید با هم در نظر بگیرید: یکی این‌که در سازندگی کشور، همه باید با هم شرکت کنید. دوم این‌که در سازندگی نفس خود کوشش کنید.

< نسل جوان باید طهارت، تقوا، استغفار و اجتناب از گناه و توجه به معنویات را سرلوحه کارها قرار دهند تا در مقابله با توطئه‌های دشمنان با هوشیاری بایستند و مجاهدت کنند.

< اگر تلاش مؤمنانه و مخلصانه و باصفا، در بین جوانان ما و در بین بقیه آحاد ملت وجود داشته باشد، استکبار در مبارزه خود با ملت ایران، قطعاً و یقیناً، نه یک بار، بلکه بارها و بارها به زانو در خواهد آمد و شکست خواهد خورد. در این، تردیدی نیست.

< جوانان باید در مقابل شهوات و هوسهایشان و در مقابل همه انگیزه‌هایی که آنان را به چنین رذایلی فرا می‌خواند، مقاومت کنند.

< بایستی جوانان الگوی خود را در بزرگانی که از لحاظ دید و جهتگیری و اهداف به هدفهای ما می‌خورند، انتخاب کنند.

< امروز دولت و ملت بخصوص مسئولان امور آموزش و پرورش و دیگر مسائل جوانان باید حفاظت از نسل جوان را بزرگترین وظیفه‌ی انسانی و انقلابی خود بدانند.

< انتظار از جوان: تحصیل، تهذیب و ورزش است.

< عمده‌ترین وظایف جوانان و دانشجویان استحکام رابطه با خدا و معنویت و مناجات و نماز است.

< جوانان و دانشجویان و انجمنهای اسلامی و دیگر تشکلهای اسلامی دانشگاهها، باید خود را در صفوف مقدم مقابله با تهاجم دشمن قرار دهند.



- < بایستی جوانان در زمینه مسائل دینی، مسائل فرهنگی، مسائل سیاسی، مسائل اخلاقی، آینده‌نگری، امیدبخشی، نشاط دادن به محیط پیرامون خود و تعبد و تقید و پابندی به شریعت اسلامی مجاهدت کنند که البته همت و اراده و تصمیم، لازم دارد.
- < ما از جوان می‌خواهیم که در عین پاکی و پارسایی و دینداری، بانشاط باشد، مُرشور باشد، پهل اهل ابتکار باشد، خلاق باشد، کار کند، از تنبلی و بیکارگی بپرهیزد، تقوا را برای خودش شعار قرار دهد و واقعاً دنبال تقوا باشد.
- < لزوم نوآوری و خلاقیت توسط جوانان.
- < به جوانان توصیه می‌کنم که در فعالیتهای اجتماعی حضور داشته باشند و در فعالیتهای اجتماعی هم آن چیزهایی که جنبه‌های دینی آن واضحتر است، آنها را مرجح بدانند.
- < به جوانان توصیه می‌کنم فرصت جوانی را برای خود سازی فکری و روحی و جسمی مغتنم بشمارید و خود را به علم و معرفت و پارسایی مجهز و نیز خود را الگو و اسوهی جوانان کشورهای دیگر سازید.
- < لزوم اهتمام به موضوع «جوانان»، ایجاد زمینه‌های مساعد برای پیشرفت معنوی و علمی و مسئولیت پذیری، و تلاش برای رفع دغدغه‌هایی از قبیل ازدواج و آینده‌ی شغلی و علمی آنان.
- < دولت، روحانیت، بسیج، سازمانهای ورزشی، صدا و سیما و همه دستگانهایی که در زمینه‌های مربوط به جوانان می‌توانند نقشی ایفا کنند، باید درخصوص مسأله جوانان در این کشور احساس مسئولیت کنند.
- < مسأله جوانان و پرداختن به جوانان و برنامه‌ریزی برای هدایت درست و باز کردن راه تعالی و تکامل در مقابل جوانان، باید به یک مسأله ملی و حقیقی تبدیل شود و همه باید احساس مسئولیت کنند.
- < لزوم شرکت کردن جوانها در نماز جمعه.
- < تملق‌گویی و اسطوره‌سازی از جوان، بدون این‌که واقعیت جوان و دغدغه جوان و کیفیت حرکت جوان و برنامه‌ریزی برای جوان به‌درستی مورد توجه باشد، یک اشکال است.
- < لزوم برنامه‌ریزی برای نسل جوان توسط مسئولین و تاکید بر تعاون و همکاری سه قوه در این زمینه.
- < مسئولان باید به جوانان مناعت طبع و عفت اخلاقی و اطمینان به نفس و اعتماد به خود و صداقت و شجاعت بیاموزند؛ در آنها اراده پولادین و انضباط اجتماعی و وجدان کاری به



وجود آورند؛ بعد هم برایشان برنامه‌ریزی کنند.

- < کسی که نظام اسلامی را به استبداد و ضدیت با آزادی و ضدیت با حقوق بشر متهم کند، یا خود دشمن است، یا فریب دشمن را خورده است. این را باید همه - بخصوص جوانان - توجه داشته باشند.
- < آنچه برای جوانان مهم است، عبارت است از احساس تعهد و مسئولیت آگاهانه نسبت به اهدافی که به خود او محدود نمی‌شود، بلکه مربوط به مجموعه، ملت، تاریخ و بشریت است.
- < برای فلج کردن ملتها، بهترین راه، فلج کردن جوانان است؛ چون جوانان نیروی فعال هر کشورند. برای فلج کردن جوانان بهترین راه آلوده و زمینگیر کردن آنها به وسیله‌ی سکس، فحشا، مستی و مواد مخدر است.
- < دستیابی نسل جوان کارآمد این کشور به فن‌آوریهای سطح بالا، دشمنان را می‌آزارد و رنج می‌دهد. آنها می‌خواهند ملتها وابسته بمانند، ملتها پایین بمانند، ملتها دستشان به سمت آنها دراز باشد، ملتها همیشه ضعیف و ذلیل باشند تا آنها بتوانند هر کاری می‌خواهند، سر ملتها درآورند. کار مقابل آنها این است که ملتها خود را از لحاظ علمی و ایمانی قوی کنند.
- < دشمنان نسل جوانی را که با اراده و عزم راسخ و با طهارت و عصمت - چه پسرش، چه دخترش - در خط مستقیم معنویت و دین و دنیای اسلامی تلاش می‌کند، نمی‌پسندند. آنها یک نسل جوان هرزه‌گرد می‌خواهند؛ این را می‌پسندند. در مقابل خواست دشمن، جوانان ما باید مقاومت کنند.
- < لازم است در نقطه مقابل خواست استعماری و استکباری، ایمان و پاکدامنی‌تان را حفظ کنید، درستان را خوب بخوانید و جوانی‌تان را قدر بدانید.
- < جوانان عزیز، مسئولان علمی، آموزش و پرورش و ... ما متوجه جریان فرهنگی‌ای که دشمنان می‌خواهند راه بیندازند، باشند؛ یعنی تزریق لابلایگری و اباحیگری و کشاندن به هرزگی و بی‌اعتنایی به اخلاق منضبط دینی و اسلامی.
- < یکی از کارهای دشمنان شایعه‌پراکنی و تهمت‌زنی است. عیناً همان کاری که در زمان امیرالمؤمنین می‌کردند؛ هر روز یک شایعه، یک تهمت و یک جنگ روانی.
- < هر کس فضای تهمت‌زنی در داخل کشور و جنگ روانی علیه نظام را تقویت و تشدید کند، مزدور امریکاست و برای امریکا کار کرده است؛ چه از امریکا پول بگیرد، چه نوکر بی‌مزد و مواجب امریکا باشد.



- < ضرورت تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمانهای انقلاب اسلامی.
- < ضرورت فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیبهای اجتماعی آنان.
- < ضرورت توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و تواناییهای آنان.
- < نسل جوان را باید وادار و امیدوار به حرکت کرد.
- < لازم است معرفت علمی، دینی و اخلاقی را با هم داشته باشید.
- < تعلیم و تزکیه با یکدیگر است؛ این دو را از هم جدا نکنید.
- < لازم است جوانها در جریان مسائل سیاسی کشور قرار بگیرند و بتوانند تحلیل کنند. البته سیاسی کاری، سیاست بازی و آلت دست این حزب و آن حزب شدن را بنده برای جوان نمی پسندم؛
- < جوان باید مطالبه کند و احساس کند که این مطالبه سودمند و ثمربخش است؛ و تشویق بشود بر این مطالبه.
- < مأموریت این نسل رساندن کشور به جایگاهی است که جامعه اسلامی به معنای واقعی در آن تشکیل شده باشد. یک مجموعه مردمی که بر اساس تعالیم اسلام زندگی می کنند. وقتی این شد دنیای مردم آباد خواهد شد.
- < لازم است خود را بسازید؛ از لحاظ علمی، از لحاظ ایمان و تقوا بسازید، بصیرت و آگاهی های خودتان را نسبت به امروز و دیروز و فردا افزایش بدهید.
- < جوان باید در درون خود، در دل خود، در وجدان خود احساس کند که نسبت به آینده ی این کشور، آینده ی این ملت، آینده ی این تاریخ، مسئولیت دارد.
- < من مشتاقم که جوان های ما قصه ی جنگ تحمیلی هشت ساله را بدانند که چه بود.
- < من با اینکه وقت زیادی ندارم، بسیاری از کتابهایی را که در باب مسائل دفاع مقدس هست، نگاه میکنم؛ برای خود من مفید است. این کتابها را بخوانید، بدانید، ببینید؛ شرح حال این جوان های برجسته را بشناسید.
- < ضرورت تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمانهای انقلاب اسلامی، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیبهای اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و تواناییهای آنان.
- < آشنا کردن جوانان، با صفا و بهجتی که در نماز و ذکر هست، خدمتی بزرگ به آنان و به آینده یی است که باید با دست توانا و عزم جوانانه ی آنان ساخته و پرداخته شود.



- < به جوانان عزیزمان توصیه میکنم که با قرآن انس بگیرید، با قرآن مجالست کنید. هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده‌های جهالت شما برداشته میشود؛
- < جوان دانشجوی ما مواظب تئوریهای وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکّم‌آمیز غرب با کشورهایی از قبیل کشور ما را ندارد، باشند، زیرا کسانی که می‌خواهند بر روی زندگی و منابع انسانی ملتها کار کنند و از آن بهره‌برداری نمایند، یکی از کارهایشان تئوری‌سازی برای ملتهاست.

۹- بسیجیان

- < فتح‌الفتوح امام (ره)، ساختن جوانان مؤمن، مخلص، سالم، صادق، بی‌اعتنای به شهوات و دل‌هایشان متوجه به سمت خدا بود.
- < کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور ما بسیج محسوب می‌شوند، تا چشم دشمنان کور بشود!
- < عظیمترین و ماندگارترین یادگار آن بزرگوار، همین بسیج مردمی است که در همه‌جا حضور دارد؛ در همه فعالیتها می‌تواند پیشرو باشد و روحیه بسیجی را نشان دهد.
- < بسیج یک حرکت منطقی و عمیق و اسلامی و منطبق بر نیازهای امروز دنیای اسلام و - به طریق اولی - جامعه اسلامی است.
- < بسیج یک امر منطقی و فکری و ریشه‌دار و عمیق است و کسانی که در کار این حقیقت بزرگ، شرکت دارند، همه آحاد ملتند.
- < فرهنگ بسیجی، فرهنگ معنویت و شجاعت و غیرت و استقلال و آزادگی و اسیر خواستهای حقیر نشدن است.
- < بسیج، یکی از برکات انقلاب و از پدیده‌های بسیار شگفت‌آور و مخصوص این انقلاب است.
- < بسیج، عبارت است از مجموعه‌ای که در آن، پاکترین انسانها، فداکارترین و آماده‌به‌کارترین جوانان کشور، در راه اهداف عالی این ملت و برای به کمال رساندن و به خوشبختی نائل کردن این کشور، جمع شده‌اند.
- < بسیج در حقیقت، مظهر یک وحدت مقدس، میان افراد ملت است.
- < بسیج در واقع، مظهر عشق و ایمان و آگاهی و مجاهدت و آمادگی کامل، برای سربلند



کردن کشور و ملت است.

- < اخلاص و معنویت بسیجی و ارتباط با خدا در بسیجی، یک خصوصیت عمده است.
- < بسیجی یک فرهنگ است، به معنای پیشرو بودن در همه ی عرصه های زندگی.
- < بسیج مثل خود انقلاب، از آیات الهی است.
- < بسیج، گسترده‌ی در همه‌ی عرصه‌های زندگی است.
- < بسیج در واقع آن پوششی است، که بهترین جوانان این کشور برای رسیدن به آرمانهای بلند این ملت بزرگ، میتوانند در زیر این پوشش گرد هم بیایند و جمع بشوند.
- < بسیج در واقع یک ارتش بی رنگ بی ادعای همه‌گیر در سطح کشور است؛ و این ارتش برای مبارزه‌ی در همه‌ی عرصه‌هاست؛ نه فقط در عرصه‌ی نظامی.
- < بسیج عرصه‌ی جهاد است، نه قتال. قتال یک گوشه‌ای از جهاد است. جهاد یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان؛ این میشود جهاد.
- < عرصه‌ی بسیج یک عرصه‌ی عمومی است؛ نه مختص یک قشر است، نه مختص یک زمانی دون زمان دیگری است.
- < روحیه و معرفت بسیجی باید فراگیر شود.
- < رابطه و پیوند مسئولان کشور و آحاد مردم و ایجاد رابطه تنگاتنگ و صمیمانه بین آنها و حضور بسیج در سطح ایران و در همه ی زوایای کشور ضربه ایست به دهان همه ی قدرتهای استکباری.
- < مجموعه های مردمی بسیج باید فکرشان این باشد که کیفیت خود را بالا ببرند تا بر روی فضای عمومی جامعه اثر بگذارند و جوانها و مجموعه های بیشتری را به آن مرکزیت اصولی و آرمانی نزدیک کنند.
- < رویکرد علمی، نوآوری علمی و کار فرهنگی در بسیج بسیار چیز مبارکی است.
- < ضرورت ملاحظه ایمان، بصیرت، انگیزه، رعایت موازین و معیارها در بین جوانان بسیجی.
- < مراقب باشید، مواظب باشید، نمیشود هر کسی را بمجرد یک خطائی یا اشتباهی گفت منافق؛ نمیشود هر کسی را بمجرد اینکه یک کلمه حرفی برخلاف آنچه که من و شما فکر میکنیم، زد، بگوئیم آقا این ضد ولایت فقیه است. در تشخیصها خیلی باید مراقبت کنید.
- < ضرورت حفظ انگیزه ها با قوت، ایمان کامل و امید کامل به آینده و دقت در تشخیص ها و در مصداقهای مختلف.
- < نباید بسیج را یک نهاد نظامی به حساب آورد.

۱۰- زنان مسلمان

- < زنان در ایران در عرصه های علمی، فرهنگی و اجتماعی و هنری و سیاسی دارای تشخص و منزلت هستند، به خلاف غرب که هتک حرمت انسانی زن را در روابط زن و مرد، و تبدیل آن به وسیله ای برای التذاذ یا دستگامی برای مصنوعات پر زرق و برق را دنبال می کند.
- < ارزش و قدر زن اسلامی و مسلمان را بدانید؛ زنی که از بازیچه های فراهم آمده ی تمدن غربی و روشهای توطئه آمیز آن روگردان و بی اعتنا است.
- < فاطمه‌ی زهرا (س) در قله‌ی بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و می‌بینیم که آن بزرگوار به‌عنوان یک بانوی مسلمان، این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند.
- < در اسلام فرقی میان زن و مرد نیست، زیرا هدف آفرینش بشریت، رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضایل است که در آن فرقی بین آن دو نیست.
- < به برکت انقلاب امروز، زن در کشور ما می‌تواند در میدان سیاست و فعالیت‌های علمی و سیاسی و اجتماعی و جهادی و کمک به مردم و انقلاب و حضور در میدان‌های گوناگون، شخصیت خودش را با حفظ متانت و وقار و حجاب اسلامی نشان بدهد.
- < قبل از انقلاب، به خاطر ورود فرهنگ‌های اروپایی، بنیان خانواده متزلزل شده بود؛ زیرا وقتی اصل خانواده - یعنی زن - زیر سؤال و متزلزل است، در آن جا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد.
- < هنر ادیان - و بیشتر از همه اسلام - در این است که غرایز جنسی و غریزه‌ی زوج‌طلبی انسان را - که غیر از غریزه‌ی جنسی است - در خدمت تشکیل خانواده قرار داده.
- < صلاح زنان در جامعه، به دنبال خود، صلاح مردان را هم می‌آورد.
- < خواست اصلی غربی‌ها این است که زن را وسیله ای برای تکلیف و التذاذ مرد قرار دهند.
- < غربی‌ها می‌خواهند زن به سبک اروپایی را در جامعه رواج بدهند؛ که عبارت است از سبک مد و مصرف و آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس؛ می‌خواهند این چیزها را به وسیله‌ی زنان رواج بدهند.
- < زیاده‌رویها و کج‌رویها و بدفهمیها، و به تبع اینها، تعدیها، ظلمها، نارساییهای روانی، مشکلات مربوط به خانواده و مشکلات مربوط به نحوه‌ی اختلاط و امتزاج و ارتباطات دو



- جنس، هنوز جزو مسائل حل نشده‌ی بشریت است.
- < حفظ حجاب به زن کمک می‌کند تا بتواند به آن رتبه‌ی معنوی عالی خود برسد و دچار آن لغزشگاه‌های بسیار لغزنده‌ی بی که سر راهش قرار داده‌اند، نشود.
 - < چادر بهترین نوع حجاب است؛ یک نشانه‌ی ملی ماست؛ هیچ اشکالی هم ندارد؛ هیچ منافاتی با هیچ نوع تحرکی هم در زن ندارد.
 - < بهترین کسانی که در مقابل تهاجم تبلیغاتی استکبار ایستادند بانوان بودند.
 - < انقلاب و جنگ، زنان ما را در جامعه از آگاهی و رشد سیاسی برخوردار کرد. وقتی این گونه شد، کسی نمی‌تواند به آسانی به او زور بگوید و حقش را پایمال کند. اینها غنیمتهایی بود که در انقلاب برای زنان پیش آمد.
 - < از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است.
 - < تحمیل کار سنگین بر زن، ظلم به زن است. اسلام این را توصیه نمی‌کند؛ زن، پیشکار شما و خدمتگزار شما نیست که خیال می‌کنید کارهای سنگین را باید به او محوّل کرد. این، مسأله مهمی است.
 - < این‌که ما بگوییم «زن را از فعالیت اقتصادی و اجتماعی ممنوع کنیم»، به استنادِ نظرِ اسلام، غلط است. اسلام چنین حرفی نگفته است.
 - < نظر اسلام درباره‌ی فعالیتهای زن در میدان فعالیت علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این است که نباید بر زن تحمیل و اجبار کرد؛ چنان‌که به سد کردن راه او هم نباید پرداخت. البته فعالیت علمی، خیلی خوب است و بر سایر فعالیتها ترجیح دارد.
 - < امروز متدین‌ترین، انقلابی‌ترین، پاکترین و با ایمانترین دختران و زنان جوان ما، در میان قشرهای تحصیلکرده هستند.
 - < در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را بر او تحمیل کند.
 - < اسلام در داخل خانواده، دو جنس زن و مرد را مانند دو لنگه یک در، دو چشم در چهره انسان، دو سنگر نشین در جبهه نبرد زندگی و دو کاسب شریک در یک باب مغازه قرار داده است.
 - < اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران و در جنگ نمی‌بود، به احتمال زیاد این



انقلاب و جنگ به این شکل پیروز نمی‌شد؛ یا اصلاً پیروز نمی‌شد، یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می‌آمد. بنابراین، حضور زنان مشکل‌گشا بود.

< دو دیدگاه درباره‌ی هدف از تلاش فرهنگی و حقوقی در راه رسیدن زن به نقطه مطلوب می‌تواند ترسیم شود: ۱. هدف اسلامی ۲. هدف کوتاه‌بینانه است، که در تلاشهایی که در کشورهای غربی می‌شود، ما ردّ پای هدف دوم را بیشتر مشاهده می‌کنیم.

< اسلام طرفدار تکامل بشر است. برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست؛ تکامل انسانی مطرح است.

< نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. کسانی که با ادبیات اروپایی، با شعر اروپایی، با رمان و داستان و نمایشنامه‌های اروپایی آشنا هستند، می‌دانند که در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و بعد از آن تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه دوم بوده است! هر چه بر خلاف این ادعا کنند، خلاف می‌گویند.

< در فرهنگ اروپایی، وقتی زن با همه موجودی و املاک خود ازدواج می‌کرد و به خانه شوهر می‌رفت، نه فقط جسم او در اختیار شوهر قرار می‌گرفت، بلکه تمام اموال و املاک و داراییهای او هم که از پدر و خانواده‌اش به او رسیده بود، متعلق به شوهر می‌شد! این حقیقتی است که غریبها نمی‌توانند آن را انکار کنند.

< امروز دلسوزان و مصلحان، انسانهای خردمند و بانگیزه در کشورهای غربی، از رواج فساد و بی بند و باری در غرب به وسیله‌ی آزادی زنان متوحّش و ناراحتند و البته نمی‌توانند هم جلو آن را بگیرند.

< در غرب به عنوان این که می‌خواهند به زن خدمت کنند، بزرگترین ضربه را به زندگی او وارد آوردند. به خاطر این که با بی‌بندوباری، با اشاعه فساد و فحشا و با آزادی بی‌قید و شرط معاشرت زن و مرد، بنیان خانواده متلاشی شد.

< امروز یکی از بزرگترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به شدت گرفته و آنها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسأله خانواده است.

< اگر آزادی غربی برنامه موفق‌ی بود، اگر دفاع از حقوق زن حقیقی بود، احتیاج به این نبود که بعد از صد سال دوباره عده‌ای بیابند نهضت حقوق زنان به راه بیندازند و جنجال کنند. پس، آن نسخه غلط بود؛ نسخه فعلیشان هم غلط است و جز به بدبختی و مشکلاترashi برای زن و مرد - بخصوص برای زن - به چیزی نخواهد انجامید.

< هدف اسلام در دفاع از حقوق زنان این است که زن تحت ستم نباشد و مرد خود را حاکم



انستیتو ملی پژوهش‌های زنان
جمهوری اسلامی ایران

رهیافتِ راهبر

فصل ششم: تقسیم کار ملی در مقابله با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، نقش و وظایف مسئولان و اقشار مردم

- بر زن نداند. در خانواده، حدود و حقوقی هست. مرد حقوقی دارد، زن هم حقوقی دارد و این حقوق به شدت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. آنچه به نام اسلام است و غلط است، آنها را نمی‌گوییم و از آنها دفاع نمی‌کنیم.
- یکی از نشانه‌های مردسالاریِ غربیها همین است که زن را برای مرد می‌خواهند؛ لذا می‌گویند زن آرایش و کشف حجاب کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است.
- عفت در زن، وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتی در چشم خود مردان شهوتران و بی‌بندوبار است. عفت زن، مایه احترام و شخصیت اوست.
- یکی از مشکلات زنان در دنیای غرب، این است که مردان با تکیه به زورمندی خودشان، به عفت زن تعدی و تجاوز می‌کنند.
- در هر میدانی که بانوان مسئولانه وارد شوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد. خصوصیت حضور خانمها در میدانهای مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان می‌شود، یعنی همسر و فرزندان او هم واردند.
- اگر مقوله زیباسازی و رسیدن به سر و وضع و لباس و امثال اینها، مشغله اصلی زندگی شود، انحراف و انحطاط است؛ اما فی‌نفسه، رسیدن به سر و وضع و لباس، بدون این‌که در آن خودنمایی و تبرج باشد، عیبی ندارد.
- خودنمایی زنان در مقابل مردان، برای جذب و فتنه‌انگیزی. این، یک نوع فتنه است، اشکالش فقط این نیست که این دختر جوان، یا این پسر جوان به گناه می‌افتند - این اولیش است؛ شاید بتوانم بگویم کوچکترینش است - دنباله‌اش به خانواده‌ها می‌رسد و باعث تزلزل خانواده‌ها می‌شود.
- سر و وضع مرتب، لباس خوب و گرایش به زیبایی، امر مطلوبی در شرع اسلام است؛ متها آن چیزی که بد و مضر است، آن است که این وسیله‌ای برای فتنه و فساد و تبرج شود. زیرا ضررهايش تا خانواده و نسل بعد هم می‌رسد.
- در زمینه مسائل معنوی، زنان جزو پیشگامان حرکت معنوی انسان به سوی پیشرفت‌ها هستند.
- فرهنگ غربی در مورد زن و بی‌بندوباری و به ابتدال کشاندن زنان آن مناطق، موجب شده است که بنیان خانواده، سُست و متزلزل گردد و خیانت زن و مرد به یکدیگر، در داخل خانواده چندان مهم شمرده نشود. این گناه نیست؟ این خیانت به جنس زن نیست؟ با این

فرهنگ، از همه دنیا هم طلبکارند؛ در حالی که باید بدهکار باشند!

- < زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرفتها و رفتهها و لطافتهای خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرّب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیتهای برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد. این می‌شود الگویی برای زنان.
- < تهاجم به حجاب اسلامی از سوی دشمنان دین، نشان دهنده گرایش زنان به حجاب است.
- < نقش زن به عنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه‌ی نقشهائی که زن میتواند ایفاء کند، این اهمیتش بیشتر است. این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمیتواند آن را انجام دهد. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم.
- < محدودیتی که در نظام اسلامی برای زن می‌باشد کمک می‌کند به این که نیروهای آنها هرز نرود و حتی‌المقدور در جهت درستی به کار بیفتد؛ که آن وقت نتیجه‌اش میشود رشد فکری و علمی و عملی در جامعه‌ی زنان، که امروز شاهدش هستیم.
- < مسأله‌ی حجاب، به معنای منزوی کردن زن نیست. بلکه به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است، زیرا این اختلاط، به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد - بخصوص به ضرر زن - است.
- < حجاب، به هیچ وجه مزاحم و مانع فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و علمی نیست.
- < امروز دنیای غرب است که تدریجاً به سمت حجاب اسلامی متمایل می‌شود.
- < زنان و مسلمانان در کشورهای گوناگون - چه کشورهای اسلامی که در آنها خبری از حجاب نبود و در تعلیمات غربی غرق شده بودند و چه حتی کشورهای اروپایی حجاب به سبک حجاب شما زنان ایران را در بین خود آزمایش می‌کنند و به آن رو آورده اند. این، پیشرفت شماست.
- < حجاب، ارزشی است منطبق با طبیعت انسان. برهنگی و حرکت به سمت اختلاط هرچه بیشتر دو جنس با یکدیگر و افشاء شدن اینها در مقابل یکدیگر، یک حرکت خلاف طبیعی و خلاف خواست انسانی است.
- < در غرب زن را وسیله‌ای برای فروش کالاهایشان قرار می‌دهند؛ برای فروش یک متاع، پیکر لخت یک زن را نشان میدهند! آخر اهانتی از این بالاتر برای یک زن ممکن است؟



آنها باید جواب بدهند.

- < مبدا چنان که در افراد سطحی و غافل دیده شده است، نسل انقلابی و زنان مؤمن، دوباره روی به مصرف و تجملهای پوچ و گرایشهای غیر انقلابی بیاورند یا رسم جاهلی اختلاط بی پروا را دوباره زنده کنند.
- < زنها مواظب باشند این راه مبارک انقلاب را گم نکنند. امروز، سرگرم شدن به زر و زیور، پُر کردن سر و سینه و دست از زیورآلات و بت قرار دادن زیور و آرایش و مُد و لباس، برای زن انقلابیِ مسلمانِ ایرانی ننگ است.
- < ازدواج برای دختر مسلمان و زن جوانی که در محیط اسلامی است، مثل ازدواج فاطمه‌ی زهرا (س) باشد؛ ازدواجی با پیوند عشقی معنوی و الهی، اما بیگانه از همه‌ی تشریفات و زر و زیورهای پوچ و بی‌محتوای ظاهری.
- < پیام خانمهای ایران به دنیا این است که علم به معنای بی بند و باری نیست.
- < باور و فرهنگ غربی را از ذهن زنان بزدايید.
- < مبدا با گله‌ها، با دلخوریها، با افزون‌طلبی و پُرتوقعیها، با بی‌محبیها، و گاهی با دخالت‌های دیگران و از این قبیل، کانون خانواده سست بشود. آن چیزی که مهم است، این است. هم دختر و هم پسر سعی کنند که این علقه‌ی زوجیت را حفظ کنند.
- < ضرورت تشکیل و حفظ کانون خانواده با اطمینان و محبت متقابل.
- < گرایش به سمت مدگرایی و تجمل‌گرایی و تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل اینها، خانمها بایستی مقاومت کنند.
- < من طرفدار این هستم که زنان در جامعه‌ی ما در همه‌ی رشته‌ها دانشمند بشوند.
- < باید مسائل ارزشی اسلام در جامعه‌ی ما احیاء بشود. مانند مسأله‌ی حجاب.
- < ضرورت توجه به مسأله خانواده و سعی در بر طرف کردن گره‌های آن.
- < مسأله‌ی مادری، مسأله‌ی همسری، مسأله‌ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه‌ی طرحهایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد.
- < ضرورت اهتمام و توجه به باسواد کردن زنان، کتابخوان کردن آنها و آموختن روشهای صحیح کار داخل خانه و برخورد با همسر و فرزندان برای زنان.
- < نقش زنان در انقلاب، یک نقش تعیین‌کننده بود؛ در جنگ، یک نقش تعیین‌کننده بود؛ در دوران آینده هم نقششان ان شاء الله تعیین‌کننده خواهد بود؛ به شرطی که ما این جهات



- ارزشی را در زن رعایت کنیم. اینهاست که تأمین‌کننده و تضمین‌کننده‌ی این آینده است.
- < من با تظاهر به تجمل و تجمل‌گرایی در حد معتدل کم‌ناگزیرش مخالفتی نمی‌کنم؛ لیکن اگر بنا شد که روند افراطی پیدا کند، چیز بسیار مزخرفی است.
- < ضرورت امساک و دوری از تجمل‌گرایی.
- < لزوم مبارزه با خواست غربی‌ها که صدور فساد و بی‌بند و باری به کشورهای اسلامی است.
- < ضرورت حلّ معضل زنان، زیرا نسبت به حقوق و شخصیت بانوان در بعضی از بخش‌های زندگی، کوتاهی یا تعرض می‌شود.
- < من به خانواده‌ها توصیه می‌کنم که اجازه دهند دخترهایشان درس بخوانند. مبدا پدر و مادری، از روی تعصّب دینی، خیال کنند که باید جلو دختر را بگیرند تا تحصیلات عالیہ نکنند! نه؛ دین چنین چیزی نگفته است.
- < بگذارید دختر شما هم به تحصیلات عالیہ پردازد. بگذارید دختران جوان ما درس بخوانند، علم بیاموزند، آگاهی پیدا کنند، به شأن خودشان واقف شوند و قدر خود را بدانند، تا بفهمند که تبلیغات استکبار جهانی در خصوص زن، چقدر بی‌پایه و اساس و پوچ است. در سایه سواد، می‌شود اینها را فهمید.
- < در میدان علمی، همه راه‌های فعالیت باید برای زنان باز باشد. دختران، حتی در روستاها هم درس بخوانند.
- < قانون، در حمایت از بانوانی که خانواده تشکیل داده‌اند و درون محیط خانوادگی خودشان هستند، وظایف بسیار سنگینی دارد.
- < لزوم حمایت اخلاقی و قانونی از زن است؛ تا مرد در محیط خانواده نتواند زورگویی کند.
- < اسلام، مانع از ظلم به زن در محیط خانواده است، لذا امروز اگر ما در جامعه‌مان کمبودی در این زمینه داریم، باید مرتفع شود و حمایت قانونی از زن، با کمال قوّت و شدت انجام گیرد.
- < توصیه من به خواهران و دختران عزیزم این است که معلومات و آگاهی‌هایتان را بیشتر کنید. مطالعه، دقت، تحقیق، درس، ورود به مسائل مورد ابتلای روز و اهتمام به کارهای دینی، جزو وظایف حتمی و مسلمی است که امروز زنان کشور باید مثل مردان، خود را موظّف به انجام آنها بدانند.
- < اجتناب از افراط و تفریط در موضوع زن.



- < نقشی که زن می‌تواند در داخل خانواده ایفا کند، جزو بزرگترین نقشهاست و به نظر من از همه‌ی کارهای زن مهمتر، همین کار است. از همه‌ی کارهای زن مهمتر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدانهای بزرگ است.
- < درباره مسأله‌ی زن، حقوق زن، رفع ستم از زنان و فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای زنان کشورمان، لازم است کار فرهنگی بزرگی انجام گیرد.
- < در هر حرکتی که به قصد احقاق حقّ زنان انجام می‌گیرد، باید هر گونه حرکتی، بر اساس یک بینش خردمندانه، مبتنی بر حقایق هستی، شناسایی طبیعت و فطرت زن و طبیعت و فطرت مرد، مسؤولیتها و مشاغل اختصاصی زن و مرد و آنچه می‌تواند مشترک بین اینها باشد انجام گیرد و از روی انفعال و تقلید نباشد.
- < بیشترین حقایق و بیشترین واقعیتهای فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است. لذا اگر ما امروز بخواهیم برای زنان کشورمان، یک حرکت حقیقی و اساسی بکنیم، تا زنان بتوانند به وضع مطلوب خودشان برسند، باید به احکام اسلامی نظر داشته باشیم و از آن الهام بگیریم.
- < نهضت دفاع از زنان در غرب، یک حرکت دستپاچه، یک حرکت بی‌منطق، یک حرکت مبتنی بر جهالت، بدون تکیه به سنتهای الهی و بدون تکیه به فطرت و طینت زن و مرد بود که در نهایت به ضرر همه تمام شد؛ هم به ضرر زنان، هم به ضرر مردان، و بیشتر به ضرر زنان. این قابل تقلید نیست. این فرهنگی نیست که در کشور اسلامی کسی به آن نگاه کند و بخواهد از آن چیزی یاد بگیرد؛ این را باید طرد کرد.
- < لزوم حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جوامع اسلامی و در جامعه ما بر مبنای اسلامی و با هدف اسلامی. هدف، صف‌آرایی زن در مقابل مرد نیست. هدف این است که زنان و دختران بتوانند همان سیر و همان حرکتی را انجام دهند که وقتی مردان آن حرکت را انجام دهند، به صورت یک انسان بزرگ در خواهند آمد؛ زنان انسان بزرگ شوند.
- < عظمت زنی مثل بنت‌الهدی، از هیچیک از مردان شجاع و بزرگ کمتر نیست. حرکت او، حرکتی زنانه بود؛ این‌گونه زنهایی را باید تربیت کرد و پرورش داد.
- < مسأله اصلی زن، احساس آرامش و احساس امنیت و احساس امکان بروز استعداد و مورد ستم قرار نگرفتن در جامعه و در خانواده و در خانه شوهر و در خانه پدر و امثال اینهاست. کسانی که در خصوص مسأله زن تلاش می‌کنند، باید در این زمینه‌ها تلاش کنند.
- < فکر رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی، بایستی یک فکر رایج در میان خود زنان باشد.



- < بعضی از قوانین در برخورد با زن و با مرد احتیاج به اصلاح دارد. باید کسانی که اهل این کارها هستند، مطالعه کنند، بررسی کنند و آن قوانین را درست کنند.
- < نظر اسلام در مورد حقوق زن و حقوق مرد باید تبیین شود.
- < لازم است از بحثهای انحرافی - دیه و امثال آن - در هنگام دفاع از زن اجتناب شود. نظر اسلام در مورد زن و مرد واضح و روشن است.
- < ضرورت دفاع اخلاقی، عقلانی و قانونی از زن، بخصوص در داخل خانواده
- < لزوم اهتمام به عفاف در زن، لذا هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد.
- < لزوم اهتمام به مسأله تعلیم و تربیت بانوان.
- < لازم است جامعه، هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، با کسانی که تعدی به زن را حقّ خودشان می‌دانند، برخورد سخت بکند؛ قانون هم باید در این زمینه مجازاتهای سختی را پیش‌بینی کند.
- < هر گونه ستم و هرگونه تعدی جسمانی‌ای نسبت به زن، باید با برخورد بسیار سختی مواجه شود، تا در این زمینه جامعه اسلامی ما به آن سطحی که اسلام خواسته است، برسد.
- < اگر کشور بتواند جامعه زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی، با همان معارفی که اسلام خواسته است، آشنا کند، من تردیدی ندارم که پیشرفت و ترقی و تعالی کشور مضاعف و چند برابر خواهد شد.
- < لازم است جهت انتخاب الگو، معیار «تقوا» را حتماً در نظر داشته باشید.
- < حضرت فاطمه زهرا (س)، الگوی کامل زن مسلمان است.
- < لزوم تلاش و کار در زمینه ی پیشرفت زن در سه ناحیه: ۱. پیشرفت فرهنگی و بروز استعدادها. ۲. اصلاح روابط خانوادگی. ۳. اعلام و تبیین نظر اسلام در زمینه مسائل زنان از جهات حقوقی، از جهات اجتماعی و غیره.
- < ضرورت تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه های اجتماعی، و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه ی عرصه ها، و توجه ویژه به نقش سازنده ی آنان.
- < لازم است زن مسلمان با تأمل در مفاهیم اسلامی و ارزشگذاریهای اسلامی و با دقت در خطوطی که در نظام اسلامی برای پیشرفت زنان و مردان پیش‌بینی شده است، هویت خود را بازیابی کند و قامت رسای استدلال را در مقابل سفسطه‌ها و وسوسه‌های عوامل صهیونیسم و سرمایه‌گذاری و زراندوزی به نمایش درآورد.



- < ضرورت تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه ها و توجه بویژه به نقش سازنده آنان.
- < ما در تقابل با تبلیغات معارض - از جمله تبلیغات فمینیستی - آنچنان که باید، کار درستی، کار قوی‌ای، کار پُرحجمی و با کیفیت‌های بالا نکرده‌ایم.
- < دستگاه‌های تحقیقاتی، پژوهشگاه‌ها، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و صاحب‌نظران لازم است که در زمینه تبلیغات معارض و فمینیستی کار قوی کنند.
- < اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد - بخصوص در داخل خانواده - باید مورد توجه قرار بگیرد.
- < لازم است تحت تأثیر مجامع و کنوانسیون‌های جهانی، از احکام و مبانی اسلامی کوتاه نیاییم.
- < ضرورت تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.
- < اگر واقعاً بنای تحرک و کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری باشد، لباس رسمی زن می‌تواند چادر باشد و - همان‌طور که عرض کردم - چادر بهترین نوع حجاب است.
- < باید بدقت و با نهایت کنجکاوی و بدون اغماض، مسائل ارزشی مانند حجاب را رعایت کرد.
- < لزوم تبیین و ترویج حجاب.
- < بهترین راه تأمین حجاب، برخورد منطقی با آن است.

۱۱- رسانه ملی

- < تاریخ چیز مهمی است. تاریخ را به‌عنوان یک چیز کوچک یا حاشیه‌یی نباید خیال کرد؛ تاریخ واقعاً مهم است. تاریخ، درس و گنجینه‌ی اطلاعات ما از گذشته‌ی بشریت است؛ سرگذشت ماست.
- < رادیو و تلویزیون برای ساختن انسانِ باب اسلام و انقلاب است؛ غیر از این نیست. هیچ هدفی فراتر و بالاتر از این هدف وجود ندارد؛ اهداف دیگر در دل این هدف است.
- < صدا و سیما باید دانشگاهی همگانی باشد که در آن دین و اخلاق و ارزش‌های اسلامی و راه و روش زندگی و تازه های جهان علم و سیاست و اندیشه های نوین و راهگشا، با



زبان های رسا و باب فهم همه قشرها، آموخته شود و همه از ذهنهای ساده تا مغزهای متفکر و انسانهای برجسته، بتوانند به تناسب آمادگی خود از آن بهره ببرند و از فیض آن سیراب شوند.

صدای و سیما نه وسیله ای صرفاً برای سرگرمی یا خیر رسانی، بلکه مدرسه ای عمومی برای همه قشرها در سراسر کشور است و برنامه هایی که از آن پخش می شود چه مثبت و چه منفی، آثاری عمیق در روحیه و فکر و رفتار و فرهنگ و بینش مخاطبان خود بر جای می گذارد.

نیازهای فرهنگی نسل جوان و نوجوان که امید فردای کشور ما است عمدتاً عبارتست از: استحکام بنیانهای اعتقادی و دینی، آشنایی با مبانی معرفتی اسلام و قرآن، شناخت تاریخ کشور و افتخارات ملت خود بویژه در دورانهای نزدیک به امروز، شناخت درست امام خمینی (ره) و اندیشه های سیاسی تابناک و پایه های حرکت عظیم انقلابی او، احساس عزت و سربلندی به خاطر درسی که ایرانیان در دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس به جهان دادند و فرا گرفتن خصلتهایی که می تواند نسل کنونی را به اعتلاء و عظمت برساند. رادیو یک دستگاه ویژه است؛ یعنی واقعاً در کشور، هیچ رسانه یی - حتی تلویزیون، روزنامه، کتاب و سینما - وجود ندارد که این برد و این گسترش و این نفوذ را حتی در صندوقخانه های مردم داشته باشد. من خیلی از اوقات همراه خودم رادیو می برم؛ از هیچ چیز دیگر نمی شود این طور استفاده کرد.

موسیقی یی که انسان را غافل می کند و داخل خلسه ی شهوانی می برد، حرام است؛ چه موسیقی ایرانی باشد، چه موسیقی فرنگی باشد، چه موسیقی هندی باشد، چه موسیقی عربی باشد؛ فرقی ندارد.

موسیقی یی که انسان را از خدا غافل کند، موسیقی بدی است.

مراقب باشید که رؤوس مطالب تبلیغاتی دشمن اینست که می خواهند اعتماد مردم را به دولت از بین ببرند و دولت را یک موجود ناتوان و ناشی و ناموفق در هدفگیری و در حرکت معرفی کنند و نیز می خواهند شور انقلابی و روح دینی و دلبستگی مردم را به نظام کم کنند و بین مردم و نظام جدایی بیندازند.

اهداف دولت و سازمان صدا و سیما عبارتست از بهروزی مردم، پیشرفت مردم، ترقی مردم، تعالی فکر و اندیشه مردم، تدین مردم، ایجاد شور انقلابی در مردم و واکسینه شدن مردم در مقابل تبلیغات سوء دشمنانی که این طور از همه طرف سر این انقلاب ریخته اند



و هر کسی مشت می زند.

- < ما یکی از اهداف اصلی و اولی تهاجم رسانه ای هستیم.
- < رسانه ملی امین نظام، مورد اعتماد مردم و برخوردار از مزیت‌های رقابتی باشد.
- < رسانه می تواند در نهضت تولید علم و فکر و نظریه و اندیشه در زمینه های مختلف نقش ایفا کند.
- < ابعاد تأثیر گذاری و فرهنگ سازی هنرهای نمایشی خیلی وسیع است.
- < صدا و سیما و روزنامه‌ها نباید همواره برای جوان الگوی یک جوان اشرافی بی‌درد تن‌به‌راحت داده عیاش را مطرح کنند.
- < لازم است پیام، هنر، انتخاب زبان و موضوع متناسب و تهی بودن از هر بدآموزی، به‌عنوان چهار اصل همیشگی، مورد توجه مدیران و کارکنان و برنامه‌ریزان و مجریان صدا و سیما باشد.
- < لازم است در همه‌ی برنامه‌های صدا و سیما، با وجود تنوع موضوعات، شرط اصلی آن است که به نحوی در خدمت هدف‌های اسلام و انقلاب قرار گیرند.
- < صدا و سیما، باید استقلال فکری و عملی ملت ایران، نظام جمهوری اسلامی و اصل «نه شرقی و نه غربی» را با اراییه‌ی فرهنگ و اندیشه و هنر خودی و اصیل و غنی، ترویج و تحکیم کند و در برابر فرهنگ و هنر و اندیشه‌ی تحمیلی و بیگانه، حالت تهاجمی داشته باشد.
- < صدا و سیما باید با انتخاب بهترین شیوه‌ها و بلیغترین زبانها، غبار غربت و انزوا را از چهره‌ی مفاهیم عمیق اسلام و حقایق درخشان قرآن بسترده و ارمغانی را که ملت‌های مسلمان در سراسر جهان، از نظام جمهوری اسلامی انتظار می‌برند؛ در دسترس آنان قرار دهد.
- < لزوم تقویت و تجهیز فنی و مادی دستگاهها در صدا و سیما به‌صورت برنامه‌ریزی شده.
- < لزوم اهتمام به برنامه‌های جوانان و نوجوانان در صدا و سیما که ضمن برخورداری از استحکام بنیادین، با شیوه‌های جذاب و سالم و شادی‌بخش همراه باشد.
- < صدا و سیما در اراییه‌ی تصویر و صدا، لازم است از هر گونه اراییه‌ی که متضمن بدآموزی در اندیشه و رفتار باشد، اجتناب شود تا این ابزار مهم و همگانی، وسیله‌ی فساد و افساد نگردد.
- < ضرورت مراقبت و نظارت بر تولید برنامه‌ها در صدا و سیما؛
- < صدا و سیما را دانشگاهی برای تدریس اصول اسلام انقلابی بدانید. آنچه که در این دانشگاه



تدریس می‌شود، عبارت از پیامها، پایه‌ها، مفاهیم و درسهای اسلام ناب و اسلام انقلابی و اسلام واقعی است.

< صدا و سیما دانشگاهی باشد که در آن، عالیترین و زیباترین مفاهیم انقلاب، به شکل هنرمندانه ارایه بشود و جاذبه داشته باشد؛ نه این‌که فقط چیزی را بگویند، بدون این‌که فکر جاذبه و تأثیر آن باشند.

< لازم است در صدا و سیما فیلم خنتای بی‌اثر بی‌محتوای بدون پیام، مطلقاً پخش نکنید. برنامه‌ی بی‌فایده‌ی بی‌محتوایی که فقط یک وقت و یک فاصله‌ی زمانی را پُر می‌کند، مطلقاً پخش نکنید.

< صدا و سیما باید در مقابل تبلیغات دشمن نسبت به انقلاب، سینه سپر کند.
< هر جا رسانه‌ها روی نقطه‌ی تکیه می‌کنند، شما اگر قبلاً پادزهرش را نداده‌اید، بعداً بدهید. شما بایستی ابتکار هم بکنید، یعنی باید به‌طور همه‌جانبه، آن سخن درست و آن نکته‌ی بجا را ببینند و مطالعه کنند و در مقابل، آنچه را که دشمن می‌گوید، بیرون بیاورند و نقاط زیبای نظام را به چشم مردم بکشانند.

< باید نقاط زیبای نظام در صدا و سیما نشان داده شود.
< رادیو و تلویزیون ما باید گرایشهای اصولی نظام را با تمام قوت و قدرت و هنرش از آب در بیاورد و ارایه کند.

< لازم است صدا و سیما کوشش کند که مردم متدین بشوند. یکی از وظایفی که واقعاً باید آقایان به آن توجه کنند، متدین‌سازی است.

< ضدیت با سلطه‌های استکباری، تکریم شأن انسان، ارزش دادن به انسان، رشد دادن انسان، انسان را در کار شایسته‌ی خودش به کار گرفتن، طرفداری سیاسی از دولتی که امروز بر سر کار است، باید این در تمام برنامه‌های صدا و سیما محسوس باشد؛ از خبرنگاران گرفته، تا برنامه‌های اقتصادی و سیاسی.

< نگذارید آن روح جهادی‌یی که در دوران جنگ تحمیلی بر صدا و سیما حاکم بود، از بین برود. آن روحیه، چیز بسیار مثبتی است.

< در سالهای گذشته، سریالی تحت عنوان «روایت فتح» توسط جهاد منتشر شد که انصافاً چیز خیلی خوبی بود، اینها را نگهدارید، این نوع کارها را باید ادامه بدهید و اصلاً در سیاستها بیاورید، صدا و سیما، به عنوان وظیفه و به عنوان بخشی از سیاست، باید اینها را حفظ کنند.



انستیتام
جمهوری اسلامی ایران

- < لازم است در صدا و سیما زن راه، باحجاب نشان بدهیم، هم سرشار از ارزشهایی که اسلام و انقلاب برای او در نظر گرفته است؛ یعنی نجابت و عفت زن. در فیلم، سریال، شعر، موسیقی، در برنامه‌ی خانواده، در برنامه‌ی «سلام صبح بخیر» و در سایر برنامه‌ها، بایستی اینها ارایه بشود؛ هم در اجرا و هم در تهیه‌ی برنامه. سیاستگذاری، باید ناظر به این چیزها باشد.
- < شما مدیران و مسئولان بخش خبری صدا و سیما سلاخی در دست اسلام هستید و اسلام از شما منتفع است؛ یعنی شما سرباز همین جناح عظیم اسلامی هستید. شما باید در همه‌ی شعاع گسترش این خبر و این موج صدا، بخصوص در داخل مرزهای خودمان، جاذبه داشته باشید.
- < لازم است متن بخش خبر در صدا و سیما طوری تنظیم بشود و به گونه‌یی ارایه گردد و خواننده بشود که جاذبه داشته باشد. از چیزهایی که جاذبه را از بین می‌برد، غلطخوانی است. غلطخوانی، دو گونه است: یکی غلطخوانی متن صحیح است، یکی هم تنظیم متن غلط است.
- < خبر صدا و سیما بایستی در نهایت زیبایی و گستردگی باشد؛ یعنی همه بفهمند. یک پیرزن بی‌سواد هم که در خانه نشسته، وقتی رادیو یا تلویزیون خود را باز کرد، بفهمد شما به او چه می‌گویید. این، کار هنری است و تمرین لازم دارد. اصلاً عده‌یی بنشینند، این کار را تمرین نکنند. عده‌یی باشند که وقتی خبری تنظیم می‌شود، آن را ممیزی کنند.
- < تحلیل و تفسیر خبری صدا و سیما باید با آن زبانی تنظیم شود که فراغ و خلأ ذهنی مردم ما را پُر کند. یعنی تا کسی پیچ رادیو را باز کرد، یک خط فکری از شما دریافت کند.
- < لازم است همه‌ی کسانی که در کار سیاسی فعالیت می‌کنند، این است که همت کنید، تا مردم را دارای قدرت تحلیل بار بیاورید. اگر این کار شد، خیلی از کارها به خودی خود حل شده است.
- < لازم است در برنامه‌های صدا و سیما «هدف» در همه چیز دنبال بشود؛ در برنامه‌ی کودکان، در میزگردها و مصاحبه‌ها، در ارائه‌ی برنامه‌های فیلم و سریال و در کارهای ادبی و هنری و فرهنگی و غیره. هدف اصلی، سازندگی مردم به شکلی که اسلام و انقلاب می‌خواهند.
- < لزوم رفع نقص فیلمنامه‌ها در صدا و سیما، زیرا مضمونها پوچ است و اصلاً مناسب با آن شکوه و اوج انقلاب و واقعیت‌های بسیار عمیق و ظریف و زیبای جامعه‌ی ما نیست و آن

- پیچیدگی و عمق معارفی که در اختیار ماست، در آنها دیده نمی‌شود!
- < در مقوله‌ی ادب و هنر، یکی از کارهایی که امروز تلویزیون متعهد است، برجسته کردن چهره‌های اسلامی معاصر کارآمد است.
- < «شهریار»، یک شاعر ترک‌زبان در این حد، با آن عشق و اخلاص به جمهوری اسلامی، زنده‌کردنی و نشان‌دانی است؛ این کار را در صدا و سیما بکنید؛ البته به شکل صحیح و هوشمندانه‌اش. از این قبیل کارهای خوب، می‌شود انجام بدهید؛ مثلاً کار روی شعرای معاصر، ادبای حاضر، ادبای متوفی، در زمینه‌های کودکان و امثال اینها.
- < بخش تاریخی ما باید جزیی از اجزای ترکیب‌کننده و تشکیل‌دهنده‌ی آن هدفی باشد که ما از کل صدا و سیما در نظر داریم؛ یعنی تأثیرگذاری بر روی مخاطبان خودمان - مردمان، زنمان، ایرانیان، حتی غیر ایرانیان - و کشاندن آنها به سمت انسان مطلوب و ایده‌آل.
- < تاریخی که ما در صدا و سیما می‌گوییم، باید برای عبرت گرفتن و استفاده کردن باشد. در جهت انسان‌سازی و استفاده‌ی مخاطبان شما در جهت کمال. کمالی که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و اسلام معین کرده باشند.
- < رادیو و تلویزیون اگر مواظب زبان خودشان نباشند، دایم امواج فاسد پخش می‌کنند.
- < اینکه گفته می‌شود که «غلط مشهور» بهتر از «صحیح مهجور» است؛ واقعاً نمی‌شود این را ملاک قرار داد و گفت چون معروف شده، ما این را قبول داریم؛ باید حذفش کرد؛ و آلا زبان بکلی ضایع خواهد شد.
- < رادیو یکی از ارکان سازندگی جمهوری اسلامی است.
- < همه‌ی برنامه‌های صدا و سیما باید در جهت ارزشها و هدفهای اسلام و انقلاب باشد.
- < لازم است در صدا و سیما سیاستها، جهتگیریها و هدفها باید بر طبق معیارهای اسلامی و معیارهای انقلاب باشد؛ این را رعایت کنید.
- < مواظب باشید حرف سست از صدا و سیما خارج نشود؛ مثلاً کسی تلفن کند، حرف بی‌ربطی را بزند و شما هم همان حرف بی‌ربط را پخش کنید!
- < شما کارکنان صدا و سیما معلمید و این‌جا هم دانشگاه است؛ فکرها را به جمع‌بندی و به درک صحیح هدایت کنید؛ در حاشیه‌اش هم خلاف واقع و حرف سست گفته نشود؛ اعتراضهای بیخودی به دولت نشود.
- < لازم است در همه‌ی برنامه‌های صدا و سیما، افکار اصولی و سیاستهای نظام باید رعایت بشود.



- < لازم است هنگام تهیه ی گزارش در صدا و سیما تأدب مناسب را رعایت کرد.
- < لازم است در برنامه های صدا و سیما در حرف زدن زن و مرد با هم، در به کار بردن جملات، در ایجاد حالت خیلی خودمانی حتی نسبت به مردان، حالت متانت را حفظ کنید.
- < لازم است در صدا و سیما شعرها را که می خواهند بخوانند، قبلاً تمرین و دقت کنند و صحیح بخوانند؛ حتی با تکیه ها و آن شیوه ی آهنگین مناسب خود آن شعر بخوانند؛ این خوب است.
- < مسئولان صدا و سیما مواظب باشند رشد برنامه های تان توقف نکند. توقف، تنزل است؛ ما توقف نداریم. هر جا توقف بکنید، آن تنزل است.
- < در صدا و سیما باید روزبه روز برنامه را بهتر کنید. ما نباید قانع باشیم که الان برنامه ی ما خوب است؛ باشد؛ اما باید خوبتر بشود.
- < باید پیش رفت؛ نباید در جا زد. توقف، گناه و حرام است؛ انسان باید هر روز کار خودش را با کیفیت بهتر و کمیت بیشتری انجام دهد.
- < برنامه های گروه «ادب و هنر» در صدا و سیما، برنامه های مهمی است. جایگاه ادب و هنر باید به وسیله ی آن کسانی که مدعی ادب و هنر و بانی این کارند، حفظ و تثبیت بشود.
- < لزوم اهتمام به دو امر در برنامه های گروه ادب و هنر صدا و سیما: ۱. مایه ی فنی ادبی برنامه ها، یعنی ادب شما باید ادب فاخری باشد. ۲. جنبه های ارزشی را در ادبیات رعایت بکنید، آن جاهایی که با ارزشهای نظام برخورد می کند، آن جاها را حتماً حذف کنید.
- < گروه ادب و هنر صدا و سیما باید ارزشهای الهی و اسلامی را در کارشان رعایت کنند.
- < لازم است در صدا و سیما هم در نقدهایتان، هم در برنامه سازیهایتان، هم در گزینش متنهايتان، آن جنبه های ارزشی اسلامی را رعایت کنید.
- < رادیو باید عالیترین و بهترین سطح معارف اسلامی را ارائه بدهد.
- < لازم است دستگاه تبلیغاتی صدا و سیما، سیاستی نوین و متناسب با پیشرفتهای همه جانبه ی کشور در پیش گیرد و فضای فرهنگی جامعه را از یکسو همگام با سیر شتابنده ی سازندگی و رشد و توسعه ی عمومی و از سوی دیگر همخوان با اصول انقلاب و مبانی اساسی اسلام تجهیز کند و نیز به اقتضای مقابله با تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی استکبار و ایادیش، میدان پیکار رسانه ها را هم در جبهه ی تبیین و تعمیق و تکریم اصول شورانگیز انقلاب اسلامی و هم در جبهه ی توزیع تلاش فداکارانه ی مسئولان کشور و قوای سه گانه بخصوص قوه ی مجریه ی سختکوش و خستگی شناس، با روشهای نوین و پیشرفته

و خردمندان، با جهادی بزرگ و هوشیارانه بیاراید.

< در تولید برنامه های هنری در صدا و سیما، از همکاری نهادهای فرهنگی کشور مانند وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات و حوزه ی هنری و غیر آنها بیشترین بهره ی شایسته گرفته شود.

< زبان صدا و سیما باید فارسی درست و براستی زبان معیار باشد.

< برنامه های هنری صدا و سیما از جذابیت و شیرینی برخوردار گردد و فاخرترین هنرهای نمایشی با مضامین پر بار اجتماعی و اخلاقی و سیاسی در این رسانه ی همگانی ارائه شود.

< صدا و سیما، جهت کلی مقابله با تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی و خبری استکبار باشد، این اصل مهم نه تنها در خبر، که در گزارشها، برنامه های علمی و اجتماعی و سیاسی، و بخصوص در برنامه های هنری و سرگرم کننده مانند نمایش و داستانهای یکه یا دنباله دار، باید رعایت شود.

< فرهنگ مهاجم بیگانه، از راه نمایش ها و برنامه های سرگرم کننده بیش از گفتگوی رویارویی بر ذهن و عمل مردم اثر می گذارد، و از این اثرگذاری ناخواسته، هوشیارانه و خردمندانانه جلوگیری شود.

< با توجه به اینکه امروز بخش اصلی توطئه سیاسی- فرهنگی دشمنان اسلام و ایران را دروغسازی رسانه های بیگانه و تحریف واقعیات کشور، تشکیل می دهد باید برای خبر در صدا و سیما اهتمام جدی بشود و راستی و درستی و سرعت عمل و شیوایی در آن رعایت شود، و از هرگونه حالت انفعالی در خبر رسانی جدا پرهیز شود.

< راه پیروزی در جنگ بزرگ و تهاجم رسانه ای دشمن، این است که مجموعه و فهرستی از پیامهای درست و از نکات و حقایق واقعی را که مبتنی بر آرمانها و آرزوهای ماست، به ذهن مردم منتقل کنیم.

< یک پیام از پیامهای مظلوم و فراموش شده ای که بار دیگر بایستی به آن اهتمام ورزید و آن را به ذهنهای مردم منتقل کرد، عظمت و شکوه و اهمیت انقلاب اسلامی ماست.

< یکی از پیامهایی که امروز باید روی آن کار کرد، پیام ایثار و انفاق و ریاضت و زهد است.

< امروز دشمنان تلاش می کنند که ارزش را به سود تبدیل کنند و یکی از پیامهایی که به نظر من بایستی روی آن تکیه کرد، این است که ارزش را در ذهنهای مردم باید زنده کرد.

< یکی از چیزهایی که انسان از رسانه توقع دارد این است که از حوادث گذشته برای



- توضیح تهدیدهای آینده و حوادث در شرف تکوین استفاده کند و مردم را نسبت به آنها حساس نماید.
- < مسأله حفظ هویت دینی و ملی و انقلابی یکی از ارزشهایی است که حتماً بایستی به مردم منتقل شود.
 - < لزوم دشمن ستیزی، مشخص کردن دشمن اصلی و متمرکز شدن روی دشمنان اصلی.
 - < یکی از پیامهایی که باید به مردم منتقل شود، نفی دشمن سازیهای موهوم، توسعه ی تفاهم اجتماعی و ایجاد امنیت روانی در جامعه است.
 - < دشمنان می خواهند وحدت ملی و اتکا به نفس جوانان را از بین ببرند و افق مقابل چشم نسل جوان ما را تیره و مبهم و وهم آلود جلوه بدهند و مدیران ارشد سیاسی کشور را از اقدام شجاعانه در مسائل گوناگون منصرف کنند و آنها را بترسانند که از مهمترین ابزارهای استکبار، ترساندن است.
 - < برنامه ریزی در صدا و سیما باید با جهتگیری به سمت وحدت ملی، ایجاد امید، نشان دادن افقهای روشنی که در پیش روی ملت ماست، شجاعت دادن به مجموعه ی مبتکر و محقق و فنان کشور، شجاعت دادن به اداره کنندگان و مسئولان و تصمیم گیران کشور در زمینه های مختلف، ترغیب مردم به حضور در صحنه باشد.
 - < اگر از ابزار هنر در کارهای علمی و القائات فکری و علمی که از صدا و سیما پخش می شود، استفاده شود، ماندگاری و جاذبه ی آن کارها مضاعف خواهد شد.
 - < رسانه ما باید ناظر باشد به خنثی کردن کار دشمن در داخل و ضربه زدن به دشمن در فضای عمومی.
 - < مأموریت محوری برای رسانه ی ملی عبارتست از مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، روحیه، اخلاق رفتاری جامعه، جهتهای به فکر و فرهنگ عمومی، آسیب زدایی از فکر و فرهنگ و اخلاق جامعه، تشویق به پیشرفت و زدودن احساس عقب ماندگی.
 - < دین، اخلاق، امید و آگاهی، بارزترین نمود رسانه ملی باشد.
 - < صدا و سیما عمده ترین مرکز هدایت فکری ملت است که باید معارف درست الهی و انسانی و سیاسی و درسهای گوناگون زندگی از این مرکز به سمت مردم سرازیر شود.
 - < در بخشهای تبلیغات و صدا و سیما، نخبه های سیاسی و نخبه های اجتماعی باید مطرح بشوند.
 - < دشمنان می خواهند فرهنگ ملت را از گرایش به ایمان، ارزشها و گرایش به اصول اسلامی



و استقلال هویت ملی برگردانند که جهتگیری اساسی صدا و سیما باید درست نقطه ی
مقابل این جهت گیری بی باشد که آنها دارند.

۱۲- سایر رسانه ها

- < همه ی دستگاههای مهم و اثرگذار دنیا دست سرمایه دارهای مهم و عمدتاً صهیونیستهاست که خبرگزاریها را اداره می کنند، خبر تولید می کنند و به همه دنیا می فرستند و تلویزیونها را همان طور که خودشان می خواهند، اداره می کنند.
- < اگر یک دستگاه استعماری در دنیا رسانه ای را اداره کند، بی گمان تمام آنچه که از این رسانه صادر می شود، در خدمت آن هدف استعماری است.
- < صهیونیستها امروز تقریباً بیشترین رسانه ها و عمده ترین خبرگزاریهای دنیا در دستشان است و شبکه های تلویزیونی بزرگی را در آمریکا و اروپا اداره می کنند، اینها اهداف مورد نظر خودشان را طراحی و طبقه بندی می کنند و برنامه هایی که زیر نظر آنهاست، دقیقاً طبق آن اهداف شکل می گیرد.
- < امروز نفوذ و اقتدار سیاسی در دنیا، روی سه پایه استوار است: اول، ثروت و امکانات پولی و مالی؛ دوم، تواناییهای علمی و تکنولوژیکی؛ سومیش، قطعاً تواناییهای خبری و سلطه ی خبری است.
- < صفحات مطبوعات مسئولیت شناس، همواره عرصه ی رویارویی هوشمندانه ی قلمهای متعهد و درد آشنا با تهاجمات ضد فرهنگی استکبار و عناصر مسخ شده و بی هویت بوده است.
- < بی تفاوتی و مسامحه در برابر تهاجم فرهنگی دشمن که گاه با قلم عناصر مطرود و خودباخته ی داخلی صورت می گیرد، زیانهای جبران ناپذیری در بر خواهد داشت.
- < سرمایه ی اصلی هر رسانه، اعتماد عمومی است که از طریق اعتنا به ارزشها و اعتقادات اکثریت جامعه و حفظ کرامت و شرافت نظام و صداقت در بیان به دست می آید.
- < روزنامه ای که هدفش اطلاع رسانی سالم، تحلیل سالم، تحلیل خوب، ارائه مطالب قوی و پرداختن به دغدغه های عمومی یا اکثر مردم، همراه با روشهای هنری باشد، روزنامه خوبی خواهد بود.
- < امروز دنیا، دنیای رسانه ها و تبلیغ و تبیین است و در این راه یکی از سیاستهای



- صهیونیستها این است که رسانه‌های تبلیغی دنیا را قبضه کنند.
- < مهمترین کار صهیونیستها در دنیای تبلیغات، مظلوم‌نمایی است.
 - < امروز دنیا بر مدار جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای و در واقع بر مدار جنگ جبهه‌های خبری و دستگاه‌های تولیدکننده‌ی پیام می‌گردد.
 - < امروز رسانه‌ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسانها را القاء می‌کنند و تعیین‌کننده هستند.
 - < اگر رسانه‌ها برنامه‌سازی و مدیریتشان بر اساس منافع کمپانیهای اقتصادی، ثروتمندان بین‌المللی، قدرتمندان تمامیت‌خواه و انحصارطلب باشد، یقیناً بشر زیان خواهد کرد.
 - < امروز امپراطوری خبری و رسانه‌ای دنیا، در انحصار کسانی است که آنها برای دنیا فضیلت اخلاقی، دین، ایمان، معنویت و صلح را نمی‌خواهند.
 - < اگر در مدیریت و برنامه‌سازی رسانه‌ای، دین، اخلاق و فضیلت حاکم باشد، یقیناً رسانه‌ها وضع بهتری خواهند داشت و وضع بشریت از آنچه که امروز هست، بهتر خواهد شد.
 - < لزوم توجه به ضد تبلیغهایی که از ناحیه‌ی غیر ماست و علاج آنها.
 - < مؤسسه کیهان یک مجموعه‌ی کامل فرهنگی است که می‌باید از ظرفیتهای وسیع آن بخوبی استفاده شود. برنامه ریزی جهت توسعه و رشد همه جانبه‌ی آن مؤسسه در ابعاد مختلف، با توجه به مخاطبین متنوعی که دارد، باید مورد نظر جدی قرار گیرد.
 - < مهمترین وظیفه‌ی مطبوعات در نظام اسلامی، نقش فرهنگی آنان در معرفی و دفاع از ارزشها و آرمانهای مورد قبول امت انقلابی و بالا بردن سطح آگاهی و معرفت آنان است.
 - < معارضة‌ی شایسته با تهاجم فرهنگی غرب در ابعاد مختلف، باید در صدر برنامه‌های رسانه‌های عمومی قرار گیرد، چرا که استکبار غرب برای گسترش سیطره‌ی سیاسی و الحادی خود بر ملتهای انقلابی، عمدتاً از محورها و شیوه‌های فرهنگی بهره می‌گیرد.
 - < ضروری است دستگاهها و نهادهای فرهنگی در جهت بسط و معرفی فرهنگ سرشار اسلامی و ارتقای سطح افکار عمومی جامعه‌ی انقلابی، با مؤسسه‌ی کیهان همکاری نمایند، تا آن مؤسسه بتواند با تربیت نیروی انسانی مسلمان و توانا و کارآمد، در انجام رسالت خود موفق باشد.
 - < نویسندگان، مطالب خود را با روشن بینی و بلند نظری و عمق و شجاعت کامل بنویسند.
 - < در مورد مطبوعات، نه تنگ نظری باشد و نه رها کردن مطلق.
 - < کسانی که در مجموعه‌ی فرهنگی کشورند، جبهه‌ی خودشان را اشتباه نکنند؛ و چنانچه



فکر غلط، یا جریان فکری غلطی در جامعه حضور پیدا کرد، لزومی ندارد آن فکر غلط، یا جریان غلط را قلع و قمع کنند، بلکه کافی است در مقابلش صف آراییی فکری و منطقی کنند.

< بعضی از مطبوعات که الان رایجند، از لحاظ موازین ما، شاید حائز مشروعیت نباشند و جا دارد که دستگاههای قانونی واقعاً به یک شکل صحیح و منطقی و قانونی با آنها برخورد کنند و مردم را از دست اینها خلاص نمایند.

< سه وظیفه عمده مطبوعات: نقد و نظارت، اطلاع رسانی صادقانه و شفاف و طرح و تبادل افکار در جامعه است.

< کسی که قلم به دست می‌گیرد، باید تقوا، صداقت، عفاف و انصاف نسبت به دیگران جزو طبیعت ثانوی‌اش بشود.

< سیاستهای کلی شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای: ۱- ایجاد، ساماندهی و تقویت نظام ملی اطلاع رسانی رایانه‌ای و اعمال و تدابیر و نظارتهای لازم به منظور صیانت از امنیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جلوگیری از جنبه‌ها و پیامدهای منفی شبکه‌های اطلاع رسانی.

< توسعه‌ی کمی و کیفی شبکه‌ای اطلاع رسانی ملی و تامین سطوح و انواع مختلف خدمات و امکانات این شبکه برای کلیه‌ی متقاضیان به تناسب نیاز آنان و با رعایت اولویتها و مصالح ملی.

< ایجاد دسترسی به شبکه‌های اطلاع رسانی جهانی صرفاً از طریق نهادها و موسسات مجاز.
< حضور فعال و اثر گذار در شبکه‌های جهانی و حمایت از بخشهای دولتی و غیر دولتی در زمینه تولید و عرضه‌ی اطلاعات و خدمات ضروری و مفید با تاکید بر ترویج فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.

< ایجاد و تقویت نظام حقوقی و قضایی متناسب با توسعه‌ی شبکه‌های اطلاع رسانی بویژه در جهت مقابله‌ی کارآمد با جرائم سازمان یافته‌ی الکترونیکی.

< توسعه‌ی فن آوری اطلاعات (بویژه حفاظت از اطلاعات) و آینده‌نگری در خصوص آثار تحولات فن آوری اطلاعات در سطح ملی و جهانی و گسترش مطالعات و تحقیقات و تربیت نیروی انسانی متخصص در این زمینه.

< اقدام مناسب برای دستیابی به میثاقها و مقررات بین‌المللی و ایجاد اتحادیه‌های اطلاع رسانی با سایر کشورها بویژه کشورهای اسلامی به منظور ایجاد توازن در عرصه اطلاع



- رسانی بین‌المللی و حفظ و صیانت از هویت و فرهنگ ملی و مقابله با سلطه‌ی جهانی.
- < لازم است برای استراتژی تبلیغی علیه صهیونیست‌های غاصب، یک طراحی بنیادین صورت گیرد.
 - < مطبوعات سعی نکنند فضای جامعه را تیره و تار نشان دهند.
 - < رسانه‌ها می‌توانند به صورت اخلاقی و استدلالی، مفاهیم ملت‌ها را میان یکدیگر تبادل کنند و دادوستد معنوی و اخلاقی و فرهنگی کنند؛ و می‌توانند سطح آگاهی و معرفت مردم را ارتقاء دهند.
 - < لزوم جهت‌دهی رسانه‌ها بخصوص صدا و سیما به سمت سالم‌سازی فضای عمومی و رشد آگاهیها و فضائل اخلاقی و اطلاع‌رسانی صحیح و تحقق سیاست‌های کلی برنامه توسعه.
 - < لزوم استفاده بهینه از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام.
 - < لزوم ایجاد سامانه یکپارچه نرم‌افزاری اطلاعاتی، ارتقاء سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای، توسعه علوم و فناوری‌های مرتبط با حفظ امنیت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی به منظور صیانت از فضای تبادل اطلاعات، تقویت فنی برای مقابله با تخلفات در فضاهای رایانه‌ای و صیانت از حریم فردی و عمومی.

نقشه راهبردی جنگ نرم

بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای



اندیشکده راهبردی امنیت نرم
www.amniatenarm.ir

